

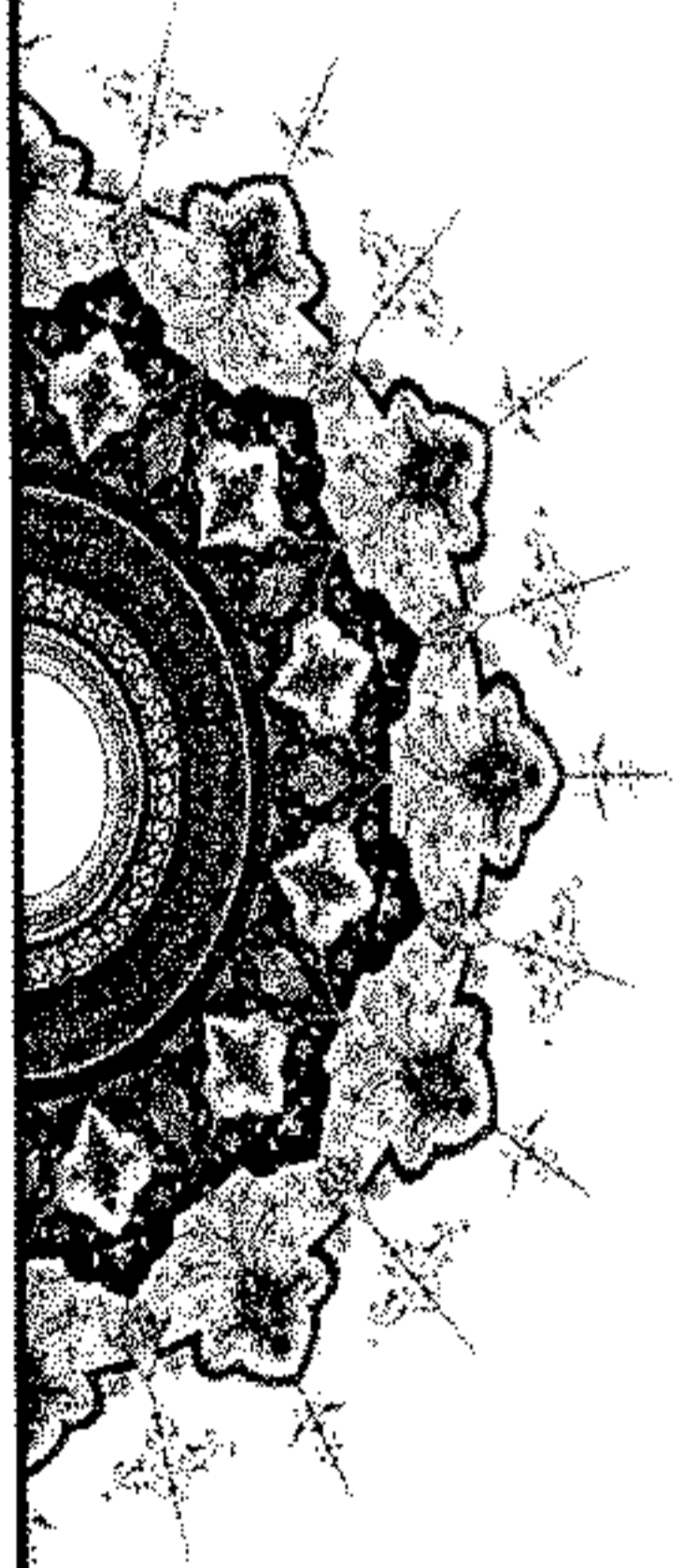
عبدالغفار صاحب
نقش کا نامزاد
در زندگی من



نویسنده: شیخ محمد علی محقق

الله
الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين
الذي هدانا لهذا
والذي كنا لنهتدي لولا
هدايتنا سبحان الله
الذي هدانا لهذا
والذي كنا لنهتدي لولا
هدايتنا سبحان الله



تو که زین فرزند
نقش بر ما مزیار
در زندگین

بجز
لا اله الا الله
محمد رسول الله

شیخ محمد علی محمدی فرید

سرشناسه: محقق فرید، ممد مهدی، ۱۳۵۶
 عنوان و پدید آوران: نقش امام زمان (عجل الله فرجه) در زندگی من / ممد مهدی محقق فرید.
 مشخصات نشر: مشهد: استوار، ۱۳۸۸. مشخصات ظاهری: ۲۴۸ ص.
 شابک: ۷ - ۲۲ - ۵۴۹۱ - ۶۰۰ - ۹۷۸
 یادداشت: فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.
 یادداشت: کتابنامه: ص ۲۳۳ - ۲۴۲؛ همپنین به صورت زیرنویس.
 موضوع: امامت شیعه، مهدویت، محبت بن مسن (علیهما السلام)، امام دوازدهم، ۲۵۵ ق.
 رده بندی کنگره: ۵۱ BP / نشانه اثر: ۷ ن ۳ م / رده دیویی: ۲۹۷/۹۵۹



انتشارات استوار

نقش امام زمان علیه السلام در زندگی من

نویسنده: شیخ ممد مهدی محقق فرید ۰۹۳۵۳۱۴۳۵۴۷۶

ناشر: انتشارات استوار ۰۹۱۵۳۱۳۲۷۶۵

شمارگان: ۵۰۰۰ نسخه

نوبت چاپ: اول ۱۳۸۸

لیتوگرافی: مشهد استنر

چاپخانه: دقت

طراح: جواد احمدی

صفحه آرا: مهدی کریمی

قطع: وزیری

شابک: ۷ - ۲۲ - ۵۴۹۱ - ۶۰۰ - ۹۷۸

قیمت: ۲۶۰۰ تومان

مراکز پخش: مشهد - چهارراه شهداء - گنجینه کتاب - نشر و پخش

استوار: ۳ - ۲۲۳۲۵۶۲

مشهد - امام رضای ۵ - کوچه شهید عسکری - پلاک ۵۹ - ۸۵۱۱۷۱۵ -

مشهد: پخش هاتف ۲۲۲۰۳۴۸ - ۲۲۵۵۲۰۰

تهران: پخش هاتف ۶۶۴۱۵۴۲۰

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فهرست کتاب

۷ مقدمه‌ی مؤلف
۱۱ مقدمه:
۱۵ شناخت اجمالی
۱۸ غیبت
۲۳ ظهور
۲۶ قیام
۳۰ نقش امام زمان <small>علیه السلام</small> در عالم
	نقش امام زمان علیه السلام در زندگی من
	بخش اول: گذشته‌ی من
۳۹ مقدمه:
۴۰ هدف از خلقت من
۴۳ فصل اول: خلقت روح من
۴۵ فصل دوم: امتحانات من در عوالم گذشته
۴۹ فصل سوم: ولادت من
۵۳ فصل چهارم: دوران کودکی من

بخش دهم: قال من

۵۷	فصل اول: رزق و روزی من
۶۳	فصل دوم: مقدرات من
۶۹	فصل سوم: اعمال من
۷۳	فصل چهارم: معاصی و گناهان من
۷۷	فصل پنجم: دعاها، حوائج و نیازهای من
۹۱	فصل ششم: ابلیس و هوای نفس من
۹۷	فصل هفتم: حادثه‌ها، گرفتاری‌ها، بلاها و بیماری‌های من
۹۹	فصل هشتم: هدایت من
۱۱۵	فصل نهم: آرامش و طمأنینه‌ی من
۱۱۹	فصل دهم: دین من
۱۳۷	فصل یازدهم: قرآن من
۱۴۳	فصل دوازدهم: علم و دانش من

بخش سوم: آینده‌ی من:

۱۵۱	فصل اول: قبر، برزخ و قیامت
-----	----------------------------

کفتار آخر:

۱۶۷	فصل اول: انتظار
۱۷۱	فصل دوم: لحظه شماری تا ظهور
۱۷۷	متن‌های عربی
۲۳۲	فهرست آیات
۲۳۳	فهرست منابع

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مقدمه مؤلف:

بعد از حمد و ثنای الهی و درود و رحمت بر رسول خدا و اهل بیت گرامیش بخصوص امام زمان حضرت مهدی روحی له الفداء می گویم: بسیار دوست می داشتم کتابی در جهت کمک به برقراری ارتباط بیشتر بین دوستداران حضرت ولی عصر علیه السلام با ایشان داشته باشم که این توفیق نصیبم گشته و با استعانت از خدای متعال و اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام به این مهم پرداختم و در این راستا تمام سعی و تلاش خود را به کار گرفتم تا آنچه را به رشته ی تحریر در می آورم همگی برگرفته از روایات و احادیث معتبر بوده و از پیش خود چیزی ننویسم، فلذا زمان زیادی را به این موضوع اختصاص دادم و ترجمه ی روایات را در پاورقی و متن عربی آن را در انتهای کتاب آوردم که جای هیچ شک و شبه ای برای جاهلان عالم نما در مُستند بودن آنچه می گویم نماند.

و قابل ذکر است که مسلماً صفاتی که در پاورقی ها برای یک امام خاص یا همه ی ائمه علیهم السلام ذکر شده است امام زمان علیه السلام نیز در آن مشترک می باشند؛ چرا که همه ی ایشان نور واحد هستند و در صفات و فضائل با هم یکسانند. در اینجا از استاد گرانقدر جناب آقای افغانی حفظه الله تعالی که مشوق اصلی من در تألیف این رساله بوده اند صمیمانه تشکر و قدردانی می نمایم و از خداوند می خواهم که من و ایشان و شما خواننده ی منتظر و خدمتگزار به صاحبان امام زمان علیهم السلام را جزء اصحاب خاص ایشان قرار دهد.

شیخ محمد مهدی محقق فرید



نقش امام زمان علیه السلام در زندگی من

مقدمه:

شناخت اجمالی: غیبت، ظهور و قیام

نقش امام زمان علیه السلام در عالم

هدف از خلقت من



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مقدمه:

از آنجا که دشمنان اهل بیت و عترت پاک پیامبر عظیم الشان اسلام، حضرت محمد ﷺ که بنای مخالفت با آل محمد ﷺ را در محلی به نام سقیفه^۱ بنیان نهاده و خلافت را از اهلش غصب نمودند، تلاش داشته و دارند که فهم خود را از امام و امامت، به پیروان ایشان - که حاضر به دست برداشتن از امام خود نشدند - تعلیم نمایند و امامی را به آنان معرفی کنند، که تنها راه دسترسی به او حضور و ملاقات جسمی و اصطلاحاً فیزیکی است. و چنین القا نمایند که ارتباط با امام عصر ﷺ در زمان غیبت، جز برای

(۱) سقیفه‌ی بنی ساعده جایگاهی بوده است به صورت سایه‌بان در مدینه‌ی منوره که ابوبکر و عمر و سعد بن عباده و عبیده بن جراح و عده‌ای دیگر از دشمنان و منافقین بعد از رحلت رسول گرامی اسلام ﷺ در آنجا گرد هم آمدند تا نقشه‌هایی را که برای غصب خلافت ریخته بودند، اجرا نمایند. و این در حالی بود که امیر المؤمنین علی ﷺ بارها و بارها خصوصاً در غدیر خم به طور رسمی به عنوان خلیفه و جانشین پیامبر ﷺ معرفی شده بودند و در آن زمان مشغول خاک سپاری و دفن آن وجود مقدس بودند، و آنها پس از مدتی بحث و جدل ابوبکر را به عنوان خلیفه برگزیده، و با او بیعت نمودند. (کتاب سلیم: ص: ۱۴۰، احتجاج: ج: ۱ ص: ۹۱، مراد الاطلاع: ج: ۲ ص: ۷۲۱)

و قابل ذکر است: اولین کسیکه پس از انتخاب ابوبکر، در مسجد با او بیعت نمود ابلیس لعین بود که به صورت پیرمرد عابدی در حالیکه گریه می‌کرد رو به ابوبکر نموده و گفت: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يُمِتْنِي مِنَ الدُّنْيَا حَتَّى رَأَيْتَكَ فِي هَذَا الْمَكَانِ» یعنی خدا را شکر قبل از اینکه مرگم فرا برسد تو را در این مکان دیدم، سپس دست به دست او داده و با او بیعت نمود!!! (کافی: ج: ۸ ص: ۳۴۳ ح: ۵۴۱)



عده‌ای که موفق به دیدن آن حضرت شده‌اند، میسر نیست، و در نهایت ارتباط با آن حضرت را خلاصه کنند در رؤیت جسم آن حضرت، که نتیجه‌ی آن قطع ارتباطِ دوستان و شیعیان، با آن حضرت است که موجب گردیده است تا عده‌ای دنیا طلب نیز از این فرصت استفاده نموده و خود را به عنوان واسطه، بین مردم و آن حضرت معرفی نمایند و - اصطلاحاً - از آب گل آلود ماهی بگیرند.

فلذا بر آن شدیم - تا به عنایت و مدد خود آن حضرت - در این مجموعه، به شما که - در دوره‌ی غیبت امام عصر ع زندگی می‌کنید، و تحت تأثیر تبلیغات هزار و چند صد ساله‌ی دشمنان قسم خورده‌ی اهل بیت ع و مدعیان علم و دانش و کسانی که به سوی خود دعوت کرده و می‌نمایند^۲ - از امام خویش غافل شده و راهی برای ارتباط با آن وجود مقدس نمی‌بینید، امام زنده‌ای را معرفی کنیم که برای ارتباط با او، به هیچ واسطه‌ای نیاز نبوده و نیست،^۳ و همیشه در دسترس و همراه شماست.

(۲) حدیث: امیر المؤمنین ع فرمودند: از هر علم و دانشی مغز و روح آن را بگیرید، و پوسته و ظرفش را رها کنید؛ چرا که عُمر کوتاه بوده و علم و دانش جهت یادگیری فراوان می‌باشد. (نزهة الناظر و تنبيه الخاطر: ص: ۹)

حدیث: ۲: امام صادق ع فرمودند: علم و دانش را از معدن آن بجوئید و از کسانی که در حاشیه هستند پرهیز نمائید؛ چرا که آنان شما را از خدا باز می‌دارند. (أصول ستة عشر: ص: ۱۲۴ ج: ۱۱)

حدیث: ۳: پیامبر ص فرمودند: همانا ریاست جز برای اهلش صلاحیت ندارد، پس هر کس مردم را به سوی خود بخواند در حالیکه در میان مردم از او عالم‌تر و با صلاحیت‌تر باشد خداوند در روز قیامت به او نظر رحمت نمی‌کند. (اختصاص: ص: ۲۵۱)

(۳) حدیث: بُرید عَجَلی می‌گوید: از امام باقر ع سؤال نمودم در مورد گفتار خدای تعالی: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! تقوای الهی پیشه کنید و ملازم و همراه صادقین



آری امامی که مصدر و مخرج همه فیوضات!^۴
سرچشمه و منبع همه ارزشها و نعمتها!^۵

باشید؟ ایشان در جواب فرمودند: مراد از «صادقین» در این آیه، ما اهل بیت هستیم (دقت کنید! به همراهی و ملازمت با ائمه اطهار علیهم السلام امر شده است نه غیر ایشان). (بصائر الدرجات: ص: ۵۱ ح: ۱)

حدیث ۲: در زیارت جامعه کبیره آمده است: کسیکه با شما اهل بیت همراه باشد به شما پیوسته است، و هرکس از شما جدا شود گمراه می‌گردد و هرکس نیز به شما متمسک شود به رستگاری می‌رسد. (من لا یحضره الفقیه: ج: ۲ ص: ۶۱۲)

حدیث ۳: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: راه نجات، فقط در همراهی و ملازمت با ما است. (مشارق انوار الیقین: ص: ۵۷)

(۴) حدیث ۱: امام صادق علیه السلام فرمودند: زمانی که خداوند اراده‌ی تحقق و اجرای امری را داشته باشد ابتدا آن را بر پیامبر صلی الله علیه و آله سپس به امیر المؤمنین و سائر ائمه علیهم السلام، یکی پس از دیگری تا امام زمان علیه السلام عرضه می‌نماید، و پس از آن (توسط ملائکه‌ی الهی) به اهل دنیا عطا می‌شود، و نیز زمانی که ملائکه قصد بالا بردن عملی را به سوی پروردگار داشته باشند آن را به امام زمان علیه السلام عرضه داشته و آن حضرت نیز آن را به امام قبل از خود - همینطور تا رسول خدا صلی الله علیه و آله - عرضه می‌دارند، و آن حضرت نیز واسطه‌ی مستقیم به پروردگار است، پس آنچه که از جانب خدای متعال به سوی خلق پائین می‌آید و از سوی خلق به سمت او بالا می‌رود به دستان اهل بیت جاری شده و ایشان واسطه در آنند. (غیبت طوسی: ص: ۳۸۷ ح: ۳۵۱)

حدیث ۲: در دعای ندبه آمده است: کجاست! آن سبب و وسیله‌ی متصل کننده‌ی بین آسمان و زمین. (مزار مشهدی: ص: ۵۷۹)

(۵) حدیث ۱: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: ما چشمه‌های نعمت پروردگار هستیم. (مشارق انوار الیقین: ص: ۵۸)

حدیث ۲: امام صادق علیه السلام فرمودند: هرآنچه که به سوی اهل آسمانها و زمین خارج می‌شود از دریای رحمت ما اهل بیت سرچشمه گرفته و به واسطه‌ی ما به ایشان عطا می‌گردد. (مشارق انوار الیقین: ص: ۶۷)



خزینه دار همه‌ی علوم و معارف!^۶
 وارث همه‌ی پیامبران و اوصیای ایشان!^۷
 علت خلق همه‌ی مخلوقات!^۸
 ریشه و معدن همه‌ی خوبیها و خیرات!^۹
 و آشیانه‌ی اراده‌ی حق تعالی است.^{۱۰}

(۶) حدیث: در زیارت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در سرداب مقدسه می‌خوانیم: به درستی که شما گنجینه‌ی هر علم و دانشی هستید. (مزار شهدی: ص: ۵۸۷)

(۷) حدیث: در زیارت جامعه‌ی کبیره می‌خوانیم: سلام بر وارثان پیامبران ... ، میراث نبوت در نزد شما است، و آنچه که بر پیامبران الهی نازل شده نیز پیش شما است. (من لا یحضره الفقیه: ج: ۲ ص: ۶۱۰)

(۸) حدیث: امام صادق عجل الله تعالی فرجه الشریف فرمودند: ما اهل بیت، علت به وجود آمدن همه‌ی مخلوقات هستیم. (بحار الانوار: ج: ۲۶ ص: ۲۵۹ ح: ۳۶)

حدیث: امام باقر عجل الله تعالی فرجه الشریف فرمودند: خداوند متعال فرموده است: به خاطر شما اهل بیت آغاز نمودم خلقت آنچه را که خلق نمودم. (بحار الانوار: ج: ۲۵ ص: ۱۹ ح: ۳۱)

حدیث: امام صادق عجل الله تعالی فرجه الشریف فرمودند: خداوند متعال فرموده است: من دنیا و آخرت را به خاطر ائمه‌ی معصومین خلق نمودم. (مشارق انوار الیقین: ص: ۲۳۶)

(۹) حدیث: در زیارت جامعه‌ی کبیره آمده است: اگر از خیر، اسمی به میان آید شما اهل بیت، اول آن، و ریشه‌ی آن، و شاخه‌ی آن، و معدن آن، و جایگاه آن، و آخر آن می‌باشید. (من لا یحضره الفقیه: ج: ۲ ص: ۶۱۶)

حدیث: امام حسن مجتبی عجل الله تعالی فرجه الشریف فرمودند: ما اهل بیت رحمت و معدن کرامت و جایگاه خیرات و خوبی‌ها هستیم. (احتجاج: ج: ۱ ص: ۴۱۶)

(۱۰) حدیث: امام صادق عجل الله تعالی فرجه الشریف فرمودند: به درستی که امام آشیانه‌ی اراده‌ی خداوند است. (محتضر: ص: ۲۲۷ ح: ۲۹۶)



و تا شناختی از جمال نسبت به ایمن غریب همیشه آشنا!

«و ای کاش هرگز به این لقب خوانده نمی شد!»^{۱۱}

ایشان دوازدهمین وصی پیامبر بزرگوار اسلام^{۱۲} و خلیفه‌ی خدا بر تمامی مخلوقات است،^{۱۳} که در سن پنج سالگی - پس از شهادت پدر بزرگوارش امام حسن عسکری علیه السلام^{۱۴} - امام ناطق گردید، بعد از اینکه امامی صامت بود.

(۱۱) حدیث: داود بن کثیر رقی می گوید: از امام موسی بن جعفر علیه السلام درباره‌ی صاحب این امر (یعنی امام زمان علیه السلام) پرسیدم؟ حضرت فرمودند: او رانده شده از میان مردم! بی کس! تنها! غریب! و غایب از خاندان خود! و خونخواه پدرش می باشد. (کمال الدین: ص: ۳۶۱ ح: ۴)

(۱۲) حدیث: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: امامان بعد از من دوازده نفر هستند که اولین ایشان علی بن ابی طالب و آخرین ایشان حضرت قائم علیه السلام می باشد. (من لا یحضره الفقیه: ج: ۴ ص: ۱۷۹ ح: ۵۴۰۶)

(۱۳) حدیث: در زیارت امام عصر علیه السلام می خوانیم: سلام بر تو ای حجّت خدا بر زمینیان و آسمانیان، شهادت می دهم که به حقیقت تو حجّت خدا بر گذشتگان و آیندگان هستی. (مزار مشهدی: ص: ۵۸۷)

حدیث: در زیارت جامعه‌ی کبیره می خوانیم: سلام بر حجّت های خدا بر اهل دنیا و آخرت، شهادت می دهم که شما حقیقتاً حجّت های خداوند بر مخلوقاتش می باشید. (من لا یحضره الفقیه: ج: ۲ ص: ۶۰۹)

(۱۴) زمان ولادت امام زمان علیه السلام در نیمه‌ی شعبان سال دویست و پنجاه و پنج هجری قمری می باشد و مادر ایشان کنیزی به نام نرجس بوده‌اند، و عمر آن حضرت در زمان شهادت پدر بزرگوارش پنج سال بوده است. (ارشاد: ج ۲ ص: ۳۳۹)

حدیث: ابو حمزه‌ی ثمالی می گوید: به امام باقر علیه السلام گفتم: حضرت مهدی در چه سنی بالغ شده و به امامت می رسند، حضرت فرمودند: همانا خدای متعال عیسی بن مریم را در حالیکه دو سال بیشتر نداشت به نبوت و رسالت مبعوث کرده و کتاب و



بله درست خواندید! امام ناطق!

چرا که ایشان - بر خلاف تصور بعضی‌ها که گمان می‌کنند آن حضرت تا قبل از رسیدن به امامت رسمی، فردی است مثل دیگران و تفاوتی با بقیه‌ی مردم ندارد - همه‌ی خصوصیات یک امام را به عنوان خلیفه‌ی تامّ الاختیار بر خلائق، مانند علم غیب، عصمت مطلقه، ولایت مطلقه، قدرت، شجاعت و سایر صفات، داراست؛ و تنها چیزی را که بالفعل ندارد، عبارتست از: اذن در اجرا و شروع خلافت و حاکمیت بر مردم.^{۱۵}

و این درست مانند آن است که بعضی گمان می‌کنند پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله در سنّ چهل سالگی پیامبر شدند و به پیامبری رسیدند، در حالیکه هرگز چنین نبوده! و کسانی که اینگونه در مورد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله سخن می‌گویند و مطلب می‌نویسند، اطلاع درستی در این رابطه ندارند و واقع و حقیقت امر چیز دیگری است؛ چرا که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله قبل از آفرینش این جهان خلق شده و خود شاهد آفرینش هستی بوده‌اند و فرموده‌اند: «أَوَّلُ مَا خَلَقَ اللَّهُ نُورِي»

شریعت به او عطا فرمود، پس کم بودن سنّ امام ضرری برای وی نداشته و نقصی محسوب نمی‌شود. (هدایت کبری: ص: ۳۶۰)

(۱۵) حدیث: هشام بن سالم می‌گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: آیا ممکن است در یک زمان دو امام باشند؟ آن حضرت فرمودند: خیر، مگر آنکه یکی از آن دو خاموش باشد و از دیگری پیروی نماید و دیگری ناطق و پیشوای وی باشد، اما در یک زمان دو امام ناطق نخواهد بود. (کمال الدین: ص: ۴۱۶ ح: ۹)

حدیث: ۲: امام صادق علیه السلام در مورد گفتار خدای تبارک و تعالی: «و چاه دست نخورده و کاخ مستحکم» فرمودند: مراد از چاه دست نخورده؛ امام صامت، و کاخ مستحکم؛ امام ناطق می‌باشد. (کمال الدین: ص: ۴۱۷ ح: ۱۰)

حدیث: ۳: امام کاظم علیه السلام فرمودند: اگر به ما برای سخن گفتن اذن داده می‌شد دیگر شکی باقی نمی‌ماند. (کمال الدین: ص: ۴۳۰ ح: ۵)



یعنی: اولین چیزی که خداوند خلق نمود، نور من بود. و نیز فرموده‌اند: «كُنْتُ نَبِيًّا وَآدَمَ بَيْنَ الْمَاءِ وَالطِّينِ» یعنی: من پیامبر بودم، در حالیکه آدم علیه السلام، بین آب و گل بود.

آری! آنچه صحیح و جزء اعتقادات قطعی شیعه می‌باشد آن است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله - که اشرف مخلوقات و سید مرسلین و خاتم پیامبران است - تا قبل از سنّ چهل سالگی نیز پیامبر و حجّت خدا بر همه‌ی مخلوقات بوده و خداوند به علم خویش عمل نموده و ایشان را قبل از خلقت مخلوقات برگزیده و مقرب درگاه خویش نمود؛ چرا که می‌دانست اول کسیکه به اختیار خود در همه‌ی امتحانات به وی ایمان می‌آورد کسی جزء او نیست، و آنچه که در سنّ چهل سالگی اتفاق افتاد بعثت و مبعوث شدن ایشان و آغاز مأموریت در اجرای اوامر حق تعالی در روی زمین بوده است.

بنابراین همان علم، همان قدرت، همان عصمت و ولایتی را که بعد از بعثت در ایشان مشاهده می‌شود قبل از بعثت نیز وجود داشته است و هیچ فرقی از این ناحیه بین دوران قبل از بعثت با بعد از آن نیست.



غیبت امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف):

پس حضرت مهدی - که پدر و مادرم فدای او باد - در سن پنج سالگی امام ناطق گردیدند و مدت بسیار کمی در بین مردم حضور داشتند و در همان مدت بسیار اندک نیز فقط اصحابی خاص از جایگاه ایشان با خبر بوده و از نظر بقیه‌ی مردم مخفی بودند و کسی اطلاعی از محل آن حضرت نداشت،^{۱۶} تا اینکه مسأله‌ی غیبت صغری و کبری^{۱۷} برای ایشان در سرداب مقدّس به وقوع پیوست^{۱۸}، و ایشان مأمور شدند تا زمانی که اراده‌ی حق تعالی بر ظهور آن

(۱۶) حدیث: عمرو اهوازی می‌گوید: امام حسن عسکری (ع) فرزندش حضرت مهدی (ع) را به من نشان داده و فرمودند: این صاحب شما بعد از من است. (ارشاد: ج ۲ ص: ۳۴۸)

(۱۷) حدیث: امام سجّاد (ع) فرمودند: به درستی که برای قیام کننده‌ی از ما دو غیبت است که یکی از آن دو، طولانی‌تر از دیگری است. (کمال الدین: ص: ۳۲۳ ح: ۸)

(۱۸) حدیث: هنگامی که اصحاب کهف به سوی خداوند گریختند و از نزد «دقیانوس» خارج و به غاری پناهنده گردیدند، بعد از آنان، پادشاه با عده‌ای سوار بر اسب شده و به دنبال آنان به راه افتادند. هنگامی که به در غار رسیدند و آنان را در خواب دیدند، حیران مانده و نتوانستند متعرّض آنان شوند و وحشت زده برگشتند. همین طور صاحب امر (ع) بعد از اینکه بر پدر بزرگوارش نماز خوانده و ایشان را دفن نمودند، جعفر کذاب نزد بنی عباس رفت و خبر او را به آنان داد و آنان سپاهی را به سامرا فرستادند تا بر خانه‌ی آن حضرت هجوم برند و هر کس را در آن یافتند بکشند و سر امام (ع) را بیاورند! هنگامی که آنان وارد خانه‌ی آن حضرت شدند، ایشان را در آخر سرداب روی آب، بر روی حصیری دیدند که نماز می‌خواند و در جلوی آنان قرار داشت و آب سرداب مانند دریایی می‌ماند، وقتی که این گونه دیدند از دستیابی او مأیوس شدند و وحشت زده نزد خلیفه برگشتند و او به آنان دستور داد که این قضیه را مخفی نمایند. دوباره سپاهی بیشتر از بار اول فرستاد، آنان هم وقتی که وارد خانه شدند، از



حضرت تعلق نگرفته است در پس پرده‌ی غیبت^{۱۹} - که تمام حکمت های آن بر ما معلوم نیست^{۲۰} - به سر بُرده و از نظر مردمان مخفی باشند.

سرداب صدای قرائت قرآن شنیدند، پس در سرداب را گرفتند تا وقتی که آن حضرت خارج می‌شود او را بگیرند! ولی آن حضرت از جایی که اکنون شبکه است خارج شده و فرماندهی آنان ایستاده بود، وقتی که آن حضرت رفت و ناپدید شد، فرمانده گفت: پائین بروید و او را بگیرید. گفتند: او از جلوی تو گذشت و تو به ما نگفتی تا او را بگیریم!

فرمانده گفت: من او را ندیدم، پس هراسان مراجعت کردند.

بار سوم سپاهی به سوی آن حضرت رفته و ایشان را در آخر سرداب یافتند و امام دستشان را بر دیوار گذاشته و دیوار شکافته شد و حضرت بیرون رفتند و هنوز هم اثر آن شکافتگی در آن دیوار پیداست. (خرائج و جرائح: ج ۲، ص: ۹۴۳)

(۱۹) حدیث: امام رضا ع فرمودند: زمانیکه عالم شما بالا رفته و از میان شما غایب شد پس منتظر فرج بزرگ از زیر پاهایتان باشید (کنایه از اینکه مسأله‌ی فرج را همیشه نزدیک بشمارید). (هدایت کبری: ص: ۳۶۴)

حدیث ۲: در دعای زمان غیبت امام زمان ع می‌خوانیم: خدایا! قدم مرا بر اطاعت از ولیّ امرت که او را از دیدگان مخلوقات مخفی نموده‌ای و به اذن تو غایب گردیده است ثابت بدار. (مصباح المتهدّد: ص: ۴۱۱، ح: ۱۴۶)

(۲۰) حدیث: عبد الله بن فضل هاشمی می‌گوید: از حضرت صادق ع شنیدم که فرمودند: صاحب این امر ع غیبتی دارد که چاره‌ای از آن نیست، عرض کردم: حکمت در غیبت آن حضرت چیست؟ فرمودند: حکمت در غیبت آن جناب، همان حکمت در غیبت حجّت‌های گذشته‌ی حقّ تعالی می‌باشد که بعد از ظهور آشکار خواهد شد، چنانچه حکمت افعالی را که حضرت خضر ع مرتکب شد که عبارت بودند از شکستن و شکافتن کشتی و کشتن جوان و پیا داشتن دیوار برای موسی ع، بعد از جدا شدنش از خضر ظاهر گشت.

ای پسر فضل! این امر، امری است از امور خدا و سرّی است از اسرار الهی و غیبی



و معنای غیبت این نیست که حضرت در مکانی دور زندگی کرده و مخفی گردیده‌اند؛ و یا اینکه از میان مردم به جای دیگری سفر نموده، تا کسی به ایشان دسترسی نداشته باشد، بلکه آن حضرت در میان ما و همراه ماست،^{۲۱} در بازارهای ما رفت و آمد کرده و بر فرش های ما می‌نشینند، و ما ایشان را می‌بینیم و صدایشان را می‌شنویم؛ ولی او را نمی‌شناسیم.^{۲۲}

و اینکه در دعای ندبه می‌گوئیم: «مَتَى تَرَانَا وَ نَرَاكَ»، یعنی: «کی باشد که تو ما را ببینی و ما تو را ببینیم» منظور این نیست که در زمان غیبت، ایشان ما را نمی‌بینند و ما نیز ایشان را نمی‌بینیم؛ بلکه مراد، دیدن همراه شناخت است که آن حضرت ما را ببینند و ما ایشان را؛ بدین معنا که ما می‌خواهیم آن حضرت در حالی ما را ببینند که ما ایشان را می‌بینیم و می‌شناسیم. و إلا آن

-
- است از غیب های ربوبی و وقتی خدای عزوجل را حکیم دانستیم باید تمام افعالش را تصدیق نموده و معتقد باشیم که از روی حکمت صورت می‌گیرند، اگرچه ما وجه آنها را ندانیم. (علل الشرائع: ج: ۱ ص: ۲۴۵ ح: ۸)
- (۲۱) حدیث: در دعای ندبه می‌خوانیم: جانم بفدایت که با وجود اینکه غایب هستی، همراه ما و در میان مائی. (مزار مشهدی: ص: ۵۸۱)
- حدیث: ۲: امیر المؤمنین علیه السلام فرمودند: زمانیکه یکی از ما از دیده‌ها پنهان شده و غایب شود در واقع، فقط از دیده‌ها پنهان است؛ زیرا غایب و حاضر ما یکی است. (مشارق انوار الیقین: ص: ۲۵۵)
- (۲۲) حدیث: امام صادق علیه السلام فرمودند: چرا این امت منکر هستند که خدای عزوجل با حجت خود همان کند که با یوسف کرد، امام غایب میان مردم گردش می‌کند و در بازارهای آنها راه می‌رود و پا روی فرش آنها می‌نهد و آنها او را نمی‌شناسند تا آنکه خدای عزوجل به او اجازه دهد که خود را به آنها معرفی کند همچنانکه به یوسف اجازه داد. (کمال الدین: ص: ۱۴۴ ح: ۱۱)



حضرت همه‌ی ما را می‌بینند و بهتر از خودمان، ما را می‌شناسند.^{۲۳} پس آنچه عده‌ای گمان می‌کنند - که چون آن حضرت از چشمانشان مخفی است و آنان از او بی‌خبرند، در مقابل، آنان نیز از چشم حضرت مخفی بوده و حضرت نیز از حال ایشان بی‌خبر است - خیال باطلی بیش نبوده و واقعیتی ندارد، و البته منشأ این گمان، عواملی همچون قیاس حضرت به خویشتن، و اطلاعات غلط و مسموم معاندین و کج فهمان از خدا بی‌خبر، و مدعیان علم و دانش است، که چنین القا نموده و می‌نمایند که او نیز بشری است مانند ما، پس همانطور که ما از او بی‌خبریم او نیز از ما بی‌خبر است، و چون ما نادان و جاهل هستیم او نیز - نعوذ بالله - جاهل و بی‌اطلاع است، و چون ما تنها به فکر خویش هستیم او نیز تنها به فکر خویشتن است، و سایر چیزهایی که پس از قیاس و یا با استشهاد به آیه‌ی: ﴿قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ﴾^{۲۴}

- (۲۳) حدیث ۱: امام رضا ع همیشه جهت دعا برای امام زمان ع چنین دستور می‌دادند: خدایا! شر مخلوقات را از ولایت، و چشم بینایت که به اذن تو می‌بیند، و شاهد تو بر بندگانت است دور نما. (مصباح المتعجد: ص: ۴۰۹ ح: ۱۴۵)
- حدیث ۲: امیر المؤمنین ع فرمودند: امام بر همه‌ی غیب‌ها مطلع است، و آسمانها و زمین نزد او همچون کف دستی می‌باشد که ظاهر آن را از باطن، و نیک آن را از بد، و تر آن را از خشک باز می‌شناسد. (مشارق انوار الیقین: ص: ۱۷۴)
- حدیث ۳: امیر المؤمنین ع فرمودند: امام، زمین و مخلوقاتی که بر روی آن هستند را می‌بیند، و چیزی از اعمال آنها بر او مخفی نیست. (هدایت کبری: ص: ۱۷۰)
- حدیث ۴: امام کاظم ع فرمودند: به درستی که جایگاه امام در زمین همانند جایگاه ماه در آسمان است، پس امام همچون ماه در محل خود بر آنچه که بر روی زمین قرار دارد احاطه داشته و از آن آگاه است. (بصائر الدرجات: ص: ۴۶۳ ح: ۸)
- (۲۴) سوره‌ی کهف: آیه: ۱۱۰.



آن را از امام و پیشوای ما نفی می‌کنند، و یا حدّ اقل در مورد آن حضرت بعید می‌شمارند!

و حال اینکه قیاس به خویشتن، مانع رسیدن به حقیقت و عامل فرو رفتن در باتلاق جهل و نادانی است،^{۲۵} و ائمه‌ی اطهار علیهم‌السلام نیز مکرراً به ما تعلیم فرموده‌اند که آنان را با احدی قیاس ننموده و با خود نسنجیم.^{۲۶}

و نیز تذکر داده‌اند که از قید «یُوْحَىٰ اِلَیَّ» در آیه‌ی شریفه‌ی: ﴿قُلْ اِنَّمَا اَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ یُوْحَىٰ اِلَیَّ﴾^{۲۷} فراموش نکنیم، که همه‌ی تفاوت در همان قید است^{۲۸} و روشن است که وحی از جایگاه بسیار مهمی برخوردار است که نمی‌شود به سادگی از کنار آن گذشت آن هم وحی به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با آن خصوصیات!

در نتیجه امام زمان علیه‌السلام با اینکه از دیده‌ها غایبند، ولی بر دیده‌ها ناظرند.

(۲۵) حدیث: امام سجّاد علیه‌السلام فرمودند: هرکس از روی قیاس و رأی خود عمل کند هلاک می‌شود. (کمال‌الدین: ص: ۳۲۴ ح: ۹)

(۲۶) حدیث: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: ما اهل بیتی هستیم که به هیچکس قیاس نمی‌شویم، و کسی نیز با ما قابل قیاس نیست. (درّ نظیم: ص: ۷۷۰)

(۲۷) سوره‌ی کهف: آیه: ۱۱۰.

(۲۸) حدیث: امام حسن عسکری علیه‌السلام در مورد این آیه: «بگو همانا من انسانی همانند شما هستم» فرمودند: یعنی برای آنها بگو: من از لحاظ شکل و شمایل و هیكل بشری مانند شما می‌باشم ولی خداوند مرا به نبوت مخصوص نموده است. (احتجاج: ج: ۱ ص: ۲۹)



ظهور امام عجل الله فرجه الشریف:

و اما ظهور ایشان - که مسأله‌ای روشن و واضح است و جزء قطعیات به شمار می‌رود - امری است الهی، و بر خلاف پندار بعضی که می‌گویند ظهور آن خورشید پُشتِ ابر، بستگی به شرایط زمان و مکان، پُر شدن جهان از ظلم و جور و غیره دارد، کاملاً اشتباه بوده و هیچگونه ارتباطی به این مسائل ندارد. بلکه ظهور آن حضرت تنها به موجب امری است که وابسته به اراده‌ی حق تعالی بوده، و تنها یک مجری دارد که آن هم وجود نازنین امام عصر علیه السلام می‌باشد؛ و به عبارت دیگر، امام زمان علیه السلام مأمور اجرای اوامر پروردگار عالم هستند، و بدون اذن و اراده‌ی او چیزی نگفته و به کاری دست نمی‌زنند،^{۲۹} بنابراین شرایط زمان و مکان تأثیری در اراده‌ی حق تعالی و مأموریت آن حضرت ندارد.

و البته این مطلب منافاتی با تحقق شرایطی خاص همچون حضور ۳۱۳ نفر از اصحاب در شب و روز ظهور،^{۳۰} و ایجاد یک سری زمینه‌ها در خارج

(۲۹) حدیث: در یکی از زیارات امام زمان علیه السلام می‌خوانیم: اوست دعوت کننده به راه تو و

منتظر اذن تو برای خروج. (بحار الانوار: ج: ۹۹ ص: ۱۰۱)

حدیث: در زیارت جامعه‌ی کبیره می‌خوانیم: سلام بر دعوت کنندگان به سوی خداوند و راهنمایان به سوی رضای او، و ظاهر کنندگان امر و نهیش، سلام بر بندگان بزرگوار او که در گفتار از او سبقت نگرفته و به امر او عمل می‌نمایند، آنها مطیع پروردگار، قیام کننده‌ی به امر او، عمل کننده‌ی به اراده و امر او، هدایت کننده‌ی به راه او، و حکم کننده بر اساس گفتار او می‌باشند. (من لا یحضره الفقیه: ج: ۲ ص: ۶۰۹)

حدیث: امام باقر علیه السلام فرمودند: ما اهل بیت به اذن خداوند آنچه را که بخواهیم انجام

می‌دهیم، و غیر از آنچه که خدا بخواهد نمی‌خواهیم. (هدایت کبری: ص: ۲۳۰)

(۳۰) حدیث: امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند: هنگامی که به امام اذن داده شد خدا را به نام



ندارد، و همانطور که غیبت ایشان، امری الهی بوده است، ظهورشان نیز چنین خواهد بود؛ پس صحیح آن است که بگوئیم: هر زمان خدای متعال به حجت خویش امر کند، آن حضرت ظهور خواهد نمود،^{۳۱} گرچه این ظهور با تحقق شرایطی خاص همراه است.

و اما اینکه خدای حکیم از روی چه حکمت‌ها و مصالحی به حجت خویش امر و نهی می‌کند، امری است که برای ما روشن نبوده، و تنها چیزی که می‌دانیم این است که خداوند متعال حکیم بوده و تمامی اوامر وی از روی حکمت می‌باشد.

اکنون - پس از اینکه معلوم شد ظهور امام زمان علیه السلام به امر الهی بوده، و حضرتش اراده نمی‌کند مگر آنچه را که خداوند اراده نموده باشد - می‌گوئیم که امام عصر علیه السلام ظهور و قیام می‌نمایند تا اراده‌ی حق تعالی را پس از ظهورشان - که آن نیز به امر الهی می‌باشد - در روی زمین اجرا نموده و حکومت جهانی خویش را آغاز نمایند.^{۳۲}



عبرانی‌اش می‌خواند، پس سیصد و سیزده نفر از یاران او همچون تگه‌های آبر در ماه پائیز به دور او جمع شده و مهیای یاری او می‌شوند. و آنان پرچمدارانی هستند که بعضی از آنان شبانگاه بستر خود را رها نموده و بامداد در مکه حاضر می‌شوند، و بعضی از آنان نیز در بین روز سوار بر آبر گشته و به ایشان ملحق می‌گردند. (غیبت نعمانی: ص: ۳۲۶ ج: ۳)

(۳۱) حدیث: در دعای زمان غیبت امام زمان علیه السلام می‌خوانیم: او منتظر امر پروردگار است و... ، خداوندا! همانا ما از تو می‌خواهیم که برای ظاهر شدن عدل و داد در میان بندگانت به ولیّ خویش اذن دهی. (مصباح المتهجد: ص: ۴۱۱ و ۴۱۴)

(۳۲) حدیث: امام باقر علیه السلام فرمودند: حکومت و سلطنت امام زمان علیه السلام شرق و غرب عالم را فرا می‌گیرد. (کمال الدین: ص: ۳۳۰ ج: ۱۶)

و نیز قابل ذکر است که اندکی بعد از ظهور امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف و ملاقات مردم با آن حضرت، عده‌ای می‌گویند که ما ایشان را قبلاً مشاهده نموده و ملاقات نموده‌ایم،^{۳۳} که این امر خود حاکی از آن است که ایشان در کنار ما، با ما و همراه ما هستند، و هیچگاه از یاد و توجه به ما غافل نبوده و نمی‌باشند، همچنانکه در توقیعی به شیخ مفید رحمته الله فرمودند:

«إِنَّا غَيْرُ مُهْمِلِينَ لِمُرَاعَاتِكُمْ وَلَا نَاسِينَ لِذِكْرِكُمْ»^{۳۴}

یعنی: «ما از مراعات حال شما غفلت نکرده و یاد و توجه به شما را فراموش نمی‌کنیم».

خداوندا! به ما نیز این توفیق را عطا فرما که از یاد آن حضرت غافل نبوده و بیشتر از گذشته با ایشان انس داشته باشیم.

غیبت نکرده‌ای که توّم طالب حضور

پنهان نگشته‌ای که هویدا کنم تو را

تو در میان جمعی و من در تفکرم

کاندر کجا بر آیم و پیدا کنم تو را

(۳۳) حدیث: امام صادق عجل الله تعالی فرجه الشریف فرمودند: چرا این اُمّت منکر هستند که خدای عزّوجلّه با حجّت خود همان کند که با یوسف کرد، امام غایب میان مردم گردش می‌کند و در بازارهای آنها راه می‌رود و پا روی فرش آنها می‌نهد و آنها او را نمی‌شناسند تا آنکه خدای عزّوجلّه به او اجازه دهد که خود را به آنها معرفی کند همچنانکه به

یوسف اجازه داد. (کمال الدین: ص: ۱۴۴ ج: ۱۱)

(۳۴) احتجاج: ج: ۲ ص: ۳۲۲.



قیام امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف:

و اما قیام آن حضرت که مدتی پس از ظهور ایشان و به امر الهی واقع می‌شود،^{۳۵} در کنار یارانی است که مهم‌ترین ویژگی آنها، روحیه‌ی تعبد و اطاعت محض و بی‌چون و چرای دستورات و اوامر امام و مولای خویش می‌باشد،^{۳۶} که امید داریم ما نیز با تمرین بیشتر این روحیه، و ملکه نمودن

(۳۵) حدیث: در دعای امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌خوانیم: خدایا! درود و رحمت خویش را بر ولایت که زنده کننده‌ی سنت تو و قیام کننده‌ی به امر توست بفرست. (دلائل الإمامة: ص: ۵۵۰)

(۳۶) حدیث: امام صادق عجل الله تعالی فرجه الشریف فرمودند: اصحاب امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف مردانی هستند که قلبهایشان همچون پاره‌های آهن محکم است و آنان از کنیز به مولای خویش مطیع‌ترند. (بحار الانوار: ج: ۵۲، ص: ۳۰۷، ح: ۸۲)

حدیث ۲: رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمودند: خدای متعال اصحاب امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را که تعداد آنها به عدد اصحاب بدر - یعنی سیصد و سیزده نفر - می‌باشد را از اطراف و اکناف شهرها برای او جمع آوری می‌کند، و از خصوصیات آنان این است که: بسیار حمله کننده و کوشا در طاعت پروردگار می‌باشند. (کمال الدین: ص: ۲۶۴، ح: ۱۱)

حدیث ۳: مأمون رقی می‌گوید: خدمت حضرت صادق عجل الله تعالی فرجه الشریف بودم که سهل بن حسن خراسانی وارد شده سلام کرده و نشست و عرض کرد: ای پسر رسول خدا! چقدر شما رؤوف و مهربان هستید، شما امام بر ما می‌باشید؛ چرا دفاع از حق خود نمی‌کنید با اینکه بیش از صد هزار شیعه‌ی شمشیر زن دارید؟ آن حضرت فرمودند: ای خراسانی! بنشین، خداوند به تو رحم نموده و مراعات حال تو را بنماید.

سپس به کنیزی بنام حنیفه فرمودند: تنور را روشن کن، تنور پس از مدتی افروخته شد به طوری که یک پارچه آتش گردید و قسمت بالای آن سفید شد. بعد رو به مرد خراسانی نموده و فرمودند: برو بنشین داخل تنور، مرد خراسانی شروع به التماس نموده و گفت: ای پسر رسول خدا! مرا به آتش مسوزان، از جرم من درگذر، خدا از تو بگذرد.

حضرت فرمودند: تو را بخشیدم.



آن در اعمال و رفتار خویش، جزء یارانش - که همچون پروانه به دور شمع وجودش می‌گردند^{۳۷} - باشیم؛ (إن شاء الله تعالی).

پس از سرکوبِ طاغیان، ظالمان و مخالفانی که حاضر به پذیرش حق، و اطاعت از فرامین حضرتش نگردیده‌اند، آن جناب در کنار دوستان و موالیان خویش، و کسانی که به وی ایمان آورده‌اند حکومت جهانی خویش را آغاز نموده،^{۳۸} و تا زمانی که خداوند عز وجل اراده نماید به آن حکومت ادامه خواهند

در همین موقع هارون مکی وارد شد و در حالیکه یک کفش خود را به انگشت گرفته بود عرض کرد: سلام بر تو ای پسر رسول خدا! امام فرمودند: کفشهایت را از دست بیانداز و برو داخل تنور بنشین، پس او کفشها را انداخته و داخل تنور نشست.

امام علیه السلام شروع کردند با مرد خراسانی صحبت کردن در مورد جریانهای خراسان به طوریکه گویا سابقاً در خراسان بوده‌اند، بعد فرمودند: ای خراسانی! برو بین در تنور چه خبر است! پس او به جانب تنور رفت و دید که او چهار زانو در تنور نشسته، پس از تنور خارج شده و به ما سلام کرد، امام علیه السلام به خراسانی فرمودند: از اینها در خراسان چند نفر پیدا می‌شود؟! عرض کرد: به خدا قسم یک نفر هم پیدا نمی‌شود، نه به خدا یک نفر پیدا نمی‌شود.

حضرت فرمودند: ما تا زمانی که پنج نفر یاور نداشته باشیم قیام نخواهیم کرد، ما خودمان موقعیت مناسب را بهتر می‌دانیم. (مناقب آل ابی طالب: ج: ۳ ص: ۳۶۲)

(۳۷) حدیث: امام صادق علیه السلام فرمودند: از خصوصیات اصحاب او (امام زمان علیه السلام) آن است که آنان مردانی هستند که بدن خود را برای تبرک به زین اسب امام می‌سایند، آنها در جنگها امام را در میان گرفته و با جان خود از وی دفاع می‌کنند، و هر کاری داشته باشد برایش انجام می‌دهند، وایشان از کنیز به مولای خویش مطیع‌ترند. (بحار الانوار: ج: ۵۲ ص: ۳۰۷ ح: ۸۲)

(۳۸) حدیث: امام باقر علیه السلام فرمودند: حکومت و سلطنت او (امام زمان علیه السلام) شرق و غرب عالم را فرا می‌گیرد. (کمال الدین: ص: ۳۳۰ ح: ۱۶)



داد،^{۳۹} و خوشا به حال کسانی که آن زمان را درک نموده و جزء دوستداران آن حضرت باشند.^{۴۰}

آنچه گفتیم خلاصه‌ای بود پیرامون آن امام - عزیزتر از جان - از ابتدا تا انتها، و چون جزئیات تاریخی و غیر آن در مورد مسائلی همچون علائم ظهور، کیفیت حکومت، جنگهای حضرت، علائم آخر الزمان و غیره، در سایر کتبی که در مورد آن حضرت تألیف شده، به طور مفصل ذکر گردیده است، در این مجموعه که هدف ما از تألیف آن اشاره به ارتباط مستقیم من و شما با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در همه زمانها و مکانها، و ارتباط آن حضرت با همه‌ی امور و اشیاء و موجودات عالم است، به اینگونه مسائل پرداخته‌ایم.

و در پایان متذکر می‌شویم که امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف بنده و مخلوق^{۴۱} برگزیده‌ی

(۳۹) حدیث: امام صادق عجل الله تعالی فرجه الشریف فرمودند: برای حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در همه‌ی اوقات و مکانها چنین دعا کنید: خداوندا! برای حجّت بن الحسن «که صلوات تو بر او و پدرانش باد» در همین وقت و همه‌ی اوقات، سرپرست، نگهدار، پیشوا، یاور، راهنما و نگهبان باش تا اینکه سرانجام او را با میل و رغبت در زمین حاکم نموده و برای مدت طولانی از آنچه که در زمین است بهره‌مند نمایی. (کافی: ج: ۵، ص: ۱۶۲، ح: ۴)

حدیث: ۲: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: خدای متعال فرمود: سلطنت و حکومت او (امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف) را طولانی می‌کنم و این سلطنت و حکومت را تا روز قیامت در بین دوستان و اولیای خویش ادامه می‌دهم (مراد رجعت اهل بیت عجل الله تعالی فرجه الشریف پس از حکومت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌باشد). (کمال الدین: ص: ۲۵۴)

(۴۰) حدیث: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: خوشا به حال کسی که قائم اهل بیتم را درک کند و تا قبل از قیام وی به امامتش معتقد باشد، و با دوستانش دوست و با دشمنانش دشمن باشد. (کمال الدین: ص: ۲۸۶، ح: ۲)

(۴۱) حدیث: در یکی از دعاهای روزهای ماه رجب می‌خوانیم: خداوندا! فرقی (در برخورداری از صفات عالیه) میان تو و حجّت‌های تو نیست جز اینکه آنها بندگان و مخلوق



خدای تعالی می‌باشند،^{۴۲} و آنچه دارند از ناحیه‌ی خداوند متعال به ایشان عطا گردیده است،^{۴۳} و آن حضرت بدون اذن پروردگار خویش قدم از قدم برنداشته و کاری انجام نمی‌دهند.^{۴۴}

بنابراین انکار صفات، خصوصیات و معجزات امام علیه السلام، چیزی جز انکار قدرت الهی نیست.^{۴۵}

تو هستند که امورشان به دست توست، و از جانب تو آمده‌اند و به سوی تو بر می‌گردند. (مصباح المتهدد: ص: ۸۰۳)

(۴۲) حدیث: در دعای ندبه آمده است: خدایا! اهل بیت علیهم السلام آن کسانی هستند که آنها را برای خود و دینت خالص نموده و برگزیده‌ای. (مزار مشهدی: ص: ۵۷۴)

حدیث: امام باقر علیه السلام فرمودند: ما برگزیدگان و خوبان خداوند هستیم. (بصائر الدرجات: ص: ۸۲ ج: ۱۰)

(۴۳) حدیث: در زیارت جامعه‌ی کبیره آمده است: خداوند متعال آنچه به ائمه‌ی اطهار علیهم السلام از حقائق، علوم، معارف و فضائل عطا نموده، به هیچکس دیگری نداده است. (من لا یحضره الفقیه: ج: ۲ ص: ۶۱۵)

حدیث: امام باقر علیه السلام فرمودند: اهل بیت علیهم السلام برگزیدگان سِرِّ پروردگارند، خداوند ایشان را اختیار نموده و برتری داده و مخصوص نموده و برگزیده و فضیلت داده و به آنها راضی شده و آنها را انتخاب کرده است. (یقین: ص: ۳۱۸)

(۴۴) حدیث: امام صادق علیه السلام فرمودند: به خدا قسم ما اهل بیت از روی هوای نفس خود چیزی نمی‌گوئیم و به رأی و نظر خود عمل نمی‌کنیم و نمی‌گوئیم مگر آنچه را که پروردگار به ما گفته است. (امالی مفید: ص: ۵۹ ج: ۴)

(۴۵) حدیث: امیر المؤمنین علیه السلام فرمودند: وِیْل و تمام وِیْل (وِیْل کلمه‌ی انذار و تحذیر می‌باشد و به چاهی در جهنم که آکنده از آتش است نیز اطلاق می‌گردد) بر کسی که فضائل و خصوصیات ما اهل بیت و آنچه را که خداوند به ما عطا نموده است را انکار نماید؛ چرا که هرکس چیزی از آنچه را که خداوند به ما عطا کرده است انکار نماید به درستی که قدرت خدا و اراده‌ی او در حق ما را انکار نموده است. (بحار الانوار: ج: ۲۶ ص: ۷)



نقش امام زمان علیه السلام در زندگی من

قبل از اینکه به این موضوع بپردازیم متذکر می شویم که:

اولاً: ائمه اطهار علیهم السلام در حد ظرفیت و عقل ما، خود را به ما معرفی نموده اند و الاً مطلب خیلی بالاتر از آن است که ما می فهمیم و می اندیشیم.^{۴۶} ثانیاً: تمام آنچه را که در مورد نقش خود در عالم هستی بیان فرموده اند، به دست ما نرسیده است؛ بنابراین آنچه می گوئیم در حد اطلاعاتی می باشد که به ما رسیده، نه آنچه که آنان بیان فرموده اند.

ثالثاً: ما در حد فهم خود از روایات سخن می گوئیم، و ادعا نداریم که همه ی آنچه در روایات برای ما بیان شده است را دانسته و آن را فهمیده ایم.

(۴۶) حدیث: امام رضا علیه السلام فرمودند: امام همچون خورشید فروزانی است که نورش عالم را فرا گرفته و کسی را توان دسترسی و دیدن حقایق آن نیست، کیست که امام را بحق بشناسد؟! یا توان انتخاب او را داشته باشد؟ هیئات هیئات، خردها دربارهاش گمراهند و خاطرها در تحیر، عقلا سرگردان و چشمها بی بصیرت، بزرگان در اینجا کوچکنند، و حکیمان در حیرت، و بردباران کوتاه نظر، و هوشمندان گیج و نادان، و شعراء لال و گنگ، و ادباء درمانده، و سخندانان بی زبان، شرح یک مقامش نتوانند و وصف یکی از فضائلش ندانند، همه به عجز معترفند، چگونه می توان کنهش را وصف کرد و اسرارش را فهمید؟! چطور کسی به جای او ایستاده و حاجت مربوط به او را برآورد؟ نه، چطور؟ از کجا؟ او در مقام خود اختری است بر افروخته و از دسترس دست یازان و وصف واصفان فراتر است، کجا انتخاب بشر به این پایه رسد! عقل کجا و مقام امام کجا! کجا چنین شخصیتی یافت شود! آیان گمان می برند که در غیر خاندان رسول خدا صلی الله علیه و آله امامی یافت شود؟! (کافی: ج ۱ ص: ۱۹۸ ح: ۱)

حدیث: امام صادق علیه السلام فرمودند: رسول خدا صلی الله علیه و آله هرگز با همه ی ظرفیت عقل خود با مردم سخن نگفتند. (کافی: ج ۸ ص: ۲۶۸ ح: ۳۹۴)



رابعاً: ما به گوشه‌ای از آنچه فهمیده‌ایم اشاره می‌کنیم، بنابراین آنچه در ذیل به طور خلاصه در رابطه با نقش آن حضرت علیه السلام برای شما بیان می‌کنیم، قطره‌ای است از دریای بیکران!!!

اکنون می‌گوئیم: اساسی‌ترین نقش را خداوند عز و جل در عالم هستی، به نبی اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام عطا نموده، و ایشان را همه کاره و جانشین خود قرار داده است،^{۴۷} و بعد از امام حسن عسکری علیه السلام و انتقال امامت ظاهریه به امام عصر علیه السلام، امور عالم و اداره‌ی آن به ایشان واگذار گردید، و هم اکنون نیز حضرتش مدیر و مجری اراده‌ی حق تعالی در عالم هستی می‌باشند.^{۴۸}

و همانطور که روشن است، این به آن معنی نیست که خداوند متعال خود

(۴۷) حدیث: امام کاظم علیه السلام فرمودند: خداوند اهل بیت علیهم السلام را جانشین خویش قرار داده است؛ چرا که او از چشمها پنهان بوده و درک نمی‌شود و کمیت و کیفیت او قابل شناخت نیست، اما اهل بیت علیهم السلام چنین نبوده و سخنگویان پروردگار می‌باشند و ایشان تصرف کنندگان در امر و نهی الهی هستند، پس خداوند به وسیله‌ی ایشان قدرت خویش را بر مردم ظاهر می‌سازد. (تأویل الآیات: ج: ۱ ص: ۳۹۷ ح: ۲۷)

(۴۸) حدیث: در زیارتی می‌خوانیم: سلام بر تو ای حافظ سر پروردگار، و اجرا کننده‌ی حکم او، و آشکار کننده‌ی اراده اش، و جایگاه مشیت و خواست او. (مزار مشهدی: ص: ۳۰۴)

حدیث: امام صادق علیه السلام فرمودند: به درستی که امام آشیانه‌ی اراده‌ی خداوند است و نمی‌خواهد مگر آنچه را که او بخواهد. (محتضر: ص: ۲۲۷ ح: ۲۹۶)

حدیث: امام باقر علیه السلام فرمودند: ما اهل بیت به اذن خداوند آنچه را که بخواهیم انجام می‌دهیم، و غیر از آنچه که خداوند بخواهد نمی‌خواهیم، و زمانی که ما اراده کنیم خدا نیز اراده می‌کند. (هدایت کبری: ص: ۲۲۶)



به کناری رفته و همه‌ی امور را به حجّت خویش واگذار نموده است؛ بلکه او همیشه «فَعَالٌ لِّمَا يَشَاءُ» است و دائماً اراده و خواست جدید دارد و امر و نهی می‌کند؛ ولکن آنچه معلوم می‌باشد این است که خداوند خود مستقیماً کارها را انجام نمی‌دهد،^{۴۹} بلکه همانطور که گفتیم محلّ اراده و مجری او امر و نواهی حق تعالی، امام عصر ع می‌باشند.

بنابراین آن حضرت هیچ کاری را بدون اذن پروردگار عالم انجام نداده و هر آنچه می‌کنند بدون هیچ کم و کاستی عین خواسته‌ی خداوند متعال است. و علاوه بر این امام زمان ع که از طرف خداوند عزّوجلّه مشغول اداره‌ی این عالم هستند و هدایت همه‌ی موجودات به ایشان واگذار شده است،^{۵۰} اگر حتی هیچ کاری هم در این عالم انجام ندهند، وجود شریفشان موجب بقای این عالم می‌باشد، همچنانکه موجب ایجاد آن بوده است چرا که خداوند متعال، عالم را به خاطر وجود چهارده معصوم علیهم السلام خلق نمود.^{۵۱}

(۴۹) حدیث: امام صادق ع فرمودند: آنچه نزد خداست جز از طریق اسباب و وسائل آن

قابل دسترسی نیست. (کافی: ج: ۱ ص: ۲۰۳ ح: ۲)

حدیث: امام صادق ع فرمودند: خداوند اِبا نموده است از اینکه امور عالم را بدون

اسباب و وسائل جاری نماید، و آن اسباب، رسول خدا صلی الله علیه و آله و ما اهل بیت می‌باشیم.

(بصائر الدرجات: ص: ۲۶ ح: ۲)

(۵۰) حدیث: در زیارت اهل بیت علیهم السلام می‌خوانیم: شهادت می‌دهم که شما پرچم هائی هستید

که خداوند برای هدایت مخلوقات خلق نموده است. (بحار الانوار: ج: ۹۷ ص: ۲۰۷ ح: ۸)

حدیث: امام باقر ع فرمودند: هیچ هدایت شونده‌ای بدون هدایت ما هدایت نمی‌شود،

و هیچ گمراهی بدون کوتاهی در شناخت و معرفت به حقّ ما گمراه نمی‌گردد.

(کافی: ج: ۱ ص: ۱۹۷ ح: ۳)

(۵۱) حدیث: امام صادق ع فرمودند: ما اهل بیت، علّت به وجود آمدن همه‌ی موجودات

هستیم. (بحار الانوار: ج: ۲۶ ص: ۲۵۹ ح: ۳۶)



آری! اگر لحظه‌ای امام عصر علیه السلام در این عالم نباشند و از محدوده‌ی آن خارج شده و عالم بدون حجّت و امام بماند، هستی از هم متلاشی شده و همه چیز از هم می‌پاشد؛ در نتیجه اینکه، بقای عالم نیز وابسته به وجود شریف و نازنین امام عصر علیه السلام است.

فکر می‌کنم این جمله: «امام زمان علیه السلام همه کاره‌ی عالم است» مفید معنای لازم بوده باشد؛ و لکن برای توضیح بیشتر می‌گوئیم: همه‌ی موجودات هستی اعمّ از انسانها، اجنه، حیوانات، نباتات، جمادات،^{۵۲} و خصوصاً ملائکه - که تعدادشان از همه‌ی مخلوقات دیگر بیشتر است^{۵۳} - همه و همه تحت سیطره‌ی

حدیث ۲: امیر المؤمنین علیه السلام فرمودند: خداوند به خاطر ما آسمان و زمین و عرش و کرسی و بهشت و جهنم را خلق نموده است. (محتضر: ص: ۱۳۶)

(۵۲) حدیث: امام سجّاد علیه السلام فرمودند: سپاس خدائی را که ما را بر سائر خلق به سلطنت و ولایت بر آنان برتری داد، پس همه‌ی مخلوقات به قدرت الهی تحت فرمان و اراده‌ی ما هستند و به عزّت او به سوی طاعت ما روی می‌نهند. (صحیفه‌ی سجّادیه: ص: ۲۶)

(۵۳) حدیث ۱: امام صادق علیه السلام فرمودند: خداوند هیچ خلقی را بیشتر از ملائکه نیافریده است. (ثواب الاعمال: ص: ۹۶)

حدیث ۲: امام باقر علیه السلام فرمودند: بخدا قسم در آسمان، هفتاد صنف از ملائکه هستند که اگر تمام اهل زمین جمع شده و بخواهند یک صنف از آنها را شمارش نمایند نمی‌توانند، و همه‌ی این ملائکه به وسیله‌ی ولایت ما اهل بیت به خدای متعال تقرب می‌جویند. (بصائر الدرجات: ص: ۸۷ ح: ۴)

حدیث ۳: امام صادق علیه السلام فرمودند: بخدائی که جانم در دست اوست ملائکه‌ی خدا در آسمانها بیشتر از تعداد خاک زمین‌ها هستند، و در آسمان محلّ قدمی نیست مگر اینکه ملکی تسبیح و تقدیس پروردگار را می‌کند و در زمین درخت و گل و لایی نیست مگر اینکه در آنجا فرشته‌ای مأموریت دارد که هر روز گزارش خود را به خدا برساند با اینکه خدا از او داناتر است، و تمام آنها هر روز تقرب می‌جویند به



ولایت، و قدرت مطلقه‌ی امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌باشند و هیچ قدمی از قدم بر نداشته و حرکتی نمی‌کنند مگر بعد از خواست و اذن آن حضرت.^{۵۴}

آری! این را باید دانست که، میکائیل که ملک مأمور رزق است، با اجازه و امر حضرتش به مأموریت خویش ادامه می‌دهد.

و جبرائیل که امین وحی الهی است، خادم شیعیان وی بوده، و از او دستور می‌گیرد.^{۵۵}

و اسرافیل که مأمور دمیدن در صور است، به اذن و امر او در صور خود می‌دمد.

و عزرائیل که مأمور قبض ارواح است، بدون اذن او کسی را قبض روح نمی‌نماید.^{۵۶}

سوی خدا به ولایت ما اهل بیت، و استغفار برای محبین ما می‌کنند و دشمنان ما را لعن می‌نمایند و از خدا درخواست می‌کنند که بر آنها عذابی دردناک نازل کند. (بصائر الدرجات: ص: ۸۸ ج: ۹)

(۵۴) حدیث: ۱: امیر المؤمنین عجل الله تعالی فرجه الشریف فرمودند: من حجّت خدا بر اهل آسمان ها و زمین هستم، و هیچ ملکی در آسمان بدون اذن من قدمی از قدم بر نمی‌دارد. (مشارق انوار الیقین: ص: ۳۴۳)

حدیث: ۲: امیر المؤمنین عجل الله تعالی فرجه الشریف فرمودند: قسم به آن خدائی که آسمان را بدون پایه و ستون بالا برده است، اگر ملکی از ملائکه، قصد جابجائی - به اندازه‌ی نفسی - از مکانی به مکان دیگر را داشته باشد هرگز بدون اذن من نمی‌تواند چنین کند، و این امر برای فرزندانم حسن و حسین و فرزندان از نسل او که نهمین ایشان قیام کننده آنها است نیز می‌باشد. (بحار الانوار: ج ۲۷ ص: ۳۶)

(۵۵) حدیث: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: به درستی که ملائکه‌ی الهی خادمان ما و خادمان دوستان ما هستند. (علل الشرائع: ج: ۱ ص: ۵ ج: ۱)

(۵۶) حدیث: امام صادق عجل الله تعالی فرجه الشریف عزرائیل را صدا نمودند، و او در جواب آن حضرت گفت:



و واقع امر آن است که سخن گفتن از نقش کسی که:

همه چیز به خاطر او! ^{۵۷}

و برای او خلق شده! ^{۵۸}

و هدایت همه‌ی اشیاء به او واگذار شده! ^{۵۹}

و به برکت و یمن وجود او به خلائق روزی داده می‌شود! ^{۶۰}

- آماده‌ام ای امام! سپس ایشان فرمودند: آیا تو به حرف شنوی و اطاعت از ما امر نشده‌ای؟ گفت: بله امر شده‌ام. (خرائج و جرائح: ج: ۱ ص: ۲۹۵ ح: ۲)
- (۵۷) حدیث: امام صادق علیه السلام فرمودند: خداوند متعال فرموده است: من دنیا و آخرت را به خاطر ائمه‌ی معصومین خلق نمودم. (مشارق انوار الیقین: ص: ۲۳۶)
- حدیث: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: اگر ما نبودیم خداوند بهشت و جهنم و انبیا و ملائکه را خلق نمی‌نمود. (بحار الانوار: ج: ۲۶ ص: ۳۴۹ ح: ۲۳)
- حدیث: امام باقر علیه السلام فرمودند: اگر ما نبودیم خداوند آسمان و زمین و بهشت و جهنم و خورشید و ماه و جن و انس را خلق نمی‌کرد. (عیون المعجزات: ص: ۶۹)
- (۵۸) حدیث: امام صادق علیه السلام فرمودند: دنیا و آنچه در آن است از آن خدای قائل و رسول او و ما اهل بیت می‌باشد. (کافی: ج: ۱ ص: ۴۰۸ ح: ۲)
- (۵۹) حدیث: امام صادق علیه السلام فرمودند: ما اهل بیت آن کسانی هستیم که خداوند مردم را به خاطر ما از گمراهی نجات می‌دهد. (تأویل الآیات: ج: ۲ ص: ۸۵۲ ح: ۸)
- حدیث: امام رضا علیه السلام فرمودند: سلام بر شما ای راهنمایان هدایت. (بحار الانوار: ج: ۹۹ ص: ۱۸۷)
- حدیث: امام صادق علیه السلام فرمودند: هیچ هدایت شونده‌ای از ضلالت و گمراهی نجات نیافته است مگر به سبب ایشان (اهل بیت علیهم السلام). (بصائر الدرجات: ص: ۲۲۰ ح: ۲)
- (۶۰) حدیث: امام باقر علیه السلام فرمودند: خداوند به خاطر اهل بیت علیهم السلام به بندگانش روزی می‌دهد، و به خاطر ایشان سرزمین‌ها را آباد می‌کند، و به خاطر ایشان باران را نازل می‌کند، و به خاطر ایشان برکات زمین از آن خارج می‌شود. (کمال الدین: ص: ۲۶۰ ح: ۵)



و آسمان و زمین به وجودش استوار است^{۶۱} امری است بسیار دشوار که در ضمن این چند سطر نمی توان به قطره‌ای از آنها نیز اشاره نمود؛ ولیکن بار دیگر همان جمله‌ای را که در ابتدا گفتیم تکرار می کنیم که:
«امام زمان علیه السلام همه کاره‌ی عالم خلقت می باشند».

و تو خود حدیث مفصل بخوان از این مُجمل!

مشرق شمس آید، مطلع انوار ازل
صاحب العصر ابوالوقت امام زمین است
منظر قائم بالقطر حجاب ازل
منعن ستر خفی، منظر ما قد بطن است
مرکز دایره هستی و قطب الاقطاب
آننگه با عالم امکان بشل روح و تن است
مالک کن فیکون و ملک کون و مکان
منظر سلطنت قاهره ذی الرئس است
ای سلیمان زمان، پادشاه عرش و مکان
خاتم ملک تو تا کی به کف اهرمن است

علامه محمد حسین اصفهانی (کمپانی)

حدیث ۲: امام صادق علیه السلام فرمودند: اگر ما نبودیم رودخانه ها جاری نمی گشت و درختان

میوه نداده و سبز نمی گشتند. (مدینه المعجزه: ج: ۶ ص: ۴۷ ح: ۲۶۶)

(۶۱) حدیث: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: خداوند به سبب اهل بیت علیهم السلام آسمان را بر زمین

برافراشته و نگاه داشته است. (اختصاص: ص: ۲۲۳)




نقشه امام زمان (عج) در زندگی من

بخش اول: گذشته‌ی من

فصل اول: خلقت روح من

فصل دوم: امتحانات من در عوالم گذشته

فصل سوم: ولادت من 

فصل چهارم: دوران کودکی من



مقدمه:

در ابتدا متذکر می‌شویم که ما آنچه را در اینجا برای شما بازگو می‌کنیم، در حدّ فهم، و مقدار اطلاعات بسیار اندک ما از روایات اهل بیت علیهم السلام است، و الاّ حقیقتِ مطلب بسیار بسیار، وسیع‌تر و عمیق‌تر از این است و مسلماً خود شما هرچه بیشتر بیاندیشید به نقش کلیدی و همه‌جانبه بودن امام عصر خویش، بیشتر پی برده و حضور آن حضرت را در زندگی خودتان بیشتر حس می‌کنید.

اینک به عنوان مقدمه می‌گوئیم:

گرچه همه‌ی اهل بیت علیهم السلام در زندگانی ما نقش داشته و دارند و خواهند داشت؛ ولیکن در حال حاضر سر و کار ما با امام عصر خودمان می‌باشد، همچنانکه مردم عصر امیر المؤمنین علی علیه السلام، سر و کارشان با آن حضرت بود؛ و به تعبیر دیگر همه‌ی امور مربوط به ما به آن حضرت واگذار شده است، و ائمه‌ی دیگر نیز اگر قرار باشد که چیزی به ما بدهند، و یا عنایتی به ما نمایند و تأثیری در زندگی ما داشته باشند، باز به دست امام عصر علیه السلام آن را جاری نموده و امر را در نهایت به ایشان واگذار می‌کنند.^{۶۲}

و خلاصه سر و کار نهایی ما با آن حضرت است و امام و پیشوا و خلیفه‌ی خدا در عصر ما ایشان هستند.

(۶۲) حدیث: هشام بن سالم می‌گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: آیا ممکن است در یک زمان دو امام باشند؟ آن حضرت فرمودند: خیر، مگر آنکه یکی از آن دو خاموش باشد و از دیگری پیروی نماید و دیگری ناطق و پیشوای وی باشد، اما در یک زمان دو امام ناطق نخواهد بود. (کمال الدین: ص: ۴۱۶ ح: ۹)



هدف از خلقت من:

و نیز باید بدانم که هدف از خلقت من، شناخت امام زمان علیه السلام ^{۶۳} - که علت غایی خلق مخلوقات ^{۶۴} و مظهر صفات حق تعالی و جامع جمیع صفات الهی است ^{۶۵} - و اطاعت از ایشان است و سعادت مندی جز در سایه‌ی عمل به دستورات ایشان بدست نمی‌آید. ^{۶۶}

(۶۳) حدیث: امام صادق علیه السلام فرمودند: حضرت حسین بن علی علیه السلام از جمع یارانشان بیرون آمده و خطاب به آنها فرمودند: ای مردم! به درستی که خدای متعال بندگانش را نیافریده مگر برای آنکه او را بشناسند، و هنگامی که او را شناختند عبادتش کنند، و زمانی که او را عبادت کردند از پرستش غیر او بی‌نیاز گردند. مردی در بین یاران عرضه داشت: ای پسر رسول خدا! پدر و مادرم فدای تو باد، معرفت و شناخت خدا چیست؟ حضرت فرمودند: آن است که اهل هر عصر و زمانی امامی را که اطاعتش بر آنها واجب است بشناسند. (علل الشرائع: ج: ۱ ص: ۹ ح: ۱)

(۶۴) حدیث: در یکی از زیارات ائمه‌ی معصومین علیهم السلام می‌خوانیم: سلام بر علت غائی خلق موجودات. (بحار الانوار: ج: ۹۹ ص: ۲۰۳)

حدیث: امام صادق علیه السلام فرمودند: ما اهل بیت، علت به وجود آمدن همه‌ی مخلوقات هستیم. (بحار الانوار: ج: ۲۶ ص: ۲۵۹ ح: ۳۶)

(۶۵) حدیث: امام صادق علیه السلام فرمودند: ذات امام ملکوتی و صفات او الهی است، و ائمه علیهم السلام مظهر صفات خداوند و برگزیدگان او می‌باشند. (مشارق انوار الیقین: ص: ۱۷۷)

حدیث: رسول خدا صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام فرمودند: تو نمونه‌ی کامل صفات و کمالات خداوند هستی. (عیون أخبار الرضا علیه السلام: ج: ۱ ص: ۹ ح: ۱۳)

حدیث: امام کاظم علیه السلام فرمودند: خداوند اهل بیت علیهم السلام را جانشین خویش قرار داده است، چرا که او از چشمها پنهان بوده و درک نمی‌شود و کمیت و کیفیت او قابل شناخت نیست پس هرکس ایشان را بشناسد خدا را شناخته است. (تأویل الآیات: ج: ۱ ص: ۳۹۷ ح: ۲۷)

(۶۶) حدیث: در زیارت آل یاسین خطاب به امام زمان علیه السلام می‌گوئیم: ای مولای من! هرکس با



امام زمان من، اولین بنده‌ای است که خداوند را به معنای حقیقی آن عبادت کرده^{۶۷} و می‌کند، و عارفی است حقیقی، که خدا را به معنای واقعی‌اش می‌شناسد، و چون همه‌ی صفات کمال پروردگار عالم در ایشان نمایان است، و به عبارت دیگر آینده‌ی تمام نمای صفات حق تعالی می‌باشند، شناخت امام عصر ع مساوی است با شناخت خداوند متعال، و هر که این وجود مقدس را بیشتر و بهتر بشناسد، خدا را بیشتر و بهتر شناخته است.^{۶۸}

در توضیح مطلب به طور خلاصه عرض می‌کنیم که عقل هیچگاه به ذات اقدس الهی راه نداشته و نخواهد داشت و هر چه یک شیء برای عقل ملموس‌تر و راه‌یابی به آن سهل و امکان پذیرتر باشد در نتیجه، شناخت، کامل‌تر و تفصیلی‌تر خواهد بود.

اینک می‌گوئیم؛ به دلیل اینکه دسترسی به ذات و صفات ذاتی خداوند متعال امکان پذیر نمی‌باشد، و نیز جهت نزدیک شدن مردم و شناخت بیشتر

شما مخالفت کند شقی و بدبخت، و هر کس از شما اطاعت کند سعید و خوشبخت می‌باشد. (احتجاج: ج: ۲ ص: ۳۱۷)

(۶۷) حدیث: امام باقر ع فرمودند: اولین مخلوقی که خداوند متعال آن را خلق نمود وجود مقدس پیامبر اکرم ص و ما اهل بیت بود، و ما خدای متعال را تسبیح و تقدیس و تحمید، و عبادتی در خور شأن و منزلت او می‌نمودیم. (بحار الانوار: ج: ۲۵ ص: ۱۷ ح: ۳۱)

(۶۸) حدیث: امام رضا ع فرمودند: هر کس اهل بیت را بشناسد خدا را شناخته است، و هر کس جاهل به ایشان باشد خدا را نشناخته است. (کافی: ج: ۴ ص: ۵۷۸ ح: ۲)

حدیث: امام کاظم ع فرمودند: اگر اهل بیت نمی‌بودند خداوند شناخته نشده، و کسی نمی‌دانست که چگونه او را عبادت کند. (تأویل الآیات: ج: ۱ ص: ۳۹۷ ح: ۲۷)

حدیث: ۳: امیر المؤمنین ع فرمودند: ما آن وسیله‌های شناخت پروردگار هستیم که بدون آن شناخت و معرفت او امکان پذیر نیست. (بصائر الدرجات: ص: ۵۱۶ ح: ۶)



آنان از وجود مقدس باری تعالی، خداوند عزوجل را به شکل بشر؛ ولی با خصوصیات جسمی و روحی متمایز و برتر، و صفاتی که مانند صفات وی بوده^{۶۹} - و تنها تفاوتی که دارد این است که موهوبی (عطا شده) و از جانب خداست - خلق نمود تا برای شناخت بیشتر او به سراغ ایشان رفته و از طریق آشنائی و معرفت به صفات و خصوصیات آنان او را بشناسند.

به عنوان مثال وقتی سخن از صفت عالم بودن امام علیه السلام به میان آمده و پیرامون علم ایشان سخن می‌گوئیم و در نهایت پس از ساعتها بلکه روزها مطالعه، تحقیق و تفکر در دریای عجایب بی شمار این صفت متحیر و سرگردان می‌مانیم^{۷۰} کاملاً به عظمت و بی‌نهایت بودن علم عطا کننده‌ی آن علام الغیوبی که چنین علمی را به حجت خویش عطا نموده است، پی می‌بریم.

(۶۹) حدیث: رسول خدا صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام فرمودند: تو نمونه‌ی کامل صفات و کمالات خداوند هستی. (عیون أخبار الرضا علیه السلام: ج ۱ ص: ۹ ح: ۱۳)

حدیث: امام کاظم علیه السلام فرمودند: خداوند اهل بیت علیهم السلام را جانشین خویش قرار داده است، چرا که او از چشمها پنهان بوده و درک نمی‌شود و کمیت و کیفیت او قابل شناخت نیست پس هرکس ایشان را بشناسد خدا را شناخته است. (تأویل الآیات: ج ۱ ص: ۳۹۷ ح: ۲۷)

(۷۰) حدیث: امام کاظم علیه السلام فرمودند: به درستی که امام همانند دریاست و آنچه نزد اوست تمام نمی‌شود، و عجائب و غرائب او از دریا بیشتر است. (قرب الإسناد: ص: ۳۳۶ ح: ۱۲۳۸)



فصل اول

خلقت روح من:

خلقتِ اولیّهی من که جزء دوستان و موالیان - و ان شاء الله شیعیان - ایشان هستم^{۷۱}، ارتباط مستقیم با امام زمانم دارد؛ چرا که:

(۷۱) حدیث: امام حسن عسکری علیه السلام فرمودند: مردی به زنش گفت: نزد فاطمه دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله برو و از او بپرس آیا من از شیعیان شما هستم یا نیستم، آن زن رفت و این سؤال را از ایشان پرسید، فاطمه علیها السلام فرمودند: به او بگو: اگر به گفته‌های ما عمل کرده و از آنچه نهی کرده‌ایم دوری می‌کنی پس از شیعیان ما هستی و اگر به گفته‌های ما توجهی نداری و از آنچه نهی کرده‌ایم دست برنمی‌داری از شیعیان ما به حساب نمی‌آئی.

آن زن برگشت و جریان را به شوهرش اطلاع داد پس آن مرد گفت: وای بر من! پس چه کسی ما را از این گناهان خلاص می‌کند؟ و من در جهنم مخلّد خواهم شد؛ زیرا هرکس شیعه نباشد در جهنم است.

آن زن برگشت و جریان را به حضرت فاطمه علیها السلام گفت، آن حضرت فرمودند: به شوهرت بگو: اینطور نیست که خیال کرده‌ای، شیعیان ما از نیکان اهل بهشت هستند؛ همه‌ی دوستان ما، و دوستان دوستان ما، و دشمنان دشمنان ما و کسانی که با قلب و زبان، سخنان ما را قبول دارند، همه‌ی اینها از شیعیان ما نیستند مگر آن هنگامی که اوامر ما را انجام دهند و از آنچه نهی کرده‌ایم دست بردارند و مرتکب گناهان نشوند.

البته دوستان ما هم که آلوده به گناهانند بالاخره به بهشت می‌روند، اما بعد از اینکه از گناهان پاک شوند و (در قبر و برزخ) گرفتار انواع مصیبت‌ها و مشکلات گردند و یا در قیامت به انواع بلاها و سختیها گرفتار شوند. (تفسیر امام عسکری علیه السلام،



اولاً: باید بدانم که خداوند متعال روح مرا از اضافهی آن گلی که جسم امام علیه السلام را از آن خلق نموده بوجود آورده است - و جسم امام نیز از ماده‌ای به نام «علیین» خلق شده است - فلذا قلب من ناخود آگاه به آن حضرت مایل است و ایشان را دوست دارد البته این خلقت نیز اتّفاقی نبوده و همانطور که خواهیم گفت پس از قبولی من در امتحاناتی خاصّ در عوالم گذشته بوده است، پس در ذره ذره‌ی جان من حضور او مشهود و ملموس است.^{۷۲}

و ثانیاً: باید بدانم که به خاطر وجود ایشان مرا خلق نموده‌اند و از نیستی به هستی آمده و وجود یافته‌ام^{۷۳} و حیات من از حیات آن امام سر چشمه گرفته، و به سبب حیات ایشان باقی است.^{۷۴}

(۷۲) حدیث: امام باقر علیه السلام فرمودند: به درستی که خداوند محمد و آل محمد علیهم السلام را از طینت علّیین و قلب های ایشان را از اعلی علّیین خلق نموده است، و طینت قلب های شیعیان ایشان را از علّیین و طینت جسم ایشان را از ماده‌ای پائین تر از علّیین خلق نموده است، پس قلب های شیعیان از جنس بدن های محمد و آل محمد علیهم السلام می باشد. (بصائر الدرجات: ص: ۳۴ ح: ۲)

(۷۳) حدیث: امام صادق علیه السلام فرمودند: ما اهل بیت، علّت به وجود آمدن همه‌ی مخلوقات هستیم. (بحار الانوار: ج: ۲۶ ص: ۲۵۹ ح: ۳۶)

حدیث: امام صادق علیه السلام فرمودند: خداوند متعال فرموده است: من دنیا و آخرت را به خاطر ائمه‌ی معصومین خلق نمودم. (مشارق انوار الیقین: ص: ۲۳۶)

(۷۴) حدیث: امام صادق علیه السلام فرمودند: خداوند اهل بیت را سبب حیات و زندگانی خلائق قرار داده است. (اثبات الوصیة: ص: ۱۸۳)



فصل دوم

امتحانات مسرور عوالم گذشته:

بله! درست خواندید! عوالم گذشته‌ای که معمولاً از آن بی‌اطلاعیم! من پس از گذشتن از عوالم مختلفی همچون عالم ارواح و عالم ذر، پا به عالم دنیا گذارده‌ام، و در آن عوالم نیز مانند این دنیا امتحان شده‌ام، و در آنجا نیز به یاری و مدد و عنایت امام زمان خویش هدایت گشته‌ام. و جریان به طور مجمل و خلاصه از این قرار بوده است که خداوند عز وجل پس از خلقت ارواح، روح من را به همراه سایر ارواح، مورد امتحان و آزمایش قرار داد و پس از اعطای اختیار و عقل و شعور به همه‌ی ارواح و معرفی خود چنین سؤال نمود: ﴿أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ﴾^{۷۵} یعنی: «آیا من پروردگار شما نیستم؟».

پس اولین کسانی که به اختیار خویش و مدد الهی و حکمت بی‌پایان او ﴿قَالُوا بَلَىٰ﴾^{۷۶} را گفته و ایمان آوردند، وجود مقدس پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت پاکش بودند و بعد از آنان نیز پیامبران، اوصیا و اولیا و سایر مؤمنین به این ندا لبیک گفتند و عده‌ی زیادی نیز ایمان نیاورده و کافر شدند.

بعد از این مرحله، خداوند عز وجل مسأله‌ی نبوت پیامبران، خصوصاً نبوت خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله را به خلائق معرفی و مطرح نمود، و بار دیگر از خلائق طلب اقرار بر نبوت ایشان را کرد، و در این مرحله نیز همچون مرحله‌ی قبل عده‌ای ایمان آورده و عده‌ای نیز کافر شدند.

(۷۵) سوره‌ی اعراف: آیه: ۱۷۲.

(۷۶) سوره‌ی اعراف: آیه: ۱۷۲.



و در مرحله‌ی سوّم، امیر المؤمنین علیه السلام و اوصیای آن حضرت را تا امام عصر علیه السلام به خلائق معرفی نمود و از آنان طلب اقرار و قبول ولایت ایشان را نمود، که باز عده‌ای کافر شدند و عده‌ای ایمان آوردند.^{۷۷}

(۷۷) حدیث ۱: امام باقر علیه السلام فرمودند: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: همانا اُمّتِ مرا در روز أخذ میثاق بر من عرضه کردند، پس اوّل کسیکه به من ایمان آورد و مرا تصدیق نمود و نیز اوّل کسیکه پس از بعثت مرا تصدیق نموده و به من ایمان آورد علی بن ابی طالب بود، پس او صدیق اکبر است. (مختصر بصائر الدرجات: ص: ۱۶۵)

حدیث ۲: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: خدای عزّوجلّ ارواح را دو هزار سال پیش از اجساد آفرید، و آنها را به عرش آویخت، و به آنان فرمان داد تا بر من سلام و درود فرستاده و از من فرمان برند، پس نخستین کسی که از مردان بر من سلام کرد و از من اطاعت نمود روح علی بن ابی طالب بود. (امالی مفید: ص: ۱۱۳ ح: ۶)

حدیث ۳: امیر المؤمنین علیه السلام فرمودند: همانا خداوند ارواح را دو هزار سال قبل از اجساد آفریده و آنها را در هوا جا داده است، پس هر کدام در آنجا با هم آشنا شدند در دنیا نیز به هم اُلفت گیرند، و هر کدام آنجا ناشناس شدند در دنیا نیز از یکدیگر جدا شوند. (بصائر الدرجات: ص: ۱۰۸ ح: ۷)

حدیث ۴: مُفضّل بن عُمَر گوید: امام صادق علیه السلام فرمودند: پروردگار هستی آفرین ارواح را دو هزار سال قبل از اجساد خلق کرد، و عالی‌ترین و شریف‌ترین آنها را، روح محمد، و علی و فاطمه و حسن و حسین و امامان بعد از ایشان - که درود خدا بر ایشان باد - قرار داد، آنگاه ارواح آنان را بر آسمانها و زمین و کوهها عرضه نمود، و نور آنان همه چیز را فرا گرفت، پس خداوند تبارک و تعالی به آسمانها و زمین و کوهها فرمود: اینان دوستان و اولیا، و حجّت‌های من بر آفریدگانم می باشند و پیشوایان مخلوقات من هستند، پس کدامیک از شما می تواند بار این امانت را با سنگینی‌های آن به دوش کشیده و ادّعا کند که چنین مرتبه و مقامی از آن اوست نه از آن برگزیدگان من؟! پس همه‌ی آسمانها و زمین و کوهها از حمل آن سر باز زدند. (معانی الأخبار: ص: ۱۰۸ ح: ۱)



و مثل آنچه در مورد عالم ارواح گفته شد در عالم ذرّ نیز - پس از اینکه خداوند ارواح را در اجسام بسیار ریزی قرار داد - در سه مرحله امتحانات مذکور از خلایق گرفته شد^{۷۸} و در تمامی این مراحل من به امام عصر خویش - که به من این عنایت را نمود و این یاری را رساند که بتوانم توحید، نبوت و ولایت را قلباً پذیرفته و بر زبان ﴿قَالُوا بَلَىٰ﴾^{۷۹} را جاری کنم و این سعادت شامل حال همچون منی قرار گرفت که جزء شیعیان عصر او قرار بگیرم - مدیون و بدهکار هستم و قطره‌ای از دریای این عنایات را هم نمی‌توانم شکرگزاری نمایم، و چگونه می‌شود شکر این نعمت را بجای آورد! و حال اینکه توفیق شکرگزاری - که رزقی است معنوی - نیز از جانب ایشان باید به من عطا شود.

(۷۸) حدیث: امام صادق علیه السلام فرمودند: خداوند ذریه‌ی آدم را تا روز قیامت از صلب او خارج نمود، پس به صورت ذرات ریزی خارج شدند و خداوند خود را به آنها معرفی نمود، و اگر این معرفی نمی‌بود هیچکس خدایش را نمی‌شناخت! سپس فرمود: «آیا من پروردگار شما نیستم؟» گفتند: چرا، گفت: پس این محمد صلی الله علیه و آله نیز بنده و رسول من، و علی - که امیر بر مؤمنین است - خلیفه و امین من می‌باشد. (بصائر الدرجات: ص: ۹۱ ح: ۸)

حدیث: ۲: امیر المؤمنین علیه السلام فرمودند: من عهد گیرنده از ارواح در گذشته‌ی دور می‌باشم، من فریاد: «آیا من پروردگار شما نیستم» را از جانب خدای پایدار ازلی سر دادم، من کلمه‌ی سخنگوی خدا در میان خلقش می‌باشم، من عهد گیرنده از همه‌ی مخلوقات می‌باشم. (مشارق انوار الیقین: ص: ۲۶۰)

حدیث: ۳: امام باقر علیه السلام فرمودند: خداوند متعال در حالی از شیعیان ما پیمان بر ولایت را گرفت، که مانند ذرات بسیار ریزی بودند، همان روزی که از ذره‌ها پیمان گرفت، و نیز به ربوبیت خود و نبوت محمد صلی الله علیه و آله اقرار گرفت. (کافی: ج: ۱ ص: ۴۳۶ ح: ۱)

(۷۹) سوره‌ی اعراف: آیه: ۱۷۲.



خدایا! تو را شکر می‌کنم که من را در آن عوالم مورد عنایت مولا و امام عصر خویش حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف قرار دادی، و اذن دادی که محبت خویش را در دل من بیافکند و من را جزء شیعیان و موالیان خود بپذیرد. خدایا! در این عالم نیز لحظه به لحظه مرا مورد عنایات خاصه‌ی ولایت قرار ده و توفیق شکر گزاری از این نعمت عظمی را به من عطا فرما، و لحظه به لحظه مرا به حضرتش نزدیک نموده و ارتباطم را با ایشان بیشتر فرما تا جایی که لحظه‌ای از یاد وی غافل نبوده و او را فراموش نکنم و همیشه و در همه حال خدمتگزار آستان مقدّسش، باشم.



فصل نهم

ولادت من:

به عنایت خاصّ امام عصر علیه السلام از مادری متولد شده‌ام که محبت مولایم سرمایه‌ی زندگی‌اش بود و از ابتدا آموزگار عشق و محبت ایشان به من بوده است؛ و همانا دلبستگی و محبت فراوان من به اهل بیت علیهم السلام و بغض و کینه‌ام نسبت به دشمنانشان نشانه‌ی بارزی از صفا و پاک‌دامنیش می‌باشد.^{۸۰}

در حالیکه هنوز چهار ماه از استقرار من در رحم مادرم نگذشته بود، ملائکه‌ی الهی به اذن و امر امام عصر علیه السلام،^{۸۱} روحم را در کالبد جسم نهاده

(۸۰) حدیث ۱: امام باقر علیه السلام فرمودند: شخصی که شب را به بامداد رساند و نسیم محبت ما را بر قلب خود احساس نماید، پس باید خدا را بر سر آغاز نعمتها سپاسگزاری نماید. عرض شد: سرآغاز نعمتها چیست؟ فرمودند: حلال زادگی. (علل الشرائع: ج: ۱ ص: ۱۴۱ ح: ۲)

حدیث ۲: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: ای علی! هر که من و تو را و امامان از اولاد تو را دوست دارد خدا را بر حلال زادگی خویش حمد کند؛ زیرا دوست ندارد ما را مگر حلال زاده و دشمن ندارد ما را مگر حرام زاده. (علل الشرائع: ج: ۱ ص: ۱۴۱ ح: ۳)

حدیث ۳: رسول خدا صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام می‌فرمودند: دشمن نمی‌دارد تو و اولاد تو (ائمه علیهم السلام) را مگر سه طائفه: زنا زادگان، منافق، و کسی که مادرش در حال حیض به او حامله شده. (علل الشرائع: ج: ۱ ص: ۱۴۲ ح: ۶)

(۸۱) حدیث ۱: امام موسی کاظم علیه السلام فرمودند: هیچ ملکی نیست که خداوند او را برای اجرای فرمانی به زمین ارسال نماید مگر اینکه ابتدا نزد امام رفته و آن امر را به ایشان عرضه می‌دارد. (بصائر الدرجات: ص: ۱۱۵ ح: ۲۲)

حدیث ۲: امیر المؤمنین علیه السلام فرمودند: من حجّت خدا بر اهل آسمان ها و زمین هستم، و هیچ ملکی در آسمان بدون اذن من قدمی از قدم بر نمی‌دارد. (مشارق انوار الیقین: ص: ۳۴۳)



و بین آن دو ارتباط برقرار نمودند و من، من شدم.^{۸۲}
از زمانی که متولد شدم و به دنیا پا نهادم، ایشان را دیده و با دیدنشان
مسرور می‌گشتم، و هرگاه از دیدگانم کنار می‌رفتند، گریه می‌کردم،^{۸۳} و مادرم

(۸۲) حدیث: امام باقر علیه السلام فرمودند: زمانی که خداوند متعال اراده نماید نطفه‌ای را - که از او در پشت آدم پیمان گرفته است - بیافریند و او را در رحم قرار دهد، مرد را به نزدیکی وا می‌دارد و به رحم الهام می‌کند که گشوده شو تا آفریده و فرمان و تقدیرم را در تو بنهم، پس رحم باز شده و نطفه در آن جای می‌گیرد، و چهل روز در آنجا باقی می‌ماند، و چهل روز نیز به صورت علقه بوده، و چهل روز هم به صورت مُضغَه‌ای (گوشت جویده شده) می‌باشد، و آنگاه تبدیل به گوشتی با رگهای پیچیده می‌شود، و سپس خداوند دو فرشته‌ی آفریننده را می‌فرستد که هرچه اراده نموده است را در رحم بسازند، پس آن دو از دهان زن به سمت شکم او پائین آمده و خود را به رحمی - که در آن روح دیرین است و از پشت مردان و رحم زنان نقل شده - رسانیده، و در آن به فرمان خدای تعالی روح زندگی و ماندن را می‌دمند، و گوش و چشم و همه‌ی اندام او و هرچه در شکم است را می‌سازند، سپس خداوند به آن دو فرشته وحی می‌کند که بنویسید بر او قضا و قدر و امر نافذ مرا، و شرط کنید برایم بداء و تغییر در آنچه را که می‌نویسید.

پس آن دو فرشته می‌گویند: پروردگارا! چه بنویسیم؟ خداوند عز وجل به آنها وحی می‌کند که به پیشانی مادرش بنگرید، پس ناگاه لوحی بر پیشانی مادر مشاهده می‌نمایند که در آن صورت و عمر و پیمان، و اینکه شقی است یا سعید و همه‌ی صفات آن مولود دیده می‌شود. (کافی: ج ۶ ص: ۱۳ ح: ۴)

(۸۳) حدیث: مُفضَّل بن عَمْرٍو می‌گوید: از امام صادق علیه السلام درباره‌ی طفلی که بدون تعجب از چیزی (و یا دیدن امر خنده داری) می‌خندد و یا بدون داشتن درد (و یا امر گریه آوری) می‌گرید سؤال نمودم. پس حضرت فرمودند: ای مُفضَّل! هیچ طفلی نیست مگر اینکه امام زمان خویش را می‌بیند و با او مناجات می‌کند، پس زمانی که امام از او غایب می‌شود گریه، و زمانی که با اوست می‌خندد، و این حالت تا زمانی



با اینکه گرسنه نبودم و هیچ امر دیگری که موجب گریه کردن من شود در بین نبود، گمان می‌کرد که من گرسنه‌ام و یا به علت خاصی گریه می‌کنم، و سعی می‌کرد که به هر صورتی مرا ساکت کند و حال اینکه چیزی جز فراق یار باعث گریه‌ی من نبود.

ای کاش! و ای کاش! همان حالت در من ادامه پیدا می‌کرد و من برای همیشه چشم در چشمان ایشان می‌افتاد، و چهره‌ی نازنینشان را مشاهده می‌کردم؛ ولی اکنون نیز ناراحت نیستم، چرا که ایشان همیشه با من و به یاد من هستند، و مرا می‌بینند و از حال و روز من آگاه‌اند،^{۸۴} و من هرگاه بخواهم، بدون هیچ واسطه‌ای با ایشان سخن گفته و درد دل می‌نمایم، - همچنان که در کودکی قبل از اینکه به سخن درآیم چنین بودم -، و آنس می‌گیرم و حاجاتم را برای ایشان بیان می‌کنم، و می‌خواهم که آنها را برآورده کند و مرا به خود وا نگذارد.

چقدر جمله‌ی مولایم، امام زمانم، هستی‌ام، برای من آرامش بخش است که فرمودند: «إِنَّا غَيْرُ مُهْمَلِينَ لِمُرَاعَاتِكُمْ وَلَا نَاسِينَ لِذِكْرِكُمْ»^{۸۵} یعنی: «ما از مراعات حال شما غفلت نکرده و یاد و توجه به شما را فراموش نمی‌کنیم».

است که آن طفل زبان گشوده و به سخن آید، پس در این هنگام است که دیگر امام را ندیده و آنچه را هم که دیده است فراموش می‌کند. (علل الشرائع: ج: ۲، ص: ۵۸۴ ح: ۲۸)

(۸۴) حدیث: امام زمان علیه السلام در توقیعی فرمودند: ما بر اخبار و احوال شما احاطه داشته و از آنها مطلع هستیم و چیزی از اخبار شما بر ما پوشیده نیست. (مزار مفید: ص: ۷)

حدیث: ۲: و در توقیعی دیگر امام علیه السلام فرمودند: ما در مراعات و خبر گیری از حال شما کوتاهی نمی‌کنیم و یاد شما را فراموش نمی‌نمائیم. (احتجاج: ج: ۲، ص: ۳۲۲)

(۸۵) احتجاج: ج: ۲، ص: ۳۲۲.



جانم فدای شما مولای غربیی که - هر صبح و شام، در مصیبت جدّتان ابا عبد الله الحسین علیه السلام گریه می‌کنی^{۸۶} و - این چنین به فکر من هستی، و اگر من از یاد شما غافل شده فراموشتان کنم، شما هرگز مرا فراموش نکرده و از یاد من غافل نمی‌شوید.

صبح و شام همه گریه است ز هجرت که بیب
تو به صبح و شام خود گریه چه را چنین کنی
گریه بر عاشق دیوانه بزیب نه به معشوق
تو که معشوق شفقتی بزیب که چنین گریه کنی



(۸۶) حدیث: در زیارت ناحیه‌ی امام زمان علیه السلام خطاب به امام حسین علیه السلام آمده است: اگر زمانه مرا به تأخیر انداخت و نتوانستم تو را یاری نمایم و با دشمنانت دشمنی و جنگ نمایم، پس در ازای آن هر صبح و شام با صدای بلند گریه می‌کنم و گاهی به جای اشک خون می‌گیریم! و این همه به خاطر حسرت بر تو و تأسّف و اندوه بر آن مصیبتی است که بر سر تو آمده، و این گریه و افغان تا زمانی که از سوز و شدّت مصیبت و غصّه‌ی فراوان بمیرم ادامه دارد. (مزار مشهدی: ص: ۴۸۵)

فصل چهارم

دور از کودکان من:

در اوائل که حتی توان دور کردن پشه‌ای را از خود نداشتیم، بلاهای بسیار زیاد و مختلفی که هرکدام به تنهایی برای از پای درآوردن من کافی بود از من دور شد، اما توسط چه کسی؟

ملائکهای که من را در این دوران و بعد از آن محافظت می‌نمودند^{۸۷} از چه کسی دستور می‌گرفتند؟

بارها و بارها تا پای مرگ پیش رفتم و اگر عنایات ایشان نبود برای همیشه از این جهان رخت بر بسته بودم. به عنایت و توجه آن حضرت بود که دل خیلی‌ها به من مهربان گردید تا به فکر من بوده و مرا کمک کنند تا روی پای خود بایستم.

آری! تمامی نعمت‌ها، رزق و روزی‌ها، منافع، برکات و رحمت‌ها، از ناحیه‌ی امام عصر علیه السلام و به خاطر ایشان به دست من رسیده و می‌رسد؛^{۸۸} و

(۸۷) حدیث: امام صادق علیه السلام فرمودند: هیچ بنده‌ای نیست مگر اینکه دو ملک او را محافظت می‌کنند، پس زمانی که قرار باشد مؤاخذه شده و به بلا و گرفتاری دچار شود او را ترک می‌کنند. (تفسیر عیاشی: ج: ۲ ص: ۲۰۵ ح: ۱۶)

(۸۸) حدیث: امام باقر علیه السلام فرمودند: خداوند به خاطر اهل بیت به بندگان روزی می‌دهد و به خاطر ایشان سرزمین‌ها را آباد می‌کند، و به خاطر ایشان برکات را از زمین خارج می‌کند. (کمال الدین: ص: ۲۶۰ ح: ۵)

حدیث: امام صادق علیه السلام فرمودند: خداوند به سبب ما درختان را میوه‌دار، و میوه‌ها را رسیده و قابل استفاده می‌نماید، و به خاطر ما باران را نازل و زمین‌ها را سبز می‌گرداند. (کافی: ج: ۱ ص: ۱۴۴ ح: ۵)



تمامی نعمت‌ها، بلاها، هلاکت‌ها، غم و غصّه‌ها، مرضها و بیماری‌ها، وساوس شیطانی و نابسامانی‌های روزگار، به خاطر آن حضرت از من دور و دفع شده و می‌شوند.^{۸۹}



(۸۹) حدیث ۱: امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف فرمودند: به خاطر من خداوند بلاها را از اهل من و شیعیانم دفع می‌کند. (کمال الدین: ص: ۴۴۱ ح: ۱۲)

حدیث ۲: امام باقر عجل الله تعالی فرجه الشریف فرمودند: خداوند می‌فرماید: آنها (ائمه علیهم السلام) حقیقتاً اولیای من هستند، به خاطر ایشان هر فتنه‌ی کور ظلمانی را دفع می‌کنم و به خاطر ایشان زلزله‌ها را برطرف می‌سازم، و به خاطر ایشان گناهان و غلّ و غش‌ها را می‌زدایم. (امامت و تبصرت: ص: ۱۰۳ ح: ۹۲)

حدیث ۳: در زیارت جامعه‌ی کبیره آمده است: به خاطر شما (اهل بیت علیهم السلام) خداوند ذلّت و خواری را از ما دور نمود، و چرکهای غم و اندوه را از صورتهایمان پاک کرد، و ما را از قرار گرفتن در پرتگاههای هلاکت و آتش عذاب نجات داد. (من لا یحضره الفقیه: ج: ۲ ص: ۶۰۹)

فصل اول

رزق و روزی من:

برای اینکه بیشتر به نقش امام زمان علیه السلام در رابطه با رزق و روزی خود پی ببرم باید بدانم که رزق، معنای عامی دارد و منحصر به غذای جسم نیست؛ بلکه شامل غذای روح نیز می‌شود. و نیز منحصر به غذا که عامل رشد جسم است نمی‌باشد؛ بلکه مراد، هر چیزی است که نعمت محسوب شده و خیر و برکت آن به من برسد.

بنابراین ولایت امیرالمؤمنین و اولاد طاهرینش علیهم السلام، و خدمت و یاری ایشان و دوستارانشان، گریه کردن بر مصیبت ایشان، شرکت در مجالس سرور و عزای آنان، توجه و انس به امام زمان علیه السلام، دعا کردن برای وجود مقدّسش، توفیق بر عبادت و بندگی، عافیت، فکر سالم، فرزند صالح، همسر ایده آل، پدر و مادر مهربان، استاد دلسوز، رفیق خوب، موقعیت اجتماعی، علم و دانش، آبرو و شخصیت، اخلاق نیکو، احترام به والدین، و دیگر مواردی که با کمی تأمل می‌شود آنها را ذکر نمود، همگی جزء نعمتها می‌باشند.

پس رزق منحصر به غذاهای رنگارنگ، میوه‌های مختلف، لباس‌های گوناگون، خانه، ماشین و سایر امکانات رفاهی نمی‌باشد؛ بنابراین وقتی سخن از رزق به میان می‌آید نباید گمان کنیم که منظور چیزهایی است که شکم را سیر کرده و بدن را می‌پوشاند.

حال می‌گوئیم که این رزقی - که از لحاظ کمیّت و کیفیت - برای اشخاص مختلف متفاوت است و در اعصار مختلف شکلهای مختلفی به خود می‌گیرد:



اولاً: همگی به خاطر وجود امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف خلق شده^{۹۰} و به یمن و برکت وجود آن حضرت به موجودات عالم عطا می گردد.^{۹۱}

ثانیاً: همه‌ی آنها ملک ایشان بوده و تحت تصرف آن حضرت می باشد؛ بنابراین صاحب اختیار آنها - در عصر ما به اذن الهی - کسی نیست جز امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف.^{۹۲}

ثالثاً: هدف از خلقت این ارزاق، این بوده است که اینها وسیله‌ای باشند در جهت شناخت، توجه، ارتباط و در نهایت اطاعت از امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، که مساوی است با شناخت، توجه، ارتباط و اطاعت از پروردگار عالم.^{۹۳}

رابعاً: ملک مأمور رزق؛ یعنی جناب میکائیل و سایر ملائکه‌ای که زیر

(۹۰) حدیث ۱: امام صادق عجل الله تعالی فرجه الشریف فرمودند: خداوند متعال فرموده است: من دنیا و آخرت را به خاطر ائمه‌ی معصومین خلق نمودم. (مشارق انوار الیقین: ص: ۲۳۶)

حدیث ۲: امام باقر عجل الله تعالی فرجه الشریف فرمودند: اگر ما نبودیم خداوند آسمان و زمین و بهشت و جهنم و خورشید و ماه و جن و انس را خلق نمی کرد. (عیون المعجزات: ص: ۶۹)

(۹۱) حدیث ۱: امام باقر عجل الله تعالی فرجه الشریف فرمودند: به خاطر ما اهل بیت رحمت نازل می شود. (بصائر الدرجات: ص: ۸۲ ج: ۱۰)

حدیث ۲: امیر المؤمنین عجل الله تعالی فرجه الشریف فرمودند: به خاطر شما اهل بیت خداوند به بندگان روزی می دهد، و به خاطر شما باران از آسمان نازل می شود و به خاطر شما زمین برکاتش را خارج می کند. (اعلام الوری: ج: ۲ ص: ۱۸۴)

(۹۲) حدیث ۱: امام صادق عجل الله تعالی فرجه الشریف فرمودند: دنیا و آنچه در آن است از آن خدای تبارک و تعالی و رسول گرامیش و ما اهل بیت می باشد. (کافی: ج: ۱ ص: ۴۰۸ ج: ۲)

حدیث ۲: امام صادق عجل الله تعالی فرجه الشریف فرمودند: همانا زمین و هر آنچه بر روی آن است از آن خدا و رسول گرامیش و ما اهل بیت می باشد. (ثاقب: ص: ۴۱۷ ج: ۲)

(۹۳) حدیث: امام رضا عجل الله تعالی فرجه الشریف فرمودند: هرکس اهل بیت را بشناسد خدا را شناخته است، و هرکس جاهل به ایشان باشد خدا را شناخته است. (کافی: ج: ۴ ص: ۵۷۸ ج: ۲)



نظر این فرشته‌ی عظیم الشان مشغول انجام وظیفه هستند، از امام عصر خویش دستور گرفته و طبق اوامر آن حضرت عمل می‌کنند.^{۹۴}

خامساً: هیچ مخلوقی از ارتباط رزق و روزی خویش با آن حضرت محروم نیست، چرا که امام عصر ع فقط امام بر ما انسان‌ها نیستند؛ بلکه همانطور که سابقاً گفتیم همه‌ی مخلوقات عالم، امام زمان دارند.

بنابراین میوه‌ای که تناول می‌کنیم، درختی که این میوه را داده است، آبی که درخت از آن آبیاری شده است، خورشیدی که بر آن تابیده است و اکسیژنی که مصرف نموده است، بارانی که باریده است، دریا‌هایی که باران به آن ریخته است، زمینی که دریاها بر آن مستقرند، آسمان‌هایی که بر زمین محیط‌اند، کرسی که بر آسمان‌ها احاطه دارد و عرشی که فوق همه‌ی این‌هاست،^{۹۵} با

(۹۴) حدیث: امام موسی کاظم ع فرمودند: هیچ ملکی نیست که خداوند او را برای اجرای فرمانی به زمین ارسال نماید مگر اینکه ابتدا نزد امام رفته و آن امر را به ایشان عرضه می‌دارد، و به درستی که محل رفت و آمد ملائکه‌ی الهی به سوی صاحب این امر است. (بصائر الدرجات: ص: ۱۱۵ ح: ۲۲)

حدیث ۲: امیر المؤمنین ع فرمودند: من حجّت خدا بر اهل آسمان‌ها و زمین هستم، و هیچ ملکی در آسمان بدون اذن من قدمی از قدم بر نمی‌دارد. (مشارق انوار الیقین: ص: ۳۴۳)

حدیث ۳: امیر المؤمنین ع فرمودند: قسم به آن خدائی که آسمان را بدون پایه و ستون بالا برده است، اگر ملکی از ملائکه، قصد جابجائی - به اندازه‌ی نفسی - از مکانی به مکان دیگر را داشته باشد هرگز بدون اذن من نمی‌تواند چنین کند، و این امر برای فرزندان حسن و حسین و فرزندان از نسل او که نهمین ایشان قیام‌کننده آنهاست نیز می‌باشد. (بحار الانوار: ج ۲۷ ص: ۳۶)

(۹۵) حدیث: رسول خدا ص فرمودند: آسمانهای هفتگانه نسبت به کرسی همانند حلقه‌ای کوچک در بیابانی وسیع می‌باشند، و اما عظمت و بزرگی عرش نسبت به کرسی



تمامی موجوداتی که در آن زندگی می‌کنند، همگی امام دارند، و امام آنها کسی نیست جز حجّت بن الحسن العسکری (روحی و ارواح العالمین لتراب مقدمه الفداء)^{۹۶}، و هر شیئی که در عالم، امام دارد، حرکت، وجود، خاصیت و اثر او بی اذن امام و حجّت خدا امری است غیر ممکن.

چگونه چنین نباشد و حال اینکه بر همگی آنها ملائکه‌ای مأمورند، که بی اذن امام خویش، قدم از قدم برنداشته و کاری را انجام نمی‌دهند.^{۹۷} آری! بر تک تک قطرات باران، برگ های درختان و... ملائکه‌ی الهی مأمورند^{۹۸} و همه‌ی آنها جز در جهت خواست و اراده‌ی امام خویش حرکتی نمی‌کنند.

همانند عظمت و بزرگی آن بیابان نسبت به حلقه است. (معانی الأخبار: ص: ۵۲۳: ح: ۱۳) (۹۶) حدیث: در زیارت امام عصر ع می‌خوانیم: سلام بر تو ای حجّت خدا بر زمینیان و آسمانیان، شهادت می‌دهم که به حقیقت تو حجّت خدا بر گذشتگان و آیندگان هستی. (مزار شهدی: ص: ۵۸۷)

حدیث ۲: امام سجاد ع فرمودند: ما اهل بیت حجّت های خداوند بر عالمیان هستیم. (روضه الواعظین: ص: ۱۹۹)

(۹۷) حدیث: امیر المؤمنین ع فرمودند: من حجّت خدا بر اهل آسمان ها و زمین هستم، و هیچ مَلکی در آسمان بدون اذن من قدمی از قدم بر نمی‌دارد. (مشارق انوار الیقین: ص: ۳۴۳)

(۹۸) حدیث: امام باقر ع فرمودند: به درستی که برای خداوند ملائکه‌ای است که مأمورند بر درختان و نخلها، پس هیچ درخت و نخلی نیست مگر اینکه با او مَلکی است از جانب خدای متعال که آن درخت و نخل و آنچه از برگ‌ها و میوه‌ها در آن است را حفظ می‌کنند، و اگر این ملائکه نبودند حیوانات و حشرات میوه‌ای را باقی نمی‌گذاشتند، و به همین جهت است که رسول خدا ص نهی فرمودند از اینکه مسلمانی زیر درخت یا نخل میوه داری ادرار و مدفوع کند چرا که ملائکه‌ی موکل بر آن درخت در آنجا حاضر هستند، و اینکه درخت و نخل میوه دار به



بنابراین رزق من - که احتیاج دائمی به آن دارم و شامل عمر کوتاهم نیز می‌شود - ارتباطی عمیق و پیوسته با امام زمان من دارد، و چقدر جای تأسف است که من با همه‌ی نیاز و احتیاجی که به آن حضرت دارم، نتوانسته‌ام آنطور که شایسته است خدمتی به آن امام مهربان‌تر از مادر، صمیمی‌تر از پدر و دلسوزتر از من به خودم، بنمایم!^{۹۹}



عنوان انیس انسانها شمرده شده‌اند نیز بدین خاطر است که ملائکه‌ی موکل بر آنها در آنجا حضور دارند. (علل الشرائع؛ ج: ۱ ص: ۲۷۶ ح: ۱)

حدیث ۲: امیر المؤمنین علیه السلام فرمودند: هیچ قطره بارانی نمی‌بارد مگر اینکه ملکی همراه آن است و آن قطره را در جای تعیین شده فرود می‌آورد. (علل الشرائع؛ ج: ۲ ص: ۴۶۳)

(۹۹) حدیث ۱: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: امام همچون پدری مهربان می‌باشد. (کافی؛ ج: ۱ ص: ۴۰۷ ح: ۸)

حدیث ۲: امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند: به خدا قسم ما اهل بیت از خود شما به شما مهربان‌تر هستیم. (بصائر الدرجات؛ ص: ۲۸۵ ح: ۱۵)

حدیث ۳: امام رضا علیه السلام فرمودند: امام مونس‌ی رفیق، پدری دلسوز، و برادری تنی، و همچون مادری نیکوکار به فرزند کوچک خویش می‌باشد. (کافی؛ ج: ۱ ص: ۲۰۰ ح: ۱)

حدیث ۴: امام رضا علیه السلام فرمودند: همانا امام نسبت به شیعیان خویش از پدران و مادران دلسوزتر است. (خصال؛ ص: ۵۲۷ ح: ۱)

فصل دوم

مذرات من:

این موضوع چندان نیاز به توضیح ندارد؛ زیرا که دوست و دشمن^{۱۰۰} همه می‌دانند که ملائکه و روح القدس در شب قدر بر امام زمان من نازل

(۱۰۰) حدیث: امیر المؤمنین علیه السلام فرمودند: هیچگاه تیمی و عدوی (ابو بکر و عمر) خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله نبودند و آن حضرت سوره‌ی «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ» را با خشوع و گریه تلاوت نمی‌کردند جز اینکه آن دو ملعون می‌گفتند: برای این سوره چه سخت دلت نازک است؟

رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرمودند: برای آن چیزی است که به چشم خود دیده و به دل خود فهمیده‌ام، و برای آن است که دل این مرد (یعنی علی علیه السلام) بعد از من خواهد دریافت، آن دو می‌گفتند: شما چه دیده‌اید و او چه خواهد دید؟ حضرت در ازای جواب، روی خاک برای آنها این آیه: «تَنْزَلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ» را نقش کرده و می‌فرمودند: پس از فرموده‌ی خداوند که می‌گوید: «هر امری» آیا چیز دیگری باقی می‌ماند؟ آن دو می‌گفتند: نه، پس می‌فرمودند: می‌دانید به چه کسی هر امری را نازل می‌کنند؟

می‌گفتند: ای رسول خدا! به شما، می‌فرمودند: آری! درست است. ولی آیا شب قدر بعد از من هست یا نه؟ آن دو می‌گفتند: آری!

پس پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرمودند: آیا این امر در آن شب نیز نازل می‌شود؟ می‌گفتند: آری! می‌فرمودند: بر چه کسی؟ آن دو می‌گفتند: ما نمی‌دانیم، پس سر مرا در آغوش گرفته و می‌فرمودند: اگر نمی‌دانید، بدانید: آن کس بعد از من این مرد است.

و به راستی مطلب این است که آن دو نفر این شب را بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله از شدت هراسی که به دل آنها می‌افتاد می‌شناختند. (کافی: ج ۱، ص: ۲۴۹، ح: ۵)



شده^{۱۰۱} و تقدیرات یک ساله‌ی من، باید به امضای ایشان برسد؛^{۱۰۲} زیرا تنها کسی که قدرت تصرف در مقدرات و تغییر و تبدیل آنها را دارد شخص ایشان است.^{۱۰۳}

ولی با این وجود دشمنان اهل بیت علیهم السلام حاضر به پذیرفتن و قبول چنین مطلبی نیستند، می‌دانید چرا؟

چون در این صورت تمام امامانی که تا به حال برای خود تراشیده‌اند همگی زیر سؤال رفته و از اعتبار ساقط می‌گردند. و در کلمات ائمه علیهم السلام نیز

(۱۰۱) حدیث: امیر المؤمنین علیه السلام فرمودند: همانا در شب قدر امور یک سال، معین می‌شود و برای اجرای این مسأله مجریانی بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌باشند، پس شخصی سؤال نمود: آنان چه کسانی هستند؟ حضرت فرمودند: من و یازده نفر از فرزندانم که از صلب من می‌باشند و آنان امامانی هستند که ملائکه با ایشان سخن می‌گویند. (کافی: ج: ۱، ص: ۲۴۷، ح: ۲)

حدیث: امام باقر علیه السلام فرمودند: شب قدر بر ما اهل بیت مخفی نیست؛ چرا که در آن شب، ملائکه به دور ما طواف می‌کنند. (تفسیر قمی: ج: ۲، ص: ۲۹۰)

(۱۰۲) حدیث: امام باقر علیه السلام فرمودند: ملائکه‌ی الهی و روح القدس در شب قدر احکام و اموری را که قرار است در طول سال رخ دهد برای امام بازگو می‌کنند، پس شخصی سؤال کرد: مگر امام از آن احکام و امور بی‌خبر است؟ حضرت فرمودند: خیر، بلکه از آنها مطلع است، ولی در شبهای قدر از طرف خدا به پیغمبر صلی الله علیه و آله و اوصیای او نسبت به آنچه می‌دانند دستور می‌آید که آنچه را می‌دانند اجرا و عمل نمایند. (کافی: ج: ۱، ص: ۲۵۲، ح: ۸)

(۱۰۳) حدیث: امام محمد باقر علیه السلام فرمودند: به درستی که خداوند ما اهل بیت را بر آنچه بخواهیم توانا نموده است. (بصائر الدرجات: ص: ۳۹۵، ح: ۵)

حدیث: امام صادق علیه السلام فرمودند: اهل بیت علیهم السلام جایگاه قدرت و مشیت خدای عزوجل می‌باشند. (مشارق انوار الیقین: ص: ۱۷۹)



آمده است که در مقام احتجاج با دشمن از آنان پرسید که آیا شب قدر، بعد از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز بوده است یا خیر؟ اگر بگویند: نه، که تکذیب قرآن نموده‌اند که می‌گوید: ﴿تَنْزَلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ﴾^{۱۰۴}؛ یعنی: «پیوسته در شب قدر ملائکه به اذن پروردگارشان نازل می‌شوند»، و اگر بگویند: آری، - که چنین خواهند گفت - از آنان پرسید که بر چه کسی نازل می‌شوند؟ در این جااست که جوابی نداشته و عاجز می‌شوند.^{۱۰۵}

به درستی که شب قدر که به گفته‌ی خداوند در قرآن کریم برتر از هزار شب است، برای من شب بسیار مهم و سرنوشت سازی است.^{۱۰۶}

و چقدر من به وجود نازنین امام عصر علیه السلام در این شب نیازمندم و این نیاز را با همه‌ی وجودم حس می‌کنم. در این شب یکسره با مولایم نجوا نموده و تمام توجه‌ام به اوست و عاجزانه از او می‌خواهم که مرا هم مورد عنایت و توجه خاص خود قرار داده و سرنوشتی پُر از خیر و خوبی، همراه با عافیت جسم و روح برایم رقم بزند.

حالا که کمی با خود می‌اندیشم می‌بینم:

آقا و مولایم!

صاحبم!

امام زمانم!

(۱۰۴) سوره‌ی قدر: آیه: ۴.

(۱۰۵) کافی ج: ۱ ص: ۲۴۵ ح: ۱.

(۱۰۶) حدیث: امام صادق علیه السلام فرمودند: همانا در شب قدر ارزاق تقسیم شده و اجل‌ها نوشته می‌شوند و نیز مشخص می‌شود که چه کسانی باید به حج بروند، و در این شب هر عملی برتر از انجام آن عمل در هزار ماه است. (کافی: ج: ۴ ص: ۶۶ ح: ۲)



محبوب تر از جانم! ^{۱۰۷}
 مهربان تر از مادرم! ^{۱۰۸}
 نزدیک تر از سفیدی به سیاهی چشمم!
 دار و ندارم!
 روح و روانم!
 تکیه گاهم! ^{۱۰۹}
 تنها خریدارم!
 خورشید زندگیم!
 آسایش خاطر من! ^{۱۱۰}

(۱۰۷) حدیث: امام صادق علیه السلام در مورد گفتار خدای عزوجل: «فقط ولی و سرپرست شما خدا و رسول او و کسانی که ایمان آورده اند می باشند» فرمودند: مراد از «ولایت» در این آیه آن است که امیر المؤمنین علیه السلام و امامان از اولاد او تا روز قیامت بر مردم و جانهایشان و مالهایشان و تمامی امورشان صاحب اختیار و اولی به تصرف می باشند. (کافی: ج: ۱ ص: ۲۸۸ ح: ۳)

(۱۰۸) حدیث: امام رضا علیه السلام فرمودند: امام نسبت به شیعیان خویش از پدران و مادران مهربان تر و دلسوزتر است. (خصال: ص: ۵۲۷ ح: ۱)

حدیث: امام رضا علیه السلام فرمودند: همانا امام از مادر نیکوکار نسبت به فرزند کوچکش مهربان تر است. (کافی: ج: ۱ ص: ۲۰۰ ح: ۱)

حدیث: امام صادق علیه السلام فرمودند: قلبهای ما اهل بیت نیز نسبت به شیعیانمان همانند قلبهای پدران و مادران نسبت به فرزندان خویش طالب و مایل است. (بحار الانوار: ج: ۶۴ ص: ۱۲۶ ح: ۲۷)

(۱۰۹) حدیث: امام باقر علیه السلام فرمودند: اهل بیت علیهم السلام محلی امن برای پناهنده شدن و تکیه کردن هستند، و هرکس به ایشان متمسک شود در امان خواهد بود. (یقین: ص: ۳۱۸)

(۱۱۰) حدیث: امام جعفر صادق علیه السلام در مورد این آیه: «آن کسانی که ایمان آورده اند و قلبهایشان به یاد خدا مطمئن گردید» فرمودند: منظور از ایمان آورندگان: شیعیان، و



سرمایه‌ام!

مهجه‌ی قلبم!

امیدم!

آرزویم! ^{۱۱۱}

و همه‌ی هستی‌ام! نه تنها در آن شب، بلکه در همه‌ی اوقات اداره کننده‌ی عالم است، و من دائماً به ایشان نیازمندم و لحظه‌ای نمی‌توانم بدون آن حضرت به حیات خویش ادامه دهم؛ ولی با این وجود با غفلت از آن مولا، روزگار خویش را گذرانده و زندگی را منهای ایشان معنا نموده‌ام، در حالی که لحظه به لحظه‌ی زندگی من مرتبط با آن حضرت بوده و داشته‌های من از جانب ایشان و به خاطر ایشان ^{۱۱۲} و به امر ایشان به من رسیده است. ^{۱۱۳}

منظور از ذکر خدا: امیر المؤمنین و ائمه علیهم السلام می‌باشند. (تفسیر قمی: ج: ۱، ص: ۳۶۵)

(۱۱۱) حدیث: در زیارت آل یاسین می‌خوانیم: سلام بر تو ای امامی که در همه‌ی امور مقدمی و آرزوی تو برده می‌شود. (بحار الانوار: ج: ۹۱، ص: ۳۶، ح: ۲۳)

(۱۱۲) حدیث: امام باقر علیه السلام فرمودند: خداوند به خاطر اهل بیت علیهم السلام به بندگان روزی می‌دهد، و به خاطر ایشان سرزمین‌ها را آباد می‌کند، و به خاطر ایشان باران را نازل می‌کند، و به خاطر ایشان برکات زمین از آن خارج می‌شود. (کمال الدین: ص: ۲۶۰، ح: ۵)

(۱۱۳) حدیث: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: هیچ چیزی نیست مگر اینکه ملکی بر او مأمور است. (تفسیر عیاشی: ج: ۱، ص: ۱۵۳، ح: ۵۱۰)

حدیث: ۲: امیر المؤمنین علیه السلام فرمودند: من حجّت خدا بر اهل آسمان‌ها و زمین هستم، و هیچ ملکی در آسمان بدون اذن من قدمی از قدم بر نمی‌دارد. (مشارق انوار الیقین: ص: ۳۴۳)



فصل نهم

اعمال سفر:

آنچه لازم است من نسبت به ارتباط اعمال و رفتار خویش، با امام زمانم بدانم، به طور خلاصه آن است که:

اولاً: امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف از اعمال و رفتار و کردار من در گذشته، حال و آینده با خبر بوده، و هیچ چیزی از آنها بر او مخفی نیست، و هیچ کدام را فراموش ننموده و بسیار بهتر و دقیق تر از من، از آنها مطلع است، و بر همه‌ی آنها در آن واحد احاطه داشته و همه‌ی آنها را با هم می‌نگرد،^{۱۱۴} و این علم و آگاهی را خداوند متعال به حجّت و خلیفه‌ی خویش، که امر هدایت خلق را به عهده او سپرده، عطا نموده است.^{۱۱۵}

ثانیاً: علاوه بر آن، هفته‌ای دو مرتبه ملائکه‌ی الهی، اعمال مرا به طور رسمی و با تشریفات خاصی، به خدمت آن حضرت عرضه می‌نمایند، و ایشان در این مرحله برای گناهان من استغفار می‌کنند و اگر اعمال خوبی داشته باشم، از دیدن آنها مسرور گشته و شکر الهی را بجای می‌آورند.

(۱۱۴) حدیث ۱: امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در توقیعی فرمودند: ما بر اخبار و احوال شما احاطه داشته و از آنها مطلع هستیم و چیزی از اخبار شما بر ما پوشیده نیست. (مزار مفید: ص: ۷)
حدیث ۲: امیر المؤمنین عجل الله تعالی فرجه الشریف فرمودند: امام، زمین و مخلوقات که بر روی آن هستند را می‌بیند، و چیزی از اعمال آنها بر او مخفی نیست. (هدایت کبری: ص: ۱۷۰)

(۱۱۵) حدیث ۱: امام صادق عجل الله تعالی فرجه الشریف فرمودند: ما اهل بیت، آن کسانی هستیم که خداوند مردم را به خاطر ما از گمراهی نجات می‌دهد. (تأویل الآیات: ج: ۲، ص: ۸۵۲، ح: ۸)

حدیث ۲: امام رضا عجل الله تعالی فرجه الشریف فرمودند: سلام بر شما ای راهنمایان بر هدایت. (بحار الانوار: ج:



و چقدر دردناک است آن لحظه‌ای که حضرت به اعمال زشت و ناپسند من نگریسته و به خاطر آن اندوهگین می‌شوند.^{۱۱۶}

ثالثاً: شرط قبولی همه‌ی اعمال من، معرفت و ولایت و موالات ایشان است، و بدون آن هیچ عملی از من مقبول و پذیرفته نخواهد شد،^{۱۱۷} گرچه به اندازه‌ای عبادت کنم که همچون مَشکی خشکیده، رنجور و ناتوان گردم.^{۱۱۸}

(۱۱۶) حدیث: ۱: امام صادق علیه السلام فرمودند: اعمال در هر پنجشنبه بر رسول خدا و ائمه علیهم السلام عرضه می‌شود. (بصائر الدرجات: ص: ۴۴۶ ح: ۱۶)

حدیث: ۲: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: همانا اعمال شما در هر دوشنبه و پنجشنبه بر من عرضه می‌شود، پس من بر اعمال خوب شما شکر الهی نموده و بر اعمال بدتان از خداوند طلب بخشش می‌نمایم. (بصائر الدرجات: ص: ۴۶۴ ح: ۵)

(۱۱۷) حدیث: ۱: در زیارت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌خوانیم: شهادت می‌دهم که به ولایت تو اعمال پذیرفته می‌شوند و افعال پاکیزه می‌گردند و حسنات دو چندان می‌شوند و سیئات محو می‌گردند، پس هرکس ولایت تو را بپذیرد و به امامت اعتراف نماید اعمالش پذیرفته، گفتارش تصدیق، حسناتش مضاعف و سیئاتش محو می‌شوند. و هرکس ولایت تو را نپذیرد و تو را نشناسد و دیگری را به جای تو برگزیند خداوند او را به صورت در آتش افکنده و هیچ عملی را از او نمی‌پذیرد و در روز قیامت بدون برقراری میزان اعمال و حساب رسی، او را به آتش می‌اندازد. (مزار مشهدی: ص: ۵۸۶)

حدیث: ۲: در زیارت جامعه‌ی کبیره آمده است: خداوند به واسطه‌ی موالات و دوستی شما، امور دین را به ما می‌آموزد، و اعمال واجب شده بر ما را می‌پذیرد. (من لا یحضره الفقیه: ج: ۲ ص: ۶۱۶)

(۱۱۸) حدیث: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: خدای متعال فرمود: چه بسا بنده‌ای از بندگان من به قدری مرا عبادت کند که هیکل او از شدت عبادت همچون مَشکی خشکیده گردد، سپس در قیامت در حالی مرا ملاقات کند که ولایت اهل بیت را نپذیرفته است، پس من او را هرگز در بهشت خویش اسکان نداده و در زیر سایه‌ی عرشم



رابعاً: همه‌ی اعمال من جهت پذیرفته شدن در درگاه الهی - پس از داشتن شرط ولایت - در نهایت نیز باید به امضای امام عصر علیه السلام برسند.^{۱۱۹}
 خامساً: اعمال ناقص من، به وسیله‌ی بعضی از اعمال ایشان، کامل می‌شوند.^{۱۲۰}

سادساً: فقط اعمالی نزد خداوند دارای ارزش و اعتبار است که طبق دستور و فرمایشات ایشان انجام داده‌ام. و به طور کلی - همانطور که بعداً نیز به آن اشاره خواهیم کرد - عبادی بودن اعمال من مشروط به قبول ولایت و امامت آن حضرت و اخذ از ائمه‌ی اطهار علیهم السلام و رضای آن حضرت بدان اعمال است، نه هیچ کس دیگر.^{۱۲۱}

قرار نمی‌دهم. (کمال الدین: ص: ۲۵۲، ج: ۲)

(۱۱۹) حدیث: امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند: زمانی که خداوند عز وجل اراده‌ی تحقق و اجرای امری را داشته باشد ابتدا آن را بر رسول خدا صلی الله علیه و آله سپس به امیر المؤمنین و سائر ائمه علیهم السلام، یکی پس از دیگری تا امام زمان علیه السلام عرضه می‌نماید، و پس از آن (توسط ملائکه‌ی الهی) به اهل دنیا عطا می‌شود، و نیز زمانی که ملائکه قصد بالا بردن عملی را به سوی پروردگار داشته باشند آن را به امام زمان علیه السلام عرضه داشته و آن حضرت نیز آن را به امام قبل از خود - همینطور تا رسول خدا صلی الله علیه و آله - عرضه می‌دارند، و آن حضرت نیز واسطه‌ی مستقیم به پروردگار است، پس آنچه که از جانب خدای متعال به سوی خلق پائین می‌آید و از سوی خلق به سمت او بالا می‌رود به دستان اهل بیت جاری شده و ایشان واسطه در آنند. (غیبت طوسی: ص: ۳۸۷، ج: ۳۵۱)

(۱۲۰) حدیث: امام باقر علیه السلام فرمودند: به درستی که ما اهل بیت بدین خاطر امر به نواقل شده‌ایم که نقصان و کمبودهای فرائض و واجبات شیعیانمان جبران شود. (کافی: ج: ۳، ص: ۳۶۳، ج: ۲)

(۱۲۱) حدیث: در زیارت امام زمان علیه السلام می‌خوانیم: هر کس ولایت تو را بپذیرد و معترف به امامت تو باشد اعمالش پذیرفته می‌گردد. (بحار الانوار: ج: ۹۹، ص: ۹۹)



آنچه گفتیم گوشه‌ای از ارتباط اعمال من با امام زمانم بود، و امیدوارم که آن حضرت اعمال بد مرا نادیده گرفته، و اعمال خوبم را به بزرگواری و کرم خویش بپذیرند. ^{۱۲۲}



(۱۲۲) حدیث: در زیارت جامعه‌ی کبیره آمده است: ای اولیای خدا! همانا بین من و خداوند گناहانی است که بدون رضایت شما بخشیده نمی‌شود، پس به حق آن خدائی که شما را بر اسرار خویش امین دانست، و امور خلق را به شما سپرد، و اطاعت شما را مقرون به اطاعت خود گردانید، از گناهان و لغزشهایم درگذرید و شفیعان من نزد خدای متعال باشید. (من لا یحضره الفقیه: ج: ۲ ص: ۶۰۹)

حدیث: در زیارت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الغریب می‌خوانیم: مولای من! من در این مکان جهت زیارت تو به عنوان فردی خطا کار، پشیمان و بیمناک از عقاب خداوند عالمیان ایستاده‌ام و تکیه بر شفاعت تو دارم و امیدم دارم که به سبب دوستی و شفاعت تو گناهانم بخشیده شده، عیبهایم پوشیده گردیده و لغزشهایم مورد عفو واقع شود، پس ای مولای من! امید دوستدار خویش را نا امید مفرما و از خداوند طلب بخشش لغزشهایم را بنما؛ چرا که او به ریسمان تو چنگ زده و متمسک به ولایت تو است و از دشمنانت بیزاری می‌جوید. (مزار مشهدی: ص: ۵۸۶)

فصل چهارم

معاصی و گناهان منزه:

در اینجا از آن گناهانی که ایمان، سعادت، عاقبت به خیری، محبت و ولایت را - در صورت ارتکاب - از من می‌گرفت^{۱۲۳} و مرا از امام زمانم جدا می‌نمود و به خاطر آن حضرت - یا مقدمات آنها فراهم نشد و یا اگر هم فراهم شد ترک آنها به یاری و مدد آن حضرت بود و - توفیق انجام آنها از

(۱۲۳) حدیث: امام صادق ع فرمودند: امیر المؤمنین ع فرمودند: هیچ بنده‌ای نیست جز آنکه چهل پرده بر او کشیده شده است تا آنکه چهل گناه کبیره انجام دهد، و هرگاه چهل گناه کبیره انجام دهد همه‌ی پرده‌ها از او برداشته شوند و خدا به آنان (یعنی فرشته‌ها) وحی کند که با بالهای خود بنده‌ی مرا بپوشانید (و آبروی او را حفظ کنید) پس فرشته‌ها با بالهای خود از او پرده پوشی کنند، سپس حضرت فرمودند: تا آنکه آن بنده هیچ کار زشتی را وانهد مگر در آن فرو رود و بدان آلوده گردد تا کارش بدان جا کشد که از مردم در برابر کار زشت مدح و ثنا جوید.

پس فرشته‌ها گویند: پروردگارا! این بنده، هیچ چیز به جا نگذاشت و مرتکب همه‌ی بدیها شد و ما از آنچه او می‌کند خجالت می‌کشیم و حیا می‌کنیم، پس خدای عزوجل به آنها وحی کند که شما هم بالهای خود را از روی کردار زشتش بردارید و چون چنین کند و کارش بدین جا کشد آغاز دشمنی با ما خاندان کند، در این جا است که پرده‌ی او در آسمان دریده شود و پرده‌ی او در زمین پاره گردد.

پس فرشته‌ها می‌گویند: پروردگارا! این بنده‌ات پرده دریده و بی‌آبرو مانده است؟ خدای عزوجل به آنها وحی کند: اگر من را به او نیازی بود، به شما فرمان نمی‌دادم که بالهای خود را از او بگیرید. (کافی: ج ۲ ص: ۲۷۹ ح: ۹)



من سلب شد سخن نمی گویم و فقط از خداوند متعال که امام زمان علیه السلام را به فریادم رسانده و عنایات خاصه‌ی ایشان را شامل حالم گردانید و نیز از امام زمان علیه السلام که وسیله‌ی رهائی و نجات من گردیدند، تشکر کرده و قدردانی می‌نمایم.

و اما خطاها، بدیها، آلودگیها و گناهان دیگری که از من سرزده و یا - نعوذ بالله - سر خواهد زد!

همین قدر بگویم که هرگز بدون استغفار و طلب مغفرت امام عصر علیه السلام بخشیده نشده و نخواهند شد^{۱۲۴} و زمانی توبه‌ی من پذیرفته است که - پس از پشیمانی، استغفار و جبران گذشته - آن حضرت میان من و پروردگارم شفیع شده^{۱۲۵} و زمانیکه نامه‌ی اعمال من خدمت ایشان می‌رسد برایم استغفار نمایند.^{۱۲۶}

اکنون ای مولای من! با همه‌ی وجود از گناهانی که با انجام آنها، - آن هم در حضور شما به خیال اینکه مرا نمی‌بینید!!! - قلب نازنین شما را

(۱۲۴) حدیث: امام باقر علیه السلام فرمودند: به خاطر ما خداوند لغزشهای شما را نادیده می‌گیرد و گناهانتان را می‌آمرزد. (تفسیر قرأت: ص: ۳۴۸، ج: ۴۷۴)

(۱۲۵) حدیث: امام رضا علیه السلام فرمودند: هرکس ما اهل بیت شفیع او باشیم نجات می‌یابد گرچه گناهان او به اندازه‌ی گناهان جن و انس باشد. (امالی صدوق: ص: ۷۰۹، ج: ۹)

(۱۲۶) حدیث: امام صادق علیه السلام فرمودند: زمانی که ملائکه قصد بالا بردن عمل کسی را به سوی خدای متعال داشته باشند ابتدا آن را بر امام زمان علیه السلام عرضه می‌دارند. (غیبت طوسی: ص: ۳۸۷، ج: ۳۵۱)

حدیث: امام رضا علیه السلام فرمودند: به درستی که ما گروه امامان در هر صبح و شام بر اعمال شیعیانمان که بر ما عرضه می‌شود می‌نگریم پس بر کوتاهی‌های ایشان، طلب عفو و بخشش از خداوند نموده و بر اعمال نیک ایشان شکر خداوند را بجای می‌آوریم. (مناقب آل ابی طالب: ج: ۳، ص: ۴۵۲)



رنجاندم، توبه کرده و از شما طلب مغفرت می‌نمایم، و عاجزانه می‌خواهم که با نگاه مؤثر خویش، دلم را صفا داده و از زنگار گناهان پاک نمائید تا بدانجا که دیگر معصیتی از من سر نزنند و در آن هنگام که نامه‌ی اعمالم به حضور شما می‌رسد، شرمنده نبوده و مایه‌ی سُرور و افتخار شما باشم - **إن شاء الله تعالی -**



فصل پنجم

دعا، حوائج و نیازهای مسر:

دعا - که نوعی بندگی و ابراز نیاز، به خالق بی نیاز است - امری است بسیار مهم، و اسلحه‌ی مؤمن در این دنیا می‌باشد.^{۱۲۷} و دعای خیری نیست که مستجاب نگردد؛ البته طبق فرمایشات اهل بیت علیهم السلام یا همان دعا مستجاب شده و همان حاجت برآورده می‌گردد، و یا اینکه به جای آن چیز دیگری در دنیا و آخرت به دعا کننده عطا می‌شود.^{۱۲۸}

(۱۲۷) حدیث: رسول خدا صلی الله علیه و آله به اصحاب خویش فرمودند: آیا مایلید به شما سلاحی را نشان دهم که شما را از دست دشمنان نجات داده و روزیتان را زیاد کند؟ اصحاب در جواب گفتند: بله مایل هستیم، پس حضرت فرمودند: پروردگار خویش را در روز و شب بخوانید چرا که دعا اسلحه‌ی مؤمن است. (کافی: ج: ۲، ص: ۴۶۸، ح: ۳) حدیث: امام رضا علیه السلام فرمودند: بر شما باد به اسلحه‌ی پیامبران، گفته شد: اسلحه‌ی پیامبران چیست؟ حضرت فرمودند: دعا. (کافی: ج: ۲، ص: ۴۶۸، ح: ۵)

(۱۲۸) حدیث: امام باقر علیه السلام فرمودند: مؤمن در ازای دعائی که می‌کند یکی از این سه چیز نصیبش می‌گردد: اول: یا اینکه آنچه از خدا خواسته در آخرت به وی عطا می‌گردد، دوم: یا اینکه دعایش مستجاب شده و سریعاً در دنیا به وی عطا می‌شود، و سوم: یا اینکه در ازای استجابت دعا، بلا و گرفتاری از وی دفع می‌گردد. (تحف العقول: ص: ۲۸۰)

حدیث: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: به درستی که دعا مغز و چکیده‌ی عبادتهاست و هیچ مؤمنی نیست که دعا کند مگر اینکه یا آنچه خواسته در دنیا به وی عطا می‌گردد و یا برای آخرتش ذخیره می‌شود و یا اینکه در ازای استجابت دعا، گناهان وی نادیده گرفته می‌شود، البته این در صورتی است که خواسته‌ی او غیر شرعی و حرام نباشد. (عده‌الداعی: ص: ۳۴، ح: ۸)



و در احادیث ما سفارش زیادی به دعا - که بهترین روش و شیوهی گدایی در خانه‌ی خدای تعالی می‌باشد - شده است.^{۱۲۹}

بعضی‌ها فکر می‌کنند که چون خدای متعال و حجّت او - امام عصر علیه السلام - از حاجات و خواسته‌های وی با خبرند و نیازهایش را بهتر از او می‌دانند، دیگر نیازی به دعا نمودن و جاری نمودن آن بر زبان نیست، و حال اینکه این موضوع تنها تصوّری است نشأت گرفته از القائنات ابلیس که از تضرّع و گدائی بندگان خدا در خانه اش بیمناک و هراسان است؛ زیرا گرچه خدا و حجّت او از حاجات ما با خبرند؛ ولیکن از ما خواسته‌اند که آن را به زبان بیاوریم و با تضرّع و عرض نیاز، آن را از خداوند متعال بخواهیم، چرا که جاری نمودن دعا بر زبان و تضرّع کردن، عبادتی است با ارزش و نشانه‌ای است آشکار بر بنده بودن شخص دعا کننده.^{۱۳۰}

(۱۲۹) حدیث ۱: امام کاظم علیه السلام فرمودند: بر شما باد به دعا کردن؛ چرا که دعا و درخواست از خدای متعال بلائی را که قضا و قدر الهی بر آن تعلق گرفته و فقط مرحله‌ی امضای آن باقی مانده است دفع می‌کند. (مکارم الاخلاق: ص: ۲۷۰)

حدیث ۲: امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند: بر تو باد به دعا کردن؛ چرا که در آن شفا از هر دردی است. (مکارم الاخلاق: ص: ۲۷۱)

(۱۳۰) حدیث ۱: امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند: هیچ چیز نزد خداوند محبوب‌تر از گدائی و درخواست کردن از او نیست. (تُحَفُّ الْعُقُولُ: ص: ۲۸۲)

حدیث ۲: امام صادق علیه السلام فرمودند: همانا خداوند متعال می‌داند که بنده‌ی او در زمان دعا و ابراز حاجت از او چه می‌خواهد ولی در عین حال بسیار دوست دارد که بندگانش در خانه‌ی او ابراز نیاز نموده و حاجت‌های خویش را درخواست نمایند. (مکارم الاخلاق: ص: ۲۷۰)

حدیث ۳: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: عاجزترین انسانها کسی است که از دعا کردن عاجز باشد. (عُدَّة الدَّاعِي: ص: ۳۵)



آیا ما از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت گرامی اش بالاتریم؟!
 آنها مجری اراده‌ی حق تعالی و اوامر و دستورات او هستند یا ما؟!
 آنها از اعمال مرضی رضای الهی آگاهند یا ما؟!
 آنها راه بندگی و عبودیت را بهتر می‌دانند یا ما؟!
 ما هم که ادعای شیعه بودن ایشان را داریم؛ یعنی پیروی بی چون و چرا
 از دستورات ایشان!

پس باید به این مسئله همچون خود آنان توجه نموده و عمل نمائیم.
 ببینید که چگونه و با چه حالاتی ابراز نیاز و حاجت در خانه‌ی خدا
 نموده و دعا می‌کردند، صحیفه‌ی سجّادیه را ورق بزنید تا ببینید چگونه امام
 سجّاد علیه السلام در غالب دعا، بندگی حق تعالی را می‌نمودند و خود را در درگاه
 الهی بنده‌ای نیازمند می‌دیدند و با همه‌ی وجود از خداوند عزّوجلّه حوائج خویش
 را طلب می‌کردند.

اکنون که مقداری به اهمّیت دعا پی بردید، می‌گوئیم: استجابتِ دعا‌های
 من - که گفتیم همه‌ی دعاها مستجاب می‌شوند - به خاطر امام زمان علیه السلام
 می‌باشد. آری! درست خواندید، طبق ادله و روایات معتبره، استجابتِ دعا‌های
 من به خاطر وجود مقدّس و آمین‌های آن حضرت است.^{۱۳۱}

(۱۳۱) حدیث ۱: امیر المؤمنین علیه السلام فرمودند: هیچ مؤمنی دعا نمی‌کند مگر اینکه ما برای او
 آمین می‌گوئیم، و ساکت نمی‌شود مگر اینکه برای او دعا می‌کنیم. (بصائر الدرجات:
 ص: ۲۷۹ ح: ۱)

حدیث ۲: عمر بن اسحاق می‌گوید: امیر المؤمنین علیه السلام فرمودند: به درستی که ما برای
 شما دعا می‌کنیم و زمانی که شما دعا می‌کنید ما آمین می‌گوئیم، پس عمر بن
 اسحاق گفت: اینکه شما برای ما دعا می‌کنید را فهمیدم اما چگونه زمانیکه ما دعا
 می‌کنیم شما آمین می‌گوئید (با اینکه بین ما و شما فاصله است)؟! حضرت در



در هر عصری، آمین امام عصر آن زمان، علت استجابتِ دعاهاى مردم آن زمان است، و در عصر من این آقا و مولایم حضرت مهدی عجل الله تعالي فرجه الشريف است که به خاطر آمین‌های ایشان، استجابتِ دعاهاى من قطعی می‌گردد.

و باید بدانم که پس از استجابت نیز خواسته‌ها و حوائج من، از باب ایشان^{۱۳۲} و با اجازه‌ی ایشان، توسط ملائکه‌ی الهی از جانب خداوند متعال به من می‌رسند.^{۱۳۳}

آری! دعای من نیز همچون سائر اعمال عبادی از ابتدا تا مرحله‌ی استجابت و رسیدن به خواسته‌ام کاملاً با امام عصر عجل الله تعالي فرجه الشريف در ارتباط می‌باشد و بجاست که من نیز از دعا برای سلامتی و فرج آن حضرت، که فوائد فراوان آن شامل حال خودم می‌شود فراموش نکرده و حداقل روزی یک مرتبه در مقابل هزار دعای آن حضرت در طول شبانه روز در حق من^{۱۳۴} به دعا برای

جواب فرمودند: همانا شهر و روستا (یعنی دور و نزدیک) برای ما یکسان است.
(بصائر الدرجات: ص: ۲۸۰ ح: ۲)

(۱۳۲) حدیث: در دعای ندبه می‌خوانیم: کجاست آن درب خدائی که همه‌ی خیرات و خوبی‌ها و فضائل از آن صادر می‌شود؟ و کجاست آن صورت خدائی که دوستان به او نظر نمایند؟ و کجاست آن سبب متصل کننده‌ی بین آسمان و زمین؟ (مزار شهدی: ص: ۵۷۳)

(۱۳۳) حدیث: امام موسی کاظم عجل الله تعالي فرجه الشريف فرمودند: هیچ ملکی نیست که خداوند او را برای اجرای فرمانی به زمین ارسال نماید مگر اینکه ابتدا نزد امام رفته و آن امر را به ایشان عرضه می‌دارد. (بصائر الدرجات: ص: ۱۱۵ ح: ۲۲)

حدیث: ۲: امیر المؤمنین عجل الله تعالي فرجه الشريف فرمودند: من حجّت خدا بر اهل آسمان‌ها و زمین هستم، و هیچ ملکی در آسمان بدون اذن من قدمی از قدم بر نمی‌دارد. (مشارق انوار الیقین: ص: ۳۴۳)

(۱۳۴) حدیث: امام جعفر صادق عجل الله تعالي فرجه الشريف فرمودند: همانا من در هر شبانه روز، هزار مرتبه برای گناهکاران از شیعیانم دعا می‌کنم. (کافی: ج: ۱ ص: ۴۷۲ ح: ۱)



(۱۳۵) مکیال المکارم ج: ۱ ص: ۲۸۰: بعضی از فوائد دعا برای امام عصر علیه السلام:

- ۱- فرج و گشایش در امور.
- ۲- زیاد شدن نعمتها.
- ۳- اظهار محبت قلبی.
- ۴- بالا رفتن روحیهی انتظار.
- ۵- زنده شدن امر ائمه‌ی اطهار علیهم السلام.
- ۶- ناراحت گردیدن ابلیس و شیاطین.
- ۷- نجات یافتن از فتنه‌های آخر الزمان.
- ۸- آدای قسمتی از حقوق آن حضرت.
- ۹- تعظیم خداوند و دین او.
- ۱۰- دعای صاحب زمان علیه السلام در حق دعا کننده.
- ۱۱- شفاعت آن حضرت در قیامت.
- ۱۲- شفاعت پیامبر صلی الله علیه و آله در قیامت.
- ۱۳- تسریع در فرج.
- ۱۴- استجابت سائر دعاها.
- ۱۵- آدای اجر رسالت.
- ۱۶- دفع بلا.
- ۱۷- وسعت روزی.
- ۱۸- آمرزش گناهان.
- ۱۹- تشرّف به دیدار آن حضرت در بیداری یا خواب.
- ۲۰- رجعت به دنیا در زمان ظهور آن حضرت.
- ۲۱- ازدیاد نور امام علیه السلام در دل.
- ۲۲- طولانی شدن عمر.
- ۲۳- هدایت به نور قرآن مجید.



- ۲۴- امان از عقوبت‌های آخروی.
- ۲۵- برخورد نرم به هنگام مرگ.
- ۲۶- در امان بودن از تشنگی روز قیامت.
- ۲۷- جاودان بودن در بهشت.
- ۲۸- رسیدن به بالاترین درجات شهدا در روز قیامت.
- ۲۹- کامل شدن ایمان.
- ۳۰- دور شدن غم و غصه‌ها.
- ۳۱- ثواب کسیکه با پیغمبر صلی الله علیه و آله شهید شده.
- ۳۲- ثواب کسیکه زیر پرچم حضرت قائم علیه السلام شهید شده.
- ۳۳- ثواب احسان به حضرت صاحب الزمان علیه السلام.
- ۳۴- بالا رفتن درجات در بهشت.
- ۳۵- امان از بدی حساب در روز قیامت.
- ۳۶- دعا کردن فرشتگان در حقّ دعا کننده.
- ۳۷- قرار گرفتن در درجه‌ی امیر المؤمنین علیه السلام.
- ۳۸- محبوبیت نزد خداوند متعال.
- ۳۹- عزیز و گرامی شدن نزد پیغمبر صلی الله علیه و آله.
- ۴۰- بهشتی شدن.
- ۴۱- مشمول دعای پیغمبر صلی الله علیه و آله گردیدن.
- ۴۲- تبدیل کردارهای بد به کردارهای نیک.
- ۴۳- نصرت و یاری خداوند متعال در غالب این دعا.
- ۴۴- دور شدن عقوبت از اهل زمین.
- ۴۵- ثواب کمک به مظلوم.
- ۴۶- ثواب احترام به بزرگتر.
- ۴۷- پاداش خونخواهی حضرت ابا عبد الله الحسین علیه السلام.
- ۴۸- شایستگی تحمّل دریافت احادیث ائمه‌ی اطهار علیهم السلام.



وای بر من! که روز را به شب رسانده و هیچ دعائی برای امام زمانم نمی‌کنم، با اینکه دعای من بدون آمین ایشان ارزش نداشته و همانطور که گفتیم فوائد دعا شامل حال خودم می‌شود.

و چقدر جای شرمساری است که به وظیفه‌ای به این آسانی - که برای انجام آن نه نیازی به مال و ثروت، و نه فکر و اندیشه، و نه اهل و عیال، و نه آبرو و موقعیت می‌باشد - عمل نکرده و فوائد دعا برای ظهور و سلامتی ایشان را نادیده گرفته و اگر دعایی هم بنمایم جای آن آخر همه‌ی دعاهاست!!! با اینکه وظیفه‌ی من مقدم نمودن ایشان در همه‌ی امور است.^{۱۳۶}

۴۹- درخشان شدن نور او در روز قیامت.

۵۰- شفاعت کردن هفتاد هزار نفر از گناهکاران.

۵۱- بی حساب داخل بهشت شدن.

۵۲- طلب آمرزش فرشتگان برای او.

۵۳- آسان شدن حساب.

۵۴- مایه‌ی خرسندی خداوند عزوجل.

۵۵- مایه‌ی خشنودی پیغمبر ﷺ.

۵۶- قرار گرفتن در سایه‌ی رحمت الهی.

(۱۳۶) حدیث: در زیارت جامعه‌ی کبیره آمده است: من شما اهل بیت را در همه‌ی حالات و امور، بر خواسته‌ها و حاجت‌ها و تصمیم‌های خویش مقدم می‌دارم. (من لا یحضره الفقیه: ج: ۲ ص: ۶۰۹)

سید جلیل علی بن طاوس رحمه الله بعد از ترغیب نمودن دعا برای برادران دینی خطاب به فرزندش می‌گوید:

هرگاه این همه فضل دعاست برای برادران تو! پس چگونه خواهد بود فضل دعا کردن برای سلطان تو که سبب وجود توست و تو اعتقاد داری که اگر نبود آن جناب نمی‌آفرید خداوند تو را و نه احدی از مکلفین را در زمان او و زمان تو، و اینکه لطف وجود او صلوات الله علیه سبب است از برای هرچه که تو و غیر



آیا دعائی مهم‌تر از دعا برای آن حضرت سراغ دارید؟ آن هم در این دوره‌ی وانفسا که نگاه داشتن دین، از کشیدن دست بر خار، و نگاه داشتن آتش در کف دست، مشکل‌تر است! ^{۱۳۷}

تو درآند، و سبب است از برای هر خیر که می‌رسد به آن. پس حذر کن آنگاه حذر کن از اینکه مقدم بداری نفس خود را یا احدی از خلائق را در ولا و دعای از برای آن جناب علیه السلام به غایت آنچه ممکن شود، و حاضر کن قلب خود را و زبان خود را در دعای از برای این سلطان عظیم الشان.

و حذر کن از اینکه اعتقاد کنی که من این کلام را گفتم برای اینکه آن جناب محتاج است به دعای تو، هیئات! که اگر این را معتقد شوی پس مریضی در اعتقاد و دوستی خود؛ بلکه این را گفتم برای آن چیزی که تو را شناساندم از حق عظیم آن جناب برای تو و احسان بزرگ او به سوی تو، و به جهت اینکه هرگاه دعا کردی برای او پیش از دعا کردن برای نفس خود، نزدیکتر خواهد بود آنکه باز نماید خداوند جل جلاله ابواب اجابت را در پیش روی تو؛ زیرا که ابواب قبول دعا را ای بنده بستی بسبب گناهان.

پس هرگاه دعا کردی برای این مولای خاص در نزد مالک احیا و اموات، امید است به جهت آن وجود مقدس خداوند ابواب اجابت را باز نماید، پس داخل شو تو در دعا کردن برای نفس خود، زیرا که چنگ زدی در دعا کردن به حبل او.

و نگوئی که من ندیدم فلان و فلان را از کسانی که پیروی می‌کنی ایشان را از مشایخ خود که عمل بکنند به آنچه من می‌گویم و نیافتم ایشان را مگر غافل از مولای ما که اشاره کردم به سوی جنابش صلوات الله علیه. پس می‌گویم به تو که عمل کن به آنچه که می‌گویم به تو، که اوست حق واضح، و کسیکه واگذارد مولای ما را و غافل شود چنانکه ذکر نمودی پس آن غلطی است زشت و واضح. (فلاح

السائل: ص: ۴۴)

(۱۳۷) حدیث: رسول خدا صلی الله علیه و آله در یکی از روزها در جمع اصحاب خویش نشسته بودند پس دو مرتبه فرمودند: خدایا! برادران مرا به من نشان بده، پس بعضی از اصحاب



و به راستی اگر دعا برای آن حضرت فقط همین فائده را داشته باشد که - پس از دعای من برای آن حضرت - متقابلاً آن حضرت نیز برای من دعا کنند^{۱۳۸} - و شکی نیست در اینکه دعای حضرت مستجاب است، و در حال

(منظور: ابوبکر و عمر و...) گفتند: مگر ما برادران شما نیستیم؟! حضرت فرمودند: خیر، شما اصحاب من هستید و برادران من قومی هستید از مردم آخر الزمان که به من ایمان آورده و حال اینکه مرا ندیده‌اند، و خداوند ایشان را با نام و نشان خود و پدرانشان قبل از اینکه از صلب پدران و رحم مادرانشان خارج شوند به من شناسانیده است.

هر آینه یکی از ایشان در دینش استوارتر و پایدارتر است از کسیکه دست خود را در شب تاریک بر روی خارهای تنیده روی شاخه‌ای بکشد و یا پاره‌ای از آتش را در کف دست خویش نگاه دارد، آنها چراغهای روشنایی دهنده در تاریکی هستند و خداوند آنها را از هر فتنه‌ی تاریک غبار آلود رهائی می‌بخشد. (بصائر الدرجات: ص: ۱۰۴ ح: ۴)

حدیث ۲: امام صادق ع فرمودند: به درستی که برای صاحب این امر غیبتی است که پایداری و مقاومت در دین از کشیدن دست، در شب تاریک بر روی خارهای تنیده بر روی شاخه‌ای سخت‌تر است، سپس فرمودند: همانا برای صاحب این امر غیبتی است، پس عبد و بنده‌ی خدا کسی است که تقوای الهی پیشه کرده و بر دین خود استوار باشد. (امامت و تبصرت: ص: ۱۲۶ ح: ۱۲۷)

حدیث ۳: رسول خدا ص فرمودند: به زودی بعد از شما قومی خواهند آمد که اجر عمل آنها برابر با اجر و پاداش پنجاه نفر از شما خواهد بود، اصحاب گفتند: ای رسول خدا! ما با تو در جنگ بدر، اُحُد و حُنَین همراه بودیم و قرآن در میان ما نازل گردید پس چگونه چنین چیزی ممکن است؟! حضرت فرمودند: همانا اگر آنچه بر سر ایشان خواهد آمد، بر سر شما نیز می‌آید آنگاه می‌دانستید که هرگز تحمل آن را نداشته و مانند آنان صبر نمی‌نمودید. (خرائج و جرائع: ج ۳ ص: ۱۱۴۹ ح: ۵۷)



حاضر تنها مستجاب الدعوه ایشان هستند - ^{۱۳۹} برای من کافی است که تمام همت خویش را به کار گرفته تا مسئله‌ی دعا برای ایشان را احیا کنم و آن را به درون زندگی خویش بکشانم.

و اگر کمی دقت کنیم می‌یابیم که در حال دعا برای ظهور و سلامتی آن حضرت - خواهی نخواهی - باید به ایشان توجه کنیم؛ بنابراین یکی از بهترین راهها و شیوه‌های ارتباط و توجه مستقیم و انس با آن حضرت، دعا کردن برای سلامتی و ظهور آن حضرت است.

علاوه بر اینکه دعا خود عبادتی است با ارزش، که چکیده‌ی همه‌ی عبادتهاست. ^{۱۴۰}

ای امام زمان! ای حجت خدا! ای یگانه‌ی دوران!

ای کسی که پیوسته برای من دعا کرده و به یاد من هستی! ^{۱۴۱}

ای کسی که با آمین شما دعای من مستجاب می‌شود! ^{۱۴۲}

(۱۳۹) حدیث: امام صادق علیه السلام فرمودند: ما اهل بیت آن کسانی هستیم که خداوند در مورد

ما فرموده است: «بخوانید مرا تا استجابت کنم شما را». (بصائر الدرجات: ص: ۴۸۶ ح: ۸)

حدیث: امام صادق علیه السلام فرمودند: بین دعای ما و خداوند حجابی نیست. (تفسیر عیاشی:

ج: ۱ ص: ۱۸۴ ح: ۸۵)

(۱۴۰) حدیث: امام صادق علیه السلام فرمودند: امیر المؤمنین علیه السلام فرمودند: محبوبترین اعمال نزد

خداوند دعا کردن است. (کافی: ج: ۲ ص: ۴۶۷ ح: ۸)

حدیث: امیر المؤمنین علیه السلام فرمودند: دعا سیر مؤمن است، و زمانی که دری زیاد دق

الباب شود باز می‌گردد. (کافی: ج: ۲ ص: ۴۶۸ ح: ۱)

حدیث: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: دعا مغز و چکیده‌ی عبادتهاست. (عده الداعی: ص: ۲۴)

(۱۴۱) حدیث: امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند: همانا من در هر شبانه روز، هزار مرتبه برای

گناهکاران از شیعیانم دعا می‌کنم. (کافی: ج: ۱ ص: ۴۷۲ ح: ۱)

(۱۴۲) حدیث: عمر بن اسحاق می‌گوید: امیر المؤمنین علیه السلام فرمودند: به درستی که ما برای



ای کسی که از ناحیه و باب شما، حوائج به من داده می‌شود!^{۱۴۳}
 ای کسی که به خاطر شما خدا به من نظر می‌کند!
 ای کسی که بندگی را از شما آموخته‌ام!^{۱۴۴}
 و ای کسی که چشم امید به در خانه‌ی شما دارم!
 مرا پناه ده،^{۱۴۵} و کوتاهی‌هایم را ببخش^{۱۴۶} و از امروز مرا یاری کن تا

شما دعا می‌کنیم و زمانی که شما دعا می‌کنید ما آمین می‌گوئیم، پس عُمَر بن اسحاق گفت: اینکه شما برای ما دعا می‌کنید را فهمیدم اما چگونه زمانیکه ما دعا می‌کنیم شما آمین می‌گوئید (با اینکه بین ما و شما فاصله است)؟! حضرت فرمودند: همانا شهر و روستا (یعنی دور و نزدیک) برای ما یکسان است. (بصائر الدرجات: ص: ۲۸۰ ج: ۲)

(۱۴۳) حدیث: در دعای ندبه می‌خوانیم: کجاست در رب خدائی که همه‌ی خیرات و خوبی‌ها و فضائل از آن صادر می‌شود؟ و کجاست صورت خدائی که دوستان به او نظر نمایند؟ و کجاست سبب متصل کننده‌ی بین آسمان و زمین؟ (مزار مشهدی: ص: ۵۷۳)
 (۱۴۴) حدیث: در زیارت جامعه‌ی کبیره آمده است: به واسطه‌ی موالات و دوستی شما خدا امور دین را به ما می‌آموزد. (من لا یحضره الفقیه: ج: ۲ ص: ۶۰۹)

حدیث: ۲: امام کاظم علیه السلام فرمودند: اگر اهل بیت نمی‌بودند خداوند شناخته نشده، و کسی نمی‌دانست که چگونه او را عبادت کند. (تأویل الآیات: ج: ۱ ص: ۳۹۷ ج: ۲۷)
 (۱۴۵) حدیث: در زیارت جامعه‌ی کبیره آمده است: من پناهنده و پناه برنده به قبرهای شما اهل بیت هستم و از خداوند به واسطه‌ی شما طلب شفاعت می‌نمایم. (من لا یحضره الفقیه: ج: ۲ ص: ۶۰۹)

حدیث: ۲: امام باقر علیه السلام فرمودند: اهل بیت علیهم السلام محلّ آمنی برای پناهنده شدن هستند، و هرکس به ایشان متمسک شود در امان خواهد بود. (یقین: ص: ۳۱۸)
 حدیث: ۳: امام صادق علیه السلام فرمودند: اگر حاجت مندی به ایشان پناهنده شود او را مورد مرحمت قرار می‌دهند. (مشکاة الانوار: ص: ۱۲۶)

(۱۴۶) حدیث: در زیارت جامعه‌ی کبیره آمده است: ای اولیای خدا! همانا بین من و خداوند



از دعا برای شما فراموش نکنم.

و نیز مرا شفاعت نما تا توفیق الهی شامل حالم گشته ^{۱۴۷} و بتوانم حداقل بعد از هر نماز، بعد از هر سجده‌ی شکر، در مشاهده مشرفه و حرم ائمه علیهم السلام، شب و روز جمعه، ماه مبارک رمضان، ماه محرم و هر روزی که در آن ظلم و ستم به اهل بیت علیهم السلام شده است، بعد از ذکر مصیبت حضرت سید الشهداء علیه السلام

گناهای است که بدون رضایت شما بخشیده نمی‌شود، پس به حق آن خدائی که شما را بر اسرار خویش امین دانست، و امور خلق را به شما سپرد، و اطاعت شما را مقرون به اطاعت خود گردانید، از گناهان و لغزشهایم درگذرید و شفیعان من نزد خدای متعال باشید. (من لا یحضره الفقیه: ج: ۲ ص: ۶۰۹)

حدیث ۲: در زیارت امام زمان علیه السلام می‌خوانیم: مولای من! من در این مکان جهت زیارت تو به عنوان فردی خطا کار، پشیمان و بیمناک از عقاب خداوند عالمیان ایستاده‌ام و تکیه بر شفاعت تو دارم و امیدم دارم که به سبب دوستی و شفاعت تو گناهانم بخشیده شده، عیبهایم پوشیده گردیده و لغزشهایم مورد عفو واقع شود، پس ای مولای من! امید دوستدار خویش را نا امید مفرما و از خداوند طلب بخشش لغزشهایم را بنما؛ چرا که او به ریسمان تو چنگ زده و متمسک به ولایت تو است و از دشمنانت بیزار می‌جوید. (مزار شهدی: ص: ۵۸۶)

(۱۴۷) حدیث ۱: امام حسن عسکری علیه السلام فرمودند: به خدا قسم او (امام عصر علیه السلام) هر آینه غیبتی خواهد نمود که از هلاکت رهائی نمی‌یابد مگر کسیکه خداوند عز وجل او را بر اعتقاد به امامتش ثابت نموده و توفیق دعا برای تعجیل در فرجش را عنایت فرماید. (کمال الدین: ص: ۳۸۴ ح: ۱)

حدیث ۲: در زیارت امام هادی و عسکری علیهم السلام می‌خوانیم: ای صاحب زمان! در رسیدن به تو از اهل و عیال بُریدم و از وطن دور شدم و به کسی چیزی نگفتم تا اینکه نزد پروردگار و پدرانم و دوستانم در رسیدن توفیقی نیکو و نعمتی فراوان و احسانی کامل شفیع من باشی. (مزار شهدی: ص: ۶۵۵)



هنگام غم و اندوه، هنگام سرور و خوشحالی و ... قبل از دعا برای خود و اهل و عیال، برای شما مولای عزیزتر از جان دعا نمایم.^{۱۴۸}

اللَّهُمَّ كُنْ لِي بِكَ كَبَائِبِ الْحَسَنِ صَلَوَاتِكَ عَلَيَّ وَعَلَى آلِكَ

فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَفِي كُلِّ سَاعَةٍ

وَلَا يَخْفَا وَتَأْتِدُ وَتَأْخِرُ وَتَلَاكُمُنَا

حَتَّى تَسْكُنَ أَرْضَكَ طَرَبًا

وَتَكُنَّا فِيهَا طَرَبًا



فصل ششم

ابلیس و هوای نفس منم:

و اما ابلیس ملعون که دشمن قسم خورده‌ی من است و همچون خون در وجود من جریان داشته و بر خانه‌ی قلبم مسلط است^{۱۴۹} تمام همت و لشکر خود را بسیج نموده تا با کمک نفس اماره، مرا از منبع نور، حقیقت و معنویت و دریای موج علوم و معارف دور و به ظلمت جهل و نادانی نزدیک نموده و در باتلاق گناه و معصیت گرفتار نماید.

وسوسه‌های مُدام او در طول شبانه روز، ایجاد شک و شبهه‌های فراوان نسبت به مسائل مختلف، ترسیم آرزوهای دنیوی و بزرگ نمائی آنها، غافل نمودن از یاد خدا و اهل بیت علیهم السلام، زیبا جلوه دادن گناهان و غفلت از آنها و معاصی گذشته و تأخیر در توبه‌ی از آنها، فراموشی از مرگ و قبر و قیامت، زیاد نمودن رجا و امید به خداوند و کم نمودن ترس و خوف از پروردگار و بی‌توجهی به عذابهای الهی، ریاکاری در انجام عبادات، عُجب ورزیدن به اعمال ناقصی که معلوم نیست مورد قبول خدای متعال واقع شده‌اند یا نه، جلوه دادن دنیا و شهوات آن، ترغیب به تبعیت از هوای نفس، روشن نمودن و روشن نگه داشتن چراغ حُبّ به دنیا در دل، و خلاصه هرآنچه که مرا از امام زمانم

(۱۴۹) حدیث: امام سجّاد علیه السلام فرمودند: خدایا! دشمنی را برای ما قرار دادی که مکر و حيله‌اش ما را فرا گرفته و او را بر ما چنان تسلط داده‌ای که ما را بر او چنین تسلطی نیست، او را در سینه‌های ما اسکان داده و همچون خون در وجودمان جریان دادی، اگر ما از او غافل شویم او از ما غافل نمی‌شود، و اگر فراموشش کنیم، ما را فراموش نمی‌کند. (صحیفه‌ی سجّادیه: ص: ۱۲۹)



– که منبع نور، حقیقت، معنویت، علم و دانش، فضیلت و معرفت است^{۱۵۰} – دور نماید وسیله‌ای است تا مرا از هدف خلقت که شناخت، اطاعت و نزدیکی به امام عصر علیه السلام است^{۱۵۱} باز دارد.

اما با این وجود خدا را از صمیم قلب شکر گزارم که در کنار این دشمن قسم خورده و نفس اماره و فتنه‌های آخر الزمان که هر کدام برای از پا در آوردن من کافی هستند امامی مهربان، دلسوز و دوست داشتنی^{۱۵۲} به من عطا

(۱۵۰) حدیث:۱ در حدیثی آمده است: خدای تعالی فرمود: به درستی که آنها (اهل بیت علیهم السلام)

معدن نور من هستند. (مقتضب الآثار: ص: ۴۱)

حدیث:۲: امیر المؤمنین علیه السلام در خطبه‌ی رسائی در مدح رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: در تو

نورها به امانت سپرده شده است. (بحار الانوار: ج: ۷۴ ص: ۲۹۹)

حدیث:۳: در زیارت جامعه‌ی غیر معروفه می‌خوانیم: سلام بر شما ای امامان بر مؤمنین و

معادن حقایق. (مزار شهدی: ص: ۲۹۳)

حدیث:۴: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: همانا ما اهل بیت، معدن علم و دانش هستیم. (بصائر

الدرجات: ص: ۷۶ ج: ۱)

حدیث:۵: رسول خدا صلی الله علیه و آله در حالیکه به اشاره به امیر المؤمنین علیه السلام داشتند، فرمودند:

همه‌ی مکارم و فضائل در این جمع شده است. (تفسیر امام عسکری علیه السلام: ص: ۱۰۰)

(۱۵۱) حدیث: امام صادق علیه السلام فرمودند: امام حسین علیه السلام از جمع یارانشان بیرون آمده و

خطاب به آنها فرمودند: ای مردم! به درستی که خدای متعال بندگانش را نیافریده

مگر برای آنکه او را بشناسند، و هنگامی که او را شناختند عبادتش کنند، و زمانی

که او را عبادت کردند از پرستش غیر او بی‌نیاز گردند. مردی در بین یاران عرضه

داشت: ای پسر رسول خدا! پدر و مادرم فدای تو باد، معرفت و شناخت خدا

چیست؟ حضرت فرمودند: آن است که اهل هر عصر و زمانی امامی را که اطاعتش

بر آنها واجب است بشناسند. (علل الشرائع: ج: ۱ ص: ۹ ج: ۱)

(۱۵۲) حدیث:۱: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: همانا ما اهل بیت، اهل بیت رحمت هستیم. (بصائر

الدرجات: ص: ۷۶ ج: ۱)



فرمود که با توسل، استعانت و یاری از وی در مقابل انحرافات، وسوسه ها و اغوائت ابلیس ایستادگی نموده و همچنان در مسیر بندگی خدای متعال باقی بمانم و مطمئن هستم که آن حضرت نیز علی رغم غفلت من، بارها و بارها مرا هدایت نموده و از چنگال ابلیس و دامهای او نجات داده‌اند و اگر چنین نبود تا کنون اثری از محبت و ولایت ایشان در قلب من باقی نمی‌ماند چرا که کثرت گناهان، بدون توبه‌ی از آنها نور محبت و ولایت را در دل انسان مؤمن خاموش می‌کند.^{۱۵۳}

حدیث ۲: امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند: به خدا قسم ما اهل بیت از خود شما به شما مهربان‌تر هستیم. (بصائر الدرجات: ص: ۲۸۵ ح: ۱۵)

حدیث ۳: امام رضا علیه السلام فرمودند: امام مونس رفیق، پدری دلسوز، و برادری تنی، و همچون مادری نیکوکار به فرزند کوچک خویش می‌باشد. (کافی: ج: ۱ ص: ۲۰۰ ح: ۱)

(۱۵۳) **حدیث:** امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند: امیر المؤمنین علیه السلام فرمودند: هیچ بنده‌ای نیست جز آنکه چهل پرده بر او کشیده شده است تا آنکه چهل گناه کبیره انجام دهد، و هرگاه چهل گناه کبیره انجام دهد همه‌ی پرده‌ها از او برداشته شوند و خدا به آنان (یعنی فرشته‌ها) وحی کند که با بالهای خود بنده‌ی مرا بپوشانید (و آبروی او را حفظ کنید) پس فرشته‌ها با بالهای خود از او پرده پوشی کنند، سپس حضرت فرمودند: تا آنکه آن بنده هیچ کار زشتی را وانهد مگر در آن فرو رود و بدان آلوده گردد تا کارش بدان جا کشد که از مردم در برابر کار زشت مدح و ثنا جوید.

پس فرشته‌ها گویند: پروردگارا! این بنده، هیچ چیز به جا نگذاشت و مرتکب همه‌ی بدیها شد و ما از آنچه او می‌کند خجالت می‌کشیم و حیا می‌کنیم، پس خدای عزوجل به آنها وحی کند که شما هم بالهای خود را از روی کردار زشتش بردارید و چون چنین کند و کارش بدین جا کشد آغاز دشمنی با ما خاندان کند، در این جا است که پرده‌ی او در آسمان دریده شود و پرده‌ی او در زمین پاره



آقای مهربان!

ای پشتیبان من در سختیها!

ای یاری کننده‌ی من در مقابل ابلیس!

من ناتوانم و بدون یاری و کمک شما نمی‌توانم در مسیر شناخت، اطاعت و نزدیکی به شما که هدف خلقت من است قدم بردارم.

مولا جان!

دستم را بگیر و کمکم کن، و توسّل و توجّه مرا به خودت بیشتر کن، توفیق گناه را از من بگیر و روحیه‌ی اطاعت را در من قوی و ریسمان آن را مستحکم نما. و مدّدم کن تا اعمالی که مرا از ابلیس و وسوسه‌هایش دور کرده و می‌رهاند انجام دهم^{۱۵۴} و آنچه باعث نزدیکی من به شیطان است را انجام

گردد. پس فرشته‌ها می‌گویند: پروردگارا! این بنده‌ات پرده دریده و بی‌آبرو مانده است؟ خدای عزّوجلّ به آنها وحی کند: اگر من را به او نیازی بود، به شما فرمان نمی‌دادم که بالهای خود را از او برگیرید. (کافی: ج: ۲ ص: ۲۷۹ ح: ۹) (۱۵۴) آنچه باعث دوری ابلیس می‌شود:

- ۱- یاد و ذکر خدای متعال. (خصال: ص: ۱۳۱ ح: ۱۳۸)
- ۲- یاد و ذکر اهل بیت (علیهم‌السلام). (کافی: ج: ۶ ص: ۲۰ ح: ۱۲، و تفسیر عیاشی: ج: ۲ ص: ۲۱۱ ح: ۴۴، و تفسیر قمی: ج: ۱ ص: ۳۶۵)
- ۳- نماز اوّل وقت. (محاسن: ج: ۱ ص: ۸۲ ح: ۱۲)
- ۴- روزه. (کافی: ج: ۴ ص: ۶۲ ح: ۲)
- ۵- رکوع و سجود را طولانی نمودن. (محاسن: ج: ۱ ص: ۱۸ ح: ۵۰)
- ۶- اذان گفتن. (کافی: ج: ۳ ص: ۳۰۸ ح: ۳۵)
- ۷- اعمال صالح. (کافی: ج: ۴ ص: ۶۲ ح: ۲)
- ۸- نیکی به مؤمنین. (أصول ستّة عشر: ص: ۱۲۱ ح: ۱)
- ۹- زیارت مؤمنین. (کافی: ج: ۲ ص: ۱۸۸ ح: ۷)



- ۱۰- یاری نمودن مؤمنین. (کافی: ج: ۲ ص: ۲۰۷ ح: ۹)
 - ۱۱- صدقه. (کافی: ج: ۴ ص: ۳ ح: ۵)
 - ۱۲- سکوت زیاد. (خصال: ص: ۵۲۶ سطر ۱)
 - ۱۳- تواضع. (نهج البلاغه: ج: ۲ ص: ۱۴۱)
 - ۱۴- همراه داشتن قرآن و تلاوت آن. (قرب الأسناد: ص: ۸۷ ح: ۲۸۷، وکافی: ج: ۲ ص: ۶۱۰ ح: ۳)
 - ۱۵- توبه و استغفار. (کافی: ج: ۴ ص: ۶۲ ح: ۲)
- (۱۵۵) آنچه باعث نزدیکی ابلیس مشود:
- ۱- تبعیت از هوای نفس. (صحیفه سجّادیه (ابطحی): ص: ۴۰۳)
 - ۲- تکبر و غرور. (نهج البلاغه: ج: ۲ ص: ۱۴۸، وکافی: ج: ۲ ص: ۲۸۹ ح: ۱)
 - ۳- فخر نمودن بر دیگران. (نهج البلاغه: ج: ۲ ص: ۱۴۲)
 - ۴- تعصب. (نهج البلاغه: ج: ۲ ص: ۱۴۱)
 - ۵- غضب نمودن و عصبانیت. (کافی: ج: ۲ ص: ۳۰۴ ح: ۱۲، وخصال: ص: ۱۳۲ ح: ۱۴۰)
 - ۶- آمال و آرزوها. (نهج البلاغه: ج: ۴ ص: ۷۷)
 - ۷- سوء ظن. (صحیفه سجّادیه (ابطحی): ص: ۱۷۲)
 - ۸- شک و ضعف در یقین. (کمال الدین: ص: ۵۱، وکافی: ج: ۱ ص: ۱۲)
 - ۹- حبّ دنیا و شهوات آن. (محاسن: ج: ۲ ص: ۴۳۹ ح: ۲۹۷، وصحیفه سجّادیه (ابطحی): ص: ۴۰۳)
 - ۱۰- آلات لهو و لعب. (کافی: ج: ۶ ص: ۴۳۱ ح: ۳، و دعائم الإسلام: ج: ۲ ص: ۲۰۸، وخصال: ۶۳۱)
 - ۱۱- یأس و نا امیدی. (کافی: ج: ۲ ص: ۴۸۸ ح: ۱)
 - ۱۲- خلوت نمودن با نامحرم. (دعائم الإسلام: ج: ۲ ص: ۲۱۴ ح: ۷۸۸)
 - ۱۳- حسد. (کافی: ج: ۲ ص: ۳۲۷ ح: ۲)
 - ۱۴- فراموش نمودن معاصی. (خصال: ص: ۱۱۲ ح: ۸۶)
 - ۱۵- عجله نمودن در کارها. (محاسن: ج: ۱ ص: ۲۱۵ ح: ۱۰۱)



به امید آن روزی که به چشم خود ببینم که ابلیس و لشکریانش به دست شما نابود شده و به هلاکت می‌رسند.^{۱۵۶}



۱۶- مال و ثروت زیاد. (امالی صدوق: ص: ۲۶۹، وخصال: ص: ۱۱۳)

۱۷- عُجْب نمودن. (کافی: ج: ۲، ص: ۳۱۴، ح: ۸)

۱۸- قیاس نمودن. (کافی: ج: ۴، ص: ۱۳۵، ح: ۱، ومحاسن: ج: ۱، ص: ۲۱۱، ح: ۸۱)

۱۹- بی حیائی. (کافی: ج: ۲، ص: ۲۹۱، ح: ۱۰)

۲۰- انجام گناهانی همچون: نگاه به نامحرم، بدعت گذاردن، شراب خوردن، فحش دادن، ربادادن وگرفتن، ظلم و ستم نمودن، مسخره نمودن مؤمنین و قهر با برادران ایمانی. (محاسن: ج: ۱، ص: ۱۰۰، ح: ۷۰، و ص: ۱۰۹، ح: ۱۰۱، و ص: ۲۰۷، ح: ۷۰، وکافی: ج: ۲، ص: ۲۸۵، ح: ۲۴، و ص: ۳۲۳، ح: ۱، و ص: ۳۲۷، ح: ۲، و ص: ۳۴۶، ح: ۷، وخصال: ص: ۱۱۳، ح: ۹۱)

(۱۵۶) حدیث: وَهَبُ بْنُ جُمَيْعٍ مَيَّ غَوِيْدُ: پْرَسِيْدِمُ اَز اِمَامِ جَعْفَرِ صَادِقٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ اَز گَفْتِهِي اِبْلِيسَ: «پْروردگارا مهلت ده تا روزی که مبعوث شوند، خداوند فرمود: تو مهلت داری تا روز وقت معلوم» وَهَبُ گَفْت: قْرَبَانَتِ شَوْمِ اَنْ رُوْزِ چِه رُوْزِيست؟.

حضرت فرمودند: ای وَهَب! فکر می‌کنی آنروز روز رستاخیز مردم است؟! چنین نیست بلکه خداوند تا روزی که قائم ما ظهور کند به ابلیس مهلت داده، و چون قائم ما ظهور کند و در مسجد کوفه باشد ابلیس نزد وی آید و برابرش زانو زند و گوید: ای وای بر من از این روز، و قائم عَلَيْهِ السَّلَامُ موهای جلوی سرش را بگیرد و گردنش را بزند، و این روز همان وقت معلوم است. (تفسیر عیاشی: ج: ۲، ص: ۲۴۲، ح: ۱۴)

فصل هفتم

حادثه‌ها، گرفتارها، بلاها و بیماری‌ها من:

در طول عمرم - از ابتدای تولد گرفته تا به حال - قرار بود بلاهای گوناگونی به سرم آمده و گرفتاری‌های مختلفی برآیم درست شود، به مرض‌های مختلفی دچار شده و حادثه‌های ناگواری برآیم پیش آید، ولی چنین نشد!

آری! بارها و بارها فاصله‌ی زیادی تا فقر، اعتیاد، غذای ناپاک، تصادف، زمین گیر شدن، بیماری‌های صعب‌العلاج، مسمومیت، رؤسائی، ناامید شدن از زندگی، گرفتار رفیق ناباب شدن، در معرض حيله و کلاهبرداری واقع شدن، و ارتکاب گناهیانی که همه چیز را از من می‌گرفت و مرا عاقبت به شر می‌نمود نداشتیم؛ ولی بلاها یکی پس از دیگری از من دفع می‌شد.

و اینها همه مربوط به مواردی است که رفع بلا را حسّ نموده‌ام! و خدا می‌داند که چه بلاها و خطراتی - که قابل شمارش نبوده و من اصلاً متوجه آنها نشده‌ام - از من دور شده‌اند.

و ای کاش متوجه رفع همه‌ی بلاها می‌شدم و برای تک‌تک آنها از امام زمانم که به خاطر وجود شریفشان از من دفع گردیده است^{۱۵۷} تشکر و قدردانی می‌نمودم.

چه امام رئوف و مهربانی، چه آقای کریم و بزرگواری،^{۱۵۸} چه پدر

(۱۵۷) حدیث: امام زمان عجل الله تعالی فرجه فرمودند: خداوند به خاطر من بلاها را از اهل‌م و شیعیانم دفع

می‌کند. (کمال‌الدین: ص: ۴۴۱ ح: ۱۲)

(۱۵۸) حدیث: در زیارت ائمه معصومین علیهم السلام می‌خوانیم: سلام بر امام رئوف و مهربان، سلام



دلسوزی،^{۱۵۹} چقدر به او بدهکارم و زندگی‌م را مدیون او هستم.
 مولا جان! با همه‌ی وجود از شما تشکر کرده و سپاسگزارم.
 باز هم مراقب و محافظ من باش، و ملائکه‌ای را که باذن الهی مأمور
 مراقبت و محافظت از من گماشته‌ای از من دور نموده، و خود نیز همچنان
 ورای آنها از من محافظت نما؛ و هرگز من را فراموش نکن که اگر روزی
 چنین اتفاقی بیافتد، همه‌ی بلاها بر سرم فرود آمده و من دیگر آمیدی به
 ادامه‌ی زندگی نخواهم داشت.



بر امام سخی و کریم. (بحار الانوار: ج: ۹۹ ص: ۱۹۹)

(۱۵۹) حدیث: امام رضا علیه السلام فرمودند: امام مونس‌ی رفیق، پدری دلسوز، و برادری تنی، و

همچون مادری نیکوکار به فرزند کوچک خویش می‌باشد. (کافی: ج: ۱ ص: ۲۰۰ ح: ۷)

فصل هشتم

هدایت ستم:

هدایت بر سه قسم است:

- ۱- هدایت تکوینی
- ۲- هدایت تشریحی
- ۳- هدایت خاص

۱- هدایت تکوینی: عبارت است از تداوم حیات، و بقای عالم بر همان صورت اولیه‌ی خلقت و عدم تصرف در امور تکوینیّه‌ی موجودات. در این قسم از هدایت می‌گوئیم: خداوند متعال به حجّت و خلیفه‌ی خویش - حضرت بقیّة الله الأعظم (أرواحنا له الفداء) - آنچنان قدرتی داده است که در هر چه بخواهد و اراده نماید تصرف کرده و آن را تغییر می‌دهد و به تعبیر دقیق‌تر معجزه می‌نماید.^{۱۶۰}

همچون تغییر ماهیّت مرد به زن، و زن به مرد.^{۱۶۱}

(۱۶۰) حدیث: امام باقر علیه السلام فرمودند: به درستی که خداوند ما اهل بیت را بر آنچه بخواهیم

توانا نموده است. (بصائر الدّرجات: ص: ۳۹۵ ح: ۵)

حدیث: امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند: امام هر آنچه را که بخواهد به امر خداوند انجام می‌دهد، پس اگر بخواهد به اذن الهی از مشرق تا مغرب را در لحظه‌ای ببیند می‌تواند، و هر زمان بخواهد و اراده کند به آسمان رفته و برمی‌گردد. (هدایت کبری: ص: ۲۲۶)

(۱۶۱) حدیث: امام صادق علیه السلام فرمودند: بعضی‌ها به امام حسن علیه السلام و آن تحمل‌هایی که آن حضرت در مقابل آزارهای معاویه می‌کرد اعتراض نمودند، امام مجتبی علیه السلام



تغییر ماهیت انسان به حیوان و حیوان به انسان. ۱۶۲

در پاسخ سخنی فرمودند که مضمون آن این بود: اگر من دعا کنم، خدای توانا عراق را به شام و شام را به عراق، زن را به مرد و مرد را به زن تبدیل می‌کند. آن مرد شامی گفت: چه کسی است که این قدرت را داشته باشد؟! امام حسن مجتبی علیه السلام به وی فرمودند: برخیز! حیا نمی‌کنی که در میان مردان نشسته‌ای؟ ناگاه آن مرد بخود توجهی کرد و دید که زن شده است! آنگاه امام حسن علیه السلام به وی فرمودند: زن تو تبدیل به مردی شده است، او با تو نزدیکی می‌کند و تو از وی حامله می‌گرددی و فرزندی می‌آوری که خنثی خواهد بود (یعنی هم علامت مردی و هم علامت زن بودن را خواهد داشت) پس همانطور شد که آن بزرگوار فرموده بودند.

آنگاه پس از چندی آن دو توبه کردند و به حضور امام حسن مجتبی علیه السلام آمدند. پس آن حضرت دعا کردند و خدای توانا ایشان را به حالت اول برگردانید. (مناقب آل ابی طالب: ج: ۳، ص: ۱۷۵)

(۱۶۲) حدیث: علی بن ابی حمزه می‌گوید: با امام جعفر صادق علیه السلام به حج می‌رفتیم که زیر درخت خرماي خشکیده‌ای فرود آمدیم. حضرت زیر لب دعایی را زمزمه کردند که من نفهمیدم، سپس فرمودند: ای درخت! از طعامی که خداوند در تو قرار داده است به ما بخوران.

راوی می‌گوید: ناگهان متوجه شدم که شاخه‌های درخت، در حالی که خرماي تازه داشتند به سوی امام علیه السلام متمایل شدند، پس حضرت «بسم الله» گفته و شروع به خوردن نمودند، و ما هم به دستور ایشان خوردیم که بهترین خرما بود.

عربی بادیه نشین، چون این منظره را مشاهده کرد، تعجب نموده و گفت: تا به امروز، سحری به این بزرگی ندیده بودم! حضرت فرمودند: ما وارثان پیغمبرانیم و در بین ما ساحر و کاهنی پیدا نمی‌شود، و هر وقت از خدا هرچه را بخواهیم اجابت می‌کند.

مرد عرب نپذیرفت و باور نکرد، حضرت فرمودند: می‌خواهی از خدای متعال بخواهم تا تو را به صورت سگی در آورده و نزد خانواده‌ات برگردی و مقابل



آنها دُم بجنبانی؟ مرد عرب که جاهل بود و نمی فهمید، گفت: آری، پس آن حضرت از خدا درخواست نمودند تا او را به صورت سگی مسخ کند پس چنین شد، و آن سگ به راه افتاد و رفت.

راوی می گوید: امام به من دستور دادند که دنبال او بروم، من نیز رفتم و دیدم وارد منزلش شد و در مقابل عیال و اولادش، دُم خود را جنبانید، آنها هم عصا برداشته و او را از خانه بیرون کردند. آنگاه من به حضور حضرت رسیدم و جریان را گزارش کردم، ناگاه متوجه شدم که آن سگ برگشت و روبروی حضرت ایستاد، در حالیکه دُمش را می جنباند و اشک می ریخت.

حضرت به او ترحم فرموده و دعا کردند تا خداوند او را به حالت اول برگرداند، پس در همان هنگام خداوند متعال او را به حالت اول برگرداند. پس حضرت امام صادق علیه السلام از او پرسیدند: اکنون ایمان آوردی؟ گفت: بلی هزار هزار بار ایمان آوردم. (خرائج و جرائح: ج ۱ ص: ۲۹۶ ح: ۳)

حدیث ۲: یک نفر از اهل خوارج با مرد دیگری دعوا کرد و نزد حضرت علی علیه السلام آمدند و آن حضرت، میان آنان به حکم خدای متعال و پیامبر صلی الله علیه و آله، قضاوت کردند، اما آن مرد خارجی گفت: در قضاوت، عدالت به خرج ندادی! حضرت فرمودند: دور شو ای دشمن خدا! پس آن مرد به صورت سگی درآمد و لباسهایش به هوا پرید و دُم خود را تکان می داد و از چشمانش اشک می ریخت. حضرت به حال او دلسوزی نموده و دعا نمودند، پس مجدداً به صورت انسان درآمد و لباسهایش از هوا به تنش برگشت.

آنگاه حضرت علی علیه السلام فرمودند: آصف بن برخیا وصی حضرت سلیمان نیز مانند این کار را انجام داد چنانچه خداوند در کتابش از او نام برده و داستان او را به این صورت نقل کرده است که: «آن کسیکه نزد او کمی از علم کتاب بود - در جواب سؤال سلیمان وقتی که گفت چه کسی تخت بلقیس را نزد من می آورد؟ - گفت: من آن را در کمتر از چشم به هم زدن می آورم». آیا پیامبر شما نزد خداوند گرامیتر است یا سلیمان؟ گفتند: پیامبر ما.



تبدیل عکس شیر (یا شیئی همچون کلید کوچک) به شیر حقیقی. ۱۶۳

پس به حضرت گفته شد (تو با این همه معجزات و قدرتی که در اختیار داری) چه نیازی به جمع آوری سپاه برای جنگ با معاویه داری؟ حضرت در جواب فرمودند: اینها را برای جنگ دعوت می‌کنم تا حجّت بر آنان تمام شده و امتحان الهی به پایان برسد، و اگر خداوند به من اجازه می‌داد که در مورد هلاکت معاویه نفرین کنم، هرگز آن را به تأخیر نمی‌انداختم. (خرائج و جرائح: ج ۲ ص: ۵۶۸ ح: ۲۴)

(۱۶۳) حدیث: از علی بن یقطین مروی است که گفت: هارون الرشید (لعنة الله عليه) مردی را طلب کرد که باطل کند امر حضرت أبو الحسن موسی بن جعفر (علیه السلام) را و قطع کند کلام او را و آن جناب را در مجلس خجالت دهد، پس مرد افسونگری را با ایشان روبرو کرد، چون طعام حاضر ساختند آن مرد افسونگر افسونی به نان خواند و در نان صنعتی کرد که حضرت ابو الحسن (علیه السلام) هر گردهی نانی را که قصد می‌فرمودند که تناول کنند نان از میان دست ایشان طیران می‌کرد و پرواز می‌نمود و هارون (لعنة الله عليه) شادی می‌کرد و خنده می‌نمود و خفیف می‌کرد آن جناب را به سبب خنده های خود، پس طولی نکشید که حضرت أبو الحسن (علیه السلام) سر مبارک خود را بلند نموده و رو کردند به صورت شیری که بر بعضی از پرده‌ها نقش بسته بود و فرمودند: ای شیر بگیر دشمن خدا را.

راوی گفت: آن شیر برجست مثل بزرگترین درنده‌ها، یعنی این شکل شیر، عظیم و بزرگ شد و مرد افسونگر را شکار کرد.

هارون (لعنة الله عليه) و ندیمان او به صورت بر زمین افتاده و بیهوش شدند و عقل از سر آنها پرید به جهت ترس و هول از آنچه مشاهده کردند. پس بعد از مدتی که به حال خود آمدند هارون (لعنة الله عليه) به آن بزرگوار عرض کرد: به حقی که بر تو دارم از تو درخواست می‌کنم که از این صورت بخواهی که این مرد را برگرداند، حضرت فرمودند: اگر عصای موسی برگردانید آن ریسمانها و چوب دستی‌ها را که سحر کرده بودند! این صورت هم برمی‌گرداند این مرد را که

بلعیده است! (عیون أخبار الرضا (علیه السلام): ج ۲ ص: ۹۰ ح: ۱)



تصرف در دریا، و تبدیل آن به پلی برای عبور.^{۱۶۴}
 به حرکت در آوردن زمین و ایجاد زلزله.^{۱۶۵}

حدیث ۲: ابو صامت می گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: چیزی به من عطا کنید که یقینم زیاد شده و شک از قلبم خارج شود، پس حضرت به من فرمودند: آنچه همراه توست به من بده، پس من کلیدی را که در آستین داشتم به آن حضرت دادم و آن کلید در دست حضرت تبدیل به شیری شد که من از او بیمناک شدم، سپس حضرت فرمودند: رویت را از من برگردان پس چنین کردم، پس آن شیر تبدیل به کلید شد. (ثاقب: ص: ۱۵۴ ح: ۲)

(۱۶۴) حدیث: امیر المؤمنین علیه السلام در مسیری با شخص یهودی همراه شدند پس از مدتی به رودخانه‌ی پُر آبی رسیدند و شخص یهودی کفشهایش را پوشید و از آب گذشت سپس امیر المؤمنین علیه السلام را - در حالی که ایشان را نمی شناخت - صدا زده و گفت: ای فلانی! اگر تو آنچه را که من می دانستم، می دانستی از این آب می گذشتی، پس حضرت به او فرمودند: همانجا بایست تا من به تو ملحق شوم، سپس به آب اشاره‌ای کرده و آب منجمد شد و از آن گذشتند.

شخص یهودی وقتی این صحنه را مشاهده نمود خود را بر قدمهای آن حضرت انداخت و گفت: ای جوان! چه گفتی که آب این چنین منجمد شد؟

حضرت فرمودند: ابتدا تو بگو که چه گفتی و از آب گذشتی؟ گفت: من خدا را به اسم اعظمش خواندم حضرت فرمودند: چیست آن اسم اعظم؟ گفت: من خدا را به اسم وصی محمد صلی الله علیه و آله خواندم. پس حضرت به او فرمودند: من همان وصی محمد صلی الله علیه و آله که خدا را به او خواندی هستم، پس شخص یهودی حضرت را تأیید نموده و مسلمان شد. (مشارق انوار الیقین: ص: ۲۷۱)

(۱۶۵) حدیث: امام محمد باقر علیه السلام فرمودند: همانا بین ما و هر زمینی شاغولی است همچون شاغول بنا، پس زمانیکه حاجتی به چیزی در زمین داشته باشیم آن شاغول را به سوی خود می کشیم و زمین با چاهها، بازارها و خانه‌هایش به سمت ما می آید پس آنچه را که از امر الهی بخواهیم در آن جاری می سازیم. (بصائر الدرجات: ص: ۴۲۷ ح: ۱۰)



بازگرداندن خورشیدی که غروب کرده. ^{۱۶۶}
تصرف در نباتات و جمادات. ^{۱۶۷}

حدیث ۲: تمیم بن جذیم می گوید: در مسیر بصره با علی علیه السلام همراه بودیم که زمین لرزید و علی علیه السلام بر آن دست زد و به او گفت: تو را چه شود؟ آنگاه رو به ما کرده و فرمود: اگر آن زلزله‌ای می‌بود که خدای عزوجل در کتابش گفته، به من پاسخ می‌داد ولی آن نبود. (علل الشرائع: ج: ۲ ص: ۵۵۵ ح: ۵)

(۱۶۶) حدیث: امّ جعفر می‌گوید: با جدّه‌ی خود - أسماء بنت عمیس - و عمویم - عبد الله بن جعفر - خارج شدیم تا به «صهبا» رسیدیم، پس أسماء گفت: دخترم ما با پیامبر صلی الله علیه و آله در این مکان بودیم که حضرت نماز ظهر را خواندند و سپس علی علیه السلام را خوانده و از آن جناب نسبت به برخی از نیازمندیهایش کمک خواستند، پس زمان عصر فرا رسید و آن سرور نماز عصر را خواندند، در این وقت علی علیه السلام آمدند و در پهلو ی پیامبر صلی الله علیه و آله نشستند، پس خدا به رسولش وحی فرستاد و نبی اکرم صلی الله علیه و آله سر به دامان علی علیه السلام نهادند تا خورشید غروب کرد و از آن چیزی نه بر زمین و نه بر کوه رؤیت نمی‌شد، سپس رسول خدا صلی الله علیه و آله نشستند و به علی علیه السلام فرمودند: آیا نماز عصر را خوانده‌ای؟

حضرت علی علیه السلام عرض نمودند: خیر ای رسول خدا! به من خبر دادند که شما نماز نخوانده‌اید و وقتی سر در دامن من نهادید نخواستم آن را تکان دهم لذا همچنان نشستم تا خورشید غروب کرد، پس پیامبر در مقام دعا بر آمده و به درگاه الهی عرض کردند:

بار خدایا! این علی بنده تو است که خود را به خاطر پیغمبرت محبوس نمود، پس خورشید را برای او بازگردان، بلافاصله خورشید طلوع کرد و هیچ کوه و زمینی نبود مگر آنکه خورشید بر آن تابید، سپس علی علیه السلام ایستاده و وضو گرفتند و نماز خواندند، آنگاه خورشید تار شده و غروب نمود. (علل الشرائع: ج: ۲ ص: ۲۵۱ ح: ۳)

(۱۶۷) حدیث: حارث می‌گوید: با امیر مؤمنان به سفر رفتیم تا اینکه به وادی «عاقول» رسیدیم و در آنجا تنه‌ی درختی را دیدیم که پوستش کنده شده بود، آن حضرت



تکلم نمودن با حیوانات و موجودات، و اطاعت آنان از امام عجل الله تعالی فرجه الشریف. ۱۶۸

با دست خویش به آن زده و فرمودند: به اذن خدا بر گرد و سبز و میوه دار شو. درخت، شاخه‌هایش را به حرکت در آورد و میوه دار شد و ما از آن خوردیم و برای راهمان نیز برداشتیم. (بصائر الدرجات: ص: ۲۷۴ ح: ۳)

حدیث ۲: ابو حمزه ثمالی می‌گوید: علی علیه السلام در مسجد کوفه نشسته و اصحاب ایشان در کنار آن حضرت بودند پس مردی عرض کرد: من تعجب می‌کنم که چرا دنیا در دست کسان دیگر است نه در دست شما؟ حضرت فرمودند: گمان می‌کنی ما دنیا را می‌خواهیم و به ما داده نمی‌شود؟ آنگاه یک قبضه از سنگریزه‌های مسجد را برداشته و در مشت خود فشردند، بعد دست خود را باز کردند، دیدیم جواهراتی هستند و می‌درخشند. حضرت پرسیدند: این چیست؟ نگاه کردیم و گفتیم: از بهترین جواهرات است. پس فرمودند: اگر ما دنیا را می‌خواستیم از آن ما بود، ولی ما آن را نمی‌خواهیم، سپس جواهرات را بر زمین انداختند و آنها مانند اول سنگریزه شدند. (بصائر الدرجات: ص: ۳۹۵ ح: ۳)

(۱۶۸) حدیث ۱: محمّد بن مسلم گوید: روزی خدمت امام باقر علیه السلام بودم که یک جفت قمری آمدند و روی دیوار نشسته، طبق مرسوم خود بانگ می‌کردند و امام باقر علیه السلام ساعتی به آنها پاسخ می‌گفتند، سپس آماده‌ی پریدن گشتند، و چون روی دیوار دیگری پریدند، قمری نر، یک ساعت بر قمری ماده بانگ می‌کرد، سپس آماده‌ی پریدن شدند، من عرض کردم: قربانت گردم، داستان این پرندگان چه بود؟ حضرت فرمودند: ای پسر مسلم! هر پرنده و چارپا و جاننداری را که خدا آفریده است نسبت بما شنواتر و فرمانبردارتر از انسان است، این قمری بماده‌ی خود بدگمان شده و او سوگند یاد کرده بود که خیانت نکرده است و گفته بود به داوری محمّد بن علی راضی هستی؟ پس هر دو به داوری من راضی گشته و من به قمری نر گفتم: که نسبت بماده‌ی خود ستم کرده‌ای و حق با اوست و او تصدیقش کرد. (بصائر الدرجات: ص: ۳۶۲ ح: ۵)



حدیث ۲: سلیمان بن خالد گفت: در خدمت حضرت صادق علیه السلام بودیم، ابو عبد الله بلخی نیز حضور داشت ناگاه یک آهو پیش آمده و با صدای مخصوص خود صدا می‌زد و دُم می‌جنبانید. امام علیه السلام فرمودند: انجام می‌دهم ان شاء الله.

آنگاه روی بما نموده و فرمودند: فهمیدید آهو چه گفت؟ عرض کردم: خدا و رسول و پسر رسول او داناترند. فرمودند: شکایت کرد که یکی از اهل مدینه دامی نهاده و ماده‌ی او را گرفته است که دو بره دارد و هنوز قدرت چریدن ندارند، از من درخواست کرد که ماده‌اش را بگیرم و آزاد کنم و ضمانت کرد که وقتی بچه‌هایش را شیر داد و آماده‌ی چریدن شدند او را پیش صیاد برگرداند. من آهو را قسم دادم، گفت از ولایت شما اهل بیت پیامبر بیزار باشم اگر این کار را نکنم. من هم این کار را برای او خواهم کرد ان شاء الله، ابو عبد الله بلخی گفت: در شما سنتی همچون سنت سلیمان علیه السلام است (یعنی همانطور که حضرت سلیمان با حیوانات سخن گفته و امور آنان را اداره می‌نمود شما نیز چنین هستید). (بصائر الدرجات: ص: ۳۶۹ ح: ۸)

(۱۶۹) حدیث ۱: داود بن کثیر رقی گفت: یکی از دوستان ما برای انجام حج به مکه رفت و خدمت حضرت صادق علیه السلام رسید. پس گفت: آقا! پدر و مادرم فدایت شوند، همسرم فوت شده و من تنها مانده‌ام، حضرت فرمودند: دوستش داشتی؟ عرض کردم: بله فدایت شوم. فرمودند: وقتی برگردی به منزل خود، او مشغول غذا خوردن است. گفت: از مکه برگشتم و وارد منزل شدم دیدم همسرم نشسته و غذا می‌خورد. (بصائر الدرجات: ص: ۲۹۴ ح: ۵)

حدیث ۲: مفضل بن عمر می‌گوید: در خدمت حضرت صادق علیه السلام بودم، گذرمان در مکه یا منی به زنی افتاد که با دخترکی بالای سر گاو مرده‌ای ایستاده و گریه می‌کردند. امام فرمودند چه شده؟ گفت: من و دخترانم از شیر این گاو زندگی می‌کردیم، این گاو هم مرده است، متحیرم که از کجا زندگی کنیم. حضرت فرمودند: مایلی خداوند این گاو را برایت زنده کند. زن گفت: با این گرفتاری که دارم مرا مسخره می‌کنی؟! حضرت فرمودند: نه، مسخره نمی‌کنم. آنگاه امام علیه السلام دعائی خواندند و



شفا دادن بیماران لاعلاج. ۱۷۰

جاری نمودن چشمه‌ها. ۱۷۱

با پای خود به بدن بی جان گاو زدند و فریادی به سر او کشیدند، پس گاو به سرعت صحیح و سالم از جای خود حرکت نمود. آن زن که گاو خود را زنده دید فریاد زد: به خدا این عیسی بن مریم است! امام علیه السلام نیز بین مردم رفتند و دیگر زن او را شناخت. (خراج و جرائح: ج ۱ ص: ۲۹۴ ح: ۱)

(۱۷۰) حدیث: ابو عوف می‌گوید: بر امام جعفر صادق علیه السلام داخل شدم پس حضرت به من ملاطفت نموده و فرمودند: شخصی نابینا پیش پیامبر صلی الله علیه و آله آمده و گفت: ای رسول خدا! از خداوند بخواه که بینائی مرا به من بازگرداند، پس آن حضرت دعا نموده و آن شخص بینا شد، چندی بعد شخص دیگری که او نیز نابینا بود خدمت آن حضرت آمده و همین درخواست را نمود حضرت به او فرمودند: آیا بهشت نزد تو محبوب‌تر است یا بینا شدن؟ گفت: آیا اگر نابینا بمانم جزا و پاداش من بهشت است؟ حضرت فرمودند: خداوند بزرگوارتر از آن است که بنده مؤمنی را مبتلا به نابینائی نماید سپس به او جزای بهشت ندهد. (بصائر الدرجات: ص: ۲۹۲)

حدیث: ۲: شخصی از قبیله‌ی جُهَیْنَه که مبتلا به جذام شده بود حضور پیامبر صلی الله علیه و آله رسید و از آن حضرت شفا خواست آن حضرت ظرف آبی را طلبد و از آب دهانشان در آن ریختند و به آن شخص فرمودند: «این آب را به بدنت بمال» پس آن شخص به دستور حضرت عمل کرد و از آن مرض خلاصی یافت. (احتجاج: ج: ۱ ص: ۳۳۲)

(۱۷۱) حدیث: امام صادق علیه السلام فرمودند: وقتی که علی علیه السلام از صفین برمی‌گشتند بر ساحل رود فرات ایستاده و با چوب دستی خود بر آب زدند و فرمودند: جاری شو. پس دوازده چشمه جاری شد و مردم نگاه می‌کردند. سپس با زبانی سخن گفتند که مردم نفهمیدند. آنگاه ماهی‌ها سرشان را از رودخانه بیرون آوردند و «لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» و تکبیر گفتند و بعد از آن گفتند: «سلام بر تو ای حجت خدا در زمین و ای چشم خدا در میان بندگان»، قوم تو در صفین تو را خوار کردند چنانچه قوم هارون بن عمران او را چنین نمودند.



تصرف در اذهان و قلوب. ^{۱۷۲}

کامل نمودن عقلها. ^{۱۷۳}

و هر کار دیگری که نیاز به تصرف در عالم و مخلوقات آن داشته باشد، همگی به معجزه و اراده‌ی نافذ امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف امکان پذیر است. و نیز باید بدانیم که تمام معجزات انبیا و اوصیا الهی به دست مبارک آن حضرت در زمان ظهور جاری خواهد شد تا اتمام حجّتی باشد بر تمامی دشمنان و مخالفین. ^{۱۷۴}

پس آن حضرت به مردم فرمودند: «آیا شنیدید؟» گفتند: بلی. پس فرمودند: «این معجزه‌ی من برای شماست و شما را بر آن شاهد می‌گیرم. (خرائج و جرائح: ج ۱ ص: ۲۳۱ ح: ۷۶)

(۱۷۲) حدیث: زَمَيْلَهُ مَيَّ غَوَيْدُ: عَلِيٌّ ع شَخْصِي رَا دَر حَالِ خِيَاطِي وَ آوَاذِ خَوَانِي دِيد وَ فَرَمُود: «اَي جَوَان! اِگَر قَرآن بَخَوَانِي بَرَاي تُو بَهْتَر اَسْت». اَن جَوَان كَفْت: بَلَد نِيَسْتَم بَخَوَانِم، وَلِي دُوسْت دَاشْتَم مَقْدَارِي اَز اَن رَا حَفْظ بُوْدَه وَ مَيَّ خَوَانْدَم. حضرت فرمودند: نزدیک بیا، آن جوان نزدیک آمد و علی ع آهسته چیزی در گوش او گفتند که تمام قرآن در قلب او نقش بست و حافظ تمام قرآن شد. (خرائج و جرائح: ج: ۱ ص: ۱۷۴ ح: ۷)

(۱۷۳) حدیث: امام باقر ع فرمودند: چون قائم ما قیام کند دستش را بر سر بندگان نهد و از برکت آن دست، عقل و خرد آنها کمال یابد. (کمال الدین: ص: ۶۷۵ ح: ۳۰)

(۱۷۴) حدیث: امام صادق ع فرمودند: هیچ معجزه‌ای از معجزات انبیا و اوصیا نیست مگر اینکه خداوند شبیه آن را برای اتمام حجّتی بر دشمنان به دست قائم ما ظاهر می‌کند. (اثبات الهداة: ج: ۷ ص: ۳۵۷ ح: ۱۳۷)

حدیث: امام صادق ع فرمودند: در زمان ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف شخصی از اصفهان پیش آن حضرت آمده و از او می‌خواهد که معجزه‌ی حضرت ابراهیم ع را برای او بیاورد، پس آن حضرت دستور می‌دهند که آتش بزرگی برافروخته شود و این آیه را تلاوت می‌کنند: «پس پاک و منزّه است آن خدائی که در دست او ملکوت هر چیزی است و به سوی او برمی‌گردید» سپس آن حضرت داخل آتش شده و در



اندک و محدودند و این مسئله با آنچه شما در رابطه با هدایت تشریحی امام عصر علیه السلام مطرح نمودید معارض است.

در جواب می‌گوئیم که رجوع ما به روایات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت گرامیش، در حال حاضر نیز به دستور آن حضرت و امر ایشان است. بدین معنا که عمل به دستورات امامان قبل مشروط به اذن و اجازه‌ی امام هر عصری می‌باشد و این مسئله تنها مربوط به عصر ما نیست؛ بلکه در هر دوره‌ای پس از اتمام امامت هر یک از ائمه علیهم السلام عمل به دستورات آن امام و امامان قبل از او مشروط به اذن امام حاضر می‌باشد؛ به عنوان مثال، مردم زمان امام جواد علیه السلام پس از شهادت آن حضرت، مأمور به مراجعه و اذن از امام هادی علیه السلام برای عمل نمودن به فرمایشات امام جواد علیه السلام و همچنین امامان قبل از ایشان بوده‌اند، چون همانگونه که سابقاً نیز گفتیم تنها گفته‌ی امام ناطق حجت است و همه‌ی مردم حتی امام صامت نیز مأمور به تبعیت از امام ناطق می‌باشند.^{۱۷۶}

۳- هدایت خاص: و اما هدایت خاص عبارتست از مجموعه‌ی عنایات، توفیقات، دستگیری‌ها، مراقبت‌ها و تأییدات امام عصر علیه السلام نسبت به محبتین و شیعیان خود که ملموس‌ترین نوع هدایت است.

و می‌توان گفت اکثر دعا‌های من در طول شبانه روز، بازگشت به همین معنا داشته و در خواست تداوم و ازدیاد این هدایت از جانب آن حضرت

(۱۷۶) حدیث: هشام بن سالم می‌گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: آیا ممکن است در یک زمان دو امام باشند؟ آن حضرت فرمودند: خیر، مگر آنکه یکی از آن دو خاموش باشد و از دیگری پیروی نماید و دیگری ناطق و پیشوای وی باشد، اما در یک زمان دو امام ناطق نخواهد بود. (کمال الدین: ص: ۴۱۶ ح: ۹)

من ایشان بوده و هستند^{۱۷۷} و هر چه داشته و دارم از آن حضرت و به خاطر ایشان بوده و هست،^{۱۷۸} ولی هزاران افسوس که من از ایشان غافل بوده و دستِ عنایاتشان را در پس پرده‌ی زندگی‌ام ندیدم، و لحظات قیمتی ارتباط با آن حضرت را درک نمودم و لذت مناجات با ایشان را - آنطور که باید - نچشیدم، و خود را خرج خدمت، در آستان مقدّسشان ننموده و از معنا کردن زندگی در کنار ایشان محروم ماندم! ولی هزاران شکر و سپاس خداوندی را که هم اکنون - بیش از گذشته - مرا متوجّه خویش ساخته، و توفیق درک حضور ایشان را در زندگی، به من عطا فرموده است.

آری! من به یاری و هدایت امام زمانم توانستم در مسیر صحیح قدم برداشته و موانع زندگی را از سر راه بردارم و راه و رسم زندگی را یاد گرفته و هدف مند، به زندگی ادامه دهم.

آن حضرت بودند که مرا با خدا آشنا نموده و مرا در بندگی او یاری نمودند.

ایشان بودند که مرا با حضرت سید الشهداء علیه السلام آشنا نموده و پای مرا به حسینیه‌ها و مجالس عزای آن حضرت باز نمودند و غیر از این هم، از ایشان

(۱۷۷) حدیث: در زیارت جامعه‌ی کبیره آمده است: اگر از خیر، اسمی به میان آید شما اهل بیت اوّل آن و ریشه‌ی آن و شاخه‌ی آن و معدن آن و جایگاه آن و آخر آن می‌باشید. (من لا یحضره الفقیه: ج: ۲ ص: ۶۱۶)

حدیث: امام حسن مجتبی علیه السلام فرمودند: ما اهل بیت رحمت و معدن کرامت و جایگاه خیرات و خوبیها هستیم. (احتجاج: ج: ۱ ص: ۴۱۶)

(۱۷۸) حدیث: امام باقر علیه السلام فرمودند: خداوند به خاطر اهل بیت به بندگانش روزی می‌دهد و به خاطر ایشان سرزمین‌ها را آباد می‌کند، و به خاطر ایشان برکات را از زمین خارج می‌کند. (کمال الدین: ص: ۲۶۰ ج: ۵)



توقع نداشته و ندارم، چرا که ایشان از مادر مهربان تر و دلسوزترند،^{۱۷۹} و هرگز به خاطر بدی هایم مرا رها نکرده و نمی کنند.
 آری ایشان امام و حجّت خدا بر من!^{۱۸۰}
 آگاه به اعمال، نیازها و خواسته های من!^{۱۸۱}
 مدافع و یاور من در همه ی سختی ها و مشکلات!^{۱۸۲}

(۱۷۹) حدیث: ۱: امام رضا علیه السلام فرمودند: امام نسبت به شیعیان خویش از پدران و مادران مهربان تر و دلسوزتر است. (خصال: ص: ۵۲۷: ج: ۱)

حدیث: ۲: حضرت امام رضا علیه السلام فرمودند: امام از مادر نیکوکار نسبت به فرزند کوچکش مهربان تر است. (کافی: ج: ۱: ص: ۲۰۰: ج: ۱)

حدیث: ۳: امام صادق علیه السلام فرمودند: قلبهای ما اهل بیت نیز نسبت به شیعیانمان همانند قلبهای پدران و مادران نسبت به فرزندان خویش طالب و مایل است. (بحار الانوار: ج: ۶۴: ص: ۱۲۶: ج: ۲۷)

(۱۸۰) حدیث: در زیارت امام عصر علیه السلام می خوانیم: سلام بر تو ای حجّت خدا بر زمینیان و آسمانیان، شهادت می دهم که به حقیقت، تو حجّت خدا بر گذشتگان و آیندگان هستی. (مزار شهدی: ص: ۵۸۷)

(۱۸۱) حدیث: ۱: امام باقر علیه السلام فرمودند: آیا گمان می کنید برای ما بر شما چشمان بینا و گوشهای شنوا نیست؟ چه گمان بدی! به خدا سوگند! هیچ یک از اعمال شما بر ما پوشیده نیست. (خراج و جرائع: ج: ۲: ص: ۵۹۵: ج: ۷)

حدیث: ۲: امام کاظم علیه السلام فرمودند: به درستی که جایگاه امام در زمین همانند جایگاه ماه در آسمان است، پس امام همچون ماه در محلّ خود بر آنچه که بر روی زمین قرار دارد احاطه داشته و از آن آگاه است. (بصائر الدرجات: ص: ۴۶۳: ج: ۸)

(۱۸۲) حدیث: ۱: در زیارت جامعه ی کبیره می خوانیم: سلام بر حامیان مدافع. (من لا یحضره الفقیه: ج: ۲: ص: ۶۰۹)

حدیث: ۲: امام باقر علیه السلام فرمودند: اهل بیت علیهم السلام محلّی امن برای پناهنده شدن هستند، و هرکس به ایشان متمسک شود در امان خواهد بود. (یقین: ص: ۳۱۸)



حبل متین من در مقابل تله های شیطان و هواهای نفسانی! ^{۱۸۳}
 پشتیبان من در آغاز و اتمام همه ی کارها! ^{۱۸۴}
 کشتی نجات من! ^{۱۸۵}
 و خلاصه، همه کاره ی من هستند.



(۱۸۳) حدیث: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: من آن ریسمان محکمی هستم که خداوند مخلوقات را به چنگ زدن به آن امر نموده است همچنانکه فرموده است: «همگی به ریسمان خدا چنگ بزنید». (فضائل ابن شاذان: ص: ۸۳)

حدیث: ۲: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: ما ریسمان محکم الهی هستیم که هرکس به ما چنگ بزند به راه راست هدایت می شود. (تفسیر قرأت: ص: ۲۵۸ ح: ۱۰)

(۱۸۴) حدیث: امام زین العابدین علیه السلام فرمودند: خدایا! درود و رحمت خود را بر محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله که پناهگاهی مستحکم و فریادرس مضطربین و بیچارگان و پناه فراریان و پشتوانه ی چنگ زندگان به ایشان هستند بفرست. (مزار شهدی: ص: ۴۰۰)

(۱۸۵) حدیث: امام باقر علیه السلام فرمودند: ما کشتی نجات شمائیم همچنانکه کشتی برای قوم نوح بود. (تفسیر قرأت: ص: ۳۴۸ ح: ۲)

فصل نهم

آرامش و طمأنینه من:

از عناصر مهمی که آدمی را به تلاش و امید رهنمون می‌سازد، آرامش است. پوشیده نیست که این کلمه کاربرد زیادی در محاورات روز مره‌ی همگان دارد و هیچکس را نمی‌یابی که به دنبال آن نبوده و از آن بدش بیاید؛ بنابراین آرامش و سکونِ نفس، شیء با ارزش و مهمی است و تلاش برای رسیدن به آن پسندیده و ممدوح است.

اما این سؤال مطرح است که انسان با رسیدن به چه چیز و یا چه چیزهایی به آرامش رسیده و در کجا باید آن را جستجو نماید؟

عده‌ای آرامش را، آسایش در زندگی و برخورداری از یک زندگی مرفه می‌دانند! عده‌ای آن را در قدرت و رسیدن به مقامات عالی دنیا جستجو می‌کنند! عده‌ای در شهرت! عده‌ای در خوشگذرانی! عده‌ای در گوش دادن و نواختن موسیقی! عده‌ای در کشیدن دُخانیات! عده‌ای در داشتن شغل پُر درآمد و مناسب! عده‌ای در داشتن یک زن ایده آل و زیبا! عده‌ای در داشتن خانه‌ای بزرگ و ماشین آخرین سیستم! عده‌ای در نگاه به دریا و موج‌های آن! عده‌ای در نگاه به منظره‌های مختلف طبیعت! و خلاصه هرکس آن را در چیزی و جایی جستجو می‌کند. اکنون می‌گوئیم همگی در اشتباه بوده و جز به یک آرامش کاذب و موقت - که دوام نامعلومی هم داشته و یا خواهد داشت - نرسیده‌اند.

پس آرامش حقیقی و طمأنینه‌ی واقعی در چیست و در کجا باید آن را جستجو نمود؟



جواب این سؤال را خداوند عز وجل در قرآن صریحاً بیان نموده است که: ﴿أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ﴾^{۱۸۶} و ما نیز بارها و بارها آن را تلاوت نموده و شنیده‌ایم؛ ولیکن معنای آن را نفهمیده و خیال نموده‌ایم، منظور از ذکر خدا که آرامش بخش است همین «سبحان الله»، «لا اله الا الله»، «الحمد لله» و «الله اکبر» و سایر اذکار وارده است. و با اینکه در طول شبانه روز تعداد زیادی از این ذکرها را گفته و می‌گوئیم، ولی به آنچه دنبال آن بوده و هستیم نرسیده‌ایم، و اشکال عمده‌ی ما در این بوده و هست که برای فهم معنای قرآن به اهل بیت علیهم السلام مراجعه ننموده و خود هرچه خواسته‌ایم از قرآن فهمیده و تفسیر کرده‌ایم! و حال اینکه ما برای فهم معنای قرآن، جز مراجعه به اهل قرآن - که بعداً توضیح خواهیم داد - چاره‌ای نداشته و نداریم.

اکنون می‌گوئیم که پس از مراجعه به مفسران واقعی قرآن، می‌یابیم که «ذکر الله» - که قلب‌ها بدان آرامش می‌یابد -، همان وجود امام عصر علیه السلام در هر دوره‌ای است.^{۱۸۷} و مسلماً در این دوره نیز امام زمان، حجت بن الحسن العسکری (ارواحنا له الفداء) آرامش قلبهاست، و قلب من نیز تنها با یاد آن حضرت آرامش می‌یابد.

آری! زمانیکه در ناآرامی‌های زندگی، به امام عصرم توجه کرده - و با

(۱۸۶) سوره‌ی رعد: آیه: ۲۸.

(۱۸۷) حدیث: امام جعفر صادق علیه السلام در مورد این آیه: «آن کسانی که ایمان آورده‌اند و قلبهایشان به یاد خدا مطمئن گردید» فرمودند: منظور از ایمان آورندگان: شیعیان، و

منظور از ذکر خدا: امیر المؤمنین و ائمه علیهم السلام می‌باشند. (تفسیر قمی: ج: ۱ ص: ۳۶۵)

حدیث: امام جعفر صادق علیه السلام در مورد گفتار خدای تعالی: «آگاه باشید که با یاد خدا قلبها آرام می‌شود» فرمودند: یعنی به محمد صلی الله علیه و آله قلبها آرامش می‌یابد، چرا که او ذکر خدا و واسطه‌ی بین پروردگار و خلق می‌باشد. (تفسیر عیاشی: ج: ۲ ص: ۲۱۱ ح: ۴۴)



ایشان درد دل می‌کنم و مشکلاتم را در میان می‌گذارم و آن حضرت را پشتیبان خود می‌بینم - آرام می‌شوم؛ بلکه بالاتر بگوییم که در همه‌ی اوقات زندگی، در غم و شادی‌هایم، در خلوت‌ها و جلوت‌هایم، در داشته‌ها و نداشته‌هایم، در بین دوستان و دشمنانم و همه و همه، با یاد و توجه به ایشان - که از مادر به من مهربان‌تر^{۱۸۸} و از خودم به من سزاوارتر است^{۱۸۹} - به آرامشی وصف ناپذیر دست می‌یابم.

چگونه چنین نباشد و حال اینکه لحظه لحظه‌ی زندگی‌ام را در کنار آن حضرت و با ایشان گذرانده و قبل از هر کار، و در حین انجام آن، امام زمانم را می‌بینم، و به چنین آقا و مولا و تکیه گاهی افتخار می‌کنم. در نتیجه: ﴿أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ﴾^{۱۹۰} یعنی: آگاه باشید که به امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، قلبها آرامش می‌یابند.

(۱۸۸) حدیث: امام رضا عجل الله تعالی فرجه الشریف فرمودند: امام از مادر نیکوکار نسبت به فرزند کوچک خویش

مهربان‌تر است. (کافی: ج: ۱، ص: ۲۰۰، ح: ۱)

(۱۸۹) حدیث: امام رضا عجل الله تعالی فرجه الشریف فرمودند: امام از مردم به ایشان سزاوارتر است. (من لا یحضره

القیه: ج: ۴، ص: ۴۱۸)

(۱۹۰) سوره‌ی رعد: آیه: ۲۸.



فصل نهم

دین من:

برای بررسی و فهم دقیق و جامع تر از این عنوان می گوئیم: دین را باید از دو دیدگاه مورد بررسی قرار داد، تا ارتباط آن را با امام عصر ع به دست آورد.

دیدگاه اول مربوط به باطن، حقیقت و اصل و اساس دین است که باید بدانم در این دیدگاه، دین همان وجود مقدس امام زمان ع و حجت خدا بر مخلوقات عالم است. بنابراین صحیح است که بگوئیم:

دین من، امام زمان من است؛ یعنی حقیقت دین، اصل دین، باطن دین، امام زمان ع می باشند.^{۱۹۱}

در نهایت، نتیجه چنین می شود که باطن، حقیقت و اصل امور دینی همچون توحید، نبوت، امامت، تولی و تبری، معاد، نماز، صوم، زکات، حج و... امام زمان ع می باشند، هم چنان که در روایات، از این نوع تعبیر فراوان است.^{۱۹۲}

اما دیدگاه دوم مربوط است به ظاهر دین که شامل عقائد، احکام و

(۱۹۱) حدیث: امام محمد باقر ع فرمودند: ما اهل بیت ریشه های دین هستیم. (بصائر الدرجات: ص: ۸۲ ح: ۱۰)

حدیث: ۲: امیر المؤمنین ع فرمودند: ایشان (اهل بیت ع) اساس دین هستند. (نهج البلاغه: ج: ۱ ص: ۳۰)

(۱۹۲) حدیث: امام صادق ع فرمودند: مائیم نماز در کتاب خدا، و مائیم زکات، و مائیم روزه، و مائیم حج، و مائیم ماه حرام، و مائیم سرزمین حرام، و مائیم کعبه الهی، و قبله ی پروردگار. (تأویل الآیات: ج: ۱ ص: ۱۹ ح: ۲)



مسائل دینی می‌شود، و در این مرحله چند مطلب حائز اهمیت است:

۱- دینی بودن یک مسئله را امام زمان علیه السلام تعیین می‌کنند، بدین معنا که هر آنچه را ایشان به عنوان یک امر دینی معرفی نموده یا تأیید نموده باشند، می‌توانم به عنوان دین برای خود بپذیرم.

و به عبارت دیگر میزان در دینی بودن ظواهر دین، کسی نیست جز امام عصر حجت بن حسن العسکری علیه السلام که حقیقت دین و اصل و اساس آن می‌باشند؛^{۱۹۳} بنابراین عبادی بودن یک عبادت، همچون نماز، زمانی است که از آن حضرت اخذ شده و مورد قبول ایشان باشد.

و اساساً معنای حقیقی «عبد» یعنی مطیع بودن بی چون و چرای مولا، و من اگر می‌خواهم که عبد صالحی برای خداوند متعال باشم چاره‌ای ندارم جز اینکه عبد مطیع امام زمانم باشم؛ بدین معنا که به دستوراتی که از ناحیه‌ی ایشان - و نه هیچ شخص دیگری - به من رسیده، بدون چون و چرا عمل کنم^{۱۹۴} و در این وادی باید بدانم که حرف هیچ کس جز امام زمانم برای من

(۱۹۳) حدیث: امیر المؤمنین علیه السلام فرمودند: ایشان (اهل بیت علیهم السلام) اصل، اساس و پایه‌ی دین می‌باشند. (نهج البلاغه: ج: ۱ ص: ۳۰)

(۱۹۴) حدیث: حضرت امیر المؤمنین علیه السلام فرمودند: به خاندان پیامبرتان بنگرید، و بدان سو که می‌روند بروید، و پی آنان را بگیرید که هرگز شما را از راه رستگاری بیرون نخواهند کرد و به هلاکت‌تان نخواهند کشانید.

اگر ایستادند بایستید، و اگر برخاستند، برخیزید. بر آنها پیشی مگیرید که گمراه می‌شوید، و از آنان عقب نمانید که تباه می‌گردید. (نهج البلاغه: ج: ۱ ص: ۱۸۹)

حدیث:۲ در زیارت جامعه‌ی کبیره آمده است: هرکس اراده‌ی شناخت و نزدیک شدن به خداوند متعال را دارد باید از شما اهل بیت آغاز نماید، و هرکس یگانگی او را می‌جوید باید از شما بپذیرد، و هرکس خدا را قصد نموده باید به شما روی نماید، ای والیان و سرپرستان من! من توانائی حمد و ثنای شما را ندارم، و مدح من به



حجت نیست، حتی حرف عرفای زاهد مسلک و یا علمای صاحب کرامت و یا مشهورین به علم و تقوی و... .

و نیز باید بدانم که حقیقت و روح تقوا در عصر من فقط در کالبد جسم یک نفر است و سائرین را زمانی می شود اهل تقوا خواند که الگوی علمی و عملیشان امام زمان علیه السلام باشد نه فلان عارفِ واصل! یا صوفی بیدار دل! یا درویش صاحب کرامت! یا فیلسوف کذا! یا استاد اخلاق! یا عالم وارسته! و یا مرجع تقلید و... .^{۱۹۵}

برای توضیح بیشتر می گوئیم: احکام، مسائل و امور دینی قبل از اینکه دینی شوند و اطلاق دین بر آنها صحیح باشد، هیچ فرقی با سائر امور ندارند و اگر کسی آنها را به دین نسبت دهد قطعاً بدعت در دین گذاشته و عمل او از درجه اعتبار ساقط است.^{۱۹۶}

منتهای حقیقت شما نرسیده و تمجید و توصیف من به قلّه‌ی رفیع شما نمی‌رسد.
(من لا یحضره الفقیه: ج: ۲ ص: ۶۰۹)

(۱۹۵) حدیث: در زیارت ائمه‌ی بقیع علیهم السلام می گوئیم: سلام بر شما ای امامان هدایت، سلام بر شما ای اهل تقوا. (کافی: ج: ۴ ص: ۵۵۹ ح: ۵)

حدیث: امام باقر علیه السلام فرمودند: ایشان (اهل بیت) امامان هدایت و دعوت کنندگان به سوی تقوا هستند. (تفسیر قرآن: ص: ۳۹۶ ح: ۱۱)

(۱۹۶) حدیث: امام صادق علیه السلام در مورد گفتار خدای متعال: «چه کسی گمراه‌تر است از آنکه تبعیت از هوای نفس خویش می‌نماید و توجهی به هدایتگر الهی ندارد» فرمودند: مُراد از این آیه کسی است که دین خود را بدون هدایت از یکی از امامان هدایتگر، از رأی و نظر خود بگیرد. (بصائر الدرجات: ص: ۳۳ ح: ۱)

حدیث: امام سجّاد علیه السلام فرمودند: به درستی که دین خدا با عقول ناقص و آراء باطل و قیاسهای فاسد به دست نیامده و آن جز با تسلیم شدن به دست نمی‌آید، و هر که تسلیم ما شد سالم می‌ماند، و هر که به ما اقتدا کرد هدایت می‌یابد، و هر که



پس مسائلی همچون خدا شناسی، پیغمبر شناسی، امام شناسی، معاد شناسی، نماز، روزه، خمس، زکات، حج، امر به معروف و نهی از منکر، اذکار مختلف، مسائل اخلاقی مثل غیبت، تهمت، دروغ، سخن چینی، ترک اعمال قبیحی مثل زنا، دزدی و هزاران مسئله‌ی دیگر تا قبل از اینکه توسط صاحب دین، دینی محسوب شوند، هیچگونه منعی از انجام و ترک آنها نیست حتی چه بسا انجام و ترک بسیاری از آنها نزد خیلی ها دارای آثار مثبت نیز بوده باشد، که پس از معرفی از جانب صاحب دین به عنوان یک مسئله‌ی دینی، خالی بودن آنها از آثار مثبت بر همگان روشن می‌شود.

و اما پس از مطرح شدن از لسان امام علیه السلام موضوع کاملاً عوض شده و از جایگاه خاصی برخوردار می‌باشند و برخورد ناصحیح با آنها منجر به خسران دنیوی و عذاب اخروی می‌گردد؛ بنابراین تمام سعی و همت من باید در این باشد که به آن دینی که میزان و معیار آن امام زمان علیه السلام است عمل کنم و نه آنچه که دیگران از پیش خود - با رنگ دینی زدن به آن - به خوردن من می‌دهند.

بله؛ میزان در توحید، نبوت، امامت، و مسائل مربوط به آنها امام زمان علیه السلام می‌باشند، بنابراین خدائی که آن حضرت به من معرفی نموده خدای من است، نه خدائی که دیگران برای خود تراشیده‌اند.

پیامبری که ایشان آن را به من معرفی نموده‌اند پیامبر من است، نه آن پیامبری که معرفی آن از جانب کسانی صورت گرفته که دست راستشان را

به قیاس و رأی خود عمل کند هلاک می‌شود، و هر که در آنچه می‌گوئیم شکی داشته باشد یا در آنچه حکم می‌کنیم حرجی داشته باشد، به خدایی که سبع المثانی (سوره‌ی حمد) و قرآن عظیم را فرو فرستاده، کافر شده است در حالی که خودش



از دست چپشان تشخیص نمی دهند.

حجت و خلیفه‌ی خدا بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله، آن کسی است که امروز خلف صالح او، وصی و جانشین خدا در روی زمین است، همان مولود کعبه، ^{۱۹۷} آن کسی که قرآن را قبل از نزول آن تلاوت نمود، ^{۱۹۸} یار و یاور پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

(۱۹۷) حدیث: در یکی از زیارات امیر المؤمنین علیه السلام می خوانیم: سلام بر تو ای متولد شده در کعبه. (مزار مشهدی: ص: ۲۰۵)

(۱۹۸) حدیث: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: به هنگام تولد علی علیه السلام جبرئیل فرود آمد و به من گفت: ای حبیب خدا! پروردگارت سلام می رساند و به تو مژده و شاد باش تولد برادرت علی را می دهد و می فرماید: هنگام ظهور پیامبری تو و آشکار شدن وحی بر تو نزدیک شده است و اینک تو را با برادر و وزیر و خلیفه و همانند خودت تأیید کردم و به وسیله‌ی او نام تو را بلند آوازه و بازویت را استوار ساختم. من شتابان برخاستم و دیدم فاطمه دختر اسد و مادر علی در حال درد زایمان است و او میان زنان و قابله‌هاست. پس حبیب من جبرئیل به من گفت: میان خودت و فاطمه دختر اسد پرده ای بیاویز و پس از اینکه علی را زایید او را ببین.

من چنان کردم که فرمان داده شده بودم. سپس جبرئیل به من گفت دست راست خود را دراز کن که علی علیه السلام همان سر سلسله‌ی اصحاب یمین تو است. من دست راست خود را به سوی فاطمه دختر اسد دراز کردم، ناگاه علی را در دست خود دیدم در حالی که دست راست خود را بر گوش راست خود نهاده و بر آیین حقیقت اذان و اقامه می گفت و گواهی به یگانگی خداوند و پیامبری من می داد و سپس به من گفت:

ای رسول خدا! اجازه می فرمایی که بخوانم؟ گفتم: آری بخوان و سوگند به آن کسیکه جان محمد در دست اوست، شروع به خواندن صحیفه‌هایی که بر آدم علیه السلام نازل شده است کرد، همان صحیفه‌ها که پسر آدم، شیث علیه السلام برای برپا داشتن احکام آن قیام کرده بود و از نخستین حرف تا آخرین حرف آن را خواند و اگر شیث حاضر می بود همانا اقرار می کرد که علی از او بهتر آن را حفظ دارد. سپس



و همسر سیده‌ی نساء عالمیان، صاحب غدیر خم، کسی که آیه‌ی زکات^{۱۹۹} در حق وی نازل گردید^{۲۰۰} و مصداق اول آیه‌ی: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ﴾^{۲۰۱} می‌باشد^{۲۰۲} و صاحب هزاران فضیلت دیگر که هریک به تنهایی برای اثبات فضیلت و برتری او بر سایر خلفا و غاصبان خلافت کافی است.

تورات موسی علیه السلام را چنان خواند که اگر موسی حضور می‌داشت، اقرار می‌فرمود که علی بهتر از او آن را حفظ دارد. سپس زبور داود علیه السلام را خواند همان گونه که اگر داود حضور می‌داشت چنان اقرار می‌کرد و پس از آن انجیل عیسی علیه السلام را همان گونه خواند که اگر عیسی به حضورش می‌آمد همچنان اقرار می‌کرد و سپس قرآنی را که خداوند بر من نازل فرموده است، از آغاز تا پایان چنان خواند که او را چنان دیدم و همچون خودم که اینک آن را از حفظ می‌دانم حافظ آن بود، بدون اینکه در آن هنگام من آیه‌ای از آیات قرآن را شنیده باشم! آنگاه علی با من و من با او چنان با یکدیگر سخن گفتیم که پیامبران و اوصیای ایشان با یکدیگر سخن می‌گویند، و سپس علی علیه السلام به حالت کودکی خود برگشت. (روضة الواعظین: ص: ۸۳)

(۱۹۹) سوره‌ی مائده: آیه: ۵۵: ﴿إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ﴾.

(۲۰۰) حدیث: امیر المؤمنین علیه السلام فرمودند: همانا من در حالیکه در مسجد مشغول رکوع نماز بودم گدائی وارد شد و درخواست کمک کرد، پس من انگشتر خویش را به وی عطا نمودم و خداوند متعال آیه‌ی «فقط ولیّ شما خدا و رسول او و کسانی که ایمان آورده و نماز می‌گذارند و در حالی که در رکوع هستند زکات می‌دهند می‌باشند» را در حق من نازل نمود. (خصال: ص: ۵۸۰)

(۲۰۱) سوره‌ی نساء: آیه: ۵۹.

(۲۰۲) حدیث: امام باقر علیه السلام در مورد گفتار خداوند: «خدا و رسول و صاحبان امر را اطاعت کنید» فرمودند: خداوند از «صاحبان امر»، ما اهل بیت را قصد نموده است. (تفسیر عیاشی: ج: ۱ ص: ۲۴۷ ح: ۱۵۳)



و معاد من نیز معادی است که امام زمانم برای من کمیت و کیفیت آن را بیان نموده‌اند نه فلاسفه‌ای که عقل ناقص خویش را میزان تشخیص حق از باطل قرار داده‌اند!

آری! کمیت و کیفیت ذکر من، دعای من، توجه و حضور قلب من، نماز و روزه من، رکوع و سجود من، فکر و اندیشه من و همه‌ی امور مادی و معنوی، فردی و اجتماعی مرا ایشان باید برای من بیان کنند نه دیگرانی که با فاصله گرفتن از آن حضرت به گرداب غرور گرفتار شده و همه‌ی همت خویش را برای دعوت مردم به خویش بکار گرفته‌اند.

مگر غیر از امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، شخص دیگری هم در عالم، وجود دارد که حجت خدا بر من باشد و من مأمور به تبعیت از او باشم؟!!

مگر غیر از آن حضرت کس دیگری هم هست که از حقیقت همه‌ی اشیاء آگاه بوده^{۲۰۳} و قدرت تصرف در آنها را دارا باشد؟!^{۲۰۴}

مگر غیر ایشان شخص دیگری هم آراسته به لباس زیبای عصمت مطلقه می‌باشد؟!^{۲۰۵}

(۲۰۳) حدیث ۱: امیر المؤمنین عجل الله تعالی فرجه الشریف فرمودند: امام آنچه را که بین شرق و غرب عالم است می‌بیند، پس هیچ چیزی از عالم ملک و ملکوت بر او پوشیده نیست. (مشارق انوار الیقین: ص: ۲۰۵)

حدیث ۲: در یکی از زیارات امیر المؤمنین عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌خوانیم: تو چشم مراقب خداوند هستی که چیزی بر او مخفی نیست. (بحار الانوار: ج: ۹۷، ص: ۳۴۹)

(۲۰۴) حدیث ۱: امام باقر عجل الله تعالی فرجه الشریف فرمودند: به درستی که خداوند ما اهل بیت را بر آنچه بخواهیم توانا نموده است. (بصائر الدرجات: ص: ۳۹۵، ح: ۵)

حدیث ۲: در یکی از زیارات امیر المؤمنین عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌خوانیم: تو بر هر چیزی احاطه و تسلط داری. (بحار الانوار: ج: ۹۷، ص: ۳۴۹)

(۲۰۵) حدیث: در زیارت جامعه‌ی کبیره آمده است: خداوند شما اهل بیت را از لغزشها مصون



- مگر: لِسَانُ اللَّهِ النَّاطِقُ: (زبان گویای خداوند در بین خلایق).^{۲۰۶}
- عَيْنُ اللَّهِ النَّاطِرَةُ: (چشم بینای خداوند بر مخلوقات).^{۲۰۷}
- أُذُنُ اللَّهِ السَّامِعَةُ: (گوش شنوای پروردگار).^{۲۰۸}
- يَدُ اللَّهِ: (مظهر قدرت پروردگار).^{۲۰۹}
- وَجْهُ اللَّهِ: (صورت خداوند که آثار جمال و جلال در او نمایان است).^{۲۱۰}
- حُجَّةُ اللَّهِ: (حجت و پیشوای خداوند بر مخلوقات).^{۲۱۱}
- عِلْمُ اللَّهِ: (جایگاه علوم الهی).^{۲۱۲}
- قُدْرَةُ اللَّهِ: (مظهر و نمونه‌ی بارز قدرت پروردگار).^{۲۱۳}
- وَكُرُّ إِرَادَةِ اللَّهِ: (آشیانه‌ی عزم و اراده‌ی خداوند).^{۲۱۴}
- صَفْوَةُ اللَّهِ: (برگزیده‌ی خداوند).^{۲۱۵}
- خَيْرَةُ اللَّهِ: (انتخاب شده از ناحیه‌ی پروردگار).^{۲۱۶}

داشته و از فتنه‌ها حفظ نموده و از ناپاکی‌ها پاک نموده است و رجس و پلیدی را از شما دور کرده و شما را پاکیزه و مطهر نموده است. (من لا يحضره الفقيه: ج: ۲ ص: ۶۰۹)

- (۲۰۶) بصائر الدرجات: ص: ۸۴ ح: ۱۳.
- (۲۰۷) توحید: ص: ۱۶۷ ح: ۱.
- (۲۰۸) توحید: ص: ۱۶۷ ح: ۱.
- (۲۰۹) بصائر الدرجات: ص: ۸۱ ح: ۲.
- (۲۱۰) بصائر الدرجات: ص: ۸۱ ح: ۱.
- (۲۱۱) بصائر الدرجات: ص: ۸۱ ح: ۱.
- (۲۱۲) توحید: ص: ۱۶۴ ح: ۱.
- (۲۱۳) مشارق انوار اليقين: ص: ۱۷۹ سطر ۲.
- (۲۱۴) تفسیر فرات: ص: ۵۲۹ ح: ۶۸۱.
- (۲۱۵) بحار الانوار: ج: ۹۹ ص: ۱۹۹ سطر ۸.
- (۲۱۶) بحار الانوار: ج: ۹۸ ص: ۲۲۳ سطر ۷.



- بَابُ اللَّهِ: (واسطه‌ی بین خالق و مخلوق).^{۲۱۷}
- خَازِنُ عِلْمِ اللَّهِ: (خزینه دار علوم الهی).^{۲۱۸}
- الْوَصْلَةُ إِلَى رِضْوَانِ اللَّهِ: (واسطه‌ی رسیدن به رضوان خداوند).^{۲۱۹}
- الْوَسِيلَةُ إِلَى اللَّهِ: (وسیله‌ی قرب و رسیدن به خداوند).^{۲۲۰}
- كَعْبَةُ اللَّهِ: (حقیقت کعبه‌ی الهی).^{۲۲۱}
- قِبْلَةُ اللَّهِ: (قبله‌ی حقیقی پروردگار).^{۲۲۲}
- حَافِظٌ لِدِينِ اللَّهِ: (حافظ و نگهبان دین خدا).^{۲۲۳}
- نُورُ اللَّهِ التَّامُّ: (نور کامل خدا).^{۲۲۴}
- الدَّاعِي إِلَى اللَّهِ: (دعوت کننده به سوی خدا).^{۲۲۵}
- الدَّلِيلُ عَلَى مَرْضَاتِ اللَّهِ: (راهنما به سوی رضای الهی).^{۲۲۶}
- المُخْلِصُ فِي تَوْحِيدِ اللَّهِ: (مخلص در یگانه دانستن خداوند).^{۲۲۷}
- تَالِي كِتَابِ اللَّهِ: (همسان قرآن و تلاوت کننده‌ی آن).^{۲۲۸}

(۲۱۷) بصائر الدرجات: ص: ۸۱ ح: ۱.

(۲۱۸) أمالی صدوق: ص: ۸۷ ح: ۹.

(۲۱۹) مشارق انوار اليقين: ص: ۵۸ سطر ۱۴.

(۲۲۰) مشارق انوار اليقين: ص: ۵۸ سطر ۱۳.

(۲۲۱) تأويل الآيات: ج: ۱ ص: ۱۹ ح: ۲.

(۲۲۲) تأويل الآيات: ج: ۱ ص: ۱۹ ح: ۲.

(۲۲۳) کافی: ج: ۱ ص: ۲۰۲ سطر ۱۰.

(۲۲۴) إرشاد القلوب: ص: ۴۴۲ سطر ۷.

(۲۲۵) کافی: ج: ۱ ص: ۲۰۰ سطر ۳ از پائین.

(۲۲۶) من لا يحضره الفقيه: ج: ۲ ص: ۶۱۰ سطر ۴ از پائین.

(۲۲۷) من لا يحضره الفقيه: ج: ۲ ص: ۶۱۰ سطر ۳ از پائین.

(۲۲۸) بحار الانوار: ج: ۹۱ ص: ۳۷ سطر ۳ از پائین.



- القَائِمُ بِأَمْرِ اللَّهِ: (قیام کننده به امر الهی).^{۲۲۹}
 كَرَامَةُ اللَّهِ: (کرامت پروردگار).^{۲۳۰}
 شَمْسُ الظَّلَامِ: (خورشید در تاریکی ها).^{۲۳۱}
 بَدْرُ التَّمَامِ: (ماه شب چهارده).^{۲۳۲}
 نَجْمُ اللَّهِ الزَّاهِرِ: (ستاره‌ی درخشاننده‌ی خداوند).^{۲۳۳}
 مَثَلُ اللَّهِ الْأَعْلَى: (نمونه‌ی اعلی و کامل صفات پروردگار).^{۲۳۴}
 جَلالُ اللَّهِ: (عظمت و بزرگی خدا).^{۲۳۵}
 أَمِينُ اللَّهِ فِي خَلْقِهِ: (امین خداوند در بین خلایق).^{۲۳۶}
 حَبِيبُ اللَّهِ: (محبوب پروردگار).^{۲۳۷}
 فَضْلُ اللَّهِ: (فضیلت و منزلت الهی).^{۲۳۸}
 مِيزَانُ الْأَعْمَالِ: (میزان و وسیله‌ی سنجش اعمال).^{۲۳۹}
 عَوْنُ الْمُؤْمِنِينَ: (یاری کننده‌ی مؤمنین).^{۲۴۰}

- (۲۲۹) کافی: ج: ۱ ص: ۲۰۲ سطر ۱۰.
 (۲۳۰) بصائر الدرجات: ص: ۳۳۱ ح: ۱۲.
 (۲۳۱) بحار الانوار: ج: ۹۹ ص: ۸۴ سطر ۶ از پائین.
 (۲۳۲) بحار الانوار: ج: ۹۹ ص: ۸۴ سطر ۶ از پائین.
 (۲۳۳) فضائل ابن شاذان: ص: ۸۳ سطر ۵ از پائین.
 (۲۳۴) بحار الانوار: ج: ۹۹ ص: ۲۲۳ سطر ۳.
 (۲۳۵) بصائر الدرجات: ص: ۳۳۱ ح: ۱۲.
 (۲۳۶) کافی: ج: ۱ ص: ۲۰۰ سطر ۴ از پائین.
 (۲۳۷) مزار مفید: ص: ۷۸ سطر ۲ از پائین.
 (۲۳۸) مشارق انوار الیقین: ص: ۲۰۹ سطر ۴.
 (۲۳۹) مزار مشهدی: ص: ۱۸۵ سطر ۱.
 (۲۴۰) فضائل ابن شاذان: ص: ۸۴ سطر ۴ از پائین.



مُظْهَرُ الْبِرَاهِينِ: (آشکار کننده ی برهان‌ها).^{۲۴۱}

صَاحِبُ التَّأْوِيلِ: (صاحب بواطن قرآن).^{۲۴۲}

إِمَامُ أَهْلِ الْقُرْآنِ: (امام اهل القرآن).^{۲۴۳}

صَاحِبُ الْجَنَّةِ وَالنَّارِ: (صاحب اختیار بهشت و جهنم).^{۲۴۴}

بَحْرُ النَّدَى: (دریای جود و سخاوت).^{۲۴۵}

الصِّرَاطُ الْمُسْتَقِيمُ: (راه مستقیم).^{۲۴۶}

سَيِّدُ الْمُؤْمِنِينَ: (آقای مؤمنین).^{۲۴۷}

وَارِثُ الْأَنْبِيَاءِ: (وارث پیامبران).^{۲۴۸}

مِيزَانُ قِسْطِ اللَّهِ: (میزان عدل پروردگار).^{۲۴۹}

بَيْتُ الصَّدْقِ: (خانه ی صدق و راستی).^{۲۵۰}

مُرْشِدُ الْبَرِيَّاتِ: (هدایت کننده ی مخلوقات).^{۲۵۱}

عَالِمُ الْخَفِيَّاتِ: (عالم به امور پنهانی).^{۲۵۲}

(۲۴۱) مزار مشهدی: ص: ۲۰۹ سطر ۷.

(۲۴۲) بحار الانوار: ج: ۹۹ ص: ۱۶ سطر ۴.

(۲۴۳) بحار الانوار: ج: ۹۹ ص: ۲۲۵ سطر ۹.

(۲۴۴) علل الشرائع: ص: ۱۶۴ ح: ۴.

(۲۴۵) اثبات الوصیة: ص: ۱۴۰ سطر ۸ از پائین.

(۲۴۶) مزار مفید: ص: ۷۸ سطر آخر.

(۲۴۷) مشارق انوار الیقین: ص: ۳۱۰ سطر ۳.

(۲۴۸) یقین: ص: ۳۲۰ سطر ۴.

(۲۴۹) بحار الانوار: ج: ۹۷ ص: ۳۴۸ سطر ۵.

(۲۵۰) بحار الانوار: ج: ۹۷ ص: ۳۴۸ سطر ۸ از پائین.

(۲۵۱) بحار الانوار: ج: ۹۷ ص: ۳۴۸ سطر ۷ از پائین.

(۲۵۲) بحار الانوار: ج: ۹۷ ص: ۳۴۸ سطر ۷ از پائین.



- العَالِمُ بِمَا كَانَ وَمَا يَكُونُ: (عالم به گذشته و آینده).^{۲۵۳}
 عَارِفُ السِّرِّ وَأَخْفَى: (آگاه به آشکار و پنهان).^{۲۵۴}
 الْمُحِيطُ بِكُلِّ شَيْءٍ: (محیط و غالب بر هر چیزی).^{۲۵۵}
 قَلْبُهُ (اللَّهُ) الْوَاعِي: (قلب آمین و محفوظ پروردگار).^{۲۵۶}
 أَسُّ الْإِسْلَامِ: (اساس اسلام).^{۲۵۷}
 عِزُّ الْإِسْلَامِ: (عزت اسلام).^{۲۵۸}
 شَرِيفُ النَّسَبِ: (دارنده‌ی اصل و نسب شریف).^{۲۵۹}
 رَفِيعُ الرَّتَبِ: (دارنده‌ی رتبه و مقامهای عالی).^{۲۶۰}
 كَثِيرُ الْمَنَاقِبِ: (دارنده‌ی مناقب فراوان).^{۲۶۱}
 خَازِنُ عِلْمِ النَّبِيِّينَ: (خزینه دار علوم انبیا).^{۲۶۲}
 إِمَامُ الْأَخْيَارِ: (امام خوبان).^{۲۶۳}
 وَصِيُّ الْأَبْرَارِ: (وصی نیکان).^{۲۶۴}

- (۲۵۳) بحار الانوار: ج: ۹۷: ص: ۳۴۸ سطر ۵ از پائین.
 (۲۵۴) بحار الانوار: ج: ۹۷: ص: ۳۴۹ سطر ۱.
 (۲۵۵) بحار الانوار: ج: ۹۷: ص: ۳۴۹ سطر ۲ از پائین.
 (۲۵۶) بحار الانوار: ج: ۹۷: ص: ۳۴۹ سطر ۲ از پائین.
 (۲۵۷) مزار مشهدی: ص: ۴۳۱ سطر ۷.
 (۲۵۸) بصائر الدرجات: ص: ۸۳ سطر ۹.
 (۲۵۹) بحار الانوار: ج: ۹۸: ص: ۳۲۱ سطر ۴.
 (۲۶۰) بحار الانوار: ج: ۹۸: ص: ۳۲۱ سطر ۴.
 (۲۶۱) بحار الانوار: ج: ۹۸: ص: ۳۲۱ سطر ۵.
 (۲۶۲) بحار الانوار: ج: ۹۹: ص: ۱۴ سطر آخر.
 (۲۶۳) بحار الانوار: ج: ۹۹: ص: ۱۷ سطر ۱۰.
 (۲۶۴) بحار الانوار: ج: ۹۹: ص: ۱۷ سطر ۱۰.



وَأَرِثُ السَّكِينَةَ وَالْوَقَارَ: (وارث آرامش و وقار).^{۲۶۵}

سَيِّدُ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ: (آقا و مولای عرب و عجم).^{۲۶۶}

يَنْبُوعُ الْحِكْمِ: (چشمه‌ی حکمتها).^{۲۶۷}

غَوْتُ اللَّهْفَانِ: (پناه بیچاره گان).^{۲۶۸}

ثَارُ اللَّهِ: (خون خدا).^{۲۶۹}

فَاتِقُ كُلِّ رَتْقٍ: (گشاینده‌ی هر بسته شده‌ای).^{۲۷۰}

كَاشِفُ الْبَلْوَى: (بازکننده‌ی گرفتاری‌ها).^{۲۷۱}

الْمَعْصُومُ مِنْ كُلِّ خَطَاٍ وَزَلَلٍ: (معصوم از هر خطا و لغزش).^{۲۷۲}

مَالِكُ الْجَنَّةِ وَالنَّارِ: (مالک بهشت و جهنم).^{۲۷۳}

الْبَعِيدُ الشَّبِيهِ وَالْمِثَالِ: (کسیکه هیچ شبیه و نظیری ندارد).^{۲۷۴}

الْوَارِثُ ذَا الْفَقَارِ: (وارث ذو الفقار امیر المؤمنین علیه السلام).^{۲۷۵}

شَفِيعُ يَوْمِ النُّشُورِ: (شفیع روز قیامت).^{۲۷۶}

(۲۶۵) بحار الانوار: ج: ۹۹: ص: ۱۷ سطر ۱۰.

(۲۶۶) بحار الانوار: ج: ۹۹: ص: ۲۲ سطر ۲ از پائین.

(۲۶۷) بحار الانوار: ج: ۹۹: ص: ۲۲ سطر ۳ از پائین.

(۲۶۸) بحار الانوار: ج: ۹۹: ص: ۵۳ سطر ۱۴.

(۲۶۹) بحار الانوار: ج: ۹۹: ص: ۸۶ سطر ۸.

(۲۷۰) بحار الانوار: ج: ۹۹: ص: ۹۹ سطر ۵.

(۲۷۱) بحار الانوار: ج: ۹۹: ص: ۱۰۲ سطر ۴.

(۲۷۲) بحار الانوار: ج: ۹۹: ص: ۱۷۸ سطر ۵ از پائین.

(۲۷۳) بحار الانوار: ج: ۹۹: ص: ۱۹۱ سطر ۷ از پائین.

(۲۷۴) بحار الانوار: ج: ۹۹: ص: ۱۹۱ سطر ۷ از پائین.

(۲۷۵) بحار الانوار: ج: ۹۹: ص: ۱۹۳ سطر ۲ از پائین.

(۲۷۶) بحار الانوار: ج: ۹۹: ص: ۱۹۹ سطر ۱۰.



حَقُّ اللَّهِ: (حق خدا بر بندگان).^{۲۷۷}

رَحْمَةُ اللَّهِ: (رحمت خداوند).^{۲۷۸}

نَائِبُ اللَّهِ: (جانشین خدا).^{۲۷۹}

حِجَابُ اللَّهِ: (حجاب و واسطه‌ی بین خدا و خلق).^{۲۸۰}

وَلِيُّ اللَّهِ: (سرپرست خدا بر مردم).^{۲۸۱}

مَنْ أَقَامَهُمُ اللَّهُ مَقَامَ نَفْسِهِ: (جانشین خداوند بر روی زمین).^{۲۸۲}

و مظهر صفات الهی کسی جز امام عصر، ناموس دهر، قُطْبِ عَالَمِ وَجُود، حضرت بقیة الله الأعظم (أرواحنا له الفداء) می باشد؟!^{۲۸۳}

آیا ایشان به نیازها، حوائج و خواسته های ظاهری و باطنی من آگاهتر است^{۲۸۴} یا دیگرانی که سر تا پا نیاز، نقص، جهل و نادانی اند؟!

(۲۷۷) بحار الانوار: ج: ۹۹: ص: ۶۴ سطر ۱۱.

(۲۷۸) مشارق انوار الیقین: ص: ۲۰۹ سطر ۴.

(۲۷۹) بحار الانوار: ج: ۲۵: ص: ۳۳۹: ح: ۲۱.

(۲۸۰) مشارق انوار الیقین: ص: ۲۰۷ سطر ۷.

(۲۸۱) بحار الانوار: ج: ۹۷: ص: ۳۰۶ سطر ۵ از پائین.

(۲۸۲) تأویل الآیات: ج: ۱: ص: ۳۹۹ سطر ۲.

(۲۸۳) حدیث: امام صادق ع فرمودند: ذات امام ملکوتی و صفات او الهی است، وائمه‌ی

اطهار ع مظهر صفات خداوند و برگزیدگان او می باشند. (مشارق انوار الیقین: ص: ۱۷۷)

حدیث: امام کاظم ع فرمودند: خداوند اهل بیت ع را جانشین خویش قرار داده

است، چرا که او از چشمها پنهان بوده و درک نمی شود و کمیت و کیفیت او قابل

شناخت نیست پس هرکس ایشان را بشناسد خدا را شناخته است. (تأویل الآیات: ج:

۱: ص: ۳۹۷: ح: ۲۷)

(۲۸۴) حدیث: امیر المؤمنین ع فرمودند: امام از آنچه در ضمیرها و قلبهاست آگاه است.

(بحار الانوار: ج: ۲۶: ص: ۵)



آیا ایشان شاهد بر خلق هستند یا دیگران؟!^{۲۸۵}

آیا ایشان وارث انبیا، اوصیا و ادیان الهی هستند یا دیگران؟!^{۲۸۶}

آیا قرآنی که به دست جدشان امیر المؤمنین علیه السلام نوشته شده است، نزد

ایشان است یا دیگران؟!^{۲۸۷}

آیا ایشان عالم به کتاب خدا - که همه چیز در آن است - می باشد یا

دیگران؟!^{۲۸۸}

حدیث ۲: امیر المؤمنین علی علیه السلام فرمودند: من از درون قلبهای شما آگاهم. (مناقب کتاب عتیق: ص: ۷۵)

(۲۸۵) حدیث ۱: امام باقر علیه السلام فرمودند: ما شاهدان خدا بر خلقش می باشیم. (بصائر الدرجات: ص: ۸۳ ح: ۱۱)

حدیث ۲: امام رضا علیه السلام فرمودند: او (امام زمان علیه السلام) چشم بینای تو (خدا) بر خلق و شاهد تو بر بندگانت می باشد. (جمال الأسبوع: ص: ۳۰۷)

(۲۸۶) حدیث: امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند: آنها (اهل بیت علیهم السلام) وارثان پیامبران می باشند. (مزار مشهدی: ص: ۲۹۳)

(۲۸۷) حدیث: امام صادق علیه السلام فرمودند: زمانی که قائم علیه السلام قیام کند قرآن را همانطور که نازل شده است می خواند، و آن قرآنی را که امیر المؤمنین علیه السلام به دست خویش نوشتند بیرون می آورد.

آری! همان قرآنی که علی علیه السلام آن را پس از نوشتن نزد مردم آورده و به ایشان خطاب فرمودند: این کتاب خداست همانطور که بر محمد صلی الله علیه و آله نازل گردید و من آن را در بین این دو لوح جمع آوری نموده ام. پس مردم (ابوبکر و عمر و...) گفتند: ما احتیاجی به قرآن تو نداریم و خودمان قرآن را جمع آوری نموده ایم، پس آن حضرت فرمودند: آگاه باشید به خدا قسم بعد از این روز، هرگز آن را نمی بینید و فقط بر من واجب بود که شما را از وجود آن آگاه نمایم. (کافی: ج: ۲ ص: ۶۳۳ ح: ۲۳)

(۲۸۸) حدیث: امام صادق علیه السلام فرمودند: من فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله هستم و از کتاب خدا آگاهم، در این کتاب آنچه از ابتدای خلقت تا روز قیامت می باشد آمده است، و



حاشا و کلاً که با وجود آن حضرت خدایم را، پیامبرم را، و جانشین او را، معادم را، ذکرم را، نمازم را، تفسیر قرآنم را و در یک کلام، دینم را از دیگرانی بگیرم که سر تا پا به او نیازمندند.

آری! وقتی به کسانی که در خانه‌ی غیر ایشان رفته‌اند می‌نگرم، می‌بینم چقدر دچار اشتباه شده و لحظه لحظه در باتلاق جهل و نادانی فرو رفته و می‌روند، و عمر گرانباهی خویش را صرف چه امور بیهوده‌ای که هیچ ارتباطی با دین ندارد نموده و می‌نمایند!

خداوند را بی‌نهایت شکر که دستم را گرفت و در دست امام زمانم قرار داد تا از گمراهی نجات یافته و به چشمه‌ی زلال معرفت و خورشید نورانی هدایتش دست یابم.

ای امام زمان! حقیقت و باطن دین من شما هستید و من هرچه دارم، آن را در آینده‌ی تمام نمای حقیقت شما می‌بینم و به عنوان دین خویش می‌پذیرم، و با یاری و دستگیری شما بدان معتقد شده و عمل می‌نمایم، چرا که عمل نمودن به ظاهری که مطابقت با باطن خود ندارد حماقتی بیش نیست و نتیجه‌ای جز دور شدن از حقیقت ندارد.

۲- برای اطلاع از دستورات و خواسته‌های امام زمانم که همان «دین من» است دو راه بیشتر ندارم:

اول آنکه خودم - با استعانت و توسل به آن حضرت - با مطالعه، تحقیق و مراجعه به منابع در برگیرنده‌ی این خواسته‌ها به آنچه که باید برسم نائل آیم.

در آن اخبار آسمانها و زمین و بهشت و جهنم و گذشته و آینده نیز آمده است، و من بر تمامی این علوم به گونه‌ای آگاه و مطلع هستم که گویا بر کف دست خویش می‌نگرم، آری! به درستی که خداوند متعال می‌فرماید: «در قرآن بیان هر چیزی آمده است». (بصائر الدرجات: ص: ۲۱۷ ح: ۲)



دوم آنکه به شخص مورد اعتمادی که آگاه و مطلع از آنهاست مراجعه نمایم تا کلام امام را برای من بازگو و بیان نماید و در این صورت باید دائماً متوسل به خود آن حضرت باشم^{۲۸۹} تا اسیر شیطان صفتانی که به عقاید و نظریات خود رنگ دینی زده و آن را به عنوان دین به خورد دیگران می‌دهند نشوم.

۳- اجرای تمامی احکام دینی، فقط در عصر حکومت امام زمان علیه السلام عملی می‌شود و تا زمان ظهور ایشان، دین به گونه‌ای از ناحیه‌ی مدعیان دین شناس تحریف شده و احکام آن مهمل و بی‌استفاده می‌ماند که پس از ظهور آن حضرت مردم می‌گویند که او دین جدیدی آورده است! و حال اینکه چنین نبوده و دین آن حضرت هیچ تفاوتی با دین جدشان، رسول خدا صلی الله علیه و آله ندارد.^{۲۹۰} و آن حضرت بر خلاف پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سایر ائمه‌ی هدی علیهم السلام - که مأمور بودند به علم ظاهری خود در اجرای احکام عمل نمایند - مأمورند که

(۲۸۹) حدیث: در دعای توسل به ائمه‌ی اطهار علیهم السلام می‌خوانیم: ای سید و مولای ما! همانا ما به سوی تو توجه کرده و به تو توسل می‌نمائیم، و از تو طلب شفاعت نزد خداوند می‌کنیم، و حوائج خویش را پیش روی خود قرار داده و از تو که نزد خداوند آبرومند هستی می‌خواهیم که ما را شفاعت نمائی. (بحار الانوار: ج ۹۹، ص: ۲۴۷)

(۲۹۰) حدیث: در دعای ندبه می‌خوانیم: کجاست آن کسیکه برای تجدید واجبات و سنتها ذخیره شده است؟ کجاست آن کسیکه برای برگشت دین و شریعت انتخاب شده است؟ کجاست آن کسیکه برای زنده شدن قرآن و حدود آن آرزوی آمدنش برده می‌شود؟ کجاست زنده کننده‌ی دینداران و شعائر دینی؟. (مزار شهدی: ص: ۵۷۳)

حدیث ۲: امام رضا علیه السلام فرمودند: خدایا! به وسیله‌ی او (امام زمان علیه السلام) آنچه را که از دینت محو گردیده و از احکامت تبدیل و تحریف شده تجدید گردان، تا اینکه دینت را به وسیله‌ی او و بر دستان او جدید، تازه، خالص و بی‌عیب و نقص نمائی به طوریکه هیچگونه کجی و بدعتی در آن نباشد. (جمال الأسبوع: ص: ۳۰۷)



به علم باطنی خویش با مردم رفتار نموده و احکام الهی را به اجرا درآورند؛ بنابراین، مثلاً در مواردی که برای اجرای حکم، نیاز به ۲ یا ۴ شاهد عادل است، بدون حضور شاهد، به علم غیب خویش عمل نموده و حکم را جاری می‌نمایند.^{۲۹۱}



(۲۹۱) حدیث: امام صادق علیه السلام فرمودند: هرگز دنیا به پایان نمی‌رسد تا اینکه مردی از نسل من خروج نموده و به حکم آل داود که از مردم برای قضاوت، بیننده (دو شاهد عادل) طلب نمی‌نمودند عمل نماید و به هرکس حق واقعی او را عطا کند. (کافی: ج: ۱، ص: ۳۹۷، ح: ۲)

فصل یازدهم

قرآنیست

آنچه لازم است در این رابطه بدانیم، آن است که:
 اولاً: حقیقت قرآن چیزی نیست جز وجود نازنین امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف؛
 بنابراین ظاهر قرآن که متشکل از آیات متعدد کوچک و بزرگ است، آینه‌ی
 تمام نمای این حقیقت بوده، و در قرآن مجید، آیه‌ای که بی ارتباط با ایشان
 باشد وجود ندارد.^{۲۹۲}

ثانیاً: قرآن کلام نورانی و بی نقص الهی است که در حجاب الفاظ مخفی
 شده و جز امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف کسی از پشت این حجاب با خبر نیست.^{۲۹۳}
 ثالثاً: قرآن همیشه صامت بوده، هست و هرگز به سخن در نخواهد آمد
 و جز امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، ناطق و سخنگوئی ندارد؛ بنابراین امام زمان من، قرآن
 ناطقی است که به امر الهی تکلم می‌کند.^{۲۹۴}

(۲۹۲) حدیث ۱: امیر المؤمنین عجل الله تعالی فرجه الشریف در یکی از خطبه‌های خویش فرمودند: من آن کتابی

هستم که بر او نقش بسته شده است. (مشارق انوار الیقین: ص: ۲۶۹)

حدیث ۲: در روایتی آمده است: زمانی که اهل شام، قرآن را بر سر نیزه‌ها نموده و آن
 را به عنوان قاضی و حاکم بین خود و امیر المؤمنین عجل الله تعالی فرجه الشریف معرفی نمودند، حضرت
 فرمودند: من قرآن ناطق و سخنگو هستم. (احقاق الحق: ج: ۷ ص: ۵۹۵)

(۲۹۳) حدیث ۱: امام باقر عجل الله تعالی فرجه الشریف فرمودند: خداوند در قرآن مثل‌هایی برای مردم زده است و در

این مثل‌ها پیامبر، خویش را مورد خطاب قرار داده است، و تنها ما از آن آگاهیم
 و غیر ما از آن بی‌خبراند. (تفسیر قمی: ج: ۲ ص: ۴۲۵)

حدیث ۲: امام صادق عجل الله تعالی فرجه الشریف فرمودند: به خدا قسم، تمام علم قرآن در نزد ماست. (بصائر
 الدرجات: ص: ۲۳۲ ح: ۲)

(۲۹۴) حدیث ۱: امیر المؤمنین عجل الله تعالی فرجه الشریف فرمودند: این قرآنی که با این خط بین دو جلد می‌باشد



رابعاً: قرآن در بردارنده‌ی کلیه‌ی علوم و دانش هاست، و امروز جز امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف کسی از آن علوم آگاه نیست و دیگران نیز تنها به اندازه‌ی شاگردی و اخذ از آن حضرت، از علوم آن بهره مندند.^{۲۹۵}

خامساً: تفسیر قرآن، اختصاص به آن حضرت داشته و آنچه به عنوان تفسیر قرآن از دیگران ارائه شده و می‌شود، چیزی جز برداشت‌های شخصی و فهم فردی از ظاهر عبارت - که از مجموعه‌ی معنای لغوی، شأن نزول، داستان سرایی، کنار هم چیدن چند روایت، ذکر مباحث کلامی و فلسفی و مانند آن به دست می‌آید - نیست؛ بنابراین اگر واقعاً قصد دسترسی به تفسیر قرآن را داریم باید به مفسر حقیقی آن رجوع کنیم، نه دیگرانی که از قرآن، چیزی جز تفسیر به رأی عایدشان نشده و دستشان از حقیقت تفسیر کوتاه است!^{۲۹۶}

هرگز به هیچ زبانی سخن نمی‌گوید، و چاره‌ای جز مراجعه به مترجم آن نیست، و برای ترجمه باید به اهل آن مراجعه شود، و آن زمانیکه در جنگ صفین گفته شد قرآن حاکم و قاضی باشد ما از آن گریزان نبودیم چرا که خداوند می‌فرماید: «اگر با یکدیگر منازعه و دعوا نمودید به کتاب خدا و رسول او مراجعه نمائید» پس ما نیز آمادگی مراجعه به کتاب خدا و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله را داریم به شرط آنکه تفسیر به رأی نشود و اهلش آنطور که هست آن را تفسیر نمایند. (نهج البلاغه: ج: ۲ ص: ۵)

(۲۹۵) حدیث: امام صادق عجل الله تعالی فرجه الشریف فرمودند: من فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله هستم و از کتاب خدا آگاهم، در این کتاب آنچه از ابتدای خلقت تا روز قیامت می‌باشد آمده است، و در آن اخبار آسمانها و زمین و بهشت و جهنم و گذشته و آینده آمده است، و من بر تمامی این علوم به گونه‌ای آگاه و مطلع هستم که گویا به کف دست خویش می‌نگرم، آری! به درستی که خداوند متعال می‌فرماید: «در قرآن بیان هر چیزی آمده است». (بصائر الدرجات: ص: ۲۱۷ ج: ۲)

(۲۹۶) حدیث: امام جعفر صادق عجل الله تعالی فرجه الشریف فرمودند: به درستی که قرآن حاوی مثالهایی است برای



سادساً: تمسک به قرآن، بدون تمسک به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، ثمره‌ای جز گمراهی و ضلالت نداشته و ندارد،^{۲۹۷} و کسانی که قرآن را از آن حضرت جدا دیده و می‌بینند، و آن را به تنهایی در نظر گرفته و بررسی می‌کنند، راهی جز

کسانی که می‌دانند و آن را آنطور که شایسته است تلاوت می‌کنند، ایشان کسانی هستند که به قرآن ایمان آورده و آن را می‌شناسند و اما دیگران چنین نبوده و فهم قرآن از افکار و قلبهای ایشان دور است و به همین جهت است که رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرمودند: هیچ چیز به اندازه‌ی تفسیر قرآن دورتر از قلبها نیست، و مردم در تفسیر آن متحیر و سرگردانند مگر آن کسانی که خدا بخواهد.

و این همه به خاطر آن است که خداوند چنین اراده نموده است که مردم به سوی باب و صراط او روی آورند و خدا را عبادت نموده و از قیام کنندگان به کتابش و سخنگویان امرش اطاعت کنند، و اینکه برای برآورده شدن نیازمندیها و حوائج خود از قرآن به ایشان مراجعه کنند نه اینکه از پیش خود آن را تفسیر و تأویل نمایند، سپس فرمودند: و بدانکه همه‌ی مردم نمی‌توانند والیان امر و مفسرین قرآن باشند چرا که در این صورت دیگر کسی برای امارت نمودن و تفسیر نمودن بر او باقی نمی‌ماند، در نتیجه خداوند عده‌ای خاص را برای این امر برگزیده است که باید به ایشان اقتدا شود.

و پرهیز از اینکه قرآن را به رأی و نظر خود تفسیر نمائی؛ چرا که هیچکس جز آن کسانی که خداوند آنها را برای این امر برگزیده و آنها را باب خویش قرار داده است قادر به تفسیر و تأویل آن نیست، پس تفسیر قرآن را از جایگاه اصلی آن طلب نما و بدان که اگر خدا بخواهد آن را خواهی یافت. (محاسن: ج: ۱ ص: ۲۶۸ ح: ۳۵۶)

(۲۹۷) حدیث: امام محمد باقر عجل الله تعالی فرجه الشریف فرمودند: رسول خدا صلی الله علیه و آله اصحاب خویش را در منی فرا خوانده و فرمودند: ای مردم! همانا من از میان شما می‌روم و دو چیز گرانبها باقی می‌گذارم، آگاه باشید تا زمانیکه به این دو چیز تمسک نمائید هرگز گمراه نخواهید شد، یکی از آن دو کتاب خدا و دیگری عسرت و اهل بیت من می‌باشند. (بصائر



راه پیروان سقیفه نمی‌پیمایند، و در واقع تأسی به آن ملعونی نموده‌اند که فریاد: «حَسْبُنَا كِتَابُ اللَّهِ»^{۲۹۸} را سر داده و آن را وسیله‌ی اهداف شوم خود قرار داد.

سابعاً: قرآنی که به دست امیر المؤمنین علی علیه السلام جمع آوری گردید، و خلیفه‌ی دوّم از قبول آن سر باز زد، هم اکنون در دستان مبارک امام زمان علیه السلام می‌باشد، و در زمان حکومت ایشان این قرآن، قرآنی است که همگان از آن بهره‌مند شده و مأمور به یاد گیری، حفظ و عمل به آن هستند، و در آن زمان است که همه‌ی حقایق «قرآن صامت» به وسیله‌ی «قرآن ناطق» بر طالبان آن مکشوف می‌شود.^{۲۹۹}

(۲۹۸) حدیث: عبد الله بن عباس می‌گوید: چون زمان رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله فرا رسید، گروهی که عمر بن خطاب نیز در میان آنان بود در خانه حضور داشتند، رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: بیائید نامه‌ای برای شما بنویسم تا هرگز پس از آن گمراه نشوید. عمر گفت: چیزی نیاورید که درد بر او غلبه کرده و هذیان می‌گوید!!! و قرآن نزد شما هست، و کتاب خدا ما را کافی است.

میان اهل خانه اختلاف افتاد و به مخاصمه پرداختند، عده‌ای می‌گفتند برخیزید (کاغذ بیاورید) تا پیامبر برایتان بنویسد، و عده‌ای دیگر سخن عمر را می‌گفتند. چون سر و صدا بلند شد و اختلاف بالا گرفت رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: از نزد من برخیزید و مرا تنها بگذارید. (امالی مفید: ص: ۳۶، ح: ۳)

(۲۹۹) حدیث: امام صادق علیه السلام فرمودند: زمانیکه قائم علیه السلام قیام کند قرآن را همانطور که نازل شده است می‌خواند، و آن قرآنی را که امیر المؤمنین علیه السلام به دست خویش نوشتند بیرون می‌آورد.

آری! همان قرآنی که علی علیه السلام آن را پس از نوشتن نزد مردم آورده و به ایشان خطاب فرمودند: این کتاب خداست همانطور که بر محمد صلی الله علیه و آله نازل گردید و من آن را در بین این دو لوح جمع آوری نموده‌ام. پس مردم (ابوبکر و عمر و...)



ثامناً: مدعیان دانشی که قرآن نازل شده بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت گرامی اش را ^{۲۰۰} به رأی خود تأویل می‌کنند، در زمان ظهور آن حضرت در مقابل ایشان، - با فهم ناقص خویش از قرآن - بر علیه ایشان احتجاج کرده و جبهه گیری می‌نمایند، و آنچه حضرت از دست جاهلان آن زمان می‌کشند

گفتند: ما احتیاجی به قرآن تو نداریم و خودمان قرآن را جمع آوری نموده‌ایم، پس آن حضرت فرمودند: آگاه باشید به خدا قسم بعد از این روز هرگز آن را نمی‌بینید و فقط بر من واجب بود که شما را از وجود آن آگاه نمایم. (کافی: ج: ۲ ص: ۶۳۳ ح: ۲۳)

حدیث ۲: امام باقر علیه السلام فرمودند: هنگامی که قائم آل محمد علیه السلام قیام کند خیمه هائی برپا نماید تا قرآن در آن به همان صورتی که نازل شده (بدون تغییر و تحریف) بر مردم تعلیم داده شود، آن روز برای کسانی که قرآن را حفظ کرده‌اند بسیار دشوار است زیرا بین قرآنی که او می‌آورد و قرآن موجود تفاوت بسیار است. (روضه الواعظین: ص: ۲۶۵)

حدیث ۳: امیر المؤمنین علی علیه السلام فرمودند: گویا هم اکنون به شیعیانمان در مسجد کوفه می‌نگرم که خیمه‌ها زده اند و قرآن را بدان گونه که نازل شده است به مردم می‌آموزند. (غیبت نعمانی: ص: ۳۳۳ ح: ۳)

(۳۰۰) حدیث ۱: امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه‌ی: «به درستی که آن ذکری است برای تو و قومت، و به زودی مورد سؤال واقع می‌شوید» فرمودند: منظور از «ذکر» قرآن است و ما قوم آن هستیم و درباره‌ی ما سؤال می‌شود. (بصائر الدرجات: ص: ۵۷ ح: ۱)

حدیث ۲: امام کاظم علیه السلام فرمودند: قرآن قبل از مردم بر ما نازل شده و پیش از مردم برای ما تفسیر شده است، ما به حلال و حرام و ناسخ و منسوخ و آیاتی که در سفر و آیاتی که در حضر نازل شده، و در کدام شب چقدر آیه نازل شده و در باره‌ی چه کس و چه چیز نازل گردیده آشنا هستیم. (بصائر الدرجات: ص: ۲۱۸ ح: ۴)



بمراتب سخت تر و دردناک تر از آن چیزی است که رسول خدا صلی الله علیه و آله از جاهلان زمان خویش کشیده‌اند.^{۳۰۱}

چه خوشتر صوت قرآن ز تو دلرباشیدن

به زخمت نظاره کردن سخن خدا شنیدن



(۳۰۱) حدیث: امام صادق علیه السلام فرمودند: قائم ما چون قیام کند از جهل مردم شدیدتر از آنچه رسول خدا صلی الله علیه و آله با آن از سوی نادانان جاهلیت روبرو شد برخورد می‌کند، عرض کردم: این چگونه ممکن است؟ فرمودند: همانا رسول خدا صلی الله علیه و آله در حالی به سوی مردم آمد که آنان سنگ و کلوخ و چوبهای تراشیده و مجسمه‌های چوبین را می‌پرستیدند، و قائم ما چون قیام کند در حالی به سوی مردم می‌آید که جملگی کتاب خدا را بر علیه او تأویل کرده و بر او بدان احتجاج می‌نمایند، سپس فرمودند: بدانید به خدا سوگند که موج عدالت و دادگستری او بدانگونه که گرما و سرما به خانه نفوذ می‌کند تا درون خانه‌های آنان راه خواهد یافت.

فصل دوازدهم

علم و دانش من:

و اما آنچه در رابطه با این موضوع لازم است که بدانم، آن است که امام زمان - که سلام و صلوات الهی بر او باد - منبع و خزینه دار علم الهی^{۳۰۲} و عالم بر ماسوی الله است.^{۳۰۳} ایشان مظهر علم خدا^{۳۰۴} و مطلع و محیط بر جمیع کائنات هستند.^{۳۰۵}

(۳۰۲) حدیث: امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند: ما خزینه داران علم خداوند هستیم. (بصائر الدرجات: ص: ۸۱ ح: ۳)

حدیث: امام حسن علیه السلام فرمودند: روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله خطبه خواندند و فرمودند: علی معدن علم خداوند است. (کفایة الأثر: ص: ۱۶۳)

(۳۰۳) حدیث: امیر المؤمنین علیه السلام فرمودند: امام آنچه را که بین شرق و غرب عالم است می بیند، پس هیچ چیزی از عالم ملک و ملکوت بر او پوشیده نیست. (مشارق انوار الیقین: ص: ۲۰۵)

حدیث: امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند: به درستی که من از آنچه که در آسمانها و زمین است آگاهم و از آنچه که در بهشت و جهنم است مطلعم و گذشته و آینده را می دانم، سپس کمی مکث کرده و چون دیدند این مطالب بر شنوندگان سنگین آمد فرمودند: آنچه را می دانم از کتاب خدا است چرا که خداوند می فرماید: «در قرآن بیان هر چیزی موجود است». (بصائر الدرجات: ص: ۱۴۸ ح: ۶)

(۳۰۴) حدیث: امام صادق علیه السلام فرمودند: ذات امام ملکوتی و صفات او الهی است، وائمه ای اطهار علیهم السلام مظهر صفات خداوند و برگزیدگان او می باشند. (مشارق انوار الیقین: ص: ۱۷۷)

(۳۰۵) حدیث: امام باقر علیه السلام فرمودند: آگاه باشید به درستی که او (امام زمان علیه السلام) وارث هر علم و محیط بر آن است. (احتجاج: ج: ۱ ص: ۸۰)



آن حضرت آگاه بر جمیع اسرار و رازهای درونی من بوده و بر تمامی اعمال و رفتار، افکار و خُطورات ذهنیه، حالات مختلف روحی و جسمی، نیازهای ظاهر و باطن من در گذشته، حال و آینده مطلع اند.^{۳۰۶}

آن حضرت چشم بینای خداوند عزوجل می باشد که همیشه و در همه‌ی احوال مرا دیده و می بیند.^{۳۰۷}

و نیز باید بدانم که همه‌ی علوم به ایشان بازگشته و از سرچشمه‌ی بیکران علم و دانش آن حضرت جوشیده است، و هر کس هر چه می داند - بی واسطه

حدیث ۲: امیر المؤمنین علیه السلام فرمودند: به تحقیق از آنچه که بالای بهشت برین و زیر زمین هفتم و آنچه که در آسمانهای سر به فلک کشیده، و آنچه که بین آسمانها و زمین، و آنچه که زیر زمین است مطلع و آگاهم، و این علم و آگاهی فقط از طریق شنیدن نیست، بلکه آنچه را می دانم بر آن احاطه داشته و آن را مشاهده می نمایم. (مشارق انوار الیقین: ص: ۲۶۴)

(۳۰۶) حدیث ۱: امیر المؤمنین علیه السلام در خطبه‌ی تُطْنَجِیَّة فرمودند: ما از گذشته و آینده و آنچه که در آسمانها و زمین است آگاهیم و این آگاهی از جانب پروردگار ماست، ما تدبیر کنندگان این عالمیم، و خداوند ما را مخصوص به این امر نموده است، پس ما از جانب او انتخاب شده و بر همه چیز آگاهیم. (الزام الناصب: ج: ۲ ص: ۲۱۸)

حدیث ۲: امیر المؤمنین علیه السلام در خطبه‌ی معروف نورانیت فرمودند: امام از گذشته و آینده و آنچه که در باطنها، قلبها و آنچه که در آسمانها و زمین می باشد مطلع است. (بحار الانوار: ج: ۲۶ ص: ۵)

(۳۰۷) حدیث ۱: امام رضا علیه السلام همیشه جهت دعا برای امام زمان علیه السلام چنین دستور می دادند: خدایا! شرّ مخلوقات را از ولایت، و چشم بینایت که به اذن تو می بیند، و شاهد تو بر بندگان است دور نما. (مصباح المتهدّد: ص: ۴۰۹ ح: ۱۴۵)

حدیث ۲: امام کاظم علیه السلام فرمودند: به درستی که جایگاه امام در زمین همانند جایگاه ماه در آسمان است، پس امام همچون ماه در محلّ خود بر آنچه که بر روی زمین قرار دارد احاطه داشته و از آن آگاه است. (بصائر الدرجات: ص: ۴۶۳ ح: ۸)



یا با واسطه - از ایشان آموخته است.

آری! علوم مختلف، حلّ مسائل عویصه، کشف مطالب مهمّه، همه و همه از معدن علم و دانش آن حضرت صادر شده و از ناحیهی ایشان بر اذهان انداخته شده و بر قلمها جاری گشته است.^{۳۰۸}

ایشان نه تنها استاد و معلّم انسانها، بلکه معلّم و آموزگار انبیا و ملائکه نیز می‌باشند.^{۳۰۹} و خلاصه هرکس هرچه دارد از آن حضرت بوده و به ایشان

(۳۰۸) حدیث: امام باقر علیه السلام فرمودند: هیچکس علمی ندارد جز آنچه از امیر المؤمنین علیه السلام به او رسیده، مردم هر کجا می‌خواهند بروند، بخدا علم صحیح جز اینجا جای دیگری یافت نمی‌شود - و با دست اشاره‌ی بخانه‌ی خود نمودند - . (کافی: ج: ۱ ص: ۳۹۹ ح: ۲)

حدیث: ۲: امام باقر علیه السلام به سلمة بن كهیل و حکم بن عتیبه فرمودند: چه به شرق عالم بروید و چه به غرب آن، علم صحیح را جز آنچه از ناحیه‌ی ما اهل بیت خارج شده باشد نمی‌یابید. (کافی: ج: ۱ ص: ۳۹۹ ح: ۳)

حدیث: ۳: امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند: هر علمی که به اهل آسمانها و زمین می‌رسد از دریای علم ما اهل بیت سرچشمه گرفته و به واسطه‌ی ما به ایشان داده می‌شود. (بحار الانوار: ج: ۲۵ ص: ۲۴ ح: ۴۱)

(۳۰۹) حدیث: ۱: امام رضا علیه السلام فرمودند: اوّل چیزی که خداوند آفرید ارواح ما بود و پس از آن ما را به یگانگی و شکر خود گویا نمود، بعد از آن ملائکه را آفرید و وقتی آنان ارواح ما را یک نور واحد مشاهده کردند ما را بزرگ شمردند، پس ما شروع به تسبیح پروردگار نمودیم تا ملائکه بدانند ما مخلوق هستیم و خداوند منزّه است از اینکه دارای صفات ما باشد، و ملائکه نیز پس از تسبیح ما شروع به تسبیح نمودند و او را منزّه از صفات ما شمردند، و وقتی مشاهده‌ی عظمت مقام ما را نمودند ما خدا را تهلیل گفتیم تا ملائکه بدانند که جز او پروردگاری نیست و ما بنده‌ایم نه خدا، تا اینکه هم ردیف با او و یا در مقامی پائین‌تر از او پرستیده شویم، آنان نیز گفتند: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ». و بار دیگر چون بزرگی مقام ما را مشاهده



ختم می‌شود، و من باید بدانم که در همه‌ی مسائل و علوم باید به دنبال ارتباط آن علم و مسئله، با امام زمانم باشم، و اگر مسائلی تحت عنوان «علم و علمی» مطرح شده و می‌شوند و هیچگونه ارتباطی با ایشان ندارند، علم نبوده و فقط عنوان علم را یدک می‌کشند و در واقع مجهولاتی بیش نیستند. و نیز باید بدانم که جدا کردن هر مسئله‌ی علمی، اعم از مسائل اعتقادی، فقهی، اخلاقی، قرآنی، اصولی، کلامی، تاریخی، تفسیری، حدیثی، نجومی، روانشناسی، طبی و... از امام زمان علیه السلام، و بررسی انفرادی آن، و عدم مشخص کردن ارتباط آن بحث و روشن شدن جایگاه آن با آن حضرت، چیزی جز جدا کردن روح از جسم نبوده، و بالطبع آن مسئله‌ی علمی، مُرده و بی روح است.

بنابراین در همه‌ی علوم، ابتداءً باید تمام توجه من به حقیقت علم و دانش یعنی حضرت ولی عصر علیه السلام باشد و تمام تلاش خویش را در برقراری و کشف ارتباط آن علم با ایشان بنمایم، و این امر نیز بدون عنایت ویژه و استعانت از آن حضرت امکان پذیر نیست.^{۳۱۰}

کردند، «اللَّهُ أَكْبَرُ» گفتیم تا ملائکه بدانند خداوند بزرگتر از آن است که مقامش درک شود مگر به وسیله‌ی خودش، و نیز وقتی مشاهده کردند خداوند چقدر عزت و نیرو بما داده است گفتیم: «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» تا ملائکه بدانند حرکت و نیروئی نیست مگر به یاری و مدد خداوند.

و چون نعمت‌های خدا را بر ما مشاهده نمودند و طاعت ما را واجب دیدند گفتیم: «الحمد لله» پس ملائکه الهی بواسطه‌ی ما به شناخت توحید خدا و تهلیل و تحمید و تمجید او هدایت یافتند. (علل الشرایع: ج: ۱ ص: ۵: ح: ۱)

حدیث ۲: امیر المؤمنین علیه السلام فرمودند: من حقیقت آن خضری هستم که موسی را معلم بود، و من معلم داود و سلیمان بودم. (مشارق انوار الیقین: ص: ۲۵۵)

(۳۱۰) حدیث: امام رضا علیه السلام فرمودند: هر زمان مشکل، گرفتاری و مصیبتی ناگوار برای شما



و در راستای تحقق این هدف، باید دنبال معلّم، استاد، منبری و سخنرانی بروم که مرا به سوی امام زمانم بخواند، نه به سوی خود! و ارتباط بحث ها را با ایشان روشن کند نه با خود! و علومی را به من تعلیم کند که مرا به آن حضرت نزدیک نماید نه اینکه هرچه بیشتر بیاموزم از او دور شده و فاصله بگیرم!^{۳۱۱}

و نیز سراغ کتاب، مقاله و مجله‌ای بروم و مطالبی را بخوانم که حاوی همین خصوصیات باشد، نه اینکه ثمرهای جز یاد گیری چند اصطلاح و عنوان بی فایده، نداشته باشد.

و بی پرده بگویم که حقیقت این است: آن کتابی که مرا از امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف دور کند قطعاً جزء کتب ضالّه و گمراه کننده است.

در پایان امیدوارم که در عصر ظهور امام زمانم، که عصر شکافته شدن علوم و دانش‌ها توسط آن حضرت است،^{۳۱۲} خداوند مرا هم جزء شاگردان

پیش آمد، از ما اهل بیت نزد خدای متعال یاری بجوئید، و این همان گفتار خدای متعال است که فرمود: «برای خدا اسم‌های نیکوئی است، پس او را به آن اسم‌ها بخوانید». (اختصاص: ص: ۲۵۲)

(۳۱۱) حدیث: امام صادق عجل الله تعالی فرجه الشریف فرمودند: علم و دانش را از معدن آن بجوئید و از کسانیکه در حاشیه هستند پرهیز نمائید؛ چرا که آنان شما را از خدا باز می‌دارند. (أصول سنّة عشر: ص: ۱۲۴ ح: ۱۱)

حدیث: امام صادق عجل الله تعالی فرجه الشریف فرمودند: پرهیز از اینکه کسی را غیر از حجّت خدا نصب العین و بُت خویش قرار دهی و آنچه را می‌گوید پذیرفته و تصدیق نمائی. (کافی: ج: ۲ ص: ۲۹۸ ح: ۵)

(۳۱۲) حدیث: ابو بصیر گوید: امام جعفر صادق عجل الله تعالی فرجه الشریف فرمودند: در گوشه‌ی دسته‌ی شمشیر پیغمبر ص دفترچه‌ی کوچکی بود، به امام صادق عجل الله تعالی فرجه الشریف عرض کردم: در آن دفترچه، چه نوشته شده بود؟ فرمودند: حروفی بود که هر حرف آن کلید هزار حرف بود،



مُخْلِصِ آن امامی که دریای مواج و بیکران علوم و معارف است^{۳۱۳} قرار دهد،
و توفیق خدمتگزاری در آستانش را به من عطا فرماید.
آمین یا ربّ العالمین!

سپس ابو بصیر گوید: امام صادق علیه السلام فرمودند: تا اکنون دو حرف از آنها بیشتر خارج نشده و برای مردم ظاهر نگشته است. (بصائر الدرجات: ص: ۳۲۸ ح: ۴)
حدیث ۲: امیر المؤمنین علیه السلام در وصیت خود به کمیل فرمودند: ای کمیل! هیچ علمی نیست جز آنکه من آن را می‌گشایم، و هیچ سری نیست مگر آنکه قائم علیه السلام آن را خاتمه می‌دهد. (تخف العقول: ص: ۱۷۱)

حدیث ۳: امام صادق علیه السلام فرمودند: علم بیست و هفت حرف دارد و همه‌ی آنچه پیامبران آورده‌اند دو حرف است و مردم تا به امروز غیر از دو حرف را نشناخته‌اند، وقتی قائم ما قیام کند بیست و پنج حرف را بیرون می‌آورد و در بین مردم منتشر می‌سازد و آن دو حرف را به آنها پیوند می‌دهد تا هر بیست و هفت حرف را انتشار دهد. (مختصر بصائر الدرجات: ص: ۱۷۷)

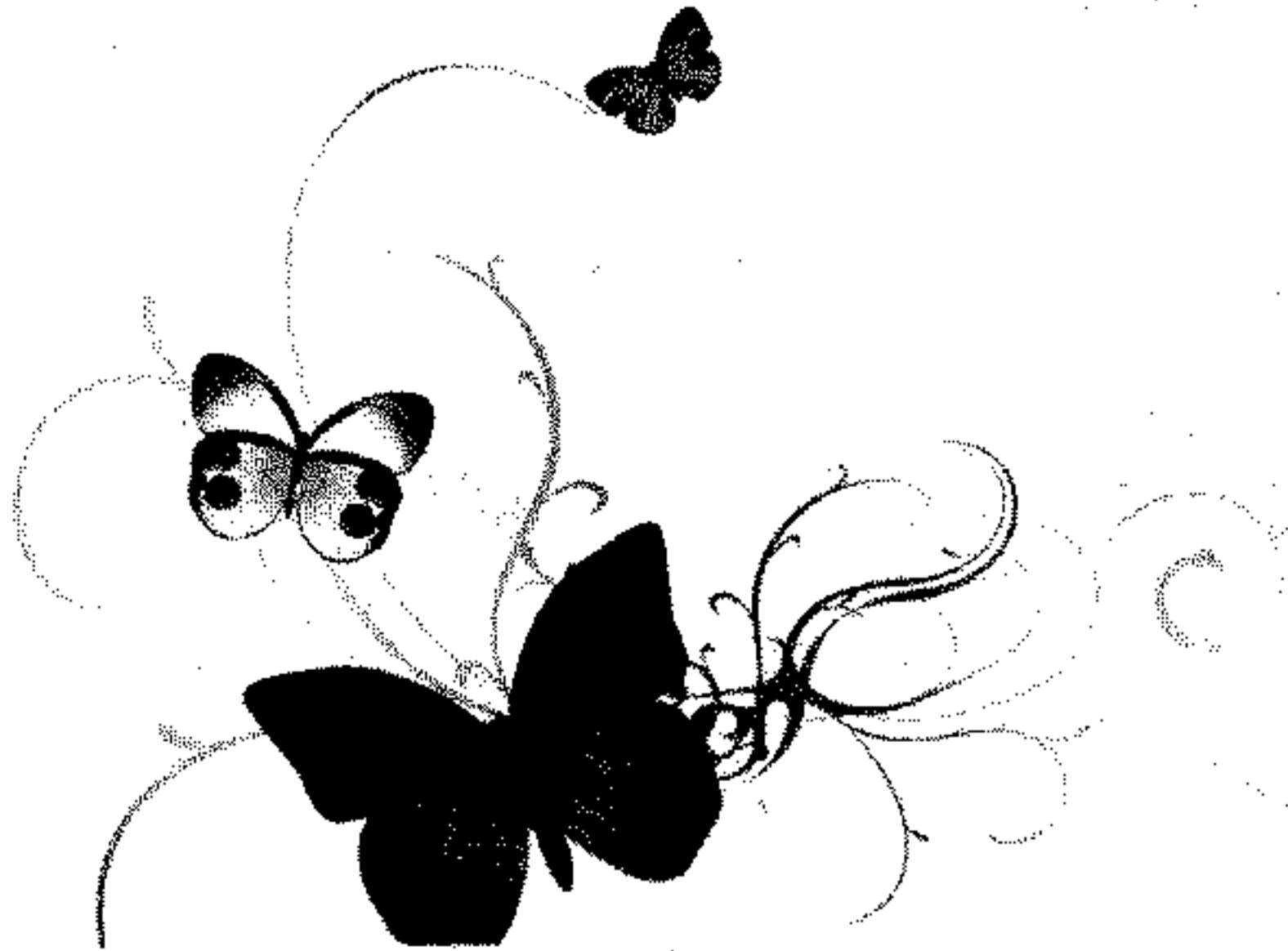
(۳۱۳) حدیث ۱: در خطبه‌ای از امیر المؤمنین علیه السلام آمده است: من آن دریای تمام نشدنی علوم، معارف و حقایق هستم. (مشارق انوار الیقین: ص: ۲۵۹)
حدیث ۲: در زیارت امیر المؤمنین علیه السلام می‌خوانیم: سلام بر تو ای دریای علوم و دانشها. (مزار مشهدی: ص: ۲۰۷)



نقل امام زمان عجل الله فرجه در زندگانی من

بخش سوّم: آینده‌ی من

فصل اوّل: قبر، برزخ و قیامت



فصل اول

قبر، برزخ و قیامت من

آینده و پایان کار من مسئله‌ای است بسیار مهم و حائز اهمیت که سرنوشت و جایگاه من در آن رقم می‌خورد.

دغدغه‌ی اینکه آیا من نیز مانند اولیا و شیعیان مخلص امام زمان علیه السلام عاقبت به خیر شده و با توشه‌ای قابل قبول از اعمال صالح راهی سفر آخرت می‌شوم یا نه؟

حقّ الله و حقّ الناسی به گردنم مانده است یا نه؟

آمادگی لازم برای مواجه شدن با جناب عزرائیل را دارم یا نه؟

مقابله‌ی من با او خوشایند است یا ناخوشایند؟

سکرات موت و خارج شدن روح از جانم چگونه است؟^{۳۱۴}

(۳۱۴) حدیث: امام صادق علیه السلام به سدید فرمودند: قسم به آنکه محمد صلی الله علیه و آله را به پیغمبری فرستاده، و شتابانه روحش را به بهشت برده، میان هر یک از شما با شادمانی یا پشیمانی و افسوس فاصله‌ای نباشد جز که به چشم خود ببیند آنچه را خدای عزوجل در قرآنش فرموده: «از راست و از چپ نشسته‌ای باشد» و ملک الموت آید تا جانش را بگیرد، و روحش را فریاد دهد تا از تنش بدر آید، اما آنکه مؤمن باشد خارج شدن روح را احساس نکند (یعنی برایش هیچ تلخی و ناگواری ندارد) برای اینکه خداوند می‌فرماید: (ای نفس اطمینان داده شده! به سوی پروردگارت برگرد در حالیکه او از تو راضی است پس میان بندگانم برو و داخل بهشتم شو)، و آنگاه فرمود: این مقام برای کسی است که پارسا باشد و با برادران دینی خود همراهی کند و به آنان خیر رساند.

و اگر ناپارسا است و خیر رسان به برادران خود نیست به او گفته شود چه چیز



توانائی پاسخ به سؤالات نکیر و منکر را دارم یا خیر؟^{۳۱۵}

تو را بازداشت از پارسائی و همراهی کردن با برادرانت؟ تو از آن کسانی می باشی که به زبان اظهار دوستی کنند و با کردار، آن را پیاده نکنند، و چون برخورد کند با رسول خدا صلی الله علیه و آله و امیر مؤمنان، از او رو گردانند و در روی او ترش رو باشند و شفاعت او نکنند، سدیدر گفت: یعنی از کسانی است که خدا بینی آنها را بریده (و به آنها توجهی ندارد)؟ آن حضرت فرمودند: آری همان است. (محاسن: ج: ۱ ص: ۱۷۷ ح: ۱۶۱)

حدیث ۲: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: بدانید کسی که علی علیه السلام را دوست داشته باشد خداوند سکرات و سختیهای مرگ را بر او آسان می کند و قبر وی را باغی از باغهای بهشت می گرداند. (بشارة المصطفی: ص: ۷۱ ح: ۲)

(۳۱۵) حدیث ۱: امام صادق علیه السلام فرمودند: به درستی زمانیکه مؤمن از خانه ی خویش جهت تشییع جنازه به سمت قبر برده می شود ملائکه با تعداد زیاد و شور فراوان او را مشایعت می کنند و زمین خطاب به او می گوید: مرحبا به تو که چنین اهلیت پیدا نمودی، آگاه باش به خدا قسم من در زمان حیات تو بسیار دوست می داشتم که همچون توئی بر من قدم نهد.

و چون در قبر داخل شود به اندازه ی وسعت دیدگانش قبر او گسترانیده می شود و دو ملک به نامهای نکیر و منکر نزد او آمده و او را می نشانند و از او سؤال می کنند که خدای تو چه کسی است؟ در جواب می گوید: الله، می گویند دین تو چیست؟ می گوید: اسلام، پس از او می پرسند پیامبر تو کیست؟ می گوید: محمد صلی الله علیه و آله و می پرسند امام تو چه کسی است؟ می گوید: علی علیه السلام، پس در این هنگام منادی از آسمان ندا می کند: بنده ام راست گفت، از فرشهای بهشتی قبرش را فرش نمائید و دری از قبر به سوی بهشت برایش باز کنید و او را از لباسهای بهشتی بپوشانید تا اینکه نزد ما آید، و آنچه که نزد ماست برای او بهتر است، سپس به او گفته می شود اکنون همچون عروسی که در حجله ی خویش می خوابد و خوابهای پریشان نمی بیند، بیارام.

سپس حضرت فرمودند: و اما اگر این شخص کافر باشد ملائکه در حالیکه او را



فشار قبر برایم چگونه خواهد بود؟^{۳۱۶}

لعن می‌کنند، تا قبر او را مشایعت می‌نمایند، و زمین نیز خطاب به او می‌گوید: مرحبائی بر تو نیست و اهلّیت آن را نداری، بدانکه زمانیکه در دنیا همچون توئی بر روی من قدم می‌نهادی و دشمن می‌داشتی، پس در این هنگام، قبر او را فشرده و بر او تنگ می‌گردد سپس نکیر و منکر نزد وی آمده و از وی سؤال می‌کنند.

ابا بصیر گفت: آیا نکیر و منکر به یک شکل بر مؤمن و کافر داخل می‌شوند؟ حضرت فرمودند: خیر.

پس آن دو او را می‌نشانند و از او می‌پرسند: خدای تو چه کسی است؟ زبانش به لُکنت افتاده و می‌گوید: از مردم چیزهایی می‌شنیدم، به او می‌گویند: نفهمیدی و نمی‌دانی، و می‌پرسند: دینت چیست؟ باز زبانش به لُکنت افتاده و جوابی نمی‌دهد، پس به او می‌گویند: نفهمیدی و نمی‌دانی، و نیز می‌پرسند: پیامبر تو کیست؟ می‌گوید: از مردم چیزهایی می‌شنیدم، پس به او می‌گویند: نفهمیدی و نمی‌دانی، و نیز می‌پرسند: امام زمانت کیست؟ و او جوابی ندارد، پس منادی از آسمان ندا می‌کند: بنده‌ام دروغ می‌گوید، قبر او را از فرشهای جهنم فرش کنید و از لباسهای آن بر او بپوشانید و دربی به سوی آتش برایش بگشائید تا اینکه نزد ما آید و چیزی جز شرّ و بدبختی نزد ما برای او نیست، پس آن دو ملک با گُریزی سه ضربه بر او می‌زنند که با هر ضربه‌ای قبرش پر از آتش می‌گردد و شدت این ضربات به گونه‌ای است که اگر به کوههای مگه اصابت کند آنها را همچون خاکستری نرم می‌نماید. (تفسیر عیاشی: ج: ۲ ص: ۲۲۵ ح: ۱۸)

حدیث ۲: امام صادق ع فرمودند: از روح میت در قبر از پنج چیز سؤال می‌شود: از نماز، و زکات، و حجّ، و روزه، و ولایت ما اهل بیت، پس ولایت از کنار قبر خطاب به نماز، زکات، حجّ و روزه می‌گوید: اگر کاستی در شما هست من آن را جبران می‌نمایم. (کافی: ج: ۳ ص: ۲۴۱ ح: ۱۵)

(۳۱۶) حدیث: امام صادق ع فرمودند: پدرم امام باقر ع پیوسته در صبحگاهان چنین



شب اول قبر که تنها می شوم آیا مونس و همدمی دارم؟
 خانه‌ی قبرم روشن بوده و باغی از باغهای بهشت است یا اینکه تاریک
 بوده و حُفره‌ای از حُفره‌های آتشین جهنم است؟^{۳۱۷}
 دوران برزخ را چگونه طی خواهم کرد آیا مرا به وادی السلام در نجف
 اشرف که برزخ مؤمنین و صالحین است می‌برند^{۳۱۸} یا به سرزمین برهوت در
 یمن که برزخ کافرین و مخالفین است؟^{۳۱۹}

می‌گفت: خدایا! من از عذاب قبر و فشار و تنگی آن به تو پناه می‌برم. (کافی: ج: ۲
 ص: ۵۲۵: ح: ۱۳)

(۳۱۷) حدیث: امام صادق علیه السلام فرمودند: به درستی که برای قبر در هر روز گفتاری است
 که می‌گوید: من خانه‌ی غربت هستم، من خانه‌ی وحشت هستم، من خانه‌ی کرم‌ها
 هستم، من قبر هستم، من باغی از باغ‌های بهشت یا گودالی از گودال‌های جهنم
 هستم. (کافی: ج: ۳ ص: ۲۴۲: ح: ۲)

حدیث: امام جعفر صادق علیه السلام به شیعیان خود فرمودند: سرزمینها و قبرهایتان برای شما
 همچون بهشت است. شما برای بهشت آفریده شده‌اید و به سوی آن می‌روید. (کافی:
 ج: ۸ ص: ۳۶۵: ح: ۵۵۶)

حدیث: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: آگاه باشید هرکس علی را دوست بدارد خداوند
 سکرات و سختیهای جان دادن را بر او آسان می‌نماید، و خانه‌ی قبر او را باغی
 از باغ‌های بهشت قرار می‌دهد. (بشارة المصطفی: ص: ۷۱: ح: ۲)

(۳۱۸) حدیث: امام صادق علیه السلام فرمودند: آگاه باش! مؤمنی در مشرق و مغرب زمین باقی
 نمی‌ماند مگر آنکه خداوند روح او را بوادی السلام می‌برد، پس به حضرت عرض
 کردم: وادی السلام کجاست؟ حضرت فرمودند: پشت کوفه (متصل به نجف اشرف)
 است آگاه باش! گویا من با ایشانم (آنان را می‌بینم که) هر دسته حلقه وار، گرد
 یکدیگر نشسته‌اند و با هم سخن می‌گویند. (کافی: ج: ۳ ص: ۲۴۳: ح: ۲)

(۳۱۹) حدیث: امام صادق علیه السلام فرمودند: چون دشمن ما بمیرد جانش به وادی «برهوت»
 منتقل می‌شود و در عذاب آن بماند، و از زقومش به او بخوراند و از آب جوشانش



در روز قیامت اوضاع و احوال چگونه است؟ سر برداشتم از خاک، سؤال و جوابها، میزان و سنجش اعمال، و خلاصه عبور از هزار موقف و جایگاه در روز قیامت، و بالاخره عبور از پُل صراط و قرار گرفتن در درجه‌ی تعیین شده در بهشت و یا جهنم!

آری! همه‌ی اینها مسائلی است که ذهن مرا به خود مشغول ساخته و بیم و ترس مرا نسبت به آینده مضاعف نموده است.

و علاوه بر همه‌ی اینها زمانیکه به اعمال و رفتار گذشته‌ی خود می‌نگرم ترس و واهمه‌ام بیشتر می‌شود چرا که حقیقتاً بار گناهان، معاصی و اعمال نادرست پشتم را سنگین نموده و کمرم را شکسته است و اگر حتی اعمال خوبی هم داشته باشم در مقابل نعمتهای فراوانی که خداوند در دنیا به من عطا نموده است بسیار اندک و ناچیز است.

پس وای بر منی که برای سفر طولانی آخرت زاد و توشه‌ی مناسب را تهیه نکرده و دستم خالی است.

آری! واقعیت چنین است و من نسبت به آینده، بسیار نگران و بیمناک هستم.

اما با همه‌ی این حرفها و واقعیات پیش رو، نا امید نیستم، چرا که می‌دانم امام زمان من همچنان که در این عالم، همه کاره بود و ملائکه‌ی الهی بی اذن او قدم از قدم بر نمی‌دارند،^{۳۲۰} در آن عالم نیز چنین است و همه چیز تحت اختیار و اراده و امر آن حضرت است.^{۳۲۱}

به کام او ریزند، پس از این وادی به خدا پناه برید. (بصائر الدرجات: ص: ۴۲۳ ح: ۳)

(۳۲۰) حدیث: امیر المؤمنین علیه السلام فرمودند: من حجّت خدا بر اهل آسمانها و زمین هستم، و هیچ ملکی در آسمان بدون اذن من قدمی از قدم بر نمی‌دارد. (مشارق انوار الیقین: ص: ۳۴۳)

(۳۲۱) حدیث: امام محمد باقر علیه السلام فرمودند: به درستی که خداوند ما اهل بیت را بر آنچه



و من همانطور که در دنیا در برخورد با گرفتاریها، مشکلات و سختیها به سفارش امام هشتم علی بن موسی الرضا علیه السلام ^{۳۲۲} به امام زمان علیه السلام توسل کرده و کمک می‌خواستم در آخرت نیز در همه‌ی مراحل چشم‌امید به ایشان دوخته ^{۳۲۳} و مطمئن هستم که در آنجا نیز در حق من پدری کرده و مرا به حال خود وا نمی‌گذارند.

پس مولا جان! زمانیکه در حال احتضار و جان‌کندن به سراغم آمدی هوای مرا داشته باش.

به جناب عزرائیل سفارشم را بنما. ^{۳۲۴}

که بخواهیم توانا نموده است. (بصائر الدرجات: ص: ۳۹۵، ح: ۵)

حدیث ۲: امام حسین علیه السلام فرمودند: به خدا قسم که خداوند هیچ چیزی را خلق نکرد مگر اینکه او را به اطاعت از ما امر نمود. (مناقب آل ابی طالب: ج: ۳، ص: ۲۱۰)

(۳۲۲) حدیث: امام رضا علیه السلام فرمودند: هر زمان مشکل، گرفتاری و مصیبتی ناگوار برای شما پیش آمد، از ما اهل بیت نزد خدای متعال یاری بجوئید، و این همان گفتار خدای متعال است که فرمود: «برای خدای اسمهای نیکوئی است پس او را به آن اسمها بخوانید». (اختصاص: ص: ۲۵۲)

(۳۲۳) حدیث: امام حسن عسکری علیه السلام فرمودند: خدایا! به خاطر ایشان (اهل بیت علیهم السلام) شر دنیا و آخرت و هولهای روز قیامت را از من دفع نما. (کامل الزیارات: ص: ۵۱۳)

(۳۲۴) حدیث: امام صادق علیه السلام فرمودند: رسول خدا صلی الله علیه و آله بر بالین مردی از انصار که حالت نیکو و خوبی هم داشت حاضر گردیدند و نگاه می‌کردند به عزرائیل که بالای سر او ایستاده بود، پس آن حضرت فرمودند: ای مَلک الموت! به یار من آسان گیر؛ چرا که او مردی با ایمان است. عزرائیل گفت: ای محمد! خوشدل و چشم روشن باش که چنین کنم و من با هر مؤمنی مدارا کرده و دلسوز او هستم. (کافی: ج: ۳، ص: ۱۳۶، ح: ۳)

حدیث ۲: امام صادق علیه السلام به عزرائیل فرمودند: ای مَلک الموت! جواب داد: لَبیک، فرمودند: آیا تو مأمور به اطاعت از ما نیستی؟ گفت: چرا هستم. (خرائج و جرائح: ج: ۱، ص: ۲۹۵، ح: ۲)



- هنگام حضور در کنار جنازه‌ام به اعمال بدم نگاه مکن. ^{۳۲۵}
 در خانه‌ی تاریک قبر مرا از عنایات پدران‌ات محروم مساز. ^{۳۲۶}
 در تنهائی و وحشت قبر مونس و همدم باش. ^{۳۲۷}
 در هنگام پاسخ به نکیر و منکر یاریم نما. ^{۳۲۸}

(۳۲۵) حدیث: امام کاظم علیه السلام فرمودند: بر من و سایر امامان در هر زمان لازم است که بر جنازه‌ی شما در هر کجا که باشید حاضر شویم، پس تقوای الهی را پیشه‌ی سازید. (مناقب آل ابی طالب: ج: ۳ ص: ۴۱۱)

(۳۲۶) حدیث: امام سجّاد علیه السلام فرمودند: خداوند به خاطر ما به زندگانی شما در دنیا و عالم قبر منفعت می‌بخشد. (ینابیع المعاجز: ص: ۱۱۸)

حدیث: رسول خدا صلی الله علیه و آله به سلمان فرمودند: ای سلمان! هر کس فاطمه را دوست بدارد او در بهشت با من است، و هر کس او را دشمن بدارد در آتش است. ای سلمان! دوستی فاطمه در صد جا فایده دارد که آسانترین آن مکان‌ها هنگام مُردن، قبر، میزان، بیرون آمدن از قبر، عبور از پُل صراط و محاسبه‌ی اعمال است. (مائة منقبة: ص: ۱۲۶ ح: ۶۱)

(۳۲۷) حدیث: رسول خدا صلی الله علیه و آله به امیر المؤمنین علیه السلام فرمودند: ای علی! بر تو بشارت باد و بشارت ده که بر شیعه‌ی تو هنگام مرگ، حسرت و ندامتی نیست، و وحشت و هراسی در قبرهایشان نیست، و حزن و اندوهی در روز رستاخیز ندارند. (تفسیر فرات: ص: ۳۴۸ ح: ۳)

(۳۲۸) حدیث: رسول خدا صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام فرمودند: ای علی! محبّین تو در سه جا شادمانند، هنگام جان دادن در حالی که من و تو ناظر آنانیم، موقع سؤال و جواب در قبر و عرضه‌ی اعمال و وقت گذشتن از پُل صراط، همان زمانی که از ایمان مردم پرسش می‌کنند و آنان پاسخی نمی‌دهند. (أمالی صدوق: ص: ۶۵۶ ح: ۲)

حدیث: رسول خدا صلی الله علیه و آله به فاطمه‌ی بنت آسَد مادر امیر المؤمنین علیه السلام فرمودند: ای فاطمه! اگر منکر و نکیر آمدند و از تو پرسیدند پروردگارت کیست؟ بگو: خدا پروردگار من است و محمّد صلی الله علیه و آله پیغمبر من، و اسلام دین من، و قرآن کتاب من، و پسر من امام و ولی من است. (أمالی صدوق: ص: ۳۹۰ ح: ۱۴)



به خدا قسم! من هم همچون فاطمه بنت آسد مادر امیر المؤمنین علیه السلام از فشار قبر می ترسم.
 ۳۲۹

(۳۲۹) حدیث: فاطمه بنت آسد مادر امیر المؤمنین علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنید که از فشار قبر یاد می فرمودند، پس فریاد زد: وای از ناتوانی من، رسول خدا صلی الله علیه و آله به او فرمودند: من از خدا درخواست می کنم که تو را کفایت کند و از فشار قبر آسوده نماید.

و این گذشت تا اینکه روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله نشستند بودند، که امیر المؤمنین علیه السلام گریان نزد ایشان آمدند، رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: برای چه گریه می کنی؟ عرض کردند:

مادرم فاطمه از دنیا رفت، رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: به خدا او مادر من هم بود، و شتابان برخاستند تا وارد بر او شدند و نگاهی به او کردند و گریستند و سپس به زنها دستور دادند او را غسل دهند و فرمودند: چون از غسل او فارغ شدید کاری نکنید تا به من اعلام نمائید، چون فارغ شدند به ایشان اعلام کردند و آن حضرت یکی از پیراهنهای خود را که به تن می پوشید داد تا او را در آن کفن کنند و به مسلمانان فرمودند: چون در مورد فاطمه دیدید من کاری می کنم که پیش از آن با مرده ای نکردم سبب آن را از من پرسید.

چون زنان از غسل و کفن او فارغ شدند، رسول خدا صلی الله علیه و آله آمدند و جنازه ی او را بر دوش گرفته و زیر جنازه ی او بودند تا او را به قبرش رسانیدند و او را در کنار قبرش نهادند و خود وارد قبر شده و در آن خوابیدند و سپس برخاسته و با دست خود او را گرفته و در قبرش نهادند و بر او سرازیر شدند و مدتی طولانی با او راز می گفتند و به او می فرمودند: پسرت، پسرت، پسرت، پسر، پسر، پسر، نگاه برخاسته و جنازه را با دست خود گرفته و داخل قبر نمودند، سپس خم شده و مدتی طولانی با او مناجات می کردند و می فرمودند: پسرت، پسر، پسر، پسر، نگاه برخاستند و روی قبر را هموار نمودند، و باز خود را بروی قبر انداختند و مردم می شنیدند که می فرمودند: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، بار خدایا! من او را به تو می سپارم» نگاه مراجعت



به دادم برس و سفارشم را به ملائکه‌ی موکل بر من بنما تا با من مدارا نمایند.

می دانم که شفاعت شما در قیامت قطعاً شامل حال من می‌شود ولی از دوران برزخ بسیار هراسان و بیمناکم! چرا که شنیده‌ام از امام صادق علیه السلام که فرموده‌اند: ما از برزخ، بر شما نگرانیم.^{۳۳۰}

جانم به قربانت خیلی به تو نیازمندم، دستم به دامت، در برزخ نیز خودم

فرمودند. مسلمین عرض کردند: شما را دیدیم کارهایی کردید که پیش از این نکرده بودید؛ فرمودند: امروز مهربانی ابو طالب را از دست دادم، فاطمه اگر چیز خوبی نزدش بود، مرا بر خود و فرزندانش مقدم می‌داشت، من از روز قیامت یاد کردم و گفتم: مردم در آن روز برهنه محشور می‌شوند، او گفت: وای از این رسوائی، من ضامن شدم که خدا او را با لباس محشور کند، و از فشار قبر یادآور شدم، او گفت: وای از ناتوانی، من ضمانتش کردم که خدا امورش را به عهده بگیرد، از این جهت او را در پیراهنم کفن نمودم و در قبرش خوابیدم و سر بگوشش گذاردم و با وی مناجات نمودم و آنچه از او می‌پرسیدند تلقینش می‌کردم. و چون او را از پروردگارش پرسیدند جواب داد، و چون از پیغمبرش پرسیدند جواب داد، اما چون از ولی و امامش پرسیدند، زبانش به لُکنت افتاد، من گفتم: پسرت، پسرت پسرت. (کافی: ج: ۱ ص: ۴۵۴ ح: ۲)

(۳۳۰) حدیث: عمرو بن یزید می‌گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم که همانا من از شما شنیدم که می‌فرمودید: تمامی شیعیان ما با همه‌ی گناهانی که دارند به بهشت می‌روند! حضرت فرمودند: آری چنین است، به خدا قسم همه‌ی آنها به بهشت می‌روند، عرض کردم: جانم فدایت باد، همانا گناهان کبیره‌ی شیعیان شما بسیار زیاد است، پس آن حضرت فرمودند: بدانکه در قیامت همه‌ی شما به شفاعت پیامبر و وصی او به بهشت می‌روید ولی به خدا قسم من از برزخ شما بر شما هراسان و بیمناکم. گفتم: برزخ چیست؟ حضرت فرمودند: از زمانیکه مُرده می‌میرد و او را در قبر می‌گذارند تا روز قیامت، دوران برزخ او می‌باشد. (کافی: ج: ۳ ص: ۲۴۲ ح: ۳)



را به شما می‌سیارم، از اعمالم که با خبری!!!

پس رهایم نکن و التماس دعایم را استجابت کن.

و اما قیامت کمی خیالم آسوده‌تر است چون زیاد شنیده‌ام که:

گناهکاران به شفاعت شما به بهشت می‌روند و از عذاب الهی رهایی می‌یابند.^{۳۳۱}

جدّتان امیر المؤمنین علیه السلام صاحب پُل صراط^{۳۳۲} و تقسیم کننده‌ی بهشت و جهنم بوده، دوستان را به بهشت و دشمنان را به جهنم می‌بردند و جهنم در آن روز از همه نسبت به ایشان مطیع‌تر است.^{۳۳۳}

(۳۳۱) حدیث: امام رضا علیه السلام فرمودند: هرکس که ما شفیعان او باشیم نجات پیدا خواهد کرد اگرچه گناهان او به اندازه‌ی گناهان جن و انس باشد. (امالی صدوق: ص: ۱۲۱ ح: ۱۰)

(۳۳۲) حدیث: امیر المؤمنین علیه السلام در خطبه‌ای فرمودند: من صاحب پُل صراط هستم. (مشارق انوار الیقین: ص: ۲۶۹)

(۳۳۳) حدیث: امام صادق علیه السلام فرمودند: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: خداوند در روز قیامت به من می‌گوید: ای احمد! کلیدهای بهشت و دوزخ را بگیر، و من می‌گویم: قبول کردم از پروردگارم، حمد او را بر آنچه مرا بدان فضیلت داد، و سپس به رضوان و مالک که کلید داران بهشت و جهنم هستند می‌گویم: آنها را تحویل برادرم علی بن ابی طالب بدهید، پس مالک (کلیدهای رضوان را نیز گرفته و) برگردد تا بر دهانه‌ی جهنم بایستد که شراره می‌پراند و سوت می‌کشد و حرارتش تند است و علی علیه السلام مهار آن را دارد. دوزخ به علی علیه السلام گوید: ای علی! مرا واگذار و بگذر، نور تو شرار مرا خاموش کرد! علی علیه السلام فرماید: آرام باش ای دوزخ! این شخص را بگیر و این را رها کن، این دشمن مرا بگیر و این دوست مرا واگذار، و دوزخ در آن روز فرمان بردارتر است برای علی علیه السلام از غلام شما برای آقای خود، اگر بخواهد آن را به راست و چپ می‌کشانند، و بهشت آن روز برای علی مطیع‌تر است در آنچه دستور دهد از همه‌ی مردم، و علی علیه السلام در آن روز تقسیم کننده‌ی بهشت و جهنم می‌باشد. (تفسیر قمی: ج: ۲ ص: ۳۲۴)



محبت، ولایت و معرفت شما موجب سنگینی اعمال^{۳۳۴} و جواز عبور از پُل صراط و داخل شدن به بهشت است.^{۳۳۵}

بهشت مهریه‌ی مادرتان حضرت زهرا «سلام الله علیها» است^{۳۳۶} و از

(۳۳۴) حدیث: امام سجّاد علیه السلام فرمودند: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: به سبب محبت او (علی علیه السلام) میزان اعمال مؤمنین سنگین شده، و به سبب مخالفت او میزان اعمال دشمنان سبک می‌گردد. (تفسیر امام عسکری علیه السلام: ۵۸۲)

(۳۳۵) حدیث: امام باقر علیه السلام فرمودند: خداوند ایشان (اهل بیت علیهم السلام) را راهنمایان اُمت بر پُل صراط قرار داده است. (یقین: ص: ۳۱۹)

حدیث ۲: اصبع بن نباته گفت: خدمت امیر المؤمنین علیه السلام نشسته بودم که ابن کواء وارد شد و عرض کرد: یا امیر المؤمنین! معنای این آیه چیست: «وَعَلَى الْأَعْرَافِ رِجَالٌ يَعْرِفُونَ كُلًّا بِسِيمَاهُمْ»؟ حضرت فرمودند: ما اعراف هستیم و یاران خود را از چهره‌ی آنها می‌شناسیم. ما اعراف هستیم که عرفان و شناخت به خدا حاصل نمی‌شود مگر از راه معرفت ما، و ما اعراف هستیم بین بهشت و جهنم که داخل بهشت نمی‌شود مگر کسی که ما را بشناسد و ما او را بشناسیم، و داخل جهنم نمی‌شود مگر کسیکه او منکر ما و ما منکر او باشیم.

و جریان چنین است که اگر خدا بخواهد می‌تواند خود را به مردم معرفی کند تا او را بشناسند و به در خانه‌اش بیایند ولی چنین اراده ننموده و ما را ابواب و راه و گذرگاه به در خانه‌ی خود قرار داده است که مردم باید از آن درب و گذرگاه بیایند. هر کس از ولایت ما اعراض کند و دیگری را بر ما مقدم دارد از مسیر خود دور افتاده است. (بصائر الدرجات: ص: ۵۱۷ ح: ۸)

(۳۳۶) حدیث: امام صادق علیه السلام فرمودند: همانا خداوند تبارک و تعالی مهریه‌ی فاطمه علیها السلام را رُبُع دنیا قرار داد، پس یک چهارم دنیا به آن حضرت تعلق دارد، و مهریه‌ی او را بهشت و جهنم قرار داد، بنابراین دشمنان او داخل آتش جهنم می‌شوند و دوستانش داخل بهشت، و او صدیقه‌ی کبری است و بر محور معرفت او سنگ روزگار اُمتهای گذشته می‌چرخید. (امالی طوسی: ص: ۶۶۸ ح: ۶)



نور فرزندشان امام حسین علیه السلام خلق شده است. ۳۳۷

«خدا را شکر که قلبم را ما لا مال از محبت و ولایت شما قرار داد.»
 اما ما! به محبت و ولایتی که در سینه‌ام نهادی؛ شتر دیدی ندیدی، و از
 گناهان و خطاهایم درگذر و در قیامت رو سفیدم نما، و آبرویم را حفظ کن،
 و مرا تنها مگذار، و به شفاعت و عنایت مرا با خود محشور فرما، و به کوری
 چشم دشمنانت در بهشت همنشین خود گردان.
 اکنون با قلبی مطمئن، دلی آرام و خاطری آسوده می‌گویم که مرگ را

(۳۳۷) حدیث: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: زمانیکه خداوند ما را آفرید نه آسمان افراشته و
 نه زمین گسترده و نه عرش و نه بهشت و نه جهنم بود، ما او را آن هنگامی که
 تسبیح و تقدیسی وجود نداشت تسبیح و تقدیس می‌کردیم، وقتی خداوند ابتدای
 آفرینش را اراده نمود نور مرا شکافت و از آن عرش را آفرید، پس نور عرش از
 نور من است و نور من از نور خدا است.

سپس نور علی بن ابی طالب را شکافت و از آن ملائکه را آفرید، پس نور ملائکه
 از نور علی بن ابی طالب است و نور پسر ابی طالب از نور خدا است.
 بعد از آن نور دخترم فاطمه را شکافت و آسمانها و زمین را آفرید، پس نور
 آسمانها و زمین از نور دخترم فاطمه است و نور فاطمه از نور خدا است و فاطمه
 بهتر از آسمانها و زمین است.

سپس نور حسن را شکافت و از آن خورشید و ماه را آفرید پس نور خورشید و
 ماه از نور حسن است و نور حسن از نور خدا است و حسن از خورشید و ماه
 بهتر است.

آنگاه نور حسین را شکافت و از آن بهشت و حور العین را آفرید پس نور بهشت
 و حور العین از نور حسین است و نور حسین از نور خدا است و حسین از بهشت
 و حور العین بهتر است. (بحار الانوار: ج: ۲۵، ص: ۱۶، ج: ۴۰)



دوست دارم و بی صبرانه منتظرم تا به دیدار یار نائل آیم. ^{۳۳۸}

گرچه خودقبض الارواح بود عزرائیل
نیست در زبانه مکر، ریزه خور خولان شمش
فیض روح القدس از مجلس انس تو و بس
نقشه صور، سفیری است ز دربان شمش

در صفحه صحیفه قبر و حشر برستی
جز خط و خال خن تو را اعتبار نیست
بر دوزخ قهر و جنت عدن لبدی
جز بید قدرت توفیران گذار نیست
در کام دوستان تو ای مالک جهان
تسلیم جز زبانت خوشگوار نیست

(۳۳۸) حدیث: امام صادق ع فرمودند: بین کسیکه قائل به این امر (ولایت اهل بیت ع) است و رؤیت آنچه که باعث چشم روشنی او می گردد فاصله ای جز مرگ نیست، و زمانیکه از دنیا برود به او گفته می شود: اما آنچه را که امید دست یابی بدان را داشتی به تو عطا می شود و اما آنچه را که از آن می ترسیدی از آن در امان خواهی بود، و همانا در مقابل تو امام صدق و راستی قرار دارد، پس بر رسول خدا و علی و حسن و حسین ع وارد شو. (محاسن: ج: ۱ ص: ۱۷۴ ح: ۱۵۲)



نقل امام زمان (عج) در جنگ



کفتار آفر:

فصل اول: انتظار

فصل دوم: لفظ شماری تا ظهور

فصل اول

انتظار:

انتظار از وظایف بسیار مهم، سودمند و افضل اعمال من در عصر غیبت امام زمانم می‌باشد،^{۳۳۹} که یکی از بهترین راههای اظهار آن، دعا نمودن برای سلامتی و ظهور آن حضرت است؛ بنابراین با دعای زیاد برای امام زمانم، می‌توانم روحیه‌ی انتظار را در خود افزایش دهم.

یکی دیگر از خواص مهم انتظار، توجه و انس به آن حضرت می‌باشد، چرا که شخص منتظر برای تحقق انتظار باید به منتظر توجه نموده و به یاد او باشد. شخص منتظر از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده و به درجات عالی‌های دست می‌یابد، و باید مراقب باشد و سعی کند تا همیشه دامنش پاک بوده و آماده‌ی ملاقات با یار باشد تا اگر حیات او در حال انتظار به سر رسید منتظر او را آنطور که شایسته است ببیند.

و اما آنچه من به عنوان یک منتظر باید بدانم آن است که:

۱- همیشه تسلیم محض اراده‌ی حق تعالی بوده و اگر او قصد تأخیر فرج امام زمانم را دارد و فرجش را به تأخیر انداخته است، من چون و چرا نکنم و در عین حالی که برای فرج او دعا میکنم راضی به رضای الهی بوده و حرفی در مقابل خداوند بر زبان جاری نکنم.^{۳۴۰}

(۳۳۹) حدیث: رسول خدا ﷺ فرمودند: انتظار فرج، برترین عبادت است. (کمال الدین: ص: ۲۸۷ ج: ۶)

حدیث: امام باقر علیه السلام فرمودند: برترین و با فضیلت‌ترین اعمال شیعیان ما انتظار فرج است. (کمال الدین: ص: ۳۷۷ ج: ۱)

(۳۴۰) حدیث: در دعای زمان غیبت امام زمان علیه السلام می‌خوانیم: و مرا از آنچه که خلق را بدان



۲- طولانی شدن زمان غیبت، نباید موجب دست کشیدن من از انتظار، دعا، توجّه، ایمان، و صلوات بر امام زمانم شود؛ بلکه باید روز به روز بر ایمان و یقین من افزوده شده و آمادگی من برای آمدن آن حضرت بیشتر شود.^{۳۴۱}

۳- همه‌ی همّت خویش را به کار گیرم تا علاوه بر دعاهای هر روزه برای سلامتی و فرج آن حضرت^{۳۴۲} چهل روز صبح نیز به طور منظم دعای عهد را

امتحان می‌کنی سلامت بدار، و مرا در اطاعت ولیّ امرت استوار گردان، همان ولیّ امری که او را از چشمان خلائق مستور ساختی و به اذن تو از مردمان غایب گردید، و تنها امر تو را انتظار می‌برد، و تو آن زمانی را که صلاح امر ولّیت در آن است بی‌تعلّم می‌دانی و به ظهور او فرمان می‌دهی و او را آشکار می‌سازی، پس مرا بر آن شکّیا ساز که تعجیل آنچه را که به تأخیر انداخته‌ای نخواهم و تأخیر آنچه را که معجل ساخته‌ای نطلبم؛ و از مستورت پرده برداری، و از مکتومت تفحص، و در تدبیرت منازعه ننمایم و چون و چرا نکنم، و نگویم چرا ولیّ امرت ظهور نمی‌کند در حالی که زمین از ظلم و جور آکنده است. و همه‌ی امورم را به تو واگذار می‌کنم. (کمال الدین: ص: ۵۱۲، ح: ۴۳)

(۳۴۱) حدیث ۱: در دعای زمان غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌خوانیم: بارالها! به واسطه‌ی غیبت طولانی‌ش و بی‌خبری ما از او، یقین ما را سلب مکن و یاد، انتظار، ایمان، و قوت یقین ما را در ظهورش، و دعا و درود ما را بر او از خاطرمان مبر، تا آنکه طول غیبت ما را نا‌امید نسازد، و یقین ما در این باب مانند یقین ما در مورد قیام رسالت - که درود و رحمتت بر او باد - قرار بده. (کمال الدین: ص: ۵۱۲، ح: ۴۳)

حدیث ۲: در یکی از زیارات امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف خطاب به آن حضرت می‌گوئیم: اگر روزگار به درازا بکشد و عمرها طولانی شود، جز این نیست که یقین و محبت من به تو زیاد می‌گردد، و توکل و اعتماد من فقط به توست، و ظهورت را متوقع و منتظرم و برای جهاد در پیشاپیش تو لحظه‌شماری می‌کنم. (مزار مشهدی: ص: ۵۸۶)

(۳۴۲) حدیث ۱: در توقیعی از امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف آمده است: برای تعجیل در فرج من زیاد دعا



بخوانم، که اگر چنین کنم، علاوه بر ثواب آن - که به هر کلمه هزار حسنه در نامهی عملم نوشته شده و هزار سیئه از آن محو می‌گردد - جزء انصار و یاوران آن حضرت در زمان قیام خواهم بود و اگر عمرم هم کفاف نداد تا آن حضرت را درک کنم به واسطه‌ی این عمل، خداوند مرا از قبر بیرون آورده و در رکاب وی قرار می‌دهد.^{۳۴۳}

۴- و نیز همه‌ی همت و تلاش خود را برای نزدیک شدن به آن حضرت، و جلب توجه و رضای بیشتر ایشان نسبت به خودم بنمایم و برای تحقق این امر، به آنچه صاحب کتاب مکیال المکارم در کتاب خویش با ذکر ادله و روایات استشهاد نموده است عمل نمایم.^{۳۴۴}

کنید، چرا که در آن فرج و گشایش امور شما نیز هست. (کمال الدین: ص: ۴۸۵ ج: ۳)
حدیث ۲: در حدیثی آمده است: شخصی پس از رؤیت امام زمان عجل الله تعالي فرجه الشريف در زمان غیبت صغری از آن حضرت پرسید: شیعیان شما در زمان غیبت چه کنند؟ حضرت فرمودند: بر شما باد به دعا و انتظار فرج. (بحار الانوار: ج: ۹۲ ص: ۳۳۶ ج: ۶)
(۳۴۳) حدیث: امام صادق عجل الله تعالي فرجه الشريف فرمودند: هر کس چهل روز صبح این دعای عهد را بخواند، از یاوران قائم عجل الله تعالي فرجه الشريف خواهد بود، و اگر پیش از ظهور آن حضرت بمیرد خداوند هنگام ظهور، او را از قبر بیرون می‌آورد؛ و با هر کلمه‌ی این دعا؛ هزار ثواب به او عطا فرماید و هزار گناه از نامه‌ی عمل او محو گرداند. (مزار شهدی: ص: ۶۶۳)
(۳۴۴) مکیال المکارم ج: ۱ ص: ۲۹۱ و ۴۰۲ و ج: ۲ ص: ۹۵:

بعضی از تکالیف من نسبت به مولا و مقتدایم امام زمان حضرت مهدی عجل الله تعالي فرجه الشريف:

۱- یادگیری فضائل و مناقب آن حضرت و ذکر و نشر آن برای دیگران.

۲- مداومت بر دعا برای سلامتی و ظهور آن حضرت.

۳- شناخت صفات و ویژگیهای و خصوصیات آن حضرت.

۴- شناخت علائم ظهور و قیام.

۵- رعایت ادب و برخاستن هنگام شنیدن لقب «قائم عجل الله تعالي فرجه الشريف».



«اللَّهُمَّ كَمَا جَعَلْتَ قَلْبِي بِذِكْرِهِ مَعْمُورًا فَاجْعَلْ سِلَاحِي بِنُصْرَتِهِ مَشْهُورًا»^{۳۴۵}

خداوند! همانگونه که قلب مرا بیاد او احیا نمودی مرا جزء سربازان و یاورانش نیز قرار بده.

- ۶- محبوب نمودن آن حضرت نزد مردم، و شوق و ذوق برای ملاقات با ایشان.
- ۷- صبر نمودن و سفارش به صبر در زمان غیبت.
- ۸- هدیه نمودن ثواب اعمال خیر به آن حضرت.
- ۹- اقامه‌ی مجالس جهت ذکر فضائل و مناقب آن حضرت و شرکت کردن در آن.
- ۱۰- صدقه دادن جهت سلامتی آن حضرت.
- ۱۱- استغاثه و کمک خواستن از آن حضرت در همه‌ی امور.
- ۱۲- تکذیب مدعیان ارتباط با آن حضرت در زمان غیبت کبری.
- ۱۳- پرورش روح امید و انتظار آن حضرت در خود و دیگران.
- ۱۴- محزون و گریان بودن در فراق آن حضرت.
- ۱۵- انجام اعمال مستحبی به نیابت از آن حضرت.
- ۱۶- رفتن به مکانهای مُنتَسَب به آن حضرت مانند مسجد جمکران.

۱۷- زیاد خواندن این دعا: «اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي نَفْسَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي نَفْسَكَ لَمْ أَعْرِفْ نَبِيَّكَ، اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي رَسُولَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي رَسُولَكَ لَمْ أَعْرِفْ حُجَّتَكَ، اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي حُجَّتَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي حُجَّتَكَ ضَلَلْتُ عَنْ دِينِي» (کمال الدین: ص: ۳۴۲ ح: ۲۴)

خدایا! خودت را به من بشناسان که اگر چنین نکنی پیامبر تو را نیز نخواهم شناخت، خدایا! پیامبر خود را به من بشناسان که اگر چنین نکنی حجت تو را نیز نخواهم شناخت، خدایا! حجت خود را به من بشناسان که اگر چنین نکنی از دینم گمراه می‌شوم.

۱۸- زیاد خواندن این دعا: «يَا اللَّهُ! يَا رَحْمَانَ! يَا رَحِيمًا! يَا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ! ثَبَّتْ قَلْبِي عَلَى دِينِكَ» (کمال الدین: ص: ۳۵۱ ح: ۴۹)

ای خدا! ای رحمن! ای رحیم! ای گرداننده‌ی قلبها! قلب مرا بر دینت ثابت بدار.

(۳۴۵) مزار مشهدی: ص: ۶۵۸، و بحار الانوار: ج: ۹۹، ص: ۱۰۳.



فصل دوم

سخن شماری تا ظهور:

ای پدر محرابانم!

ای آرام جانم!

ای مونس دلم!

ای امید و آرزویم!

ای معشوق بی نظیرم!

ای سرمایه زندگی ام!

ای دار و ندارم!

ای آشنای غریب!

و ای مولای عزیزتر از جانم!

باز هم مثل همیشه:

گنجی هم کن! صدایم نباش!

راهنما و معلم باش! معشوقم باش!

نوازشم کن! آرامش قلبم باش!

دستم را بگیر! و مرا قسم باش!



و بگذارد فقط:

به تو بگویم! تو را صدا بزنم! عاشق تو باشم!

تو را بگویم! به تو بسیندیشم!

نام تو را ببرم!

فضائل و خوبیهای تو را نقل کنم! از تو دم زده و سنگ تو را به سینه بزنم!

و خدمتگذار مخلص تو باشم!

می دانم فرد لایقی برای خدمت به شما نبوده و نیستم ولی بزرگواری و گرم، مهر و عطوفت و آقایی شما این جرأت را به من می دهد که لحظه ها را بشمارم تا پس از ظهورتان در خدمتگزاری شما با دیگرانی که از من بهترند، سهم شوم و گرچه جزء منتظران حقیقی شما که تلخی انتظار کامشان را آزار می دهد و همیشه آماده ی ظهور شما می باشند، نیستم.^{۳۴۶}

(۳۴۶) حدیث ۱: رسول خدا ﷺ فرمودند: کسانی که در زمان غیبت او ﷺ در اعتقاد به وجود

او ثابت قدم بمانند، از طلای سرخ کمیاب تر هستند. (کمال الدین: ص: ۲۸۷ ح: ۷)

حدیث ۲: امام زین العابدین ﷺ فرمودند: همانا مردمان زمان غیبت او ﷺ که به امامتش معتقد بوده و منتظر ظهور او باشند بهترین مردمان خواهند بود، زیرا خداوند به اندازه ای به آنان فهم و عقل عطا فرموده که غیبت در نظر آنان بمنزله ی مشاهده است، و مردم آن زمان مانند کسانی که در مقابل پیامبر ﷺ به جهاد پرداخته باشند محسوب خواهند شد، آنها حقیقتاً بندگان خالص و شیعیان راستگو هستند و مردم را در نهان و آشکار به دین خداوند دعوت می کنند. (کمال الدین: ص: ۳۲۰ ح: ۲)



ولی بالاخره من هم در صف خریداران یوسفم و سرمایه‌ام کلاف نخی
بیش نیست، پس مرا بپذیر و نامم را جزء منتظران خود ثبت نما.

در اینجا با قلبی خسته از هجران یار، از زبان امام صادق علیه السلام می‌گوییم:
سَیِّدِی!

غَيْبَتِكَ نَفْسُ رُقَادِي وَضَيِّقَتِ عَلِيٍّ مِهَادِي وَابْتَرَّتْ مِنِّي رَاحَةُ فُؤَادِي^{۳۴۷}
آقای من!

غیبت تو خواب را از چشمانم ربوده است و بستر را بر من تنگ نموده
و آرامش را از قلبم گرفته است.

اللَّهُمَّ عَجِّلْ فَرَجَهُ وَأَيِّدْهُ بِالنَّصْرِ وَأَنْصُرْ نَاصِرِيهِ وَأَخْذُلْ خَاذِلِيهِ^{۳۴۸}

خداوندا! در فرج او تعجیل فرما و او را پیروز گردان و یاری کنندگانش
را یاری نموده و خوار کنندگانش را ذلیل نما.

حدیث ۳: امام صادق علیه السلام فرمودند: هر آنکه انتظار دوازدهمین آنان (اهل بیت علیهم السلام) را
بکشد همچون کسی باشد که پیش رسول خدا صلی الله علیه و آله شمشیر کشیده و از آن حضرت
دفاع کرده است. (کمال الدین: ص: ۳۳۴)

حدیث ۴: امام صادق علیه السلام فرمودند: خوشا بحال شیعیان قائم ما، آن کسانی که در غیبتش
منتظر ظهور او هستند و در حال ظهورش نیز فرمانبردار اویند، آنان اولیای خدا
هستند که نه خوفی بر آنهاست و نه اندوهگین می‌شوند. (کمال الدین: ص: ۳۵۷)

(۳۴۷) کمال الدین: ص: ۳۵۳.

(۳۴۸) کمال الدین: ص: ۵۱۳.



جان را پسر با غم هجران چه می کند؟
 با تیغ تیز، پیکر غریبان چه می کند؟
 مستانه غمت می جنت نمی خورد
 سرکشته تو با سر و سامان چه می کند؟
 بودیم خاک و با نگفت کیما شدیم
 بگر به دزه، مهر درخشان چه می کند!
 از ابر لطف توست که سر بسزمانده ایم
 در این کویر تفت زده، باران چه می کند؟
 پرسیده ای که دوست زدشمن چه می کشد؟
 هیچ آگهی فراق تو با جان چه می کند؟
 ای منتظر بیا و نظر کن که داغ هجر
 بالاله های سوخته دامان چه می کند!
 در حسرت تو در بدری شد نصیب خضر
 در نه به سیر کوه و بیابان چه می کند!
 دست نیاز سوی تو دارد و گسرنه نوح
 با زورق شکسته به طوفان چه می کند!
 از لوح دل نشوید اگر گسرد معصیت
 این حلقه های اشک به دامان چه می کند



افسوس که عسری پی اغسیار دویدیم
 از یار بماندیم و به مقصد نرسیدیم
 سرمایه ز کف رفت و تجارت نمودیم
 جز حسرت و اندوه متاعی نخسیدیم
 ما تشنه لب اندر لب دریا متحیره
 آبی بجز از خون دل خود نخشیدیم
 ای بسته به زنجیره تو دلهای محبتان
 رحمی که در این بادیه بس رنج کشیدیم
 زخار تو در پرده غانست و عیانست
 بر هر چه نظر کردم زخار تو دیدیم
 شاهان بتولای تو در عهد غنودیم
 بر یاد لب لعل تو ما شیر مکیدیم
 ای حجت حق پرده ز زخار بر افکن
 کز هجر تو ما پسر هن صبر دریدیم
 ای دست خدا دست بر آور که زدشمن
 بس ظلم بدیدیم و بسی طعن شنیدیم
 شمشیر کجاست راست کند قامت دین را
 هم قامت ما را که ز هجر تو خمیدیم
 شاهان فقیران در دست روی مگردان
 بر در هکت افتاده به صد گونه امیدیم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

همانطور که در مقدمه نیز گفته شد، متن عربی روایات درج شده در پاورقیها را برای روشن شدن صحت ترجمه و استدلال به آنها جهت دوستان علاقه‌مند و اهل علم در اینجا بر اساس شماره‌ی پاورقی می‌آوریم.

- (۲) ۱- نُزْهَةُ النَّاطِرِ وَتَنْبِيهِ الْخَاطِرِ ۹: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام: خُذُوا مِنْ كُلِّ عِلْمٍ أَرْوَاحَهُ، وَدَعُوا ظُرُوفَهُ؛ فَإِنَّ الْعِلْمَ كَثِيرٌ وَالْعُمُرُ قَصِيرٌ.
- ۲- الْأَصُولُ السَّتَّةُ عَشْرَ ۱۲۴ ح ۱۱: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: أُطَلِّبُوا الْعِلْمَ مِنْ مَعْدِنِ الْعِلْمِ، وَإِيَّاكُمْ وَالْوَلَايَةَ؛ فَهَمُّ الصِّدَّاقُونَ عَنِ اللَّهِ.
- ۳- الْأَخْتِصَاصُ ۲۵۱: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله: إِنَّ الرِّئَاسَةَ لَا تَصْلُحُ إِلَّا لِأَهْلِهَا، فَمَنْ دَعَا النَّاسَ إِلَى نَفْسِهِ وَفِيهِمْ مَنْ هُوَ أَعْلَمُ مِنْهُ لَمْ يَنْظُرِ اللَّهُ إِلَيْهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ.
- (۳) ۱- بَصَائِرُ الدَّرَجَاتِ ۵۱ ح ۱: عَنْ بُرَيْدِ الْعَجَلِيِّ، قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام عَنْ قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ﴾؟ قَالَ: إِيَّانَا عَنِّي.
- ۲- مَنْ لَا يَحْضُرُهُ الْفَقِيهَ ۶۱۲/۲: فِي الزِّيَارَةِ الْجَامِعَةِ: اللَّازِمُ لَكُمْ لِاحِقٌ ...، وَضَلَّ مَنْ فَارَقَكُمْ، وَفَازَ مَنْ تَمَسَّكَ بِكُمْ.
- ۳- مَشَارِقُ أَنْوَارِ الْيَقِينِ ۵۷: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله: فِينَا طَرِيقُ النَّجَاةِ.
- (۴) ۱- الْغَيْبَةُ لِلطُّوسِيِّ ۳۸۷ ح ۳۵۱: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: إِذَا أَرَادَ اللَّهُ أَمْرًا عَرَضَهُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله، ثُمَّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام وَسَائِرِ الْأَئِمَّةِ وَاحِدًا بَعْدَ وَاحِدٍ إِلَى أَنْ يَنْتَهِيَ إِلَى صَاحِبِ الزَّمَانِ عليه السلام ثُمَّ يَخْرُجُ إِلَى الدُّنْيَا، وَإِذَا أَرَادَ الْمَلَائِكَةُ أَنْ يَرْفَعُوا إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ عَمَلًا عَرَضَ عَلَى صَاحِبِ الزَّمَانِ عليه السلام، ثُمَّ يَخْرُجُ عَلَى وَاحِدٍ بَعْدَ وَاحِدٍ إِلَى أَنْ يَعْزِضَ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله، ثُمَّ يَعْزِضُ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، فَمَا نَزَلَ مِنَ اللَّهِ فَعَلَى



أَيْدِيهِمْ، وَمَا عَرَجَ إِلَى اللَّهِ فَعَلَى أَيْدِيهِمْ.

٢- المزار للمشهدي ٥٧٩: فِي دُعَاءِ النُّدْبَةِ: أَيْنَ السَّبَبُ الْمُتَّصِلُ بَيْنَ الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ.

(٥) ١- مشارق أنوار اليقين ٥٨: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: نَحْنُ يَنَابِيعُ النِّعْمَةِ.

٢- مشارق أنوار اليقين ٦٧: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ قَالَ: كُلَّمَا خَرَجَ إِلَى أَهْلِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ فَمِنَّا وَعَنَّا.

(٦) المزار للمشهدي ٥٨٧: زِيَارَتُهُ ﷺ فِي السَّرْدَابِ: إِنَّكَ خَازِنُ كُلِّ عِلْمٍ.

(٧) من لا يحضره الفقيه ٦١٠/٢: فِي الزِّيَارَةِ الْجَامِعَةِ: السَّلَامُ عَلَيَّ وَرِثَةُ الْأَنْبِيَاءِ، وَمِيرَاثُ النَّبُوَّةِ عِنْدَكُمْ، وَعِنْدَكُمْ مَا نَزَلَتْ بِهِ رُسُلُهُ.

(٨) ١- بحار الأنوار ٢٥٩/٢٦ ح ٣٦: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ قَالَ: نَحْنُ عِلَّةُ الْوُجُودِ.

٢- بحار الأنوار ١٩/٢٥ ح ٣١: قَالَ الْبَاقِرُ ﷺ: قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: مِنْ أَجْلِكُمْ ابْتَدَأْتُ خَلْقَ مَا خَلَقْتُ.

٣- مشارق أنوار اليقين ٢٣٦: قَالَ الصَّادِقُ ﷺ: قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: خَلَقْتُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ لِأَجْلِهِمْ.

(٩) ١- من لا يحضره الفقيه ٦١٦/٢: فِي الزِّيَارَةِ الْجَامِعَةِ: إِنَّ ذِكْرَ الْخَيْرِ كُنْتُمْ أَوْلَاهُ وَأَصْلُهُ وَفَرَعُهُ وَمَعْدِنُهُ وَمَأْوَاهُ وَمُنْتَهَاهُ.

٢- الاحتجاج ٤١٦/١: قَالَ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ ﷺ: نَحْنُ أَهْلُ بَيْتِ الرَّحْمَةِ وَمَعْدِنُ الْكِرَامَةِ وَمَوْضِعُ الْخَيْرَةِ..

(١٠) المحتضر ٢٢٧ ح ٢٩٦: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ قَالَ: إِنَّ الْإِمَامَ وَكَرَّ لِإِرَادَةِ اللَّهِ.

(١١) كمال الدين ٣٦١ ح ٤: عَنْ دَاوُدَ بْنِ كَثِيرٍ، قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ مُوسَى ﷺ عَنْ صَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ؟ قَالَ: هُوَ الطَّرِيدُ (خ ل: الشَّرِيدُ، الْفَرِيدُ) الْوَحِيدُ الْغَرِيبُ الْغَائِبُ عَنْ أَهْلِ الْمَوْتُورِ بِأَبِيهِ ﷺ.

(١٢) من لا يحضره الفقيه ١٧٩/٤ ح ٥٤٠٦: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: الْأَئِمَّةُ بَعْدِي اثْنَا عَشَرَ، أَوْلَهُمْ: عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ، وَآخِرُهُمْ: الْقَائِمُ.



(١٣) ١- المزار للمشهدي ٥٨٧: زيارته عليه السلام: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى مَنْ فِي الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ، أَشْهَدُ أَنَّكَ الْحُجَّةُ عَلَى مَنْ مَضَى وَمَنْ بَقِيَ.

٢- من لا يحضره الفقيه ٦٠٩/٢: فِي الزِّيَارَةِ الْجَامِعَةِ: السَّلَامُ عَلَى حُجَجِ اللَّهِ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَالْأَوْلَى، وَأَشْهَدُ أَنَّكُمْ حُجَجًا عَلَى بَرِيَّتِهِ.

(١٤) ١- الإرشاد ٣٣٩/٢: كَانَ مَوْلِدُهُ عليه السلام لَيْلَةَ النِّصْفِ مِنْ شَعْبَانَ سَنَةِ خَمْسٍ وَخَمْسِينَ وَمِائَتَيْنِ وَأُمُّهُ أُمُّ وَلَدٍ يُقَالُ لَهَا: نَرْجِسُ، وَكَانَ سِنُهُ عِنْدَ وَفَاةِ أَبِيهِ خَمْسُ سِنِينَ.

٢- الهداية الكبرى ٣٦٠: عَنْ أَبِي حَمَزَةَ الثُّمَالِيِّ، قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرِ الْبَاقِرِ عليه السلام الْمَهْدِيُّ، بِكُمْ يَبْلُغُ، قَالَ: إِنَّ اللَّهَ بَعَثَ عِيسَى بْنَ مَرْيَمَ بِنُبُوءَةٍ وَرِسَالَةٍ وَكِتَابٍ وَشَرِيعَةٍ وَهُوَ سِتَانِ، وَمَا يَضُرُّ الْإِمَامَ صِغَرُ سِنِهِ، وَقَدْ قَامَ عِيسَى بْنُ مَرْيَمَ عليه السلام بِالرِّسَالَةِ وَهُوَ ثَلَاثُ سِنِينَ وَتَكَلَّمَ بِالْمَهْدِ وَأُوتِيَ الْكِتَابَ وَالنُّبُوءَةَ بِثَلَاثَةِ أَيَّامٍ.

(١٥) ١- كمال الدين ٤١٦ ح ٩: هِشَامُ بْنُ سَالِمٍ، قَالَ: قُلْتُ لِلصَّادِقِ عليه السلام: هَلْ يَكُونُ إِمَامًا فِي وَقْتٍ؟ قَالَ: لَا إِلَّا أَنْ يَكُونَ أَحَدُهُمَا صَامِتًا مَأْمُومًا لِصَاحِبِهِ وَالْآخَرُ نَاطِقًا إِمَامًا لِصَاحِبِهِ.

٢- كمال الدين ٤١٧ ح ١٠: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: ﴿وَبِئْرٍ مُعَطَّلَةٍ وَقَصْرٍ مَشِيدٍ﴾ قَالَ: الْبِئْرُ الْمُعَطَّلَةُ: الْإِمَامُ الصَّامِتُ، وَالْقَصْرُ الْمَشِيدُ: الْإِمَامُ النَّاطِقُ.

٣- كمال الدين ٤٣٠ ح ٥: عَنْ مُوسَى بْنِ جَعْفَرِ عليه السلام: لَوْ أُذِنَ لَنَا فِي الْكَلَامِ لَزَالَ الشُّكُّ.

(١٦) الإرشاد ٣٤٨/٢: عَنْ عَمْرٍو الْأَهْوَازِيِّ، قَالَ: أَرَانِي أَبُو مُحَمَّدٍ ابْنَهُ عليه السلام وَقَالَ: هَذَا صَاحِبُكُمْ بَعْدِي.

(١٧) كمال الدين ٣٢٣ ح ٨: عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عليه السلام قَالَ: إِنَّ لِلْقَائِمِ مِنَّا غَيْبَتَيْنِ: إِحْدَاهُمَا أَطْوَلُ مِنَ الْآخَرَى.

(١٨) الخرائج والجرائح ٩٤٣/٢: إِنَّ أَصْحَابَ الْكَهْفِ لَمَّا فَرُّوا إِلَى اللَّهِ تَعَالَى، وَخَرَجُوا مِنْ عِنْدِ دَقْيَانُوسَ وَأَوَوْا إِلَى الْغَارِ، رَكِبَ الْمَلِكُ مَعَ جَمَاعَةٍ خَلْفَهُمْ، فَلَمَّا وَصَلُوا إِلَى بَابِ الْغَارِ، وَرَأَوْهُمْ نِيَامًا فِيهِ، تَحَيَّرَ وَلَمْ يَتَعَرَّضْ لَهُمْ بِسُوءٍ، وَأَنْصَرَفُوا مَذْهُوشِينَ، فَكَذَلِكَ



كَانَ صَاحِبُ الْأَمْرِ عليه السلام بَعْدَ وَفَاةِ أَبِيهِ عليه السلام وَدَفَنِهِ خَرَجَ جَعْفَرُ الْكَذَّابُ إِلَى بَنِي الْعَبَّاسِ وَأَنْهَى خَبْرَهُ إِلَيْهِمْ، فَبَعَثُوا عَسْكَرًا إِلَى سُرٍّ مَنْ رَأَى لِيَهْجَمُوا دَارَهُ وَيَقْتُلُوا مَنْ يَجِدُونَهُ فِيهَا، وَيَأْتُونَهُ بِرَأْسِهِ، فَلَمَّا دَخَلُوهَا وَجَدُوهُ عليه السلام فِي آخِرِ السَّرْدَابِ قَائِمًا يُصَلِّي عَلَى حَصِيرٍ عَلَى الْمَاءِ، وَقَدَّامَهُمْ أَيْضًا كَأَنَّهُ بَحْرٌ لِكثْرَةِ الْمَاءِ فِي السَّرْدَابِ، فَلَمَّا رَأَوْا ذَلِكَ يَتَسَوَّأْنَ مِنَ الْوُصُولِ إِلَيْهِ، وَانصَرَفُوا مَذْهُوشِينَ إِلَى الْخَلِيفَةِ فَأَمَرَهُمْ بِكِتْمَانِ ذَلِكَ، ثُمَّ بَعَثَ بَعْدَ ذَلِكَ عَسْكَرًا أَكْثَرَ مِنَ الْأَوَّلِ، فَلَمَّا دَخَلُوا الدَّارَ سَمِعُوا مِنَ السَّرْدَابِ قِرَاءَةَ الْقُرْآنِ، فَاجْتَمَعُوا عَلَى بَابِهِ حَتَّى لَا يَصْعَدَ، فَخَرَجَ مِنْ حَيْثُ الْآنَ عَلَيْهِ شَبَكَةٌ وَخَرَجَ وَأَمِيرُهُمْ قَائِمٌ، فَلَمَّا غَابَ قَالَ: أَنْزِلُوا وَخُذُوهُ، فَقَالُوا: إِنَّهُ مَرَّ عَلَيْكَ وَمَا أَمَرْتَ بِأَخْذِهِ، فَقَالَ: مَا رَأَيْتُهُ، فَانصَرَفُوا خَائِبِينَ. وَخَرَجَ إِلَيْهِ الْعَسْكَرُ مَرَّةً أُخْرَى، فَوَجَدُوهُ فِي آخِرِ السَّرْدَابِ، فَوَضَعَ يَدَهُ عليه السلام عَلَى الْجِدَارِ وَشَقَّهُ، وَخَرَجَ مِنْهُ، وَأَثَرُ الشَّقِّ بَعْدُ ظَاهِرٌ فِيهِ.

(١٩) ١- الهداية الكبرى ٣٦٤: عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرُّضَا عليه السلام قَالَ: إِذَا رُفِعَ عَالَمُكُمْ وَغَابَ مِنْ بَيْنِ أَظْهَرِكُمْ، فَتَوَقَّعُوا الْفَرَجَ الْأَعْظَمَ مِنْ تَحْتِ أَقْدَامِكُمْ.

٢- مصباح المتهجد ٤١١: الدُّعَاءُ فِي غَيْبَةِ الْقَائِمِ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ عليه السلام: اللَّهُمَّ ثَبِّتْنِي عَلَى طَاعَةِ وَلِيِّ أَمْرِكَ الَّذِي سَتَرْتَهُ عَن خَلْقِكَ، فَيَا ذَنْكَ غَابَ عَن بَرِّيَّتِكَ.

(٢٠) علل الشرائع ٢٤٥/١ ح ٨: عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْفَضْلِ الْهَاشِمِيِّ، قَالَ: سَمِعْتُ الصَّادِقَ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ عليه السلام يَقُولُ: وَجْهُ الْحِكْمَةِ فِي غَيْبَتِهِ، وَجْهُ الْحِكْمَةِ فِي غَيْبَاتِ مَنْ تَقَدَّمَ مِنْ حُجَجِ اللَّهِ تَعَالَى ذِكْرُهُ، إِنَّ وَجْهَ الْحِكْمَةِ فِي ذَلِكَ لَا يَنْكَشِفُ إِلَّا بَعْدَ ظُهُورِهِ كَمَا لَا يَنْكَشِفُ وَجْهُ الْحِكْمَةِ لَمَّا أَتَاهُ الْخَضِرُ عليه السلام مِنْ خَرَقِ السَّفِينَةِ وَقَتْلِ الْغُلَامِ وَإِقَامَةِ الْجِدَارِ لِمُوسَى عليه السلام إِلَّا وَقْتَ افْتِرَاقِهِمَا، يَا بَنَ الْفَضْلِ! إِنَّ هَذَا الْأَمْرَ أَمْرٌ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ وَسِرٌّ مِنْ اللَّهِ وَغَيْبٌ مِنْ غَيْبِ اللَّهِ وَمَتَى عَلِمْنَا أَنَّهُ عَزَّوَجَلَّ حَكِيمٌ صَدَّقْنَا بِأَنَّ أَفْعَالَهُ كُلَّهَا حِكْمَةٌ وَإِنْ كَانَ وَجْهَهَا غَيْرَ مُنْكَشِفٍ لَنَا.

(٢١) ١- المزار للمشهدي ٥٨١: فِي دُعَاءِ التُّدْبَةِ: بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ مُغَيَّبٍ لَمْ يَخْلُ مِنَّا.

٢- مشارق أنوار اليقين ٢٥٥: عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام قَالَ: غَائِبُنَا إِذَا غَابَ لَمْ يَغِبْ.



(٢٢) كمال الدين ١٤٤ ح ١١: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: مَا تُنْكِرُ هَذِهِ الْأُمَّةُ أَنْ يَكُونَ اللَّهُ يَفْعَلُ بِحُجَّتِهِ مَا فَعَلَ بِيُوسُفَ أَنْ يَكُونَ يَسِيرُ فِيمَا بَيْنَهُمْ وَيَمْشِي فِي أَسْوَاقِهِمْ وَيَطَأُ بُسْطَهُمْ وَهُمْ لَا يَعْرِفُونَهُ حَتَّى يَأْذَنَ اللَّهُ عز وجل لَهُ أَنْ يُعَرِّفَهُمْ نَفْسَهُ كَمَا أَدْنَى لِيُوسُفَ.

(٢٣) ١- مصباح المتهجد ٤٠٩: إِنَّ الرُّضَاءَ عليه السلام كَانَ يَأْمُرُ بِالدُّعَاءِ لِصَاحِبِ الْأَمْرِ بِهَذَا: اللَّهُمَّ ادْفَعْ عَنِّي وَلِيَّكَ ...، وَعَيْنِكَ النَّاطِرَةَ بِإِذْنِكَ، وَشَاهِدِكَ عَلَى عِبَادِكَ.

٢- مشارق أنوار اليقين ١٧٤: عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام قَالَ: الْمُطَّلِعُ عَلَى الْغُيُوبِ ...، السَّمَوَاتُ وَالْأَرْضُ عِنْدَ الْإِمَامِ مِنْهُمْ، كَيْدِهِ مِنْ رَاحَتِهِ يَعْلَمُ ظَاهِرَهَا مِنْ بَاطِنِهَا وَيَعْلَمُ بَرَّهَا مِنْ فَاجِرِهَا وَرَطْبَهَا مِنْ يَابِسَتِهَا.

٣- الهداية الكبرى ١٧٠: عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام قَالَ: الْإِمَامُ يَرَى الْأَرْضَ وَمَنْ عَلَيْهَا، وَلَا يَخْفَى عَلَيْهِ مِنْ أَعْمَالِهِمْ شَيْءٌ.

٤- بصائر الدرجات ٤٦٣ ح ٨: عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام قَالَ: إِنَّمَا مَنَزَلَةُ الْإِمَامِ فِي الْأَرْضِ بِمَنَزَلَةِ الْقَمَرِ فِي السَّمَاءِ وَفِي مَوْضِعِهِ هُوَ مُطَّلِعٌ عَلَى جَمِيعِ الْأَشْيَاءِ كُلِّهَا.

(٢٥) كمال الدين ٣٢٤ ح ٩: قَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عليه السلام: مَنْ كَانَ يَعْمَلُ بِالْقِيَاسِ وَالرَّأْيِ هَلَكَ.

(٢٦) الدرّ النظيم ٧٧٠: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله: نَحْنُ أَهْلُ الْبَيْتِ، لَا نُقَاسُ بِأَحَدٍ، وَلَا يُقَاسُ بِنَا أَحَدٍ.

(٢٨) الاحتجاج ٢٩/١: عَنْ أَبِي مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ الْعَسْكَرِيِّ عليه السلام: «قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِثْلَكُمْ» يَعْنِي: قُلْ لَهُمْ: أَنَا فِي الْبَشَرِيَّةِ مِثْلَكُمْ وَلَكِنْ رَبِّي خَصَّنِي بِالنُّبُوَّةِ دُونَكُمْ.

(٢٩) ١- بحار الأنوار ١٠١/٩٩: زِيَارَةُ أُخْرَى لَهُ صلى الله عليه وآله: الدَّاعِي إِلَى سَبِيلِكَ، وَالْمُنْتَظَرِ لِإِذْنِكَ.

٢- من لا يحضره الفقيه ٦٠٩/٢: فِي الزِّيَارَةِ الْجَامِعَةِ: السَّلَامُ عَلَى الدُّعَاةِ إِلَى اللَّهِ وَالْأَدِلَاءِ عَلَى مَرْضَاةِ اللَّهِ، وَالْمُظْهِرِينَ لِأَمْرِ اللَّهِ وَنَهْيِهِ، وَعِبَادِهِ الْمُكْرَمِينَ الَّذِينَ لَا



يَسْبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ وَهُمْ بِأَمْرِهِ يَعْمَلُونَ، الْمُطِيعُونَ لِلَّهِ، الْقَوَّامُونَ بِأَمْرِهِ، الْعَامِلُونَ بِإِرَادَتِهِ،
وَبِأَمْرِهِ تَعْمَلُونَ، وَإِلَى سَبِيلِهِ تُرْشِدُونَ، وَيَقُولُهُ تَحْكُمُونَ.

٣- الهداية الكبرى ٢٣٠: عَنِ الْبَاقِرِ عليه السلام قَالَ: نَحْنُ نَفْعَلُ بِإِذْنِهِ مَا نَشَاءُ، وَنَحْنُ لَا نَشَاءُ
إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ.

(٣٠) كتاب الغيبة للنعماني ٣٢٦ ح ٣: قَالَ: أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: إِذَا أَدِنَ الْإِمَامُ دَعَا اللَّهَ بِاسْمِهِ
الْعِبْرَانِيَّ الْأَكْبَرَ، فَأَتِيحَتْ لَهُ أَصْحَابُهُ الثَّلَاثُمِائَةِ وَثَلَاثَةَ عَشَرَ قَرْعُ كَقَرْعِ الْخَرِيفِ وَهُمْ
أَصْحَابُ الْأَلْوِيَةِ، وَمِنْهُمْ مَنْ يُفْقَدُ عَنْ فِرَاشِهِ لَيْلًا فَيُصْبِحُ بِمَكَّةَ وَمِنْهُمْ مَنْ يُرَى
يَسِيرٌ فِي السَّحَابِ نَهَارًا.

(٣١) مصباح المتهجد ٤١١: الدُّعَاءُ فِي غَيْبَةِ الْقَائِمِ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ عليه السلام: وَأَمْرُكَ يَنْتَظِرُ وَ...،
اللَّهُمَّ إِنَّا نَسْأَلُكَ أَنْ تَأْذِنَ لَوْلِيِّكَ فِي إِظْهَارِ عَدْلِكَ فِي عِبَادِكَ.

(٣٢) كمال الدين ٣٣٠ ح ١٦: عَنِ الْبَاقِرِ عليه السلام قَالَ: يَبْلُغُ سُلْطَانُهُ الْمَشْرِقَ وَالْمَغْرِبَ.

(٣٣) كمال الدين ١٤٤ ح ١١: عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: مَا تُنْكَرُ هَذِهِ الْأُمَّةُ أَنْ يَكُونَ
اللَّهُ يَفْعَلُ بِحُجَّتِهِ مَا فَعَلَ بِيُوسُفَ، أَنْ يَكُونَ يَسِيرٌ فِيمَا بَيْنَهُمْ وَيَمْشِي فِي أَسْوَاقِهِمْ
وَيَطَأُ بُسْطَهُمْ وَهُمْ لَا يَعْرِفُونَهُ حَتَّى يَأْذِنَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَهُ أَنْ يُعْرِفَهُمْ نَفْسَهُ كَمَا أَدِنَ
لِيُوسُفَ.

(٣٥) دلائل الإمامة ٥٥٠: فِي الدُّعَاءِ لَهُ عليه السلام: صَلِّ عَلَيَّ وَلِيِّكَ الْمُخَيِّ سُنَّتِكَ، الْقَائِمِ
بِأَمْرِكَ.

(٣٦) ١- بحار الأنوار ٣٠٧/٥٢ ح ٨٢: عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: رِجَالٌ كَأَنَّ قُلُوبَهُمْ زُبُرُ
الْحَدِيدِ، هُمْ أَطْوَعُ لَهُ مِنَ الْأُمَّةِ لِسَيِّدِهَا.

٢- كمال الدين ٢٦٤ ح ١١: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: يَجْمَعُ اللَّهُ لَهُ مِنْ أَقَاصِي الْبِلَادِ عَلَيَّ
عَدَدَ أَهْلِ بَدْرٍ ثَلَاثُمِائَةٍ وَثَلَاثَةَ عَشَرَ رَجُلًا...، كَرَارُونَ، مُجِدُّونَ فِي طَاعَتِهِ.

٣- المناقب آل أبي طالب ٣٦٢/٣: عَنِ مَأْمُونِ الرَّقِيِّ، قَالَ: كُنْتُ عِنْدَ سَيِّدِي
الصَّادِقِ عليه السلام إِذْ دَخَلَ سَهْلُ بْنُ الْحَسَنِ الْخُرَّاسَانِيُّ فَسَلَّمَ عَلَيْهِ ثُمَّ جَلَسَ فَقَالَ لَهُ: يَا



بَنَ رَسُولِ اللَّهِ! لَكُمْ الرَّأْفَةُ وَالرَّحْمَةُ وَأَنْتُمْ أَهْلُ بَيْتِ الْإِمَامَةِ، مَا الَّذِي يَمْنَعُكَ أَنْ يَكُونَ لَكَ حَقٌّ تَقَعُدُ عَنْهُ وَأَنْتَ تَجِدُ مِنْ شِيعَتِكَ مِائَةَ أَلْفٍ يَضْرِبُونَ بَيْنَ يَدَيْكَ بِالسَّيْفِ؟

فَقَالَ عليه السلام لَهُ: اجْلِسْ يَا خُرَّاسَانِي! رَعَى اللَّهُ حَقَّكَ، ثُمَّ قَالَ: يَا حَنيفَةَ! اسْجُرِي التُّورَ فَسَجَرَتُهُ حَتَّى صَارَ كَالْجَمْرَةِ وَابْيَضَ عُلُوُّهُ، ثُمَّ قَالَ: يَا خُرَّاسَانِي! قُمْ فَاجْلِسْ فِي التُّورِ، فَقَالَ الْخُرَّاسَانِي: يَا سَيِّدِي! يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ! لَا تُعَذِّبْنِي بِالنَّارِ أَقْلِي أَقَالَكَ اللَّهُ قَالَ قَدْ أَقَلَّتْكَ، فَبَيْنَمَا نَحْنُ كَذَلِكَ إِذْ أَقْبَلَ هَارُونَ الْمَكِّيُّ وَنَعَلَهُ فِي سَبَابَتِهِ، فَقَالَ: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ! فَقَالَ لَهُ الصَّادِقُ عليه السلام: أَلْقِ النَّعْلَ مِنْ يَدِكَ وَاجْلِسْ فِي التُّورِ، قَالَ: فَأَلْقَى النَّعْلَ مِنْ سَبَابَتِهِ ثُمَّ جَلَسَ فِي التُّورِ وَأَقْبَلَ الْإِمَامُ عليه السلام يُحَدِّثُ الْخُرَّاسَانِيَّ حَدِيثَ خُرَّاسَانَ حَتَّى كَانَهُ شَاهِدًا لَهَا.

ثُمَّ قَالَ: قُمْ يَا خُرَّاسَانِي! وَأَنْظُرْ مَا فِي التُّورِ؟ قَالَ: فَقُمْتُ إِلَيْهِ فَرَأَيْتُهُ مُتْرَبِعًا فَخَرَجَ إِلَيْنَا وَسَلَّمَ عَلَيْنَا، فَقَالَ لَهُ الْإِمَامُ عليه السلام: كَمْ تَجِدُ بِخُرَّاسَانَ مِثْلَ هَذَا؟ فَقَالَ: وَاللَّهِ وَلَا وَاحِدًا، فَقَالَ عليه السلام: لَا وَاللَّهِ وَلَا وَاحِدًا، فَقَالَ: أَمَا إِنَّا لَا نَخْرُجُ فِي زَمَانٍ لَا نَجِدُ فِيهِ خَمْسَةَ مُعَاوِدِينَ، لَنَا نَحْنُ أَعْلَمُ بِالْوَقْتِ.

(٣٧) بحار الأنوار ٣٠٧/٥٢ ح ٨٢: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: رَجَالَ يَتَمَسَّحُونَ بِسَرْجِ الْإِمَامِ عليه السلام يَطْلُبُونَ بِذَلِكَ الْبَرَكَةَ وَيَحْفُونَ بِهِ يَقُونَهُ، بِأَنْفُسِهِمْ فِي الْحُرُوبِ وَيَكْفُونَهُ مَا يُرِيدُ فِيهِمْ، هُمْ أَطْوَعُ لَهُ مِنَ الْأُمَّةِ لِسَيِّدِهَا.

(٣٨) كمال الدين ٣٣٠ ح ١٦: عَنِ الْبَاقِرِ عليه السلام قَالَ: يَبْلُغُ سُلْطَانُهُ الْمَشْرِقَ وَالْمَغْرِبَ.

(٣٩) ١- الكافي ١٦٢/٥ ح ٤: عَنِ الصَّادِقِ عليه السلام قَالَ: وَكَرَّرَ فِي لَيْلَةٍ ثَلَاثَ وَعِشْرِينَ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ هَذَا الدُّعَاءَ سَاجِدًا وَقَائِمًا وَقَاعِدًا وَعَلَى كُلِّ حَالٍ وَفِي الشَّهْرِ كُلِّهِ وَكَيْفَ أَمَكَّنَكَ وَمَتَى حَضَرَكَ مِنْ دَهْرِكَ تَقُولُ بَعْدَ تَمْجِيدِ اللَّهِ تَعَالَى وَالصَّلَاةِ عَلَى النَّبِيِّ عَلَيْهِ وَآلِهِ السَّلَامُ: اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيِّكَ الْحُجَّةِ بْنِ الْحَسَنِ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَفِي كُلِّ سَاعَةٍ وَلِيًّا وَحَافِظًا وَقَائِدًا وَنَاصِرًا وَذَلِيلًا وَعَيْنًا حَتَّى تُسَكِّنَهُ أَرْضَكَ طَوْعًا وَتُمَكِّنَهُ فِيهَا طَوِيلًا.



٢- كمال الدين ٢٥٤: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: ثُمَّ لِأَدِيمِنَ مُلْكُهُ وَلَأَدَاوِلِنَ الْأَيَّامَ بَيْنَ أَوْلِيَائِي إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ.

(٤٠) كمال الدين ٢٨٦ ح ٢: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: طُوبَى لِمَنْ أَدْرَكَ قَائِمَ أَهْلِ بَيْتِي وَهُوَ يَأْتُمُّ بِهِ فِي غَيْبَتِهِ قَبْلَ قِيَامِهِ وَيَتَوَكَّلِي أَوْلِيَاءَهُ وَيُعَادِي أَعْدَاءَهُ.

(٤١) مصباح المتهجد ٨٠٣: فِي دُعَاءِ فِي الْأَيَّامِ الرَّجَبِيَّةِ: اللَّهُمَّ لَا فَرْقَ بَيْنَكَ وَبَيْنَهَا إِلَّا أَنَّهُمْ عِبَادُكَ وَخَلْقُكَ فَتَقَهَا وَرَتَّقَهَا بِيَدِكَ بَدْوُهَا مِنْكَ وَعَوْدُهَا إِلَيْكَ.

(٤٢) ١- المزار للمشهدي ٥٧٤: فِي دُعَاءِ النُّدْبَةِ: الَّذِينَ اسْتَخْلَصْتَهُمْ لِنَفْسِكَ وَدِينِكَ.

٢- بصائر الدرجات ٨٢ ح ١٠: عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: نَحْنُ صَفْوَتُهُ وَنَحْنُ خَيْرَتُهُ.

(٤٣) ١- من لا يحضره الفقيه ٦١٥/٢: فِي الزِّيَارَةِ الْجَامِعَةِ: آتَاكُمْ اللَّهُ مَا لَمْ يَأْتِ أَحَدًا مِنَ الْعَالَمِينَ.

٢- اليقين ٣١٨: عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: هُمُ الْمُصْطَفَوْنَ بِسِرِّ اللَّهِ، اخْتَارَهُمُ اللَّهُ وَحَبَّاهُمْ وَخَصَّهُمْ وَأَصْطَفَاهُمْ وَفَضَّلَهُمْ وَأَرْتَضَاهُمْ وَأَنْتَجَبَهُمْ وَأَنْتَقَاهُمْ.

(٤٤) الأمالي للمفيد ٥٩ ح ٤: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: وَاللَّهِ مَا نَقُولُ بِأَهْوَاؤِنَا وَلَا نَعْمَلُ بِأَرَائِنَا، وَلَا نَقُولُ إِلَّا مَا قَالَ رَبُّنَا عَزَّ وَجَلَّ.

(٤٥) بحار الأنوار ٧/٢٦: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام: الْوَيْلُ كُلُّ الْوَيْلِ لِمَنْ أَنْكَرَ فَضْلَنَا وَخُصُوصِيَّتَنَا وَمَا أَعْطَانَا اللَّهُ رَبُّنَا؛ لِأَنَّ مَنْ أَنْكَرَ شَيْئًا مِمَّا أَعْطَانَا اللَّهُ فَقَدْ أَنْكَرَ قُدْرَةَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَمَشِيئَتَهُ فِينَا.

(٤٦) ١- الكافي ١٩٨/١ ح ١: عَنِ الْإِمَامِ الرَّضَاءِ عليه السلام قَالَ: الْإِمَامُ كَالشَّمْسِ الطَّالِعَةِ الْمُجَلَّلَةِ بِنُورِهَا لِلْعَالَمِ، وَهِيَ فِي الْأَفْقِ بَحِثٌ لَا تَنَالُهَا الْأَيْدِي وَالْأَبْصَارُ...، فَمَنْ ذَا الَّذِي يَبْلُغُ مَعْرِفَةَ الْإِمَامِ! أَوْ يُمَكِّنُهُ اخْتِيَارُهُ! هَيْهَاتَ! هَيْهَاتَ! ضَلَّتِ الْعُقُولُ وَتَاهَتِ الْحُلُومُ وَحَارَتِ الْأَلْبَابُ وَخَسَّاتِ الْعُيُونُ وَتَصَاغَرَتِ الْعُظْمَاءُ وَتَحَيَّرَتِ الْحُكَمَاءُ وَتَقَاصَرَتِ الْحُلَمَاءُ وَحَصِرَتِ الْخُطَبَاءُ وَجَهَلَتِ الْأَبْيَاءُ وَكَلَّتِ الشُّعْرَاءُ وَعَجَزَتِ الْأَدْبَاءُ وَعَيَّيَتِ الْبَلْغَاءُ عَنْ وَصْفِ شَأْنٍ مِنْ شَأْنِهِ أَوْ فَضِيلَةٍ مِنْ فَضَائِلِهِ وَأَقْرَّتْ بِالْعَجْزِ وَالتَّقْصِيرِ، وَكَيْفَ



يُوصَفُ بِكُلِّهِ أَوْ يُنْعَتُ بِكُنْهِهِ أَوْ يُفْهَمُ شَيْءٌ مِنْ أَمْرِهِ أَوْ يُوجَدُ مَنْ يَقُومُ مَقَامَهُ وَيُغْنِي غِنَاهُ! لا، كَيْفَ؟! وَأَنْتَى؟! وَهُوَ بِحَيْثُ النُّجْمِ مِنْ يَدِ الْمُتَّوَلِّينَ وَوَصَفِ الْوَاصِفِينَ، فَأَيُّنَ الْاِخْتِيَارِ مِنْ هَذَا؟! وَأَيُّنَ الْعُقُولُ عَنْ هَذَا؟! وَأَيُّنَ يُوجَدُ مِثْلُ هَذَا؟! أَتَظُنُّونَ أَنَّ ذَلِكَ يُوجَدُ فِي غَيْرِ آلِ الرَّسُولِ مُحَمَّدٍ عليه السلام؟!.

٢- الكافي ٢٦٨/٨ ح ٣٩٤: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: مَا كَلَّمَ رَسُولُ اللَّهِ عليه السلام الْعِبَادَ بِكُنْهِ عَقْلِهِ.

(٤٧) تَأْوِيلُ الْآيَاتِ ٣٩٧/١ ح ٢٧: عَنْ الْكَائِمِ عليه السلام قَالَ: أَقَامَهُمْ مَقَامَ نَفْسِهِ؛ لِأَنَّهُ لَا يَرَى وَلَا يُدْرِكُ وَلَا تُعْرَفُ كَيْفِيَّتُهُ وَلَا إِنِّيَّتُهُ فَهَؤُلَاءِ النَّاطِقُونَ الْمُبَلِّغُونَ عَنْهُ الْمُتَصَرِّفُونَ فِي أَمْرِهِ وَنَهْيِهِ فِيهِمْ تَظْهَرُ قُدْرَتُهُ.

(٤٨) ١- المزار للمشهدي ٣٠٤: زِيَارَةُ أُخْرَى لَهُ عليه السلام: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حَافِظَ سِرِّ اللَّهِ، وَمُمْتَضِي حُكْمِ اللَّهِ، وَمُجَلِّي إِرَادَةِ اللَّهِ، وَمَوْضِعَ مَشِيَةِ اللَّهِ.

٢- المحتضر ٢٢٧ ح ٢٩٦: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: إِنَّ الْإِمَامَ وَكَرُّ لِرَادَةِ اللَّهِ عليه السلام، لَا يَشَاءُ إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ.

٣- الهداية الكبرى ٢٢٦: عَنْ الْبَاقِرِ عليه السلام قَالَ: نَحْنُ نَفْعَلُ بِإِذْنِهِ مَا نَشَاءُ، وَنَحْنُ لَا نَشَاءُ إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ، وَإِذَا أَرَدْنَا أَرَادَ اللَّهُ.

(٤٩) ١- الكافي ٢٠٣/١ ح ٢: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: لَا يُنَالُ مَا عِنْدَ اللَّهِ إِلَّا بِجِهَةِ أَسْبَابِهِ.

٢- بصائر الدرجات ٢٦ ح ٢: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: أَبِي اللَّهُ أَنْ يُجْرِيَ الْأَشْيَاءَ إِلَّا بِالْأَسْبَابِ، ذَلِكَ رَسُولُ اللَّهِ عليه السلام وَنَحْنُ.

(٥٠) ١- بحار الأنوار ٢٠٧/٩٧ ح ٨: زِيَارَةُ لَهُمْ عليهم السلام: أَشْهَدُ أَنَّكُمْ الْأَعْلَامُ الَّتِي فَطَرَهَا لِإِرْشَادِ خَلِيقَتِهِ.

٢- الكافي ١٩٧/١ ح ٣: عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: لَا يَهْتَدِي هَادٍ إِلَّا بِهُدَاهُمْ وَلَا يَضِلُّ خَارِجٌ مِنَ الْهُدَى إِلَّا بِتَقْصِيرٍ عَنْ حَقِّهِمْ.



(٥١) ١- بحار الأنوار ٢٦/٢٥٩ ح ٣٦: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: نَحْنُ عِلَّةُ الْوُجُودِ.

٢- المحتضر ١٣٦: عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام قَالَ: لِأَجَلِنَا خَلَقَ اللَّهُ عَرْشَكَ السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ وَالْعَرْشَ وَالْكَرْسِيَّ وَالْجَنَّةَ وَالنَّارَ.

(٥٢) الصحيفة السجادية ٢٦: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ لَنَا الْفَضِيلَةَ بِالْمَلَكَةِ عَلَى جَمِيعِ الْخَلْقِ، فَكُلُّ خَلْقِيَّتِهِ مُنْقَادَةٌ لَنَا بِقُدْرَتِهِ، وَصَائِرَةٌ إِلَى طَاعَتِنَا بِعِزَّتِهِ.

(٥٣) ١- ثواب الأعمال ٩٦: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: مَا خَلَقَ اللَّهُ خَلْقًا أَكْثَرَ مِنَ الْمَلَائِكَةِ.

٢- بصائر الدرجات ٨٧ ح ٤: عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: وَاللَّهِ إِنَّ فِي السَّمَاءِ لَسَبْعِينَ صِنْفًا مِنَ الْمَلَائِكَةِ لَوْ اجْتَمَعَ عَلَيْهِمْ أَهْلُ الْأَرْضِ كُلُّهُمْ يُحْصُونَ عَدَدَ صِنْفٍ مِنْهُمْ مَا أَحْصَوْهُمْ وَإِنَّهُمْ لَيَدِينُونَ بِوِلَايَتِنَا.

٣- بصائر الدرجات ٨٨ ح ٩: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَمَلَائِكَةُ اللَّهِ فِي السَّمَاوَاتِ أَكْثَرُ مِنْ عَدَدِ التُّرَابِ فِي الْأَرْضِ، وَمَا فِي السَّمَاءِ مَوْضِعٌ قَدِمَ إِلَّا وَفِيهَا مَلَكٌ يُقَدِّسُ لَهُ وَيُسَبِّحُ، وَلَا فِي الْأَرْضِ شَجَرَةٌ وَلَا مِثْلُ غَرْزَةٍ إِلَّا وَفِيهَا مَلَكٌ مُوَكَّلٌ بِهَا يَأْتِي كُلَّ يَوْمٍ بِعِلْمِهَا وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِهَا، وَمَا مِنْهُمْ أَحَدٌ إِلَّا وَيَتَقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ فِي كُلِّ يَوْمٍ بِوِلَايَتِنَا أَهْلَ الْبَيْتِ وَيَسْتَغْفِرُ لِمُحِبِّينَا وَيَلْعَنُ أَعْدَاءَنَا وَيَسْأَلُ اللَّهَ أَنْ يُرْسِلَ عَلَيْهِمْ مِنَ الْعَذَابِ إِرْسَالًا.

(٥٤) ١- مشارق أنوار اليقين ٣٤٣: قَالَ عَلِيُّ عليه السلام: أَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ مِنْ أَهْلِ سَمَاوَاتِهِ وَأَرْضِهِ، وَمَا فِي السَّمَاءِ مِنْ مَلَكٍ يَخْطُو قَدَمًا عَنْ قَدَمِ إِلَّا بِإِذْنِي.

٢- بحار الأنوار ٢٧/٣٦: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام: وَالَّذِي رَفَعَ السَّمَاءَ بِغَيْرِ عَمَدٍ لَوْ أَنَّ أَحَدَهُمْ رَامَ أَنْ يَزُولَ مِنْ مَكَانِهِ بِقُدْرَةِ نَفْسٍ وَاحِدٍ لَمَا زَالَ حَتَّى آذَنَ لَهُ، وَكَذَلِكَ يَصِيرُ خَالٌ وَلَدِي الْحَسَنِ وَبَعْدَهُ الْحُسَيْنُ وَتِسْعَةٌ مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ تَأْسِعُهُمْ قَائِمُهُمْ.

(٥٥) علل الشرائع ١/٥ ح ١: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله: إِنَّ الْمَلَائِكَةَ لَخُدَّامُنَا وَخُدَّامُ مُحِبِّينَا.

(٥٦) الخرائج والجرائح ١/٢٩٥ ح ٢: قَالَ الصَّادِقُ عليه السلام: يَا مَلِكَ الْمَوْتِ! قَالَ: لَبَّيْكَ أَيُّهَا



الإمام! قال: أَلَسْتَ أَمِرتَ بِالسَّمْعِ وَالطَّاعَةِ لَنَا؟ قال: بلى.

(٥٧) ١- مشارق أنوار اليقين ٢٣٦: قال الصادق عليه السلام: قال الله تعالى: خَلَقْتُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ لِأَجْلِهِمْ.

٢- بحار الأنوار ٣٤٩/٢٦ ح ٢٣: قال رسول الله ﷺ: لَوْلَا نَا لَمْ يَخْلُقِ اللَّهُ الْجَنَّةَ وَلَا النَّارَ وَلَا الْأَنْبِيَاءَ وَلَا الْمَلَائِكَةَ.

٣- عيون المعجزات ٦٩: قال الباقر عليه السلام: لَوْلَا نَحْنُ لَمْ يَخْلُقِ اللَّهُ سَمَاءً وَلَا أَرْضاً وَلَا جَنَّةً وَلَا ناراً وَلَا شَمْساً وَلَا قَمَراً وَلَا جَنّاً وَلَا إِنْساً.

(٥٨) الكافي ٤٠٨/١ ح ٢: قال الصادق عليه السلام: الدُّنْيَا وَمَا فِيهَا لِلَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى وَلِرَسُولِهِ وَلَنَا.

(٥٩) ١- تأويل الآيات ٨٥٢/٢ ح ٨: قال أبو عبد الله عليه السلام: نَحْنُ الَّذِينَ أَنْقَذَ اللَّهُ النَّاسَ بِنَا مِنَ الضَّلَالَةِ.

٢- بحار الأنوار ١٨٧/٩٩: عَنِ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَاءِ عليه السلام قَالَ: السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَيُّهَا الدَّالُّونَ عَلَى الْهُدَى.

٣- بصائر الدرجات ٢٢٠ ح ٢: عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: لَا يَهْتَدِي هَادٍ مِنْ ضَلَالَةٍ إِلَّا بِهِمْ.

(٦٠) ١- كمال الدين وتمام النعمة ٢٦٠ ح ٥: عَنِ الْبَاقِرِ عليه السلام: بِهِمْ يَرْزُقُ اللَّهُ عِبَادَهُ، وَبِهِمْ يَعْمَرُ بِلَادَهُ، وَبِهِمْ يُنَزِّلُ الْقَطْرَ مِنَ السَّمَاءِ، وَبِهِمْ تُخْرَجُ بَرَكَاتُ الْأَرْضِ.

٢- مدينة المعاجز ٤٧/٦ ح ٢٦٦: عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: لَوْلَا نَا مَا اطَّرَدَتْ الْأَنْهَارُ وَلَا أُبْنِعَتِ الثَّمَارُ وَلَا اخْضُرَّتِ الْأَشْجَارُ.

(٦١) الاختصاص ٢٢٣: قال رسول الله ﷺ: بِهِمْ يُمَسِكُ السَّمَاءُ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ.

(٦٢) كمال الدين ٤١٦ ح ٩: هِشَامُ بْنُ سَالِمٍ، قَالَ: سَأَلْتُ عَنِ الصَّادِقِ عليه السلام هَلْ يَكُونُ إِمَامَانِ فِي وَقْتٍ؟ قَالَ: لَا إِلَّا أَنْ يَكُونَ أَحَدُهُمَا صَامِتاً مَأْمُوماً لِصَاحِبِهِ وَالْآخَرُ نَاطِقاً إِمَاماً لِصَاحِبِهِ، وَأَمَّا أَنْ يَكُونَا إِمَامَيْنِ نَاطِقَيْنِ فِي وَقْتٍ وَاحِدٍ، فَلَا.



(٦٣) علل الشرائع ٩/١ ح ١: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: خَرَجَ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ عليه السلام عَلَى أَصْحَابِهِ فَقَالَ: أَيُّهَا النَّاسُ! إِنَّ اللَّهَ جَلَّ ذِكْرُهُ مَا خَلَقَ الْعِبَادَ إِلَّا لِيَعْرِفُوهُ، فَإِذَا عَرَفُوهُ عَبَدُوهُ، فَإِذَا عَبَدُوهُ اسْتَغْنَوْا بِعِبَادَتِهِ عَنْ عِبَادَةِ مَا سِوَاهُ، فَقَالَ لَهُ رَجُلٌ: يَا بِنَ رَسُولِ اللَّهِ! بِأَبِي أَنْتَ وَأُمِّي فَمَا مَعْرِفَةُ اللَّهِ؟ قَالَ: مَعْرِفَةُ أَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ إِمَامَهُمُ الَّذِي يَجِبُ عَلَيْهِمْ طَاعَتُهُ.

(٦٤) ١- بحار الأنوار ٢٠٣/٩٩: (الزِّيَارَةُ الثَّانِيَةَ عَشْرَةَ): السَّلَامُ عَلَى غَايَةِ الْمَوْجُودَاتِ.

٢- بحار الأنوار ٢٥٩/٢٦ ح ٣٦: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: نَحْنُ عِلَّةُ الْوُجُودِ.

(٦٥) ١- مشارق أنوار اليقين ١٧٧: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: الْإِمَامُ مَلِكِيُّ الذَّاتِ، إِلَهِيُّ الصِّفَاتِ، وَأَنْتَهُمْ صِفَاتُ اللَّهِ وَصَفَوْتُهُ.

٢- عيون أخبار الرضا عليه السلام ٩/٢ ح ١٣: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله لِعَلِيِّ عليه السلام: أَنْتَ الْمَثَلُ الْأَعْلَى.

٣- تأويل الآيات ٣٩٧/١ ح ٢٧: عَنْ الْكَاظِمِ عليه السلام قَالَ: أَقَامَهُمْ مَقَامَ نَفْسِهِ؛ لِأَنَّهُ لَا يُرَى وَلَا يُدْرَكُ وَلَا تُعْرَفُ كَيْفِيَّتُهُ وَلَا إِنِّيَّتُهُ.

(٦٦) الاحتجاج ٣١٧/٢: فِي زِيَارَةِ آلِ يَاسِينَ عليهم السلام: يَا مَوْلَايَ! شَقِيَّ مَنْ خَالَفَكَمْ وَسَعِدَ مَنْ أَطَاعَكُمْ.

(٦٧) بحار الأنوار ١٧/٢٥ ح ٣١: عَنْ الْبَاقِرِ عليه السلام قَالَ: أَوَّلُ مَا ابْتَدَأَ مِنْ خَلْقِ خَلْقِهِ أَنْ خَلَقَ مُحَمَّدًا وَخَلَقْنَا أَهْلَ الْبَيْتِ ...، نُسَبِّحُ اللَّهَ تَعَالَى وَنُقَدِّسُهُ وَنُحَمِّدُهُ وَنَعْبُدُهُ حَقَّ عِبَادَتِهِ.

(٦٨) ١- الكافي ٥٧٨/٤ ح ٢: عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرُّضَاءِ عليه السلام قَالَ: مَنْ عَرَفَهُمْ فَقَدْ عَرَفَ اللَّهَ، وَمَنْ جَهِلَهُمْ فَقَدْ جَهِلَ اللَّهَ.

٢- تأويل الآيات ٣٩٧/١ ح ٢٧: عَنْ الْكَاظِمِ عليه السلام قَالَ: لَوْلَاهُمْ مَا عَرِفَ اللَّهُ وَلَا يُدْرَى كَيْفَ يُعْبَدُ الرَّحْمَنُ.

٣- بصائر الدرجات ٥١٦ ح ٦: عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام قَالَ: نَحْنُ الْأَعْرَافُ الَّذِينَ لَا يُعْرَفُ اللَّهُ إِلَّا بِسَبِيلِ مَعْرِفَتِنَا.



(٦٩) ١- عيون أخبار الرضا عليه السلام ٩/٢ ح ١٣: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ لِعَلِيِّ عليه السلام: أَنْتَ الْمَثَلُ الْأَعْلَى.

٢- تأويل الآيات ٣٩٧/١ ح ٢٧: عَنِ الْكَاظِمِ عليه السلام قَالَ: أَقَامَهُمْ مَقَامَ نَفْسِهِ؛ لِأَنَّهُ لَا يُرَى وَلَا يُدْرَكُ وَلَا تُعْرَفُ كَيْفِيَّتُهُ وَلَا إِيَّتُهُ.

(٧٠) قرب الإسناد ٣٣٦ ح ١٢٣٨: عَنِ أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام: إِنَّ الْإِمَامَ بِمَنْزِلَةِ الْبَحْرِ، لَا يَنْفَدُ مَا عِنْدَهُ، وَعَجَائِبُهُ أَكْثَرُ مِنْ ذَلِكَ.

(٧١) تفسير الإمام العسكري عليه السلام ٣٠٨ ح ١٥٢: قَالَ رَجُلٌ لِامْرَأَتِهِ: اذْهَبِي إِلَى فَاطِمَةَ بِنْتِ رَسُولِ اللَّهِ فَاسْأَلِيهَا عَنِّي أَنِّي مِنْ شِيعَتِكُمْ أَمْ لَيْسَ مِنْ شِيعَتِكُمْ فَسَأَلَتْهَا، فَقَالَتْ: قُولِي لَهَا: إِنْ كُنْتَ تَعْمَلُ بِمَا أَمَرْنَاكَ وَتَنْتَهِي عَمَّا زَجَرْنَاكَ عَنْهُ فَأَنْتَ مِنْ شِيعَتِنَا وَإِلَّا فَلَا، فَرَجَعَتْ فَأَخْبَرَتْهُ فَقَالَ: يَا وَلِيِّي وَمَنْ يَنْفَكُ مِنَ الذُّنُوبِ وَالْخَطَايَا، فَأَنَا إِذَا خَالَدٌ فِي النَّارِ، فَإِنَّ مَنْ لَيْسَ مِنْ شِيعَتِهِمْ فَهُوَ خَالَدٌ فِي النَّارِ، فَرَجَعَتْ الْمَرْأَةُ فَقَالَتْ لِفَاطِمَةَ: مَا قَالَ زَوْجُهَا.

فَقَالَتْ فَاطِمَةُ: قُولِي لَهَا: لَيْسَ هَكَذَا، شِيعَتُنَا مِنْ خِيَارِ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَكُلُّ مُحِبِّينَا وَمُؤَالِي أَوْلِيَانِنَا وَمُعَادِي أَعْدَائِنَا وَالْمُسْلِمُ بِقَلْبِهِ وَلِسَانِهِ لَنَا لَيْسُوا مِنْ شِيعَتِنَا إِذَا خَالَفُوا أَوْامِرَنَا وَنَوَاهِينَا فِي سَائِرِ الْمُؤَبَقَاتِ وَهُمْ مَعَ ذَلِكَ فِي الْجَنَّةِ وَلَكِنْ بَعْدَ مَا يُطَهَّرُونَ مِنْ ذُنُوبِهِمْ بِالْبَلَايَا وَالرِّزَايَا أَوْ فِي عَرَصَاتِ الْقِيَامَةِ بِأَنْوَاعِ شِدَائِدِهَا أَوْ فِي الطَّبَقِ الْأَعْلَى مِنْ جَهَنَّمَ بَعْدَ ذَابِهَا إِلَى أَنْ نَسْتَنْقِذَهُمْ بِحُبِّنَا مِنْهَا وَنَنْقُلَهُمْ إِلَى حَضْرَتِنَا.

(٧٢) بصائر الدرجات ٣٤ ح ٢: عَنِ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: إِنَّ اللَّهَ خَلَقَ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ مِنْ طِينَةِ عَلِيِّينَ وَخَلَقَ قُلُوبَهُمْ مِنْ طِينَةٍ فَوْقَ ذَلِكَ وَخَلَقَ شِيعَتَهُمْ مِنْ طِينَةِ دُونَ عَلِيِّينَ وَخَلَقَ قُلُوبَهُمْ مِنْ طِينَةِ عَلِيِّينَ فَقُلُوبُ شِيعَتِنَا مِنْ أَبْدَانِ آلِ مُحَمَّدٍ.

(٧٣) ١- بحار الأنوار ٢٥٩/٢٦ ح ٣٦: عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: نَحْنُ عِلَّةُ الْوُجُودِ.

٢- مشارق أنوار اليقين ٢٣٦: قَالَ الصَّادِقُ عليه السلام: قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: خَلَقْتُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ لِأَجْلِهِمْ.



(٧٤) إثبات الوصية ١٨٣: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: جَعَلَهُمُ اللَّهُ حَيَاةً لِلْأَنَامِ.

(٧٧) ١- مختصر بصائر الدرجات ١٦٥: عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: إِنَّ أُمَّتِي عَرِضَتْ عَلَيَّ عِنْدَ الْمِيثَاقِ فَكَانَ أَوَّلَ مَنْ آمَنَ بِي وَصَدَّقَنِي عَلَيَّ وَكَانَ أَوَّلَ مَنْ آمَنَ بِي وَصَدَّقَنِي حَيْثُ بُعِثْتُ فَهُوَ الصَّدِيقُ الْأَكْبَرُ.

٢- الأمالي للمفيد ١١٣ ح ٦: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ خَلَقَ الْأَرْوَاحَ قَبْلَ الْأَجْسَامِ بِالْفِي عَامٍ وَعَلَّقَهَا بِالْعَرْشِ وَأَمَرَهَا بِالتَّسْلِيمِ عَلَيَّ وَالطَّاعَةَ لِي، وَكَانَ أَوَّلَ مَنْ سَلَّمَ عَلَيَّ وَأَطَاعَنِي مِنَ الرِّجَالِ رُوحَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام.

٣- بصائر الدرجات ١٠٨ ح ٧: عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام قَالَ: إِنَّ اللَّهَ خَلَقَ الْأَرْوَاحَ قَبْلَ الْأَجْسَادِ بِالْفِي عَامٍ فَاسْكَنَهَا الْهَوَاءَ، فَمَا تَعَارَفَ مِنْهَا هُنَاكَ ائْتَلَفَ فِي الدُّنْيَا وَمَا تَنَافَرَ مِنْهَا هُنَاكَ ائْتَلَفَ فِي الدُّنْيَا.

٤- معاني الأخبار ١٠٨ ح ١: قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى خَلَقَ الْأَرْوَاحَ قَبْلَ الْأَجْسَادِ بِالْفِي عَامٍ، فَجَعَلَ أَغْلَاهَا وَأَشْرَفَهَا أَرْوَاحَ مُحَمَّدٍ وَعَلِيِّ وَفَاطِمَةَ وَالْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ وَالْأئِمَّةَ بَعْدَهُمْ عليهم السلام، فَعَرَضَهَا عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ، فَغَشِيَهَا نُورُهُمْ ...، فَأَيُّكُمْ يَحْمِلُهَا بِأَثْقَالِهَا وَيَدْعِيهَا لِنَفْسِهِ دُونَ خَيْرَاتِي، فَأَبَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ وَالْجِبَالُ أَنْ يَحْمِلْنَهَا.

(٧٨) ١- بصائر الدرجات ٩١ ح ٨: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: أَخْرَجَ اللَّهُ مِنْ ظَهْرِ آدَمَ ذُرِّيَّتَهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، فَخَرَجُوا كَالذَّرِّ فَعَرَفَهُمْ نَفْسُهُ وَلَوْ لَا ذَلِكَ لَمْ يَعْرِفْ أَحَدٌ رَبَّهُ، ثُمَّ قَالَ ﷺ: ﴿الَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَى﴾ وَإِنَّ هَذَا مُحَمَّدٌ رَسُولِي وَعَلِيُّ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ خَلِيفَتِي وَأَمِينِي.

٢- مشارق أنوار اليقين ٢٦٠: عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام قَالَ: أَنَا آخِذُ الْعَهْدِ عَلَى الْأَرْوَاحِ فِي الْأَزْلِ، أَنَا الْمُنَادِي لَهُمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ بِأَمْرِ قِيَوْمٍ لَمْ يَزَلْ، أَنَا كَلِمَةُ اللَّهِ النَّاطِقَةُ فِي خَلْقِهِ، أَنَا آخِذُ الْعَهْدِ عَلَى جَمِيعِ الْخَلَائِقِ فِي الصَّلَوَاتِ.

٣- الكافي ٤٣٦/١ ح ١: كَانَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام يَقُولُ: إِنَّ اللَّهَ أَخَذَ مِيثَاقَ شِيعَتِنَا بِالْوِلَايَةِ



فِيُوحِي اللَّهُ إِلَيْهِمَا أَنْ ارْفَعَا رءُوسَكُمَا إِلَى رَأْسِ أُمِّهِ فَيَرَفَعَانِ رءُوسَهُمَا فَإِذَا اللَّوْحُ يَقْرَعُ جَبْهَةَ أُمِّهِ فَيَنْظُرَانِ فِيهِ فَيَجِدَانِ فِي اللَّوْحِ صُورَتَهُ وَزِينَتَهُ وَأَجَلَهُ وَمِيثَاقَهُ شَقِيًّا أَوْ سَعِيدًا وَجَمِيعَ شَأْنِهِ.

(٨٣) علل الشرائع ٥٨٤/٢ ح ٢٨: عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ، قَالَ: سَأَلْتُ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ عليه السلام عَنِ الطِّفْلِ يَضْحَكُ مِنْ غَيْرِ عَجَبٍ وَيَبْكِي مِنْ غَيْرِ أَلَمٍ؟ فَقَالَ: يَا مُفَضَّلُ! مَا مِنْ طِفْلٍ إِلَّا وَهُوَ يَرَى الْإِمَامَ وَيُنَاجِيهِ فَبِكَاؤُهُ لِعَبِيَةِ الْإِمَامِ عَنْهُ وَضَحِكُهُ إِذَا أَقْبَلَ عَلَيْهِ حَتَّى إِذَا أَطْلَقَ لِسَانَهُ أُغْلِقَ ذَلِكَ الْبَابُ عَنْهُ وَضُرِبَ عَلَى قَلْبِهِ بِالنَّسِيَانِ.

(٨٤) ١- المزار للمفيد ٧: عَنْ صَاحِبِ الزَّمَانِ عليه السلام قَالَ: إِنَّا يُحِيطُ عَلِمْنَا بِأَنْبَائِكُمْ وَلَا يَغْرُبُ عَنَّا شَيْءٌ مِنْ أَخْبَارِكُمْ.

٢- الاحتجاج ٣٢٢/٢: تَوَقَّعَهُ عليه السلام: إِنَّا غَيْرُ مُهْمِلِينَ لِمُرَاعَاتِكُمْ وَلَا نَاسِينَ لِذِكْرِكُمْ.

(٨٦) المزار للمشهدي ٤٨٥: زِيَارَةُ مَوْلَايَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام، زِيَارَةُ الشُّهَدَاءِ: فَلَيْتَنِّي أَخَّرْتَنِي الدُّهُورَ وَعَاقَنِي عَنْ نَصْرِكَ الْمَقْدُورُ وَلَمْ أَكُنْ لِمَنْ حَارَبَكَ مُحَارِبًا وَلِمَنْ نَصَبَ لَكَ الْعِدَاوَةَ مُنَاصِبًا، فَلَأَنْدُبَنَّكَ صَبَاحًا وَمَسَاءً وَ لَأَبْكِينَ عَلَيْكَ بَدَلَ الدُّمُوعِ دَمًا؛ حَسْرَةً عَلَيْكَ وَتَأْسُفًا عَلَى مَا دَهَاكَ وَتَلَهُّفًا حَتَّى أَمُوتَ بِلَوْعَةِ الْمُصَابِ وَغُصَّةِ الْاِكْتِيَابِ.

(٨٧) تفسير العياشي ٢٠٥/٢ ح ١٦: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: مَا مِنْ عَبْدٍ إِلَّا وَمَعَهُ مَلَكَانِ يَحْفَظَانِهِ، فَإِذَا جَاءَ الْأَمْرُ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ خَلِيًّا بَيْنَهُ وَبَيْنَ أَمْرِ اللَّهِ.

(٨٨) ١- كمال الدين وتمام النعمة ٢٦٠ ح ٥: عَنِ الْبَاقِرِ عليه السلام: بِهِمْ يَرْزُقُ اللَّهُ عِبَادَهُ، وَبِهِمْ يَعْمَرُ بِلَادَهُ، وَبِهِمْ يُنْزِلُ الْقَطْرَ مِنَ السَّمَاءِ، وَبِهِمْ تُخْرَجُ بَرَكَاتُ الْأَرْضِ.

٢- الكافي ١٤٤/١ ح ٥: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: بِنَا أَثْمَرَتِ الْأَشْجَارُ، وَأَيْنَعَتِ الشِّمَارُ، وَجَرَّتِ الْأَنْهَارُ وَبِنَا يَنْزِلُ غَيْثُ السَّمَاءِ، وَيَنْبُتُ عُشْبُ الْأَرْضِ.

(٨٩) ١- كمال الدين ٤٤١ ح ١٢: عَنْ صَاحِبِ الزَّمَانِ عليه السلام قَالَ: بِي يَدْفَعُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ الْبَلَاءَ عَنْ أَهْلِي وَشِيعَتِي.

٢- الإمامة والتبصرة ١٠٣ ح ٩٢: عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: أَوْلِيكَ أَوْلِيَائِي



حَقًّا بِهِمْ أَدْفَعُ كُلَّ فِتْنَةٍ عَمِّيَاءَ حِنْدِسٍ وَبِهِمْ أَكْشِفُ الزَّلَازِلَ وَأَدْفَعُ الْآصَارَ وَالْأَغْلَالَ.
٣- من لا يحضره الفقيه ٦٠٩/٢: فِي الزِّيَارَةِ الْجَامِعَةِ: بِكُمْ أَخْرَجَنَا اللَّهُ مِنَ الدُّلِّ،
وَفَرَّجَ عَنَّا غَمْرَاتِ الْكُرُوبِ، وَأَنْقَذَنَا مِنْ شَفَا جُرْفِ الْهَلَكَاتِ وَمِنْ النَّارِ.
(٩٠) ١- مشارق أنوار اليقين ٢٣٦: قَالَ الصَّادِقُ عليه السلام: قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: خَلَقْتُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ
لَأَجْلِهِمْ.

٢- عيون المعجزات ٦٩: قَالَ الْبَاقِرُ عليه السلام: لَوْ لَا نَحْنُ لَمْ يَخْلُقِ اللَّهُ تَعَالَى سَمَاءً وَلَا أَرْضاً
وَلَا جَنَّةً وَلَا نَاراً وَلَا شَمْساً وَلَا قَمَراً وَلَا جِنّاً وَلَا إِنْساً.
(٩١) ١- بصائر الدرجات ٨٢ ح ١٠: عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: بِنَا نَزَلَ الرَّحْمَةُ.

٢- إعلام الوري ١٨٤/٢: عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام قَالَ: بِهِمْ يَرْزُقُ عِبَادَهُ، وَبِهِمْ يَنْزِلُ
الْقَطْرُ مِنَ السَّمَاءِ، وَبِهِمْ تَخْرُجُ بَرَكَاتُ الْأَرْضِ.
(٩٢) ١- الكافي ٤٠٨/١ ح ٢: قَالَ الصَّادِقُ عليه السلام: الدُّنْيَا وَمَا فِيهَا لِلَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى وَلِرَسُولِهِ وَوَلَنَا.
٢- الثاقب في المناقب ٤١٧ ح ٢: قَالَ الصَّادِقُ عليه السلام: إِنَّ الْأَرْضَ وَمَنْ عَلَيْهَا لِلَّهِ تَعَالَى
وَلِرَسُولِهِ وَوَلِلْإِمَامِ مِنْ بَعْدِ رَسُولِهِ.

(٩٣) الكافي ٥٧٨/٤ ح ٢: عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَاءِ عليه السلام قَالَ: مَنْ عَرَفَهُمْ فَقَدْ عَرَفَ اللَّهَ،
وَمَنْ جَهِلَهُمْ فَقَدْ جَهِلَ اللَّهَ.

(٩٤) ١- بصائر الدرجات ١١٥ ح ٢٢: عَنْ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عليه السلام: مَا مِنْ مَلَكٍ يُهْبِطُهُ اللَّهُ
فِي أَمْرٍ إِلَّا بَدَأَ بِالْإِمَامِ فَعَرَضَ ذَلِكَ عَلَيْهِ، وَإِنْ مُخْتَلَفَ الْمَلَائِكَةُ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ تَعَالَى
إِلَى صَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ.

٢- مشارق أنوار اليقين ٣٤٣: قَالَ عَلِيُّ عليه السلام: أَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ مِنْ أَهْلِ سَمَاوَاتِهِ
وَأَرْضِيهِ، وَمَا فِي السَّمَاءِ مِنْ مَلَكٍ يَخْطُو قَدَمًا عَنْ قَدَمِ إِلَّا بِإِذْنِي.

٣- بحار الأنوار ٣٦/٢٧: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام: وَالَّذِي رَفَعَ السَّمَاءَ بغيرِ عَمَدٍ لَوْ
أَنَّ أَحَدَهُمْ رَامَ أَنْ يَزُولَ مِنْ مَكَانِهِ بِقَدْرِ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ لَمَا زَالَ حَتَّى آذَنَ لَهُ، وَكَذَلِكَ
يَصِيرُ حَالُ وَلَدِي الْحَسَنِ وَبَعْدَهُ الْحُسَيْنُ وَتَسَعَةٌ مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ تَسِعُهُمْ قَائِمُهُمْ.



(٩٥) معاني الأخبار ٥٢٣ ح ١٣: عَنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ: مَا السَّمَاوَاتُ السَّبْعُ فِي الْكُرْسِيِّ إِلَّا كَحَلْقَةٍ مُلْقَاةٍ فِي أَرْضِ فَلَاةٍ وَفَضْلُ الْعَرْشِ عَلَى الْكُرْسِيِّ كَفَضْلِ الْفَلَاةِ عَلَى تِلْكَ الْحَلْقَةِ.

(٩٦) ١- المزار للمشهدي ٥٨٧: زيارته عليه السلام: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى مَنْ فِي الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ، أَشْهَدُ أَنَّكَ الْحُجَّةُ عَلَى مَنْ مَضَى وَمَنْ بَقِيَ.

٢- روضة الواعظين ١٩٩: قَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عليهما السلام: نَحْنُ حُجَجُ اللَّهِ عَلَى الْعَالَمِينَ.

(٩٧) مشارق أنوار اليقين ٣٤٣: قَالَ عَلِيُّ عليه السلام: أَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ مِنْ أَهْلِ سَمَاوَاتِهِ وَأَرْضِهِ، وَمَا فِي السَّمَاءِ مِنْ مَلَكٍ يَخْطُو قَدَمًا عَنْ قَدَمِ إِلَّا بِإِذْنِي.

(٩٨) ١- علل الشرائع ٢٧٦/١ ح ١: عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: إِنَّ لِلَّهِ مَلَائِكَةً وَكُلَّهُمْ بَنَاتِ الْأَرْضِ مِنَ الشَّجَرِ وَالنَّخْلِ فَلَيْسَ مِنْ شَجَرَةٍ وَلَا نَخْلَةٍ إِلَّا وَمَعَهَا مَلَكٌ مِنَ اللَّهِ يَحْفَظُهَا وَمَا كَانَ فِيهَا وَلَوْلَا أَنَّ مَعَهَا مَنْ يَمْنَعُهَا لِأَكَلِهَا السَّبَاعُ وَهَوَامُّ الْأَرْضِ إِذَا كَانَ فِيهَا ثَمَرُهَا قَالَ وَإِنَّمَا نَهَى رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَنْ يَضْرِبَ أَحَدٌ مِنَ الْمُسْلِمِينَ خِلَاءَهُ تَحْتَ شَجَرَةٍ أَوْ نَخْلَةٍ قَدْ أَثْمَرَتْ لِمَكَانِ الْمَلَائِكَةِ الْمُؤَكَّلِينَ بِهَا قَالَ وَلِذَلِكَ يَكُونُ الشَّجَرُ وَالنَّخْلُ أَنْسَاءً إِذَا كَانَ فِيهِ حَمَلُهُ؛ لِأَنَّ الْمَلَائِكَةَ تَحْضُرُهُ.

٢- علل الشرائع ٤٦٣/٢ ح ٨: عَنْ عَلِيٍّ عليه السلام قَالَ: لَيْسَ مِنْ قَطْرَةٍ تَقْطُرُ إِلَّا وَمَعَهَا مَلَكٌ يَضَعُهَا مَوْضِعَهَا.

(٩٩) ١- الكافي ٤٠٧/١ ح ٨: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: الْإِمَامُ كَالْوَالِدِ الرَّحِيمِ.

٢- بصائر الدرجات ٢٨٥ ح ١٥: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: وَاللَّهِ لَأَنَا أَرْحَمُ بِكُمْ مِنْكُمْ بِأَنْفُسِكُمْ.

٣- الكافي ٢٠٠/١ ح ١: عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرُّضَا عليه السلام قَالَ: الْإِمَامُ الْأَنِيسُ الرَّفِيقُ وَالْوَالِدُ الشَّفِيقُ وَالْأَخُ الشَّقِيقُ وَالْأُمُّ الْبِرَّةُ بِالْوَالِدِ الصَّغِيرِ.

٤- الخصال ٥٢٧ ح ١: عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرُّضَا عليه السلام قَالَ: الْإِمَامُ، أَشْفَقَ عَلَيْهِمْ (شيعتنا) مِنْ آبَائِهِمْ وَأُمَّهَاتِهِمْ.



(١٠٠) الكافي ٢٤٩/١ ح ٥: عَنْ عَلِيِّ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: مَا اجْتَمَعَ التَّيْمِيُّ وَالْعَدَوِيُّ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَهُوَ يَقْرَأُ: ﴿إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ﴾ بِتَخَشُّعٍ وَبُكَاءٍ فَيَقُولَانِ: مَا أَشَدَّ رِقَّتَكَ لِهَذِهِ السُّورَةِ؟ فَيَقُولُ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: لِمَا رَأَتْ عَيْنِي وَوَعَى قَلْبِي وَلَمَّا يَرَى قَلْبُ هَذَا مِنْ بَعْدِي، فَيَقُولَانِ: وَمَا الَّذِي رَأَيْتَ وَمَا الَّذِي يَرَى؟ قَالَ: فَيَكْتُبُ لَهُمَا فِي التُّرَابِ: ﴿تَنْزَلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ﴾.

قَالَ: ثُمَّ يَقُولُ: هَلْ بَقِيَ شَيْءٌ بَعْدَ قَوْلِهِ ﷺ: ﴿كُلُّ أَمْرٍ﴾ فَيَقُولَانِ: لَا، فَيَقُولُ: هَلْ تَعْلَمَانِ مِنَ الْمُنَزَّلِ إِلَيْهِ بِذَلِكَ؟ فَيَقُولَانِ: أَنْتَ يَا رَسُولَ اللَّهِ! فَيَقُولُ: نَعَمْ، فَيَقُولُ: هَلْ تَكُونُ لَيْلَةُ الْقَدْرِ مِنْ بَعْدِي؟ فَيَقُولَانِ: نَعَمْ، قَالَ: فَيَقُولُ: فَهَلْ يَنْزَلُ ذَلِكَ الْأَمْرُ فِيهَا؟ فَيَقُولَانِ: نَعَمْ، قَالَ: فَيَقُولُ: إِلَى مَنْ؟ فَيَقُولَانِ: لَا نَدْرِي، فَيَأْخُذُ بِرَأْسِي وَيَقُولُ: إِنْ لَمْ تَدْرِيَا فَادْرِيَا هُوَ هَذَا مِنْ بَعْدِي، قَالَ: فَإِنْ كَانَا لَيَعْرِفَانِ تِلْكَ اللَّيْلَةَ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ مِنْ شِدَّةِ مَا يُدَاخِلُهُمَا مِنَ الرَّغْبِ.

(١٠١) ١- الكافي ٢٤٧/١ ح ٢: عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِنَّ لَيْلَةَ الْقَدْرِ فِي كُلِّ سَنَةٍ وَإِنَّهُ يَنْزَلُ فِي تِلْكَ اللَّيْلَةِ أَمْرُ السَّنَةِ وَإِنَّ لِدَلِيلِ الْأَمْرِ وَوَلَاةِ بَعْدِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فَقُلْتُ: مَنْ هُمْ؟ فَقَالَ: أَنَا وَوَأَحَدَ عَشَرَ مِنْ صُلْبِي أئِمَّةٌ مُحَدَّثُونَ.

٢- تفسير القمي ٢٩٠/٢: عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: لَا تَخْفَى عَلَيْنَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ إِنْ الْمَلَائِكَةُ يُطِيفُونَ بِنَا فِيهَا.

(١٠٢) الكافي ٢٥٢/١ ح ٨: عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِنَّمَا تَنْزَلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ بِالْحُكْمِ الَّذِي يَحْكُمُ بِهِ بَيْنَ الْعِبَادِ، قَالَ السَّائِلُ: وَمَا كَانُوا عِلْمُوا ذَلِكَ الْحُكْمَ؟ قَالَ: بَلَى قَدْ عِلْمُوهُ وَلَكِنَّهُمْ لَا يَسْتَطِيعُونَ إِمْضَاءَ شَيْءٍ مِنْهُ حَتَّى يُؤْمَرُوا فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ كَيْفَ يَصْنَعُونَ إِلَى السَّنَةِ الْمُقْبِلَةِ.

(١٠٣) ١- بصائر الدرجات ٣٩٥ ح ٥: عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِنَّ اللَّهَ أَقْدَرَنَا عَلَى مَا نُرِيدُ. ٢- مشارق أنوار اليقين ١٧٩: عَنْ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: هُمْ قُدْرَةُ الرَّبِّ وَمَشِيئَتُهُ.

(١٠٦) الكافي ٦٦/٤ ح ٢: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: إِنَّ فِيهِ تَقَسُّمُ الْأَرْزَاقِ وَتُكْتُبُ



الآجال، وفيه يُكْتَبُ وَفَدُّ اللّٰهِ الَّذِيْنَ يَفِدُوْنَ اِلَيْهِ، وَفِيهِ لَيْلَةُ الْعَمَلِ فِيهَا خَيْرٌ مِنَ الْعَمَلِ فِي اَلْفِ شَهْرٍ.

(١٠٧) الكافي ٢٨٨/١ ح ٣: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللّٰهِ عليه السلام فِي قَوْلِ اللّٰهِ عَزَّ وَجَلَّ: ﴿اِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللّٰهُ وَرَسُوْلُهُ وَالَّذِيْنَ اٰمَنُوْا﴾ قَالَ: اِنَّمَا يَعْنِي: اَوْلَىٰ بِكُمْ اَيُّ اَحَقُّ بِكُمْ وَبِاُمُوْرِكُمْ وَاَنْفُسِكُمْ وَاَمْوَالِكُمْ اللّٰهُ وَرَسُوْلُهُ وَالَّذِيْنَ اٰمَنُوْا يَعْنِي: عَلِيًّا وَاَوْلَادَهُ الْاِئِمَّةَ عليهم السلام اِلَىٰ يَوْمِ الْقِيَامَةِ.

(١٠٨) ١- الخصال ٥٢٧ ح ١: عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرُّضَا عليه السلام قَالَ: الْاِمَامُ، اَشْفَقُ عَلَيْهِمْ (شِيعَتَنَا) مِنْ اَبَائِهِمْ وَاُمَّهَاتِهِمْ.

٢- الكافي ٢٠٠/١ ح ١: عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرُّضَا عليه السلام قَالَ: الْاِمَامُ، اَلْاُمُّ الْبِرَّةُ بِالْوَالِدِ الصَّغِيْرِ.

٣- بحار الأنوار ١٢٦/٦٤ ح ٢٧: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللّٰهِ عليه السلام قَالَ: قُلُوْبُنَا تَعْطِفُ عَلَيْهِمْ (شِيعَتَنَا) كَعَطْفِ الْوَالِدِ عَلٰى الْوَالِدِ.

(١٠٩) اليقين ٣١٨: عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام وَهُوَ يَقُوْلُ: اَمَنْ لِمَنْ التَّجَأَ اِلَيْهِمْ، وَاَمَانَ لِمَنْ تَمَسَّكَ بِهِمْ.

(١١٠) تفسير القمي ٣٦٥/١: قَوْلُهُ: ﴿الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَتَطْمِئِنُّ قُلُوْبُهُمْ بِذِكْرِ اللّٰهِ﴾ قَالَ عليه السلام: الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا: الشَّيْعَةُ، وَذِكْرُ اللّٰهِ: اَمِيْرُ الْمُؤْمِنِيْنَ وَالْاِئِمَّةَ عليهم السلام.

(١١١) بحار الأنوار ٣٦/٩١ ح ٢٣: فِي زِيَارَةِ آلِ يَاسِيْنَ: السَّلَامُ عَلَيْكَ اَيُّهَا الْاِمَامُ الْمُقَدَّمُ الْمَأْمُوْلُ.

(١١٢) كمال الدين وتمام النعمة ٢٦٠ ح ٥: عَنْ الْبَاقِرِ عليه السلام: بِهِمْ يَرْزُقُ اللّٰهُ عِبَادَهُ، وَبِهِمْ يَعْمرُ بِلَادَهُ، وَبِهِمْ يُنَزِّلُ الْقَطْرَ مِنَ السَّمَاءِ، وَبِهِمْ تُخْرَجُ بَرَكَاتُ الْاَرْضِ.

(١١٣) ١- تفسير العياشي ١٥٣/١ ح ٥١٠: قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ عليه السلام: اِنَّهُ لَيْسَ شَيْءٌ اِلَّا وَقَدْ وَكَّلَ بِهِ مَلَكًا غَيْرَ الصَّدَقَةِ.

٢- مشارق أنوار اليقين ٣٤٣: قَالَ عَلِيٌّ عليه السلام: اَنَا حُجَّةُ اللّٰهِ عَلٰى خَلْقِهِ مِنْ اَهْلِ سَمَاوَاتِهِ وَاَرْضِيهِ، وَمَا فِي السَّمَاءِ مِنْ مَلَكٍ يَخْطُو قَدَمًا عَنْ قَدَمِ الْاَبَاذِنِيِّ.



(١١٤) ١- المزار للمفيد ٧: عَنْ صَاحِبِ الزَّمَانِ عليه السلام قَالَ: إِنَّا يُحِيطُ عَلِمْنَا بِأَنْبَائِكُمْ وَلَا يَعْزُبُ عَنَّا شَيْءٌ مِنْ أَخْبَارِكُمْ.

٢- الهداية الكبرى ١٧٠: عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام قَالَ: الْإِمَامُ يَرَى الْأَرْضَ وَمَنْ عَلَيْهَا، وَلَا يَخْفَى عَلَيْهِ مِنْ أَعْمَالِهِمْ شَيْءٌ.

(١١٥) ١- تأويل الآيات ٨٥٢/٢ ح ٨: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: نَحْنُ الَّذِينَ أَنْقَذَ اللَّهُ النَّاسَ بِنَا مِنَ الضَّلَالَةِ.

٢- بحار الأنوار ١٨٧/٩٩: عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرُّضَاءِ عليه السلام قَالَ: السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَيُّهَا الدَّالُّونَ عَلَى الْهُدَى.

(١١٦) ١- بصائر الدرجات ٤٤٦ ح ١٦: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: تُعْرَضُ الْأَعْمَالُ يَوْمَ الْخَمِيسِ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله وَعَلَى الْأَئِمَّةِ عليهم السلام.

٢- بصائر الدرجات ٤٦٤ ح ٥: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله: إِنَّ أَعْمَالَكُمْ تُعْرَضُ عَلَيَّ كُلَّ إِثْنَيْنِ وَخَمِيسٍ، فَمَا كَانَ مِنْ حَسَنٍ حَمِدْتُ اللَّهَ عَلَيْهِ وَمَا كَانَ مِنْ سَيِّئٍ اسْتَغْفَرْتُ لَكُمْ.

(١١٧) ١- المزار للمشهدي ٥٨٦: زيارته عليه السلام: أَشْهَدُ أَنَّ بَوْلَايَتِكَ تُقْبَلُ الْأَعْمَالُ وَتُتْرَكِي الْأَفْعَالُ وَتُضَاعَفُ الْحَسَنَاتُ وَتُمَحَى السَّيِّئَاتُ، فَمَنْ جَاءَ بِوَلَايَتِكَ وَاعْتَرَفَ بِإِمَامَتِكَ قُبِلَتْ أَعْمَالُهُ وَصُدِّقَتْ أَقْوَالُهُ وَتَضَاعَفَتْ حَسَنَاتُهُ وَمُحِيَتِ سَيِّئَاتُهُ، وَمَنْ عَدَلَ عَنْ وِلَايَتِكَ وَجَهَلَ مَعْرِفَتَكَ وَاسْتَبَدَلَ بِكَ غَيْرَكَ كَبَهُ اللَّهُ عَلَى مَنْخَرِهِ فِي النَّارِ وَلَمْ يَقْبَلِ اللَّهُ لَهُ عَمَلًا وَلَمْ يُقِمْ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَزَنًا.

٢- من لا يحضره الفقيه ٦١٦/٢: فِي الزِّيَارَةِ الْجَامِعَةِ: بِمُؤَالَاتِكُمْ عَلِمْنَا اللَّهُ مَعَالِمَ دِينِنَا ... بِمُؤَالَاتِكُمْ تُقْبَلُ الطَّاعَةُ الْمُفْتَرَضَةُ.

(١١٨) كمال الدين ٢٥٢ ح ٢: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله: قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: أَنْ عَبْدًا عَبْدَنِي حَتَّى يَنْقَطِعَ وَيَصِيرَ كَالشَّنِّ الْبَالِي ثُمَّ أَتَانِي جَاحِدًا لِوَلَايَتِهِمْ مَا أَسْكَنَتْهُ جَنَّتِي وَلَا أَظْلَمَتْهُ تَحْتَ عَرْشِي.



(١١٩) الغيبة للطوسي ٣٨٧ ح ٣٥١: قال أبو عبد الله عليه السلام: إذا أراد الله أمراً عرضة على رسول الله ﷺ، ثم أمير المؤمنين عليه السلام وسائر الأئمة واحداً بعد واحد إلى أن ينتهي إلى صاحب الزمان عليه السلام ثم يخرج إلى الدنيا، وإذا أراد الملائكة أن يرفعوا إلى الله عز وجل عملاً عرضة على صاحب الزمان عليه السلام، ثم يخرج على واحد بعد واحد إلى أن يعرض على رسول الله ﷺ، ثم يعرض على الله عز وجل، فما نزل من الله فعلى أيديهم، وما عرج إلى الله فعلى أيديهم.

(١٢٠) الكافي ٣/٣٦٣ ح ٢: عن أبي جعفر عليه السلام قال: إنما أمرنا بالنافلة لئتم لهم بها ما نقصوا من الفريضة.

(١٢١) بحار الأنوار ٩٩/٩٩: في زيارته عليه السلام: من جاء بولايتك واعترف بإمامتك قبلت أعماله.

(١٢٢) ١- من لا يحضره الفقيه ٢/٦٠٩: في الزيارة الجامعة: يا ولي الله! إن بيني وبين الله عز وجل ذنوباً لا يأتي عليها إلا رضاكم، فبحق من ائتمنكم على سيره واسترعاكم أمر خلقه وقرن طاعتكم بطاعته لما استوهبتم ذنوبي وكنتم شفعاي.

٢- المزار للمشهدي ٥٨٦: زيارة أخرى له عليه السلام: مولاي وقفت في زيارتك موقف الخاطئين النادمين الخائفين من عقاب رب العالمين، وقد اتكلت على شفاعتك ورجوت بموالاتك وشفاعتك محو ذنوبي وستر عيوبي ومغفرة زللي، فكن لوليك يا مولاي عند تحقيق أملي واسأل الله غفران زللي، فقد تعلق بحبلك وتمسك بولايتك وتبراً من أعدائك.

(١٢٣) الكافي ٢/٢٧٩ ح ٩: قال الصادق عليه السلام: قال أمير المؤمنين عليه السلام: ما من عبد إلا وعليه أربعون جنة حتى يعمل أربعين كبيرة، فإذا عمل أربعين كبيرة انكشفت عنه الجن، فيوحى الله إليهم أن استروا عبيدي بأجنحتكم، فتستره الملائكة بأجنحتها. قال: فما يدع شيئاً من القبيح إلا قارقه حتى يمتدح إلى الناس بفعله القبيح، فيقول الملائكة: يا رب! هذا عبدك ما يدع شيئاً إلا ركبته وإنا لنستحيي مما يصنع، فيوحى



اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ إِلَيْهِمْ أَنْ ارْفَعُوا أَجْنِحَتَكُمْ عَنْهُ، فَإِذَا فَعِلَ ذَلِكَ أَخَذَ فِي بُغْضِنَا أَهْلَ الْبَيْتِ، فَعِنْدَ ذَلِكَ يَنْهَيْتُكَ سِتْرُهُ فِي السَّمَاءِ وَسِتْرُهُ فِي الْأَرْضِ، فَيَقُولُ الْمَلَائِكَةُ: يَا رَبُّ هَذَا عَبْدُكَ قَدْ بَقِيَ مَهْتُوكَ السِّتْرِ فَيُوحِي اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ إِلَيْهِمْ لَوْ كَانَتْ لِلَّهِ فِيهِ حَاجَةٌ مَا أَمَرَكَمْ أَنْ تَرْفَعُوا أَجْنِحَتَكُمْ عَنْهُ.

(١٢٤) تفسير فرات الكوفي ٣٤٨ ح ٤٧٤: عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: بِنَا يُقِيلُ اللَّهُ عَشْرَتَكُمْ وَبِنَا يَغْفِرُ اللَّهُ ذُنُوبَكُمْ.

(١٢٥) الأماشي للصدوق ٧٠٩ ح ٩: عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرُّضَاءِ عليه السلام قَالَ: مَنْ كُنَّا شُفَعَاءَهُ نَجَا وَلَوْ كَانَ عَلَيْهِ مِثْلُ وَزْرِ الثَّقَلَيْنِ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ.

(١٢٦) ١- الغيبة للطوسي ٣٨٧ ح ٣٥١: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: إِذَا أَرَادَ الْمَلَائِكَةُ أَنْ يَرْفَعُوا إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ عَمَلًا غَرَضَ عَلَيَّ صَاحِبِ الزَّمَانِ.

٢- المناقب آل أبي طالب ٤٥٢/٣: قَالَ الرُّضَاءُ عليه السلام: إِنَّا مَعَاشِرَ الْأَئِمَّةِ تُعْرَضُ عَلَيْنَا أَعْمَالُ شِيعَتِنَا صَبَاحًا وَمَسَاءً، فَمَا كَانَ مِنَ التَّقْصِيرِ فِي أَعْمَالِهِمْ سَأَلْنَا اللَّهَ تَعَالَى الصَّفْحَ لِصَاحِبِهِ وَمَا كَانَ مِنَ الْعُلُوِّ سَأَلْنَا اللَّهَ الشُّكْرَ لِصَاحِبِهِ.

(١٢٧) ١- الكافي ٤٦٨/٢ ح ٣: قَالَ النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله لِأَصْحَابِهِ: أَلَا أَدُلُّكُمْ عَلَى سِلَاحٍ يُنْجِيكُمْ مِنْ أَعْدَائِكُمْ وَيُدِيرُ أَرْزَاقَكُمْ؟ قَالُوا: بَلَى، قَالَ: تَدْعُونَ رَبَّكُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ، فَإِنَّ سِلَاحَ الْمُؤْمِنِ الدُّعَاءُ.

٢- الكافي ٤٦٨/٢ ح ٥: عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرُّضَاءِ عليه السلام قَالَ: عَلَيْكُمْ بِسِلَاحِ الْأَنْبِيَاءِ، فَقِيلَ: وَمَا سِلَاحُ الْأَنْبِيَاءِ؟ قَالَ: الدُّعَاءُ.

(١٢٨) ١- تحف العقول ٢٨٠: قَالَ الْبَاقِرُ عليه السلام: الْمُؤْمِنُ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيَّ ثَلَاثٌ: إِمَّا أَنْ يُدْخِرَ لَهُ، وَإِمَّا أَنْ يُعَجِّلَ لَهُ، وَإِمَّا أَنْ يُدْفَعَ عَنْهُ بَلَاءٌ يُرِيدُ أَنْ يُصِيبَهُ.

٢- عدة الداعي ٣٤ ح ٨: عَنْ النَّبِيِّ صلى الله عليه وآله: إِنَّ الدُّعَاءَ مُخُّ الْعِبَادَةِ، وَمَا مِنْ مُؤْمِنٍ يَدْعُو اللَّهَ إِلَّا اسْتَجَابَ لَهُ؛ إِمَّا أَنْ يُعَجِّلَ لَهُ فِي الدُّنْيَا، أَوْ يُؤَجِّلَ لَهُ فِي الْآخِرَةِ، وَإِمَّا أَنْ يُكْفِرَ عَنْهُ مِنْ ذُنُوبِهِ بِقَدْرِ مَا دَعَا مَا لَمْ يَدْعُ بِمَا تَمَّ.



(١٢٩) ١- مكارم الأخلاق ٢٧٠: عَنْ أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى عليه السلام قَالَ: عَلَيْكُمْ بِالدُّعَاءِ، فَإِنَّ الدُّعَاءَ وَالطَّلْبَ إِلَى اللَّهِ يَرُدُّ الْبَلَاءَ وَقَدْ قُدِّرَ وَقُضِيَ فَلَمْ يَبْقَ إِلَّا إِمْضَاؤُهُ، فَإِنَّهُ إِذَا دُعِيَ اللَّهُ وَسُئِلَ صَرَفَ الْبَلَاءَ صَرْفَةً.

٢- مكارم الأخلاق ٢٧١: قَالَ الصَّادِقُ عليه السلام: عَلَيْكَ بِالدُّعَاءِ فَإِنَّ فِيهِ شِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ.

(١٣٠) ١- تحف العقول ٢٨٢: قَالَ الصَّادِقُ عليه السلام: مَا مِنْ شَيْءٍ أَحَبَّ إِلَى اللَّهِ مِنْ أَنْ يُسْأَلَ.

٢- مكارم الأخلاق ٢٧٠: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَعْلَمُ مَا يُرِيدُ الْعَبْدُ إِذَا دَعَا وَلَكِنْ يُحِبُّ أَنْ يَيْتَ إِلَيْهِ الْحَوَائِجُ.

٣- عدة الداعي ٣٥: عَنِ النَّبِيِّ صلى الله عليه وآله: وَأَمَّا أَعْجَزُ النَّاسِ فَمَنْ عَجَزَ عَنِ الدُّعَاءِ.

(١٣١) ١- بصائر الدرجات ٢٧٩ ح ١: عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام قَالَ: لَيْسَ مِنْ مُؤْمِنٍ يَدْعُو إِلَّا أَمَّنَّا لِدُعَائِهِ، وَلَا يَسْكُتُ إِلَّا دَعَوْنَا لَهُ.

٢- بصائر الدرجات ٢٨٠ ح ٢: عَنْ عُمَرَ بْنِ إِسْحَاقَ، قَالَ: قَالَ عَلِيٌّ عليه السلام: إِنَّا نَدْعُو لَكُمْ فَتَدْعُونَ فَتُؤْمِنُ قَالَ عُمَرُ: قَدْ عَرَفْتُ مَا قُلْتَ وَلَكِنْ كَيْفَ نَدْعُو فَتُؤْمِنُ؟ فَقَالَ: إِنَّا سَوَاءٌ عَلَيْنَا الْبَادِي وَالْحَاضِرِ.

(١٣٢) المزار للمشهدي ٥٧٣: فِي دُعَاءِ النَّدْبَةِ: أَيْنَ بَابُ اللَّهِ الَّذِي مِنْهُ يُؤْتَى، أَيْنَ وَجْهُ اللَّهِ الَّذِي إِلَيْهِ تَتَوَجَّهُ الْأَوْلِيَاءُ، أَيْنَ السَّبَبُ الْمُتَّصِلُ بَيْنَ الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ.

(١٣٣) ١- بصائر الدرجات ١١٥ ح ٢٢: عَنْ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عليه السلام: مَا مِنْ مَلِكٍ يُهْبِطُهُ اللَّهُ فِي أَمْرٍ إِلَّا بَدَأَ بِالْإِمَامِ فَعَرَّضَ ذَلِكَ عَلَيْهِ.

٢- مشارق أنوار اليقين ٣٤٣: قَالَ عَلِيٌّ عليه السلام: أَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ مِنْ أَهْلِ سَمَاوَاتِهِ وَأَرْضِيهِ، وَمَا فِي السَّمَاءِ مِنْ مَلِكٍ يَخْطُو قَدَمًا عَنْ قَدَمِ إِلَّا بِإِذْنِي.

(١٣٤) الكافي ٤٧٢/١ ح ١: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: إِنِّي لَأَدْعُو اللَّهَ لِمُدْنِي شِيعَتَنَا فِي الْيَوْمِ وَاللَّيْلَةِ أَلْفَ مَرَّةٍ.

(١٣٦) ١- من لا يحضره الفقيه ٦٠٩/٢: فِي الزِّيَارَةِ الْجَامِعَةِ: وَمُقَدِّمُكُمْ أَمَامَ طَلِبَتِي وَحَوَائِجِي وَإِرَادَتِي فِي كُلِّ أَحْوَالِي وَأُمُورِي.



٢- فلاح السائل ٤٤: أقول: إذا كان هذا كله فضل الدعاء لإخوانك، فكيف فضل الدعاء لسلطانك الذي كان سبب إمكانك وأنت تعتقد أن لولاه ما خلق الله نفسك ولا أحداً من المكلفين في زمانه وزمانك، وأن اللطف بوجوده صلوات الله عليه سبب لكل ما أنت وغيرك فيه وسبب لكل خير تبلغون إليه، فإياك! ثم إياك! أن تقدم نفسك أو أحداً من الخلائق في الولاء والدعاء له بأبلغ الإمكان واحضر قلبك ولسانك في الدعاء لذلك المولى العظيم الشأن.

وإياك! أن تعتقد أنني قلت هذا؛ لأنه محتاج إلى دعائك، هيهات! هيهات! أن اعتقدت هذا فأنت مريض في اعتقادك وولائك، بل إنما قلت هذا لما عرفتك من حقه العظيم عليك وإحسانه الجسيم إليك، ولأنك إذا دعوت له قبل الدعاء لنفسك ولمن يعز عليك كان أقرب إلى أن يفتح الله جل جلاله أبواب الإجابة بين يديك لأن أبواب قبول الدعوات قد غلقتها أيها العبد بإغلاق الجنائيات، فإذا دعوت لهذا المولى الخاص عند مالك الأحياء والأموات يوشك أن يفتح أبواب الإجابة لأجله فتدخل أنت في الدعاء لنفسك ولمن تدعوه في زمرة فضله وتتسع رحمة الله جل جلاله لك وكرمه وعنايته بك لتعلقك في الدعاء بحيله.

ولا تقل فما رأيت فلاناً وفلاناً من الذين تقتدي بهم من شيوخك بما أقول يعملون وما وجدتهم إلا وهم عن مولينا الذي أشرت إليه صلوات الله عليه غافلون وله مهملون، فأقول لك اعمل بما قلت لك فهو الحق الواضح، ومن أهمل مولانا وغفل عما ذكرت عنه فهو والله الغلط الفاضح.

(١٣٧) ١- بصائر الدرجات ١٠٤ ح ٤: قال رسول الله ﷺ ذات يوم وعنده جماعة من أصحابه: اللهم لقني إخواني - مرتين - فقال من حوله من أصحابه: أما نحن إخوانك يا رسول الله؟! فقال: لا، إنكم أصحابي وإخواني قوم من آخر الزمان آمنوا بي ولم يروني لقد عرفنيهم الله بأسمائهم وأسماء آبائهم من قبل أن يخرجهم من أصلاب آبائهم وأرحام أمهاتهم لأحدتهم أشد بقية على دينه من خرط القتاد في الليلة الظلماء



أَوْ كَالْقَابِضِ عَلَى جَمْرِ الْغَضَا أَوْلَيْكَ مَصَابِيحُ الدُّجَى يُنَجِّهِمُ اللَّهُ مِنْ كُلِّ فِتْنَةٍ غِبْرَاءَ مُظْلِمَةٍ.

٢- الإمامة والتبصرة ١٢٦ ح ١٢٧: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: إِنَّ لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ غَيْبَةً الْمُتَمَسِّكُ فِيهَا بِدِينِهِ كَالْخَارِطِ لِلْقَتَادِ ثُمَّ قَالَ: - هَكَذَا بِيَدِهِ - ثُمَّ قَالَ: إِنَّ لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ غَيْبَةً فَلْيَتَّقِ اللَّهَ عَبْدٌ وَلْيَتَمَسَّكْ بِدِينِهِ.

٣- الخرائج والجرائح ١١٤٩/٣ ح ٥٧: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله: سَيَأْتِي قَوْمٌ مِنْ بَعْدِكُمُ الرَّجُلُ مِنْهُمْ لَهُ أَجْرُ خَمْسِينَ مِنْكُمْ، قَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ! نَحْنُ كُنَّا مَعَكَ بَبَدْرٍ وَأَحَدٍ وَخَنِينَ وَنَزَلَ فِيْنَا الْقُرْآنُ، فَقَالَ صلى الله عليه وآله: إِنَّكُمْ لَوْ تَحَمَّلُوا مَا حُمَلُوا لَمْ تَصْبِرُوا وَصَبَرْتُمْ. (١٣٩) ١- بصائر الدرجات ٤٨٦ ح ٨: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: نَحْنُ الَّذِينَ قَالَ اللَّهُ عز وجل: ﴿ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ﴾.

٢- تفسير العياشي ١٨٤/١ ح ٨٥: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: لَا يُحْجَبُ دُعَاؤُنَا عَنِ اللَّهِ.

(١٤٠) ١- الكافي ٤٦٧/٢ ح ٨: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام قَالَ: أَحَبُّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ عز وجل فِي الْأَرْضِ الدُّعَاءُ.

٢- الكافي ٤٦٨/٢ ح ١: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام: الدُّعَاءُ تُرْسُ الْمُؤْمِنِ وَمَتَى تَكَثَّرَ قَرَعُ الْبَابِ يُفْتَحَ لَكَ.

٣- عدة الداعي ٢٤: عَنْ النَّبِيِّ صلى الله عليه وآله أَنَّهُ قَالَ: الدُّعَاءُ مُخُّ الْعِبَادَةِ.

(١٤١) الكافي ٤٧٢/١ ح ١: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: إِنِّي لَأَدْعُو اللَّهَ لِمُدْنِي شِيعَتَنَا فِي الْيَوْمِ وَاللَّيْلَةِ أَلْفَ مَرَّةٍ.

(١٤٢) بصائر الدرجات ٢٨٠ ح ٢: عَنْ عُمَرَ بْنِ إِسْحَاقَ، قَالَ: قَالَ عَلِيُّ عليه السلام: إِنَّا نَدْعُو لَكُمْ فَتَدْعُونَ فَتُؤْمِنُونَ قَالَ عُمَرُ: قَدْ عَرَفْتُ مَا قُلْتَ وَلَكِنْ كَيْفَ نَدْعُو فَتُؤْمِنُونَ؟ فَقَالَ: إِنَّا سَوَاءٌ عَلَيْنَا الْبَادِي وَالْحَاضِرِ.

(١٤٣) المزار للمشهدي ٥٧٣: فِي دُعَاءِ النَّدْبَةِ: أَيِّنَ بَابُ اللَّهِ الَّذِي مِنْهُ يُوتَى، أَيِّنَ وَجْهٌ



اللَّهِ الَّذِي إِلَيْهِ تَتَوَجَّهُ الْأَوْلِيَاءُ، أَيْنَ السَّبَبُ الْمُتَّصِلُ بَيْنَ الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ.

(١٤٤) ١- من لا يحضره الفقيه ٢/٦٠٩: فِي الزِّيَارَةِ الْجَامِعَةِ: بِمُؤَالَاتِكُمْ عَلَّمَنَا اللَّهُ مَعَالِمَ دِينِنَا.

٢- تَأْوِيلُ الْآيَاتِ ١/٣٩٧ ح ٢٧: عَنِ الْكَآظِمِ عليه السلام قَالَ: لَوْلَاهُمْ مَا عَرَفَ اللَّهُ وَلَا يُدْرَى كَيْفَ يُعْبَدُ الرَّحْمَنُ.

(١٤٥) ١- من لا يحضره الفقيه ٢/٦٠٩: فِي الزِّيَارَةِ الْجَامِعَةِ: لَا تُذْ عَائِدُ بِقُبُورِكُمْ مُسْتَشْفِعُ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ بِكُمْ.

٢- الْيَقِينُ ٣١٨: عَنِ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام وَهُوَ يَقُولُ: أَمِنُ لِمَنْ التَّجَأَ إِلَيْهِمْ، وَأَمَانٌ لِمَنْ تَمَسَّكَ بِهِمْ.

٣- مَشْكَاتُ الْأَنْوَارِ ١٢٦: قَالَ الصَّادِقُ عليه السلام: إِنْ لَجَأَ إِلَيْهِمْ ذُو حَاجَةٍ مِنْهُمْ رَحِمُوهُ.

(١٤٦) ١- من لا يحضره الفقيه ٢/٦٠٩: فِي الزِّيَارَةِ الْجَامِعَةِ: يَا وَلِيَّ اللَّهِ! إِنْ بَيْنِي وَبَيْنَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ ذُنُوبًا لَا يَأْتِي عَلَيْهَا إِلَّا رِضَاكُمْ، فَبِحَقِّ مَنْ اتَّمَنَّاكُمْ عَلَى سِرِّهِ وَاسْتَرَاعَاكُمْ أَمَرَ خَلْقِهِ وَقَرَنَ طَاعَتِكُمْ بِطَاعَتِهِ لَمَّا اسْتَوْهَبْتُمْ ذُنُوبِي وَكُنْتُمْ شَفَعَائِي.

٢- الْمَزَارُ لِلْمَشْهَدِيِّ ٥٨٦: زِيَارَةٌ أُخْرَى لَهُ عليه السلام: مَوْلَايَ وَقَفْتُ فِي زِيَارَتِكَ مَوْقِفَ الْخَاطِئِينَ النَّادِمِينَ الْخَائِفِينَ مِنْ عِقَابِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَقَدْ اتَّكَلْتُ عَلَى شَفَاعَتِكَ وَرَجَوْتُ بِمُؤَالَاتِكَ وَشَفَاعَتِكَ مَحْوَ ذُنُوبِي وَسْتَرَ عُيُوبِي وَمَغْفِرَةَ زَلِّي، فَكُنْ لَوْلِيكَ يَا مَوْلَايَ عِنْدَ تَحْقِيقِ أَمَلِهِ وَاسْأَلِ اللَّهَ غُفْرَانَ زَلِّي، فَقَدْ تَعَلَّقَ بِحَبْلِكَ وَتَمَسَّكَ بِوِلَايَتِكَ وَتَبَرَّأَ مِنْ أَعْدَائِكَ.

(١٤٧) ١- كَمَالُ الدِّينِ ٣٨٤ ح ١: عَنِ الْعَسْكَرِيِّ عليه السلام قَالَ: وَاللَّهِ لَيَغِيْبَنَّ غِيْبَةً لَا يَنْجُو فِيهَا مِنْ الْهَلَكَةِ إِلَّا مَنْ ثَبَّتَهُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ عَلَى الْقَوْلِ بِإِمَامَتِهِ وَوَفَّقَهُ فِيهَا لِلدُّعَاءِ بِتَعْجِيلِ فَرَجِهِ.

٢- الْمَزَارُ لِلْمَشْهَدِيِّ ٦٥٥: زِيَارَةُ الْعَسْكَرِيِّ عليه السلام: يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ! قَطَعْتُ فِي وَصْلَتِكَ الْخُلَّانَ وَهَجَرْتُ لِزِيَارَتِكَ الْأَوْطَانَ وَأَخْفَيْتُ أَمْرِي عَنْ أَهْلِ الْبُلْدَانِ لِتَكُونَ شَفِيعًا لِي عِنْدَ رَبِّكَ وَرَبِّي وَإِلَى آبَائِكَ وَمَوْلِي فِي حُسْنِ التَّوْفِيقِ لِي وَإِسْبَاغِ النِّعْمَةِ



عَلِيٍّ وَسَوَّقِ الْإِحْسَانِ إِلَيَّ.

(١٤٩) الصحيفة السجادية ١٢٩: وَجَعَلْتَ لَنَا عَدُوًّا يَكِيدُنَا، سَلَطْتَ مِنَّا عَلَيَّ مَا لَمْ تُسَلِّطْنَا عَلَيْهِ مِنْهُ، أَسَكَّنْتَ صُدُورَنَا، وَأَجْرَيْتَهُ مَجَارِي دِمَائِنَا، لَا يَغْفُلُ إِنْ غَفَلْنَا، وَلَا يَنْسَى إِنْ نَسِينَا.

(١٥٠) ١- مقتضب الأثر ٤١: فِي حَدِيثٍ: قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: إِنَّهُمْ مَعْدِنُ نُورِي.

٢- بحار الأنوار ٢٩٩/٧٤: خَطَبَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ خُطْبَةً بَلِيغَةً فِي مَدْحِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فَقَالَ: فِيكَ (رَسُولُ اللَّهِ ﷺ) مُسْتَوْدَعُ الْأَنْوَارِ.

٣- المزار للمشهدي ٢٩٣: زِيَارَةُ جَامِعَةِ لَسَائِرِ الْأَئِمَّةِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَيْمَّةَ الْمُؤْمِنِينَ وَمَعَادِنِ الْحَقَائِقِ.

٤- بصائر الدرجات ٧٦ ح ١: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: إِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ مَعْدِنُ الْعِلْمِ.

٥- تفسير الإمام العسكري عليه السلام ١٠٠: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: هَذَا (أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ) الْجَامِعُ لِلْمَكَارِمِ الْحَاوِي لِلْفَضَائِلِ.

(١٥١) علل الشرائع ٩/١ ح ١: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ قَالَ: خَرَجَ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَى أَصْحَابِهِ فَقَالَ: أَيُّهَا النَّاسُ! إِنَّ اللَّهَ جَلَّ ذِكْرُهُ مَا خَلَقَ الْعِبَادَ إِلَّا لِيَعْرِفُوهُ، فَإِذَا عَرَفُوهُ عَبَدُوهُ، فَإِذَا عَبَدُوهُ اسْتَعْنَوْا بِعِبَادَتِهِ عَنْ عِبَادَةِ مَا سِوَاهُ، فَقَالَ لَهُ رَجُلٌ: يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ! بِأَبِي أَنْتَ وَأُمِّي فَمَا مَعْرِفَةُ اللَّهِ؟ قَالَ: مَعْرِفَةُ أَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ إِمَامَهُمُ الَّذِي يَجِبُ عَلَيْهِمْ طَاعَتُهُ.

(١٥٢) ١- بصائر الدرجات ٧٦ ح ١: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: إِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ أَهْلُ بَيْتِ الرَّحْمَةِ.

٢- بصائر الدرجات ٢٨٥ ح ١٥: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ قَالَ: وَاللَّهِ لَأَنَا أَرْحَمُ بِكُمْ مِنْكُمْ بِأَنْفُسِكُمْ.

٣- الكافي ٢٠٠/١ ح ١: عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرُّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: الْإِمَامُ الْأَنِيسُ الرَّفِيقُ وَالْوَالِدُ الشَّفِيقُ وَالْأَخُ الشَّقِيقُ وَالْأُمُّ الْبِرَّةُ بِالْوَالِدِ الصَّغِيرِ.

(١٥٣) الكافي ٢٧٩/٢ ح ٩: قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَا مِنْ عَبْدٍ إِلَّا وَعَلَيْهِ



أَرْبَعُونَ جُنَّةً حَتَّى يَعْمَلَ أَرْبَعِينَ كَبِيرَةً، فَإِذَا عَمِلَ أَرْبَعِينَ كَبِيرَةً انْكَشَفَتْ عَنْهُ الْجَنَنُ، فَيُوحِي اللَّهُ إِلَيْهِمْ أَنْ اسْتُرُوا عَبْدِي بِأَجْنَحَتِكُمْ، فَتَسْتُرُهُ الْمَلَائِكَةُ بِأَجْنَحَتِهَا. قَالَ: فَمَا يَدْعُ شَيْئًا مِنَ الْقَبِيحِ إِلَّا قَارَفَهُ حَتَّى يَمْتَدِحَ إِلَى النَّاسِ بِفِعْلِهِ الْقَبِيحِ، فَيَقُولُ الْمَلَائِكَةُ: يَا رَبِّ! هَذَا عَبْدُكَ مَا يَدْعُ شَيْئًا إِلَّا رَكِبَهُ وَإِنَّا لَنَسْتَحِي مِمَّا يَصْنَعُ، فَيُوحِي اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ إِلَيْهِمْ أَنْ ارْفَعُوا أَجْنَحَتِكُمْ عَنْهُ، فَإِذَا فَعَلَ ذَلِكَ أَخَذَ فِي بُغْضِنَا أَهْلَ الْبَيْتِ، فَعِنْدَ ذَلِكَ يَنْهَيْتُكَ سِتْرُهُ فِي السَّمَاءِ وَسِتْرُهُ فِي الْأَرْضِ، فَيَقُولُ الْمَلَائِكَةُ: يَا رَبِّ! هَذَا عَبْدُكَ قَدْ بَقِيَ مَهْتُوكَ السِّتْرِ فَيُوحِي اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ إِلَيْهِمْ لَوْ كَانَتْ لِلَّهِ فِيهِ حَاجَةٌ مَا أَمَرَكَمْ أَنْ تَرْفَعُوا أَجْنَحَتِكُمْ عَنْهُ.

(١٥٦) تفسير العياشي ٢/٢٤٢ ح ١٤: عَنْ وَهْبِ بْنِ جَمِيعٍ، قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ قَوْلِ إِبْلِيسَ: ﴿رَبِّ فَأَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمٍ يَبْعَثُونَ﴾ * قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ * إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ ﴿ قَالَ لَهُ وَهْبٌ: جُعِلَتْ فِدَاكَ أَيُّ يَوْمٍ هُوَ؟ قَالَ: يَا وَهْبُ! أَوْ تَحَسَّبُ أَنَّهُ يَوْمٌ يَبْعَثُ اللَّهُ فِيهِ النَّاسَ، إِنَّ اللَّهَ أَنْظَرَهُ إِلَى يَوْمٍ يَبْعَثُ فِيهِ قَائِمَنَا، فَإِذَا بَعَثَ اللَّهُ قَائِمَنَا كَانَ فِي مَسْجِدِ الْكُوفَةِ وَجَاءَ إِبْلِيسُ حَتَّى يَجْتُو بَيْنَ يَدَيْهِ عَلَى رُكْبَتَيْهِ، فَيَقُولُ: يَا وَيْلَهُ مِنْ هَذَا الْيَوْمِ فَيَأْخُذُ بِنَاصِيَتِهِ فَيَضْرِبُ عُنُقَهُ فَذَلِكَ يَوْمُ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ.

(١٥٧) كمال الدين ٤٤١ ح ١٢: عَنْ صَاحِبِ الزَّمَانِ عليه السلام قَالَ: بِي يَدْفَعُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ الْبَلَاءَ عَنْ أَهْلِي وَشِيعَتِي.

(١٥٨) بحار الأنوار ١٩٩/٩٩: فِي زِيَارَةِ الْأَئِمَّةِ عليهم السلام: السَّلَامُ عَلَى الرَّءُوفِ الرَّحِيمِ، السَّلَامُ عَلَى السَّخِيِّ الْكَرِيمِ.

(١٥٩) الكافي ١/٢٠٠ ح ١: عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرُّضَا عليه السلام قَالَ: الْإِمَامُ الْأَنِيسُ الرَّفِيقُ وَالْوَالِدُ الشَّفِيقُ وَالْأَخُ الشَّقِيقُ وَالْأُمُّ الْبِرَّةُ بِالْوَالِدِ الصَّغِيرِ.

(١٦٠) ١- بصائر الدرجات ٣٩٥ ح ٥: عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: إِنَّ اللَّهَ أَقْدَرَنَا عَلَى مَا نُرِيدُ.

٢- الهداية الكبرى ٢٢٦: عَنْ الصَّادِقِ عليه السلام قَالَ: يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ بِأَمْرِ اللَّهِ يَسِيرُ بِإِذْنِ اللَّهِ



مِنَ الْمَشْرِقِ إِلَى الْمَغْرِبِ فِي لَحْظَةٍ وَيَعْرُجُ إِلَى السَّمَاءِ وَيَنْزِلُ إِلَى الْأَرْضِ مَتَى شَاءَ وَأَرَادَ.

(١٦١) مناقب آل أبي طالب ٣/١٧٥: عَنِ الصَّادِقِ عليه السلام قَالَ: قَالَ بَعْضُهُمْ لِلْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عليه السلام فِي احْتِمَالِهِ الشَّدَائِدَ عَنْ مُعَاوِيَةَ، فَقَالَ عليه السلام كَلَامًا مَعْنَاهُ: لَوْ دَعَوْتُ اللَّهَ تَعَالَى لَجَعَلَ الْعِرَاقَ شَامًا وَالشَّامَ عِرَاقًا، وَجَعَلَ الْمَرْأَةَ رَجُلًا وَالرَّجُلَ امْرَأَةً، فَقَالَ الشَّامِيُّ: وَمَنْ يَقْدِرُ عَلَى ذَلِكَ؟ فَقَالَ عليه السلام: أَنْهَضِي أَلَا تَسْتَحِينِ أَنْ تَقْعُدِي بَيْنَ الرَّجَالِ فَوَجَدَ الرَّجُلُ نَفْسَهُ امْرَأَةً، ثُمَّ قَالَ: وَصَارَتْ عِيَالُكَ رَجُلًا وَتُقَارِبُكَ وَتَحْمِلُ عَنْهَا وَتَلِدُ وَكَلْدًا خُنْثَى، فَكَانَ كَمَا قَالَ عليه السلام، ثُمَّ إِنَّهَا تَابَا وَجَاءَا إِلَيْهِ فَدَعَا اللَّهَ تَعَالَى فَعَادَا إِلَى الْحَالَةِ الْأُولَى.

(١٦٢) ١- الخرائج والجرائح ١/٢٩٦ ح ٣: قَالَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي حَمْزَةَ: حَجَجْتُ مَعَ الصَّادِقِ عليه السلام فَجَلَسْنَا فِي بَعْضِ الطَّرِيقِ تَحْتَ نَخْلَةٍ يَابِسَةٍ، فَحَرَّكَ شَفْتَيْهِ بِدُعَاءٍ لَمْ أَفْهَمَهُ، ثُمَّ قَالَ: يَا نَخْلَةَ! أَطْعِمِينَا مِمَّا جَعَلَ اللَّهُ فِيكَ مِنْ رِزْقِ عِبَادِهِ. قَالَ: فَنَظَرْتُ إِلَى النَّخْلَةِ وَقَدْ تَمَائَلَتْ نَحْوَ الصَّادِقِ عليه السلام وَعَلَيْهَا أَغْدَاقُهَا وَفِيهَا الرُّطْبُ، قَالَ: ااذْنُ فَسَمُّ وَكُلْ فَأَكَلْنَا مِنْهَا رُطْبًا أَغْدَبَ رُطْبٍ وَأَطْيَبَهُ، فَإِذَا نَحْنُ بِأَعْرَابِيٍّ يَقُولُ: مَا رَأَيْتُ كَالْيَوْمِ سِحْرًا أَكْبَرَ مِنْ هَذَا!

فَقَالَ الصَّادِقُ عليه السلام: نَحْنُ وَرَثَةُ الْأَنْبِيَاءِ لَيْسَ فِيْنَا سَاحِرٌ وَلَا كَاهِنٌ بَلْ نَدْعُو اللَّهَ فَيُجِيبُ، فَإِنْ أَحْبَبْتَ أَنْ أَدْعُو اللَّهَ فَيَمْسَخَكَ كَلْبًا تَهْتَدِي إِلَى مَنْزِلِكَ وَتَدْخُلُ عَلَيْهِمْ وَتُبْصَبُ لِأَهْلِكَ فَعَلْتُ، قَالَ الْأَعْرَابِيُّ بِجَهْلِهِ: بَلَى، فَدَعَا اللَّهَ فَصَارَ كَلْبًا فِي وَقْتِهِ وَمَضَى عَلَى وَجْهِهِ.

فَقَالَ لِي الصَّادِقُ عليه السلام: اتَّبِعْهُ فَاتَّبَعْتُهُ حَتَّى صَارَ إِلَى حَيْهِ، فَدَخَلَ إِلَى مَنْزِلِهِ فَجَعَلَ يُبْصَبُ لِأَهْلِهِ وَوَلَدِهِ، فَأَخَذُوا لَهُ الْعَصَا حَتَّى أَخْرَجُوهُ، فَانصرفتُ إِلَى الصَّادِقِ عليه السلام فَأَخْبَرْتُهُ بِمَا كَانَ مِنْهُ، فَبَيْنَا نَحْنُ فِي حَدِيثِهِ إِذْ أَقْبَلَ حَتَّى وَقَفَ بَيْنَ يَدَيِ الصَّادِقِ عليه السلام وَجَعَلَتْ دُمُوعُهُ تَسِيلُ عَلَى خَدَيْهِ وَأَقْبَلَ يَتَمَرَّغُ فِي التُّرَابِ وَيَعْوِي، فَرَحِمَهُ فَدَعَا اللَّهَ



لَهُ فَعَادَ أَعْرَابِيًّا، فَقَالَ لَهُ الصَّادِقُ عليه السلام: هَلْ آمَنْتَ يَا أَعْرَابِي؟! قَالَ: نَعَمْ أَلْفًا وَأَلْفًا.
 ٢- الخرائج والجرائح ٥٦٨/٢ ح ٢٤: عَنْ عَلِيٍّ عليه السلام قَالَ: أَنَّ خَارِجِيًّا اخْتَصَمَ مَعَ رَجُلٍ
 إِلَى عَلِيٍّ عليه السلام، فَحَكَمَ بَيْنَهُمَا بِحُكْمِ اللَّهِ وَرَسُولِهِ، فَقَالَ الْخَارِجِيُّ: لَا عَدَلْتَ فِي
 الْقَضِيَّةِ. فَقَالَ عَلِيٌّ عليه السلام: إِخْسَاءُ يَا عَدُوَّ اللَّهِ! فَاسْتَحَالَ كَلْبًا وَطَارَتْ ثِيَابُهُ فِي الْهَوَاءِ،
 فَجَعَلَ يُصْبِصُ وَقَدْ دَمَعَتْ عَيْنَاهُ فَرَقَّ لَهُ عَلِيٌّ وَدَعَا لَهُ، فَأَعَادَهُ إِلَى حَالِ الْإِنْسَانِيَّةِ
 وَتَرَجَعَتْ مِنَ الْهَوَاءِ ثِيَابُهُ إِلَيْهِ.

فَقَالَ عَلِيٌّ عليه السلام: إِنَّ آصَفَ وَصِيٍّ سُلَيْمَانَ قَدْ صَنَعَ نَحْوَهُ فَقَصَّ اللَّهُ عَنْهُ بِقَوْلِهِ: ﴿قَالَ
 الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ يَرْتَدَّ إِلَيْكَ طَرْفُكَ﴾ أَيُّمَا أَكْرَمُ عَلِيٍّ
 اللَّهُ؟ نَبِيِّكُمْ أَمْ سُلَيْمَانَ؟ قَالُوا نَبِيَّنَا. فَقِيلَ لَهُ: مَا حَاجَتُكَ فِي قِتَالِ مُعَاوِيَةَ إِلَى الْأَنْصَارِ؟
 قَالَ: إِنَّمَا أَدْعُو هَؤُلَاءِ لِثُبُوتِ الْحُجَّةِ وَكَمَالِ الْمِخْنَةِ، وَلَوْ أُذِنَ لِي فِي الدُّعَاءِ بِهَلَاكِهِ
 لَمَا تَأَخَّرَ.

(١٦٣) ١- عيون أخبار الرضا عليه السلام ٩٠/١ ح ١: عَلِيٌّ بْنُ يَقْطِينٍ قَالَ: اسْتَدْعَى الرَّشِيدُ رَجُلًا
 يُبْطِلُ بِهِ أَمْرَ أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عليه السلام وَيَقْطَعُهُ وَيُخْجَلُهُ فِي الْمَجْلِسِ،
 فَانْتَدَبَ لَهُ رَجُلٌ مُعَزِّمٌ، فَلَمَّا أُحْضِرَتِ الْمَائِدَةُ عَمِلَ نَامُوسًا عَلَى الْخُبْزِ، فَكَانَ كَلِمًا
 رَامَ خَادِمُ أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام تَنَاوَلَ رَغِيفًا مِنَ الْخُبْزِ طَارَ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَاسْتَفَزَّ هَارُونَ
 الْفَرَحُ وَالضَّحِكُ لِذَلِكَ فَلَمْ يَلْبَثْ أَبُو الْحَسَنِ عليه السلام أَنْ رَفَعَ رَأْسَهُ إِلَى أَسَدٍ مُصَوَّرٍ عَلَى
 بَعْضِ السُّتُورِ.

فَقَالَ لَهُ: يَا أَسَدَ اللَّهِ خُذْ عَدُوَّ اللَّهِ، قَالَ: فَوَثَبَتْ تِلْكَ الصُّورَةُ كَأَعْظَمِ مَا يَكُونُ مِنَ
 السَّبَاعِ فَافْتَرَسَتْ ذَلِكَ الْمُعَزِّمَ فَخَرَّ هَارُونَ وَتُدَمَاؤُهُ عَلَى وُجُوهِهِمْ مَغْشِيًّا عَلَيْهِمْ
 وَطَارَتْ عُقُولُهُمْ خَوْفًا مِنْ هَوْلِ مَا رَأَوْهُ، فَلَمَّا أَفَاقُوا مِنْ ذَلِكَ بَعْدَ حِينٍ قَالَ هَارُونَ
 لِأَبِي الْحَسَنِ عليه السلام: أَسَأَلُكَ بِحَقِّي عَلَيْكَ لَمَّا سَأَلْتَ الصُّورَةَ أَنْ تَرُدَّ الرَّجُلَ، فَقَالَ إِنَّ
 كَانَتْ عَصَا مُوسَى رَدَّتْ مَا ابْتَلَعَتْهُ مِنْ حِبَالِ الْقَوْمِ وَعِصِيَّتِهِمْ، فَإِنَّ هَذِهِ الصُّورَةَ تَرُدُّ مَا
 ابْتَلَعَتْهُ مِنْ هَذَا الرَّجُلِ.

عَلِيٌّ
 لَوْلَا كَيْدُ الْفِرْعَوْنِ
 لَمْ يَكُنْ

٢- الثاقب في المناقب ١٥٤ ح ٢: أبو الصّامِت، قال: قلتُ لأبي عبدِ اللهِ عليه السلام: أعطني شيئاً أزدادُ به يقيناً، وأنفي الشكَّ من قلبي، قال لي: هات ما معك وكان في كمي مفتاحٌ، فناولتهُ، فإذا المفتاحُ أسدٌ ففرغتُ منه، ثمَّ قال: أنحُ وجهك عني ففعلتُ، فعاد مفتاحاً.

(١٦٤) مشارق أنوار اليقين ٢٧١: رواه صاحب عيون الأخبار، قال: إنَّ أمير المؤمنين عليه السلام مرَّ في طريق فسأيره خيبريٌّ فمرَّ بوادٍ قد سأل، فركب الخيبريُّ مرطه وعبر على الماء، ثمَّ نادى أمير المؤمنين عليه السلام: يا هذا! لو عرفتَ كما عرفتَ لجرّيت كما جرّيت، فقال له أمير المؤمنين: مكانك، ثمَّ أومأ إلى الماء فجمدَ ومرَّ عليه. فلما رأى الخيبريُّ ذلك أكبَّ على قدميه وقال: يا فتى! ما قلتَ حتّى حولت الماء حجراً؟.

فقال له أمير المؤمنين عليه السلام: فما قلتَ أنت حتّى عبرت على الماء؟ فقال الخيبريُّ: أنا دعوتُ الله باسمه الأعظم، فقال أمير المؤمنين عليه السلام: وما هو؟ قال: سألتُهُ باسمِ وصيِّ مُحَمَّدٍ، فقال أمير المؤمنين: أنا وصيُّ مُحَمَّدٍ، فقال الخيبريُّ: إنَّه الحقُّ. ثمَّ أسلم.

(١٦٥) ١- بصائر الدرجات ٤٢٧ ح ١٠: عن أبي جعفر عليه السلام قال: إنَّ بيننا وبين كلِّ أرضٍ ترأُّ مثل ترُّ البناء، فإذا أمرنا في الأرضِ بأمرٍ جذبنا ذلك التُّرَّ، فأقبلت الأرضُ بقلبيها وأسواقها ودورها حتّى تنفذَ فيها ما نُؤمرُ به من أمر الله تعالى.

٢- علل الشرائع ٥٥٥/٢ ح ٥: قال تميمُ بنُ جَدِيمٍ: كُنَّا مع عليٍّ عليه السلام حيثُ توجَّهنا إلى البصرة، قال فبينما نحنُ نزولٌ إذا اضطربت الأرضُ فضربتها عليٌّ عليه السلام بيده، ثمَّ قال لها: ما لك؟ ثمَّ أقبل علينا بوجهه، ثمَّ قال لنا: أما إنها لو كانت الزلزلة التي ذكرها الله عز وجل في كتابه لأجابتنى ولكنها ليست بتلك.

(١٦٦) علل الشرائع ٣٥١/٢ ح ٣: قالت أمُّ جعفرٍ: خرجتُ مع جدّتي أسماء بنتِ عميسَ وعمِّي عبدِ اللهِ بنِ جعفرٍ حتّى إذا كُنَّا بالضهياء حدثتني أسماء بنتُ عميسَ قالت: يا بُنيّة! كُنَّا مع رسولِ اللهِ صلى الله عليه وآله في هذا المكانِ فصلَّى رسولُ اللهِ صلى الله عليه وآله الظهرَ ثمَّ دعا عليّاً فاستعان به في بعض حاجته، ثمَّ جاءتِ العَصْرُ، فقام النبيُّ صلى الله عليه وآله فصلَّى العَصْرَ،



فَجَاءَ عَلِيٌّ عليه السلام فَقَعَدَ إِلَى جَنْبِ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله وسلم، فَأَوْحَى اللَّهُ إِلَى نَبِيِّهِ فَوَضَعَ رَأْسَهُ فِي حَجَرٍ عَلِيٌّ عليه السلام حَتَّى غَابَتِ الشَّمْسُ لَا يُرَى مِنْهَا شَيْءٌ عَلَى أَرْضٍ وَلَا جَبَلٍ، ثُمَّ جَلَسَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله وسلم، فَقَالَ لِعَلِيِّ عليه السلام: هَلْ صَلَّيْتَ الْعَصْرَ؟ فَقَالَ: لَا يَا رَسُولَ اللَّهِ! أَنْبَتُ أَنَّكَ لَمْ تُصَلِّ فَلَمَّا وَضَعْتَ رَأْسَكَ فِي حَجَرِي لَمْ أَكُنْ لِأَحْرَكَةٍ، فَقَالَ: اللَّهُمَّ إِنَّ هَذَا عَبْدُكَ عَلِيٌّ أَحْتَبَسَ نَفْسَهُ عَلَى نَبِيِّكَ، فَرُدَّ عَلَيْهِ شَرْقَهَا فَطَلَعَتِ الشَّمْسُ، فَلَمْ يَبْقَ جَبَلٌ وَلَا أَرْضٌ إِلَّا طَلَعَتْ عَلَيْهِ الشَّمْسُ، ثُمَّ قَامَ عَلِيٌّ عليه السلام فَتَوَضَّأَ وَصَلَّى ثُمَّ انْكَسَفَتْ.

(١٦٧) ١- بصائر الدرجات ٢٧٤ ح ٣: عَنِ الْحَارِثِ، قَالَ: خَرَجْنَا مَعَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام حَتَّى انْتَهَيْنَا إِلَى الْعَاقُولِ، فَإِذَا هُوَ بِأَصْلِ شَجَرَةٍ قَدْ وَقَعَ لِحَاوُهَا وَبَقِيَ عَمُودُهَا فَضْرَبَهَا بِيَدِهِ، ثُمَّ قَالَ: ارْجِعِي يَا ذَنُّ اللَّهِ خَضْرَاءَ مُثْمِرَةً، فَإِذَا هِيَ تَهْتَزُّ بِأَغْصَانِهَا الْكُمَثْرَى فَقَطَعْنَا وَأَكَلْنَا وَحَمَلْنَا مَعَنَا، فَلَمَّا كَانَ مِنَ الْعَدِ غَدَوْنَا فَإِذَا نَحْنُ بِهَا خَضْرَاءَ فِيهَا الْكُمَثْرَى.

٢- بصائر الدرجات ٣٩٥ ح ٣: عَنِ عَلِيِّ بْنِ الشَّمَالِيِّ، عَنِ بَعْضِ مَنْ حَدَّثَهُ، عَنِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام أَنَّهُ كَانَ مَعَ أَصْحَابِهِ فِي مَسْجِدِ الْكُوفَةِ فَقَالَ لَهُ رَجُلٌ: يَا أَبَايَ أَنْتَ وَأُمَّيَ إِنِّي لَا تَعْجَبُ مِنْ هَذِهِ الدُّنْيَا الَّتِي فِي أَيْدِي هَؤُلَاءِ الْقَوْمِ وَلَيْسَتْ عِنْدَكُمْ، فَقَالَ يَا فُلَانُ! أَتَرَى أَنَّمَا نُرِيدُ الدُّنْيَا فَلَا نُعْطَاهَا! ثُمَّ قَبَضَ قَبْضَةً مِنَ الْحَصَى فَإِذَا هِيَ جَوَاهِرُ، فَقَالَ: مَا هَذَا؟ فَقُلْتُ: هَذَا مِنْ أَجْوَدِ الْجَوَاهِرِ، فَقَالَ: لَوْ أَرَدْنَا لَكَانَ وَلَكِنْ لَا نُرِيدُهُ، ثُمَّ رَمَى بِالْحَصَى فَعَادَتْ كَمَا كَانَتْ.

(١٦٨) ١- بصائر الدرجات ٣٦٢ ح ٥: عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ، عَنِ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: كُنْتُ عِنْدَهُ يَوْمًا إِذْ وَقَعَ زَوْجُ وَرْشَانَ عَلَى الْحَائِطِ وَهَدَا هَدِيْلَهُمَا فَرَدَّ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام عَلَيْهِمَا كَلَامَهُمَا سَاعَةً، ثُمَّ نَهَضَا فَلَمَّا طَارَا عَلَى الْحَائِطِ هَدَلَ الذُّكْرُ عَلَى الْأُنْثَى سَاعَةً، ثُمَّ نَهَضَا فَقُلْتُ: جُعِلَتْ فِدَاكَ مَا هَذَا الطَّيْرُ؟ قَالَ: يَا بَنَ مُسْلِمٍ! كُلُّ شَيْءٍ خَلَقَهُ اللَّهُ مِنْ طَيْرٍ أَوْ بَهِيمَةٍ أَوْ شَيْءٍ فِيهِ رُوحٌ فَهُوَ أَسْمَعُ لَنَا وَأَطْوَعُ مِنْ ابْنِ آدَمَ إِنَّ هَذَا الْوَرْشَانَ ظَنَّ بِأَمْرَاتِهِ فَخَلَفَتْ لَهُ مَا فَعَلْتُ، فَقَالَتْ تَرْضَى بِمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ فَرَضِيَا بِي فَأَخْبَرْتُهُ



أَنَّ لَهَا ظَالِمٌ فَصَدَّقَهَا.

٢- بصائر الدرجات ٣٦٩ ح ٨: عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ خَالِدٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: كَانَ مَعَنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ الْبَلْخِيُّ وَمَعَهُ إِذَا هُوَ بَطْبِي يَتَغَو وَيُحْرِكُ ذَنْبَهُ، فَقَالَ لَهُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: أَفَعَلُ إِنْ شَاءَ اللَّهُ، قَالَ: ثُمَّ أَقْبَلَ عَلَيْنَا فَقَالَ: عَلِمْتُمْ مَا قَالَ الظُّبِّي؟ قُلْنَا: اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَأَبْنُ رَسُولِهِ أَعْلَمُ.

فَقَالَ إِنَّهُ أَتَانِي فَأَخْبَرَنِي أَنَّ بَعْضَ أَهْلِ الْمَدِينَةِ نَصَبَ شَبَكَةَ لِأَنْثَاهُ فَأَخَذَهَا وَلَهَا خِشْفَانٍ لَمْ يَنْهَضَا وَلَمْ يَقْوِيَا لِلرَّغْيِ، قَالَ فَيَسْأَلْنِي أَنْ أَسْأَلَهُمْ أَنْ يُطْلِقُوهَا وَضَمِنَ لِي أَنْ إِذَا أَرْضَعَتْ خِشْفَيْهَا حَتَّى يَقْوِيَا أَنْ يَرُدَّهَا عَلَيْهِمْ، قَالَ: فَاسْتَحْلَفْتُهُ، قَالَ: بَرِئْتُ مِنْ وَلَايَتِكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ إِنْ لَمْ أَفِ وَأَنَا فَاعِلٌ ذَلِكَ بِهِ إِنْ شَاءَ اللَّهُ، فَقَالَ الْبَلْخِيُّ: سُنَّةٌ فِيكُمْ كَسُنَّةِ سُلَيْمَانَ عليه السلام.

(١٦٩) ١- بصائر الدرجات ٢٩٤ ح ٥: عَنْ دَاوُدَ بْنِ كَثِيرِ الرَّقِيِّ قَالَ: حَجَّ رَجُلٌ مِنْ أَصْحَابِنَا فَدَخَلَ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: فَقَالَ: فِدَاكَ أَبِي وَأُمِّي، إِنْ أَهْلِي قَدْ تَوَفَّيْتُ وَبَقِيْتُ وَحِيدًا، فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: أَفَكُنْتَ تُحِبُّهَا؟ قَالَ: نَعَمْ جُعِلْتُ فِدَاكَ، قَالَ: ارْجِعْ إِلَى مَنْزِلِكَ فَإِنَّكَ سَتَرْجِعُ إِلَى الْمَنْزِلِ وَهِيَ تَأْكُلُ، قَالَ: فَلَمَّا رَجَعْتُ مِنْ حَجَّتِي وَدَخَلْتُ مَنْزِلِي رَأَيْتُهَا قَاعِدَةً وَهِيَ تَأْكُلُ.

٢- الخرائج والجرائح ٢٩٤/١ ح ١: عَنْ الْمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ، قَالَ: كُنْتُ أَمْشِي مَعَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عليه السلام بِمَكَّةَ أَوْ بِمِنَى، إِذْ مَرَرْنَا بِامْرَأَةٍ بَيْنَ يَدَيْهَا بَقْرَةٌ مَيْتَةٌ وَهِيَ مَعَ صَبِيَّةٍ لَهَا تَبْكِيَانِ، فَقَالَ عليه السلام: مَا شَأْنُكَ؟ قَالَتْ: كُنْتُ وَصَبَايَايَ نَعِيشُ مِنْ هَذِهِ الْبَقْرَةِ وَقَدْ مَاتَتْ لَقَدْ تَحَيَّرْتُ فِي أَمْرِي، قَالَ: أَفْتَحِبِّينَ أَنْ يُحْيِيَهَا اللَّهُ لَكَ، قَالَتْ: أَوْ تَسْخَرُ مِنِّي مَعَ مُصِيبَتِي، قَالَ: كَلَّا، مَا أَرَدْتُ ذَلِكَ، ثُمَّ دَعَا بِدُعَاءٍ ثُمَّ رَكَضَهَا بِرِجْلِهِ وَصَاحَ بِهَا فَقَامَتِ الْبَقْرَةُ مُسْرَعَةً سَوِيَّةً، فَقَالَتْ: عَيْسَى ابْنُ مَرْيَمَ وَرَبُّ الْكَعْبَةِ، فَدَخَلَ الصَّادِقُ عليه السلام بَيْنَ النَّاسِ فَلَمْ تَعْرِفْهُ الْمَرْأَةُ.

(١٧٠) ١- بصائر الدرجات ٢٩٢ ح ٨: عَنْ أَبِي عَوْفٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: دَخَلْتُ



عَلَيْهِ فَأَلْطَفَنِي وَقَالَ إِنَّ رَجُلًا مَكْفُوفَ الْبَصَرِ أَتَى النَّبِيَّ ﷺ فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! ادْعُ اللَّهَ أَنْ يَرُدَّ عَلَيَّ بَصَرِي، قَالَ: فَدَعَا اللَّهَ فَرُدَّ عَلَيْهِ بَصَرُهُ، ثُمَّ أَتَاهُ آخِرُ فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! ادْعُ اللَّهَ لِي أَنْ يَرُدَّ عَلَيَّ بَصَرِي، قَالَ: فَقَالَ: الْجَنَّةُ أَحَبُّ إِلَيْكَ أَوْ يُرَدُّ عَلَيْكَ بَصْرُكَ؟ قَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! وَإِنْ ثَوَّبَهَا الْجَنَّةُ، فَقَالَ: اللَّهُ أَكْرَمُ مِنْ أَنْ يَبْتَلِيَ عَبْدَهُ الْمُؤْمِنَ بِذَهَابِ بَصَرِهِ ثُمَّ لَا يُشِيْبُهُ الْجَنَّةُ.

٢- الاحتجاج ٣٣٢/١: ...، وَلَقَدْ أَتَاهُ رَجُلٌ مِنْ جُهَيْنَةَ أَجْذَمٌ يَتَقَطَّعُ مِنَ الْجُدَامِ فَشَكَا إِلَيْهِ ﷺ فَأَخَذَ قَدْحًا مِنْ مَاءٍ فَتَمَلَّ فِيهِ، ثُمَّ قَالَ: امْسَحْ بِهِ جَسَدَكَ فَفَعَلَ قَبْرًا حَتَّى لَمْ يُوْجَدْ فِيهِ شَيْءٌ.

(١٧١) الخرائج والجرائح ٢٣١/١ ح ٧٦: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ أَبِيهِ ﷺ أَنَّ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ لَمَّا قَدِمَ مِنْ صِيفِينَ وَقَفَ عَلَى شَاطِئِ الْفُرَاتِ، ثُمَّ انْتَرَعَ سَهْمًا مِنْ كِنَانَتِهِ ثُمَّ أَخْرَجَ مِنْهَا قَضِيًّا أَصْفَرَ فَضْرَبَ بِهِ الْفُرَاتَ وَقَالَ: انْفَجِرِي فَاَنْفَجَرَتْ اثْنَا عَشْرَةَ عَيْنًا كُلُّ عَيْنٍ كَالطُّوْدِ وَالنَّاسُ يَنْظُرُونَ إِلَيْهِ، ثُمَّ تَكَلَّمَ بِكَلَامٍ لَمْ يَفْهَمُوهُ، فَأَقْبَلَتِ الْحَيْتَانُ رَافِعَةً رُءُوسَهَا بِالتَّهْلِيلِ وَالتَّكْبِيرِ وَقَالَتْ: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ فِي أَرْضِهِ! وَيَا عَيْنَ اللَّهِ فِي عِبَادِهِ! خَذَلْكَ قَوْمُكَ بِصِيفِينَ كَمَا خَذَلَ هَارُونَ بْنُ عِمْرَانَ قَوْمَهُ، فَقَالَ لَهُمْ: أَسَمِعْتُمْ؟ قَالُوا: نَعَمْ، قَالَ: فَهَذِهِ آيَةٌ لِي عَلَيْكُمْ وَقَدْ أَشْهَدْتُكُمْ عَلَيْهِ.

(١٧٢) الخرائج والجرائح ١٧٤/١ ح ٧: عَنْ رُمَيْلَةَ، أَنَّ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ مَرَّ بِرَجُلٍ يَخْبِطُ هُوَ هُوَ، فَقَالَ: يَا شَابُّ! لَوْ قَرَأْتَ الْقُرْآنَ لَكَانَ خَيْرًا لَكَ، فَقَالَ: إِنِّي لَا أَحْسِنُهُ وَلَوْ دِدْتُ أَنْ أَحْسِنَ مِنْهُ شَيْئًا، فَقَالَ: اذْنُ مِنِّي فَدَنَا مِنْهُ، فَتَكَلَّمَ فِي أُذُنِهِ بِشَيْءٍ خَفِيِّ، فَصَوَّرَ اللَّهُ الْقُرْآنَ كُلَّهُ فِي قَلْبِهِ، فَحَفِظَ كُلَّهُ.

(١٧٣) كمال الدين ٦٧٥ ح ٣٠: عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ﷺ قَالَ: إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَضَعَ يَدَهُ عَلَى رُءُوسِ الْعِبَادِ فَجَمَعَ بِهَا عُقُولَهُمْ وَكَمَلَتْ بِهَا أَخْلَاقَهُمْ.

(١٧٤) ١- إثبات الهداة ٣٥٧/٧ ح ١٣٧: عَنْ كِتَابِ إِثْبَاتِ الرَّجْعَةِ، لِلْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ ﷺ أَنَّهُ رَوَى بِإِسْنَادٍ صَحِيحٍ، عَنِ الصَّادِقِ ﷺ، أَنَّهُ قَالَ: مَا مِنْ مُعْجَزَةٍ مِنْ مُعْجَزَاتِ



الأنبياء والأوصياء إلا ويظهر الله عز وجل مثلها في يد قائمنا لإتمام الحجّة على الأعداء.
 ٢- مكيال المكارم ١٦٤/١: عن الصادق عليه السلام قال: يأتي إلى القائم عليه السلام حين يظهر رجل من إصفهان ويطلب منه معجزة إبراهيم خليل الرحمن، فيأمر عليه السلام أن توقد نار عظيمة ويقرأ قوله تعالى: ﴿فَسُبْحَانَ الَّذِي بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ﴾ ثم يدخل في النار ثم يخرج منها سالماً، فينكر الرجل لعنة الله تعالى عليه ويقول: هذا سحر، فيأمر القائم عليه السلام النار فتأخذه وتخرقه فيحترق، ويقول: هذا جزاء من أنكر صاحب الزمان وحجّة الرحمن.

(١٧٦) كمال الدين ٤١٦ ح ٩: هشام بن سالم، قال: قلت للصادق عليه السلام: هل يكون إمامان في وقت؟ قال: لا إلا أن يكون أحدهما صامتاً مأموماً لصاحبه والآخر ناطقاً إماماً لصاحبه.

(١٧٧) ١- من لا يحضره الفقيه ٦١٦/٢: في الزيارة الجامعة: إن ذكر الخير كنتم أوله وأصله وفرعه ومعدنه ومأواه ومُنْتَهَاهُ.

٢- الاحتجاج ٤١٦/١: قال الحسن بن علي عليه السلام: نحن أهل بيت الرحمة ومعدن الكرامة وموضع الخيرة.

(١٧٨) كمال الدين وتمام النعمة ٢٦٠ ح ٥: عن الباقر عليه السلام: بهم يرزق الله عباده، وبهم يعمّر بلادهم، وبهم ينزل القطر من السماء، وبهم تخرج بركات الأرض.

(١٧٩) ١- الخصال ٥٢٧ ح ١: عن أبي الحسن الرضا عليه السلام قال: الإمام، أشفق عليهم (شيعتنا) من آبائهم وأمهاتهم.

٢- الكافي ٢٠٠/١ ح ١: عن أبي الحسن الرضا عليه السلام قال: الإمام، الأم البرة بالولد الصغير.

٣- بحار الأنوار ١٢٦/٦٤ ح ٢٧: عن أبي عبد الله عليه السلام قال: قلوبنا تعطف عليهم (شيعتنا) كعطف الوالد على الولد.



(١٨٠) المزار للمشهدي ٥٨٧: زيارته عليه السلام: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى مَنْ فِي الْأَرْضِ
وَالسَّمَاءِ، أَشْهَدُ أَنَّكَ الْحُجَّةُ عَلَى مَنْ مَضَى وَمَنْ بَقِيَ.

(١٨١) ١- الخرائج والجرائح ٥٩٥/٢ ح ٧: عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: لَيْسَ تَرَوْنَ أَنَّهُ لَيْسَ
لَنَا مَعَكُمْ أَعْيُنٌ نَاطِرَةٌ أَوْ أَسْمَاعٌ سَامِعَةٌ، لِبِئْسَ مَا رَأَيْتُمْ، وَاللَّهِ لَا يَخْفَى عَلَيْنَا شَيْءٌ
مِنْ أَعْمَالِكُمْ.

٢- بصائر الدرجات ٤٦٣ ح ٨: عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام قَالَ: إِنَّمَا مَنَزَلَةُ الْإِمَامِ فِي الْأَرْضِ
بِمَنَزَلَةِ الْقَمَرِ فِي السَّمَاءِ وَفِي مَوْضِعِهِ هُوَ مُطَّلِعٌ عَلَى جَمِيعِ الْأَشْيَاءِ كُلِّهَا.
(١٨٢) ١- من لا يحضره الفقيه ٦٠٩/٢: فِي الزِّيَارَةِ الْجَامِعَةِ: السَّلَامُ عَلَى الذَّادَةِ الْحَمَاءَةِ.

٢- اليقين ٣١٨: عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام وَهُوَ يَقُولُ: أَمِنُ لِمَنْ التَّجَأَ إِلَيْهِمْ، وَأَمَانٌ لِمَنْ
تَمَسَّكَ بِهِمْ.

(١٨٣) ١- الفضائل لابن شاذان ٨٣: عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله: أَنَا حَبْلُ اللَّهِ الْمَتِينُ الَّذِي أَمَرَ
اللَّهُ تَعَالَى خَلْقَهُ أَنْ يَعْصِمُوا بِهِ فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: ﴿وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا﴾.

٢- تفسير فرات الكوفي ٢٥٨ ح ١٠: عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله: نَحْنُ حَبْلُ اللَّهِ الْمَتِينُ الَّذِي
مَنْ اعْتَصَمَ بِهِ هُدِيَ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ.

(١٨٤) المزار للمشهدي ٤٠٠: عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عليه السلام قَالَ: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ
مُحَمَّدٍ الْكَهْفِ الْحَصِينِ، وَغِيَاثِ الْمُضْطَرِّ الْمُسْتَكِينِ، وَمَلْجَأِ الْهَارِبِينَ، وَعِصْمَةِ
الْمُعْتَصِمِينَ.

(١٨٥) تفسير فرات الكوفي ٣٤٨ ح ٢: عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: نَحْنُ سَفِينَتُكُمْ كَسَفِينَةِ
نُوحٍ.

(١٨٧) ١- تفسير القمي ٣٦٥/١: قَوْلُهُ: ﴿الَّذِينَ آمَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ﴾ قَالَ عليه السلام:
الَّذِينَ آمَنُوا: الشَّيْعَةُ، وَذِكْرُ اللَّهِ: أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْأئِمَّةَ عليهم السلام.



٢- تفسير العياشي ٢١١/٢ ح ٤٤: عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عليه السلام فِي قَوْلِهِ قَالَ: ﴿أَلَا بَدِكرِ
اللَّهِ تَطْمِئِنُّ الْقُلُوبُ﴾ قَالَ: بِمُحَمَّدٍ عليه السلام تَطْمِئِنُّ الْقُلُوبُ وَهُوَ ذِكْرُ اللَّهِ وَحِجَابُهُ.
(١٨٨) الكافي ٢٠٠/١ ح ١: عَنْ الرُّضَاءِ عليه السلام قَالَ: الإِمَامُ، الأُمُّ البِرَّةُ بِالأَوْلَادِ الصَّغِيرِ.
(١٨٩) من لا يحضره الفقيه ٤١٨/٤: عَنْ أَبِي الحَسَنِ الرُّضَاءِ عليه السلام: الإِمَامُ، يَكُونُ أَوْلَى
بِالنَّاسِ مِنْهُمْ بِأَنْفُسِهِمْ.

(١٩١) ١- بصائر الدرجات ٨٢ ح ١٠: عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: نَحْنُ أَصُولُ الدِّينِ.
٢- نهج البلاغة ٣٠/١: عَنْ أميرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام قَالَ: هُمْ أَساسُ الدِّينِ.
(١٩٢) تأويل الآيات ١٩/١ ح ٢: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: نَحْنُ الصَّلَاةُ فِي كِتَابِ
اللَّهِ عز وجل، وَنَحْنُ الزَّكَاةُ، وَنَحْنُ الصِّيَامُ، وَنَحْنُ الحَجُّ، وَنَحْنُ الشَّهْرُ الحَرَامُ، وَنَحْنُ
البَلَدُ الحَرَامُ، وَنَحْنُ كَعْبَةُ اللَّهِ، وَنَحْنُ قِبْلَةُ اللَّهِ.

(١٩٣) نهج البلاغة ٣٠/١: عَنْ أميرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام قَالَ: هُمْ أَساسُ الدِّينِ.
(١٩٤) ١- نهج البلاغة ١٨٩/١: مِنْ خُطْبَةٍ لَهُ عليه السلام: انظُرُوا أَهْلَ بَيْتِ نَبِيِّكُمْ فَالزَّمُوا سَمْتَهُمْ،
وَاتَّبِعُوا أَثَرَهُمْ، فَلَنْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ هُدًى وَلَنْ يُعِيدُوكُمْ فِي رَدًى، فَإِنْ لَبَدُوا فَالْبَدُوا،
وَإِنْ نَهَضُوا فَانْهَضُوا، وَلَا تَسْبِقُوهُمْ فَتَضِلُّوا، وَلَا تَتَأَخَّرُوا عَنْهُمْ فَتَهْلِكُوا.
٢- من لا يحضره الفقيه ٦٠٩/٢: فِي الزِّيَارَةِ الجَامِعَةِ: مَنْ أَرَادَ اللَّهُ بَدَأَ بِكُمْ وَمَنْ وَحَدَهُ
قَبْلَ عَنكُمْ وَمَنْ قَصَدَهُ تَوَجَّهَ بِكُمْ، مَوَالِيٌّ لَا أَحْصِي ثَنَاءَكُمْ وَلَا أَبْلَغُ مِنَ المَدْحِ
كُنْهَكُمْ وَمِنَ الوَصْفِ قَدْرَكُمْ.

(١٩٥) ١- الكافي ٥٥٩/٤ ح ٥: إِذَا أَتَيْتَ القَبْرَ الَّذِي بِالبَقِيعِ فَاجْعَلْهُ بَيْنَ يَدَيْكَ ثُمَّ تَقُولُ:
السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أئِمَّةَ الهُدَى، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ التَّقْوَى.

٢- تفسير فرات الكوفي ٣٩٦ ح ١١: عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: هُمْ أئِمَّةُ الهُدَى وَالدُّعَاةُ
إِلَى التَّقْوَى.



(١٩٦) ١- بصائر الدرجات ٣٣ ح ١: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: ﴿وَمَنْ أَضَلُّ مِمَّنْ اتَّبَعَ هَوَاهُ بِغَيْرِ هُدًى مِنَ اللَّهِ﴾ يَعْنِي مَنْ يَتَّخِذُ دِينَهُ رَأْيَهُ بِغَيْرِ هُدًى إِمَامٍ مِنْ أُمَّةِ الْهُدَى.

٢- كمال الدين ٣٢٤ ح ٩: قَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عليه السلام: إِنَّ دِينَ اللَّهِ لَا يُصَابُ بِالْعُقُولِ النَّاقِصَةِ وَالْآرَاءِ الْبَاطِلَةِ وَالْمَقَائِيسِ الْفَاسِدَةِ، وَلَا يُصَابُ إِلَّا بِالتَّسْلِيمِ، فَمَنْ سَلَّمَ لَنَا سَلَّمَ وَمَنْ اهْتَدَى بِنَا هُدًى، وَمَنْ دَانَ بِالْقِيَاسِ وَالرَّأْيِ هَلَكَ، وَمَنْ وَجَدَ فِي نَفْسِهِ شَيْئًا مِمَّا نَقُولُهُ أَوْ نَقْضِي بِهِ حَرْجًا كَفَرَ بِالَّذِي أَنْزَلَ السَّبْعَ الْمَثَانِي وَالْقُرْآنَ الْعَظِيمَ وَهُوَ لَا يَعْلَمُ.

(١٩٧) المزار للمشهدي ٢٠٥: زيارَةُ أُخْرَى لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ وُلِدَ فِي الْكَعْبَةِ.

(١٩٨) روضة الواعظين ٨٣: وَقَدْ جَاءَ لَهَا الْمَخَاضُ وَهِيَ بَيْنَ النَّسَاءِ وَالْقَوَابِلِ حَوْلَهَا فَقَالَ حَبِيبِي جَبْرَائِيلُ يَا مُحَمَّدًا! نَسَجَفُ بَيْنَهَا وَبَيْنَكَ سِجْفًا فَإِذَا وَضَعْتَ بَعْلِي تَتَلَقَّاهُ فَفَعَلْتُ مَا أَمَرْتُ بِهِ ثُمَّ قَالَ لِي: اْمُدِّدْ يَدَكَ يَا مُحَمَّدًا! فَمَدَدْتُ يَدِي الْيُمْنَى نَحْوَ أُمِّهِ فَإِذَا أَنَا بِعَلِيِّ عَلَى يَدِي وَاضِعًا يَدَهُ الْيُمْنَى فِي أُذُنِهِ الْيُمْنَى وَهُوَ يُؤَدِّنُ وَيُقِيمُ بِالْحَنِيفِيَّةِ وَيَشْهَدُ بِوَحْدَانِيَّةِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَبِرِسَالَاتِي ثُمَّ انْتَشَى إِلَيَّ وَقَالَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ! ثُمَّ قَالَ لِي: يَا رَسُولَ اللَّهِ! أَقْرَأُ قُلْتَ أَقْرَأُ فَوَالَّذِي نَفْسُ مُحَمَّدٍ بِيَدِهِ لَقَدْ ابْتَدَأَ بِالصُّحُفِ الَّتِي أَنْزَلَهَا اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَلَى آدَمَ فَقَامَ بِهَا ابْنُهُ شِيثٌ فَتَلَاهَا مِنْ أَوَّلِ حَرْفٍ فِيهَا إِلَى آخِرِ حَرْفٍ فِيهَا حَتَّى لَوْ حَضَرَ شِيثٌ لَأَقْرَأَ لَهُ أَنَّهُ أَحْفَظُ لَهُ مِنْهُ ثُمَّ تَلَا صُحُفَ نُوحٍ ثُمَّ صُحُفَ إِبْرَاهِيمَ ثُمَّ قَرَأَ تَوْرَةَ مُوسَى حَتَّى لَوْ حَضَرَ مُوسَى لَأَقْرَأَ لَهُ بِأَنَّهُ أَحْفَظُ لَهَا مِنْهُ ثُمَّ قَرَأَ زُبُورَ دَاوُدَ حَتَّى لَوْ حَضَرَ دَاوُدُ لَأَقْرَأَ بِأَنَّهُ أَحْفَظُ لَهَا مِنْهُ ثُمَّ قَرَأَ إِنْجِيلَ عِيسَى حَتَّى لَوْ حَضَرَ عِيسَى لَأَقْرَأَ بِأَنَّهُ أَحْفَظُ لَهَا مِنْهُ ثُمَّ قَرَأَ الْقُرْآنَ الَّذِي أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَيَّ مِنْ أَوَّلِهِ إِلَى آخِرِهِ فَوَجَدْتُهُ يَحْفَظُ كَحِفْظِي لَهُ السَّاعَةَ مِنْ غَيْرِ أَنْ أَسْمَعَ مِنْهُ آيَةً ثُمَّ خَاطَبَنِي وَخَاطَبْتُهُ بِمَا يُخَاطَبُ الْأَنْبِيَاءَ الْأَوْصِيَاءَ ثُمَّ عَادَ إِلَيَّ حَالِ طِفُولِيَّةٍ.



(٢٠٠) الخصال ٥٨٠: قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنِّي كُنْتُ أُصَلِّي فِي الْمَسْجِدِ فَجَاءَ سَائِلٌ فَسَأَلَ وَأَنَا رَاكِعٌ، فَنَاولَتْهُ خَاتَمِي مِنْ إصْبَعِي، فَأَنْزَلَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى فِي: ﴿إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ﴾.

(٢٠٢) تفسير العياشي ٢٤٧/١ ح ١٥٣: قَالَ الْبَاقِرُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: ﴿أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ﴾ إِيَّانَا عَنَى خَاصَّةً.

(٢٠٣) ١- مشارق أنوار اليقين ٢٠٥: عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: الْإِمَامُ يَرَى مَا بَيْنَ الشَّرْقِ وَالْغَرْبِ، فَلَا يَخْفَى عَلَيْهِ شَيْءٌ مِنْ عَالَمِ الْمَلِكِ وَالْمَلَكُوتِ.

٢- بحار الأنوار ٣٤٩/٩٧: زِيَارَةٌ أُخْرَى لَهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَنْتَ (أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ) عَيْنُهُ (اللَّهُ) الْحَفِيظَةُ الَّتِي لَا تَخْفَى عَلَيْهَا خَافِيَةٌ.

(٢٠٤) ١- بصائر الدرجات ٣٩٥ ح ٥: عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِنَّ اللَّهَ أَقْدَرَنَا عَلَى مَا نُرِيدُ. ٢- بحار الأنوار ٣٤٩/٩٧: زِيَارَةٌ أُخْرَى لَهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَنْتَ (أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ) الْمُحِيطُ بِكُلِّ شَيْءٍ.

(٢٠٥) من لا يحضره الفقيه ٦٠٩/٢: فِي الزِّيَارَةِ الْجَامِعَةِ: عَصَمَكُمُ اللَّهُ مِنَ الزَّلَلِ وَآمَنَكُمُ مِنَ الْفِتَنِ وَطَهَّرَكُمُ مِنَ الدَّنَسِ وَأَذْهَبَ عَنْكُمُ الرَّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَطَهَّرَكُمُ تَطْهِيراً.

(٢٨٣) ١- مشارق أنوار اليقين ١٧٧: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: الْإِمَامُ مَلِكِي الذَّاتِ، إِلَهِي الصِّفَاتِ، وَأَنْهُمْ صِفَاتُ اللَّهِ وَصَفَوْتُهُ.

٢- تأويل الآيات ٣٩٧/١ ح ٢٧: عَنْ الْكَاطِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: أَقَامَهُمْ مَقَامَ نَفْسِهِ؛ لِأَنَّهُ لَا يُرَى وَلَا يُدْرَكُ وَلَا تُعْرَفُ كَيْفِيَّتُهُ وَلَا إِنِّيَّتُهُ.

(٢٨٤) ١- بحار الأنوار: ٥/٢٦: عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: الْإِمَامُ عَلِمَ مَا فِي الضَّمَائِرِ وَالْقُلُوبِ.

٢- المناقب (كتاب عتيق) ٧٥: عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: أَنَا عَالِمٌ بِضَمَائِرِ قُلُوبِكُمْ.

(٢٨٥) ١- بصائر الدرجات ٨٣ ح ١١: عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: نَحْنُ شُهَدَاءُ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ.



٢- جمال الأسبوع ٣٠٧: عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرُّضَاءِ عليه السلام قَالَ: عَيْنِكَ النَّظِيرَةُ عَلَى بَرِيَّتِكَ وَشَاهِدِكَ عَلَى عِبَادِكَ.

(٢٨٦) المزار للمشهدي ٢٩٣: عَنْ الصَّادِقِ عليه السلام قَالَ: وَوَرِثَةُ الْأَنْبِيَاءِ.

(٢٨٧) الكافي ٦٣٣/٢ ح ٢٣: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: إِذَا قَامَ الْقَائِمُ عليه السلام قَرَأَ كِتَابَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ عَلَى حَدِّهِ وَأَخْرَجَ الْمُصْحَفَ الَّذِي كَتَبَهُ عَلَيَّ عليه السلام وَقَالَ: أَخْرَجَهُ عَلَيَّ عليه السلام إِلَى النَّاسِ حِينَ فَرَّغَ مِنْهُ وَكَتَبَهُ فَقَالَ لَهُمْ: هَذَا كِتَابُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ كَمَا أَنْزَلَهُ اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ صلى الله عليه وآله وَقَدْ جَمَعْتُهُ مِنَ اللَّوْحَيْنِ فَقَالُوا: هُوَ ذَا عِنْدَنَا مُصْحَفٌ جَامِعٌ فِيهِ الْقُرْآنُ لَا حَاجَةَ لَنَا فِيهِ، فَقَالَ: أَمَا وَاللَّهِ مَا تَرَوْنَهُ بَعْدَ يَوْمِكُمْ هَذَا أَبَدًا إِنَّمَا كَانَ عَلَيَّ أَنْ أَخْبِرَكُمْ حِينَ جَمَعْتُهُ لِتَقْرَءُوهُ.

(٢٨٨) بصائر الدرجات ٢١٧ ح ٢: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: قَدْ وُلِدَنِي رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله وَأَنَا أَعْلَمُ كِتَابَ اللَّهِ وَفِيهِ بَدَأَ الْخَلْقَ وَمَا هُوَ كَائِنٌ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَفِيهِ خَبَرُ السَّمَاءِ وَخَبَرُ الْأَرْضِ وَخَبَرُ الْجَنَّةِ وَخَبَرُ النَّارِ وَخَبَرُ مَا كَانَ وَخَبَرُ مَا هُوَ كَائِنٌ أَعْلَمُ ذَلِكَ كَمَا أَنْظُرُ إِلَى كَفِّي إِنَّ اللَّهَ يَقُولُ: ﴿فِيهِ تَبْيَانُ كُلِّ شَيْءٍ﴾.

(٢٨٩) بحار الأنوار ٢٤٧/٩٩: عَنْ الْأَئِمَّةِ عليه السلام: يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا! إِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيْ حَاجَاتِنَا، يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ! اشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ.

(٢٩٠) ١- المزار للمشهدي ٥٧٣: فِي دُعَاءِ النَّدْبَةِ: أَيُّنَ الْمُدَّخِرِ لِتَجْدِيدِ الْفَرَائِضِ وَالسُّنَنِ؟ أَيُّنَ الْمُتَخَيِّرِ لِإِعَادَةِ الْمِلَّةِ وَالشَّرِيعَةِ؟ أَيُّنَ الْمُؤَمِّلِ لِإِحْيَاءِ الْكِتَابِ وَحُدُودِهِ؟ أَيُّنَ مُحْيِي مَعَالِمِ الدِّينِ وَأَهْلِهِ.

٢- جمال الأسبوع ٣٠٧: قَالَ الرُّضَاءُ عليه السلام: اللَّهُمَّ جَدِّدْ بِهِ مَا أَمْتَحَى مِنْ دِينِكَ وَبُدِّلْ مِنْ حُكْمِكَ حَتَّى تُعِيدَ دِينَكَ بِهِ وَعَلَى يَدَيْهِ جَدِيداً غَضاً مَحْضاً صَحِيحاً لَا عِوَجَ فِيهِ وَلَا بَدْعَةَ مَعَهُ.



(٢٩١) الكافي ١/٣٩٧ ح ٢: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: لَا تَذْهَبُ الدُّنْيَا حَتَّى يَخْرُجَ رَجُلٌ مِني يَحْكُمُ بِحُكُومَةِ آلِ دَاوُدَ وَلَا يَسْأَلُ بَيْنَةَ يُعْطِي كُلَّ نَفْسٍ حَقَّهَا.

(٢٩٢) ١- مشارق أنوار اليقين ٢٦٩: مِنْ خُطْبَةٍ لَهُ عليه السلام قَالَ: أَنَا الْكِتَابُ الْمَسْطُورُ.

٢- إحقاق الحق ٧/٥٩٥: فِي الْمَنَاقِبِ: وَلَمَّا أَرَادَ أَهْلَ الشَّامِ أَنْ يَجْعَلُوا الْقُرْآنَ حَكْمًا بِصِفَتَيْنِ، قَالَ الْإِمَامُ عَلِيُّ عليه السلام: أَنَا الْقُرْآنُ النَّاطِقُ.

(٢٩٣) ١- تفسير القمي ٢/٤٢٥: عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: الْقُرْآنُ ضَرْبٌ فِيهِ الْأَمْثَالُ لِلنَّاسِ وَخَاطَبَ نَبِيَّهُ عليه السلام بِهِ وَنَحْنُ نَعْلَمُهُ فَلَيْسَ يَعْلَمُهُ غَيْرُنَا.

٢- بصائر الدرجات ٢٣٢ ح ٢: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: عِلْمُ الْكِتَابِ كُلُّهُ وَاللَّهُ عِنْدَنَا.

(٢٩٤) نهج البلاغة ٢/٥: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام: هَذَا الْقُرْآنُ إِنَّمَا هُوَ خَطٌّ مَسْطُورٌ بَيْنَ الدَّفْتَيْنِ لَا يَنْطِقُ بِلِسَانٍ وَلَا بُدَّ لَهُ مِنْ تَرْجُمانٍ وَإِنَّمَا يَنْطِقُ عَنْهُ الرَّجَالُ وَلَمَّا دَعَانَا الْقَوْمُ إِلَى أَنْ نَحْكُمَ بَيْنَنَا الْقُرْآنَ لَمْ نَكُنِ الْفَرِيقَ الْمُتَوَكِّلِيَّ عَنْ كِتَابِ اللَّهِ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى وَقَدْ قَالَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ فَرُدُّهُ إِلَى اللَّهِ أَنْ نَحْكُمَ بِكِتَابِهِ وَرُدُّهُ إِلَى الرَّسُولِ أَنْ نَأْخُذَ بِسُنَّتِهِ فَإِذَا حُكِمَ بِالصِّدْقِ فِي كِتَابِ اللَّهِ فَنَحْنُ أَحَقُّ النَّاسِ بِهِ وَإِنْ حُكِمَ بِسُنَّةِ رَسُولِ اللَّهِ عليه السلام فَنَحْنُ أَحَقُّ النَّاسِ وَأَوْلَاهُمْ بِهَا.

(٢٩٥) بصائر الدرجات ٢١٧ ح ٢: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: قَدْ وَكَلَنِي رَسُولُ اللَّهِ عليه السلام وَأَنَا أَعْلَمُ كِتَابَ اللَّهِ وَفِيهِ بَدَأَ الْخَلْقَ وَمَا هُوَ كَائِنٌ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَفِيهِ خَبَرُ السَّمَاءِ وَخَبَرُ الْأَرْضِ وَخَبَرُ الْجَنَّةِ وَخَبَرُ النَّارِ وَخَبَرُ مَا كَانَ وَخَبَرُ مَا هُوَ كَائِنٌ أَعْلَمُ ذَلِكَ كَمَا أَنْظَرُ إِلَى كَفِّي إِنَّ اللَّهَ يَقُولُ: ﴿فِيهِ تَبْيَانٌ كُلِّ شَيْءٍ﴾.

(٢٩٦) المحاسن ١/٢٦٨ ح ٣٥٦: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: وَإِنَّمَا الْقُرْآنُ أَمْثَالٌ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ دُونَ غَيْرِهِمْ وَلِقَوْمٍ يَتْلُونَهُ حَقًّا تِلَاوَتِهِ وَهُمْ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَيَعْرِفُونَهُ وَأَمَّا غَيْرُهُمْ فَمَا أَشَدَّ إِشْكَالَهُ عَلَيْهِمْ وَأَبْعَدَهُ مِنْ مَذَاهِبِ قُلُوبِهِمْ وَلِذَلِكَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ عليه السلام (إِنَّهُ) لَيْسَ شَيْءٌ أَبْعَدَ مِنْ قُلُوبِ الرَّجَالِ مِنْ تَفْسِيرِ الْقُرْآنِ وَفِي ذَلِكَ تَحْيِرَ الْخَلَائِقِ أَجْمَعُونَ إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ وَإِنَّمَا أَرَادَ اللَّهُ بِتَعْمِيَّتِهِ فِي ذَلِكَ أَنْ يَنْتَهُوا إِلَى بَابِهِ وَصِرَاطِهِ



وَأَنْ يَعْبُدُوهُ وَيَتَّبِعُوا فِي قَوْلِهِ إِلَى طَاعَةِ الْقَوَامِ بِكِتَابِهِ وَالنَّاطِقِينَ عَنْ أَمْرِهِ وَأَنْ يَسْتَنْبِطُوا مَا احتاجوا إليه من ذلك عنهم لا عن أنفسهم.

ثم قال: وكو ردوه إلى الرسول وإلى أولى الأمر منهم لعلمه الذين يستنبطونه منهم فأمّا عن غيرهم فليس يُعلم ذلك أبداً ولا يوجد وقد علمت أنه لا يستقيم أن يكون الخلق كلهم ولاة الأمر؛ لأنهم لا يجدون من ياتمرون عليه ومن يبلغونه أمر الله ونهيه فجعل الله الولاية خواص ليقتدي بهم فافهم ذلك إن شاء الله وإياك وإياك وتلاوة القرآن برأيك فإن الناس غير مشتركين في علمه كاشتراكهم فيما سواه من الأمور ولا قادرين على تأويله إلا من حده وبابه الذي جعله الله له فافهم إن شاء الله وأطلب الأمر من مكانه تجده إن شاء الله.

(٢٩٧) بصائر الدرجات ٤٣٣ ح ٣: قال أبو جعفر عليه السلام: دعا رسول الله أصحابه بمنى، فقال: يا أيها الناس! إنني تارك فيكم الثقلين، أما إن تمسكتم بهما لن تضلوا؛ كتاب الله وعترتي أهل بيتي.

(٢٩٨) الأماشي للمفيد ٣٦ ح ٣: عن عبد الله بن العباس، قال: لما حضرت النبي صلى الله عليه وآله الوفاة وفي البيت رجال فيهم عمر بن الخطاب، فقال رسول الله صلى الله عليه وآله: هلُموا أكتب لكم كتاباً لن تضلوا بعده أبداً، فقال: لا تأتوه بشيء فإنه قد غلبه الوجع وعندكم القرآن حسبنا كتاب الله، فاختلف أهل البيت واختصموا، فمنهم من يقول: قرئوا يكتب لكم رسول الله، ومنهم من يقول: ما قال عمر، فلما كثرت اللغط والاختلاف قال رسول الله صلى الله عليه وآله: قوموا عني.

(٢٩٩) ١- الكافي ٦٣٣/٢ ح ٢٣: عن أبي عبد الله عليه السلام قال: إذا قام القائم عليه السلام قرأ كتاب الله عز وجل على حده وأخرج المصحف الذي كتبه علي عليه السلام وقال: أخرجه علي عليه السلام إلى الناس حين فرغ منه وكتبه فقال لهم: هذا كتاب الله عز وجل كما أنزله الله على محمد صلى الله عليه وآله وقد جمعته من اللوحين فقالوا: هو ذا عندنا مصحف جامع فيه القرآن



لا حاجة لنا فيه، فقال: أما والله ما ترونه بعد يومكم هذا أبداً إنما كان عليّ أن أخبركم حين جمعته لتقرءوه.

٢- روضة الواعظين ٢٦٥: قال أبو جعفر الباقر عليه السلام: إذا قام قائم آل محمد عليه السلام ضرب فساطيط لمن يعلم القرآن على ما أنزل الله جلّ جلاله فأصعب ما يكون على من حفظه اليوم؛ لأنه يخالف فيه التأليف.

٣- الغيبة للنعماني ٣٣٣ ح ٣: قال أمير المؤمنين عليه السلام: كآني أنظر إلى شيعتنا بمسجد الكوفة وقد ضربوا الفساطيط يعلمون الناس القرآن كما أنزل.

(٣٠٠) ١- بصائر الدرجات ٥٧ ح ١: عن أبي عبد الله عليه السلام في قول الله تبارك وتعالى: ﴿وَإِنَّهُ لَذِكْرٌ لَكَ وَلِقَوْمِكَ وَسَوْفَ تُسْأَلُونَ﴾ قال عليه السلام: الذكر: القرآن، ونحن قومه ونحن المسؤلون.

٢- بصائر الدرجات ٢١٨ ح ٤: عن أبي الحسن عليه السلام قال: علينا نزل قبل الناس ولنا فسّر قبل أن يفسر في الناس، فنحن نعرف حلاله وحرامه وناسخه ومنسوخه وسفريه وحضريه وفي أي ليلة نزلت كم من آية وفيمن نزلت وفيما نزلت.

(٣٠١) الغيبة للنعماني ٢٩٦ ح ١: عن أبي عبد الله عليه السلام قال: إن قائمنا إذا قام استقبل من جهلة الناس أشد مما استقبله رسول الله صلى الله عليه وآله من جهال الجاهلية فقلت: وكيف ذلك؟ قال: إن رسول الله صلى الله عليه وآله أتى الناس وهم يعبدون الحجارة والصخور والعيدان والخشب المنحوتة وإن قائمنا إذا قام أتى الناس وكلهم يتأول عليه كتاب الله ويحتج عليه به ثم قال أما والله ليدخلنّ عليهم عدله جوف بيوتهم كما يدخل الحر والقر.

(٣٠٢) ١- بصائر الدرجات ٨١ ح ٣: عن أبي عبد الله عليه السلام قال: نحن خزنة علم الله.

٢- كفاية الأثر ١٦٣: عن الحسن عليه السلام قال: خطب رسول الله صلى الله عليه وآله يوماً، فقال: عليّ معدن علم الله.

(٣٠٣) ١- مشارق أنوار اليقين ٢٠٥: عن أمير المؤمنين عليه السلام قال: الإمام يرى ما بين الشرق والغرب، فلا يخفى عليه شيء من عالم الملك والملكوت.



٢- بصائر الدرجات ١٤٨ ح ٦: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: إِنِّي لَأَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَأَعْلَمُ مَا فِي الْجَنَّةِ وَأَعْلَمُ مَا فِي النَّارِ وَأَعْلَمُ مَا كَانَ وَمَا يَكُونُ قَالَ ثُمَّ مَكَثَ هُنَيْئَةً فَرَأَى أَنَّ ذَلِكَ كَبُرَ عَلَيَّ مَنْ سَمِعَهُ مِنْهُ فَقَالَ: عَلِمْتُ ذَلِكَ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ عز وجل إِنَّ اللَّهَ عز وجل يَقُولُ: ﴿فِيهِ تَبْيَانٌ كُلِّ شَيْءٍ﴾.

(٣٠٤) مشارق أنوار اليقين ١٧٧: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: الْإِمَامُ مَلِكِيُّ الذَّاتِ، إِلَهِيُّ الصِّفَاتِ، وَأَنْتَهُمْ صِفَاتُ اللَّهِ وَصَفَوْتُهُ.

(٣٠٥) ١- الاحتجاج ٨٠/١: عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: أَلَا إِنَّهُ (امام العصر عليه السلام) وَارِثُ كُلِّ عِلْمٍ وَالْمُحِيطُ بِهِ.

٢- مشارق أنوار اليقين ٢٦٤: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام: لَقَدْ عَلِمْتُ مَا فَوْقَ الْفِرْدَوْسِ الْأَعْلَى وَمَا تَحْتَ السَّابِعَةِ السُّفْلَى وَمَا فِي السَّمَاوَاتِ الْعُلَى وَمَا بَيْنَهُمَا وَمَا تَحْتَ الشَّرَى، كُلُّ ذَلِكَ عِلْمٌ إِحَاطَةٌ لَا عِلْمٌ إِخْبَارٌ.

(٣٠٦) ١- إلزام الناصب ٢١٨/٢: فِي خُطْبَةِ التُّنُجِيَّةِ: عَلِمْنَا مَا كَانَ وَمَا يَكُونُ وَمَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِينَ بِعِلْمِ رَبِّنَا، نَحْنُ الْمُدَبِّرُونَ فَنَحْنُ بِذَلِكَ اخْتِصَاصًا، نَحْنُ مَخْصُوصُونَ وَنَحْنُ عَالِمُونَ.

٢- بحار الأنوار ٥/٢٦: فِي خُطْبَةِ النُّورَانِيَّةِ: وَعَلِمَ بِمَا كَانَ وَمَا يَكُونُ وَعَلِمَ مَا فِي الضَّمَائِرِ وَالْقُلُوبِ وَعَلِمَ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ.

(٣٠٧) ١- مصباح المتهجد ٤٠٩: إِنَّ الرُّضَا عليه السلام كَانَ يَأْمُرُ بِالدُّعَاءِ لِصَاحِبِ الْأَمْرِ بِهَذَا: اللَّهُمَّ ادْفَعْ عَنِّي وَلِيِّكَ... وَعَيْنِكَ النَّظِرَةَ بِإِذْنِكَ، وَشَاهِدِكَ عَلَيَّ عِبَادِكَ.

٢- بصائر الدرجات ٤٦٣ ح ٨: عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام قَالَ: إِنَّمَا مَنَزَلَةُ الْإِمَامِ فِي الْأَرْضِ بِمَنَزَلَةِ الْقَمَرِ فِي السَّمَاءِ وَفِي مَوْضِعِهِ هُوَ مُطَّلِعٌ عَلَى جَمِيعِ الْأَشْيَاءِ كُلِّهَا.

(٣٠٨) ١- الكافي ٣٩٩/١ ح ٢: عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: إِنَّهُ لَيْسَ أَحَدٌ عِنْدَهُ عِلْمٌ شَيْءٍ إِلَّا خَرَجَ مِنْ عِنْدِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام فَلْيَذْهَبِ النَّاسُ حَيْثُ شَاءُوا فَوَاللَّهِ لَيْسَ الْأَمْرُ إِلَّا مِنْ هَاهُنَا وَأَشَارَ بِيَدِهِ إِلَى بَيْتِهِ.



٢- الكافي ٣٩٩/١ ح ٣: عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام لَسَلَمَةَ بْنِ كَهَيْلٍ وَالْحَكَمَ بْنَ عَثِيْبَةَ: شَرْقًا وَغَرْبًا فَلَا تَجِدَانِ عِلْمًا صَحِيحًا إِلَّا شَيْئًا خَرَجَ مِنْ عِنْدِنَا أَهْلَ الْبَيْتِ.

٣- بحار الأنوار ٢٤/٢٥ ح ٤١: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: كُلُّ عِلْمٍ خَرَجَ إِلَى أَهْلِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ فَمِنَّا وَعَنَّا.

(٣٠٩) ١- علل الشرائع ٥/١ ح ١: عَنْ الرِّضَا، عَنْ آبَائِهِ، عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله: إِنَّ أَوَّلَ مَا خَلَقَ اللَّهُ عز وجل خَلَقَ أَرْوَاحَنَا فَأَنْطَقَنَا بِتَوْحِيدِهِ وَتَحْمِيدِهِ، ثُمَّ خَلَقَ الْمَلَائِكَةَ، فَلَمَّا شَاهَدُوا أَرْوَاحَنَا نُورًا وَاحِدًا اسْتَعْظَمُوا أَمْرَنَا، فَسَبَّحْنَا؛ لِتَعْلَمَ الْمَلَائِكَةُ أَنَّا خَلَقْنَا مَخْلُوقُونَ وَأَنَّهُ مُنْزَعٌ عَنْ صِفَاتِنَا فَسَبَّحَتِ الْمَلَائِكَةُ بِتَسْبِيحِنَا وَنَزَّهَتْهُ عَنْ صِفَاتِنَا، فَلَمَّا شَاهَدُوا عِظَمَ شَأْنِنَا هَلَّلْنَا؛ لِتَعْلَمَ الْمَلَائِكَةُ أَنَّ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَا عِبْدُهُ وَلَسْنَا بِالْإِلَهَةِ يَجِبُ أَنْ نُعْبَدَ مَعَهُ أَوْ دُونَهُ، فَقَالُوا: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، فَلَمَّا شَاهَدُوا كِبَرَ مَحَلَّنَا كَبَّرْنَا؛ لِتَعْلَمَ الْمَلَائِكَةُ أَنَّ اللَّهَ أَكْبَرُ مِنْ أَنْ يُنَالَ عِظَمُ الْمَحَلِّ إِلَّا بِهِ، فَلَمَّا شَاهَدُوا مَا جَعَلَهُ لَنَا مِنَ الْعِزَّةِ وَالْقُوَّةِ قُلْنَا: لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ؛ لِتَعْلَمَ الْمَلَائِكَةُ أَنَّ لَا حَوْلَ لَنَا وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ فَلَمَّا شَاهَدُوا مَا أَنْعَمَ اللَّهُ بِهِ عَلَيْنَا وَأَوْجَبَهُ لَنَا مِنْ فَرَضِ الطَّاعَةِ قُلْنَا الْحَمْدُ لِلَّهِ لِتَعْلَمَ الْمَلَائِكَةُ مَا يَحِقُّ لِلَّهِ تَعَالَى ذِكْرُهُ عَلَيْنَا مِنَ الْحَمْدِ عَلَى نِعْمَتِهِ فَقَالَتِ الْمَلَائِكَةُ الْحَمْدُ لِلَّهِ فَبِنَا اهْتَدَوْا إِلَى مَعْرِفَةِ تَوْحِيدِ اللَّهِ وَتَسْبِيحِهِ وَتَهْلِيلِهِ وَتَحْمِيدِهِ وَتَمَجِيدِهِ.

٢- مشارق أنوار اليقين ٢٥٥: عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام قَالَ: أَنَا الْخِضْرُ مُعَلِّمُ مُوسَى، أَنَا مُعَلِّمُ دَاوُدَ وَسُلَيْمَانَ.

(٣١٠) الإختصاص ٢٥٢: قَالَ الرِّضَا عليه السلام: إِذَا نَزَلَتْ بِكُمْ شَدِيدَةٌ، فَاسْتَعِينُوا بِنَا عَلَى اللَّهِ عز وجل، وَهُوَ قَوْلُهُ تَعَالَى: ﴿وَلِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى فَادْعُوهُ بِهَا﴾.

(٣١١) ١- الأصول الستة عشر ١٢٤ ح ١١: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: أُطْلَبُوا الْعِلْمَ مِنْ مَعْدِنِ الْعِلْمِ، وَإِيَّاكُمْ وَالْوَلَايَةَ، فَهُمُ الصِّدَّادُونَ عَنِ اللَّهِ.



٢- الكافي ٢/ ٢٩٨ ح ٥: قال أبو عبد الله عليه السلام: إياك! أن تنصب رجلاً دون الحجة فتصدقته في كل ما قال.

(٣١٢) ١- بصائر الدرجات ٣٢٨ ح ٤: عن أبي بصير، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: كان في ذؤابة سيف رسول الله صلى الله عليه وآله صحيفة صغيرة فقلت لأبي عبد الله عليه السلام: أي شيء كان في تلك الصحيفة؟ قال: هي الأحرف التي يفتح كل حرف منها ألف حرف، قال أبو بصير: قال أبو عبد الله عليه السلام: فما خرج منها إلا حرفان حتى الساعة.

٢- تحف العقول ١٧١: وصية علي عليه السلام لكميل بن زياد: يا كميل! ما من علم إلا وأنا أفتحه وما من سر إلا والقائم عليه السلام يختمه.

٣- مختصر بصائر الدرجات ١١٧: عن أبي عبد الله عليه السلام قال: العلم سبعة وعشرون حرفاً، فجميع ما جاءت به الرسل حرفان، فلم يعرف الناس حتى اليوم غير الحرفين، فإذا قام قائمنا أخرج الخمسة والعشرين حرفاً، فبثها في الناس وضم إليها الحرفين حتى يثبتها سبعة وعشرين حرفاً.

(٣١٣) ١- مشارق أنوار اليقين ٢٥٩: في خطبة لأمير المؤمنين عليه السلام: أنا البحر الذي لا ينزف.

٢- المزار للمشهدي ٢٠٧: في زيارة أمير المؤمنين عليه السلام: السلام عليك يا بحر العلوم.
(٣١٤) ١- المحاسن ١٧٧/١ ح ١٦١: عن أبي عبد الله عليه السلام أنه قال لسدير: والذي بعث محمداً بالنبوة وعجل روجه إلى الجنة ما بين أحدكم وبين أن يغتبط ويرى سروراً أو تبين له الندامة والحسرة إلا أن يعاين ما قال الله عز وجل في كتابه: ﴿عَنِ الْيَمِينِ وَعَنِ الشِّمَالِ قَعِيدٌ﴾ وأتاه ملك الموت بقبض روجه فينادي روجه فتخرج من جسده فأما المؤمن فما يحس بخروجها وذلك قول الله تبارك وتعالى: ﴿يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ * ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَرْضِيَّةً * فَادْخُلِي فِي عِبَادِي * وادْخُلِي جَنَّتِي﴾ ثم قال: ذلك لمن كان ورعاً مؤاسياً لإخوانه وصولاً لهم وإن كان غير ورع ولا وصول لإخوانه قيل له ما منعك من الورع والمؤاساة لإخوانك أنت ممن انتحل المحبة بلسانه ولم



يُصَدِّقُ ذَلِكَ بِفِعْلٍ وَإِذَا لَقِيَ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ وَأَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عليهما السلام لَقِيَاهُمَا مُعْرِضِينَ مُقْطَبِينَ فِي وَجْهِهِ غَيْرَ شَافِعِينَ لَهُ قَالَ سَدِيرٌ: مَنْ جَدَعَ اللَّهُ أَنْفَهُ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: فَهُوَ ذَاكَ.

٢- بشارة المصطفى ٧١ ح ٢: عَنِ النَّبِيِّ ﷺ: أَلَا وَمَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا هَوَّنَ اللَّهُ عَلَيْهِ سَكَرَاتِ الْمَوْتِ وَجَعَلَ قَبْرَهُ رَوْضَةً مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ.

(٣١٥) ١- تفسير العياشي ٢٢٥/٢ ح ١٨: عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: إِنَّ الْمُؤْمِنَ إِذَا أُخْرِجَ مِنْ بَيْتِهِ شَيَعَتْهُ الْمَلَائِكَةُ إِلَى قَبْرِهِ يَزْدَحِمُونَ عَلَيْهِ حَتَّى إِذَا انْتَهَى بِهِ إِلَى قَبْرِهِ قَالَتْ لَهُ الْأَرْضُ مَرْحَبًا بِكَ وَأَهْلًا أَمَا وَاللَّهِ لَقَدْ كُنْتُ أَحَبُّ أَنْ يَمْشِيَ عَلَيَّ مِثْلَكَ لَتَرِينَ مَا أَصْنَعُ بِكَ فَتَوَسَّعَ لَهُ مَدَّ بَصَرِهِ وَيَدْخُلُ عَلَيْهِ فِي قَبْرِهِ مَلَكَا الْقَبْرِ وَهُمَا قَعِيدَا الْقَبْرِ مُنْكَرٌ وَنَكِيرٌ فَيُلْقِيَانِ فِيهِ الرُّوحَ إِلَى حَقْوِيهِ فَيَقْعِدَانِهِ وَيَسْأَلَانِهِ فَيَقُولَانِ لَهُ: مَنْ رَبُّكَ؟ فَيَقُولُ: اللَّهُ، فَيَقُولَانِ: مَا دِينُكَ؟ فَيَقُولُ: الْإِسْلَامُ، فَيَقُولَانِ: وَمَنْ نَبِيُّكَ؟ فَيَقُولُ: مُحَمَّدٌ ﷺ، فَيَقُولَانِ: وَمَنْ إِمَامُكَ؟ فَيَقُولُ: عَلِيٌُّّ قَالَ: فَيُنَادِي مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ: صَدَقَ عَبْدِي افْرُشُوا لَهُ فِي قَبْرِهِ مِنَ الْجَنَّةِ وَافْتَحُوا لَهُ فِي قَبْرِهِ بَابًا إِلَى الْجَنَّةِ وَالْبَسُوهُ مِنْ ثِيَابِ الْجَنَّةِ حَتَّى يَأْتِيَنَا وَمَا عِنْدَنَا خَيْرٌ لَهُ ثُمَّ يُقَالُ لَهُ: نَمَّ نَوْمَةٌ عَرُوسٍ نَمَّ نَوْمَةٌ لَا حُلْمَ فِيهَا، قَالَ: وَإِنْ كَانَ كَافِرًا خَرَجَتْ الْمَلَائِكَةُ تُشَيِّعُهُ إِلَى قَبْرِهِ تَلْعُنُونَهُ حَتَّى إِذَا انْتَهَى بِهِ إِلَى قَبْرِهِ قَالَتْ لَهُ الْأَرْضُ لَا مَرْحَبًا بِكَ وَلَا أَهْلًا أَمَا وَاللَّهِ لَقَدْ كُنْتُ أَبْغِضُ أَنْ يَمْشِيَ عَلَيَّ مِثْلَكَ لَا جَرَمَ لَتَرِينَ مَا أَصْنَعُ بِكَ الْيَوْمَ فَتَضِيقُ عَلَيْهِ حَتَّى تَلْتَقِيَ جِوَانِحَهُ قَالَ: ثُمَّ يَدْخُلُ عَلَيْهِ مَلَكَا الْقَبْرِ وَهُمَا قَعِيدَا الْقَبْرِ مُنْكَرٌ وَنَكِيرٌ.

قَالَ أَبُو بَصِيرٍ: جُعِلَتْ فِدَاكَ يَدْخُلَانِ عَلَى الْمُؤْمِنِ وَالْكَافِرِ فِي صُورَةٍ وَاحِدَةٍ؟ فَقَالَ: لَا، قَالَ: فَيَقْعِدَانِهِ وَيُلْقِيَانِ فِيهِ الرُّوحَ إِلَى حَقْوِيهِ فَيَقُولَانِ لَهُ: مَنْ رَبُّكَ؟ فَيَتَلَجَّلَجُّ وَيَقُولُ قَدْ سَمِعْتُ النَّاسَ يَقُولُونَ فَيَقُولَانِ لَهُ لَا دَرَيْتَ وَيَقُولَانِ لَهُ: مَا دِينُكَ؟ فَيَتَلَجَّلَجُّ فَيَقُولَانِ لَهُ لَا دَرَيْتَ وَيَقُولَانِ لَهُ: مَنْ نَبِيُّكَ؟ فَيَقُولُ: قَدْ سَمِعْتُ النَّاسَ يَقُولُونَ فَيَقُولَانِ لَهُ: لَا دَرَيْتَ وَيُسْأَلُ عَنْ إِمَامِ زَمَانِهِ قَالَ: فَيُنَادِي مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ كَذَبَ عَبْدِي افْرُشُوا لَهُ فِي



قَبْرِهِ مِنَ النَّارِ وَالْبَسُوهُ مِنْ ثِيَابِ النَّارِ وَافْتَحُوا لَهُ بَاباً إِلَى النَّارِ حَتَّى يَأْتِينَا وَمَا عِنْدَنَا شَرٌّ لَهُ فَيَضْرِبَانِهِ بِمِرْزَبَةٍ ثَلَاثَ ضَرْبَاتٍ لَيْسَ مِنْهَا ضَرْبَةٌ إِلَّا يَتَطَايَرُ قَبْرُهُ نَاراً لَوْ ضُرِبَ بِتِلْكَ الْمِرْزَبَةِ جِبَالٌ تَهَامَةٌ لَكَانَتْ رَمِيماً.

٢- الكافي ٢٤١/٣ ح ١٥: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: يُسْأَلُ الْمَيِّتُ فِي قَبْرِهِ عَنْ خَمْسٍ: عَنْ صَلَاتِهِ وَزَكَاتِهِ وَحَجِّهِ وَصِيَامِهِ وَوَلَايَتِهِ إِيَّانَا أَهْلَ الْبَيْتِ، فَتَقُولُ الْوَلَايَةَ مِنْ جَانِبِ الْقَبْرِ لِلْأَرْبَعِ: مَا دَخَلَ فِيكَ مِنْ نَقْصٍ فَعَلِيٌّ تَمَامُهُ.

(٣١٦) الكافي ٥٢٥/٢ ح ١٣: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: كَانَ أَبِي عليه السلام يَقُولُ إِذَا أَصْبَحَ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ وَمِنْ ضَغْطَةِ الْقَبْرِ وَمِنْ ضَيْقِ الْقَبْرِ.

(٣١٧) ١- الكافي ٢٤٢/٣ ح ٢: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: إِنَّ لِلْقَبْرِ كَلَاماً فِي كُلِّ يَوْمٍ يَقُولُ: أَنَا بَيْتُ الْعُرْبَةِ، أَنَا بَيْتُ الْوَحْشَةِ، أَنَا بَيْتُ الدُّودِ، أَنَا الْقَبْرُ، أَنَا رَوْضَةٌ مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ أَوْ حُفْرَةٌ مِنْ حُفْرِ النَّارِ.

٢- الكافي ٣٦٥/٨ ح ٥٥٦: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ لِشِيعَتِهِ: دِيَارُكُمْ لَكُمْ جَنَّةٌ وَقُبُورُكُمْ لَكُمْ جَنَّةٌ لِلْجَنَّةِ خُلِقْتُمْ وَإِلَى الْجَنَّةِ تَصِيرُونَ.

٣- بشارة المصطفى ٧١ ح ٢: عَنْ النَّبِيِّ صلى الله عليه وآله: أَلَا وَمَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا هَوَّنَ اللَّهُ عَلَيْهِ سَكَرَاتِ الْمَوْتِ وَجَعَلَ قَبْرَهُ رَوْضَةً مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ.

(٣١٨) الكافي ٢٤٣/٣ ح ٢: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: أَمَا إِنَّهُ لَا يَبْقَى مُؤْمِنٌ فِي شَرْقِ الْأَرْضِ وَغَرْبِهَا إِلَّا حَشَرَ اللَّهُ رُوحَهُ إِلَى وَادِي السَّلَامِ، قُلْتُ لَهُ: وَأَيْنَ وَادِي السَّلَامِ؟ قَالَ: ظَهْرُ الْكُوفَةِ، أَمَا إِنِّي كَأَنِّي بِهِمْ خَلَقْتُ خَلْقَ قَعُودٍ يَتَحَدَّثُونَ.

(٣١٩) بصائر الدرجات ٤٢٣ ح ٣: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: إِنَّ عَدُوَّنَا إِذَا تُوْفِي صَارَتْ رُوحُهُ إِلَى وَادِي بَرْهَوْتٍ، فَأَخْلَدَتْ فِي عَذَابِهِ وَأَطْعِمَتْ مِنْ زُقُومِهِ وَأَسْقَيْتْ مِنْ حَمِيمِهِ، فَاسْتَعِيدُوا بِاللَّهِ مِنْ ذَلِكَ الْوَادِي.

(٣٢٠) مشارق أنوار اليقين ٣٤٣: قَالَ عَلِيُّ عليه السلام: أَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ مِنْ أَهْلِ سَمَاوَاتِهِ وَأَرْضِيهِ، وَمَا فِي السَّمَاءِ مِنْ مَلَكٍ يَخْطُو قَدَمًا عَنْ قَدَمِ إِلَّا بِإِذْنِي.



(٣٢١) ١- بصائر الدرجات ٣٩٥ ح ٥: عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: إِنَّ اللَّهَ أَقْدَرَنَا عَلَى مَا نُرِيدُ.
٢- مناقب آل أبي طالب ٣/٢١٠: قَالَ الْحُسَيْنُ عليه السلام: وَاللَّهِ مَا خَلَقَ اللَّهُ شَيْئًا إِلَّا وَقَدْ أَمَرَهُ بِالطَّاعَةِ لَنَا.

(٣٢٢) الإختصاص ٢٥٢: قَالَ الرَّضَاءُ رضي الله عنه: إِذَا نَزَلَتْ بِكُمْ شَدِيدَةٌ، فَاسْتَعِينُوا بِنَا عَلَى اللَّهِ عز وجل، وَهُوَ قَوْلُهُ تَعَالَى: ﴿وَاللَّهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى فَادْعُوهُ بِهَا﴾.
(٣٢٣) كامل الزيارات ٥١٣: عَنْ الْعَسْكَرِيِّ عليه السلام قَالَ: اصْرِفْ عَنِّي بِهِمْ شَرَّ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأَهْوَالَ يَوْمِ الْقِيَامَةِ.

(٣٢٤) ١- الكافي ١٣٦/٣ ح ٣: عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: حَضَرَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله رَجُلًا مِنَ الْأَنْصَارِ وَكَانَتْ لَهُ حَالَةٌ حَسَنَةٌ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله، فَحَضَرَهُ عِنْدَ مَوْتِهِ فَنَظَرَ إِلَى مَلِكِ الْمَوْتِ عِنْدَ رَأْسِهِ، فَقَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله: ارْفُقْ بِصَاحِبِي فَإِنَّهُ مُؤْمِنٌ، فَقَالَ لَهُ مَلِكُ الْمَوْتِ: يَا مُحَمَّدُ! طِبَّ نَفْسًا وَقَرَّ عَيْنًا فَإِنِّي بِكُلِّ مُؤْمِنٍ رَفِيقٌ شَفِيقٌ.

٢- الخرائج والجرائح ٢٩٥/١ ح ٢: قَالَ الصَّادِقُ عليه السلام: يَا مَلِكَ الْمَوْتِ! قَالَ: لَبَيْكَ أَيُّهَا الْإِمَامُ! قَالَ: أَلَسْتَ أَمِرتَ بِالسَّمْعِ وَالطَّاعَةِ لَنَا؟ قَالَ: بَلَى.

(٣٢٥) مناقب آل أبي طالب ٤١١/٣: عَنْ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: إِنِّي وَمَنْ يَجْرِي مَجْرَايَ مِنَ الْأَئِمَّةِ لَا بُدَّ لَنَا مِنْ حُضُورِ جَنَائِزِكُمْ فِي أَيِّ بَلَدٍ كُنْتُمْ فَاتَّقُوا اللَّهَ فِي أَنْفُسِكُمْ.

(٣٢٦) ١- ينابيع المعاجز ١١٨: قَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عليه السلام: بِنَا نَفَعَكُمُ اللَّهُ فِي حَيَاتِكُمْ وَفِي قُبُورِكُمْ.

٢- مائة منقبة ١٢٦ ح ٦١: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله: يَا سَلْمَانَ! مَنْ أَحَبَّ فَاطِمَةَ ابْنَتِي فَهُوَ فِي الْجَنَّةِ مَعِي وَمَنْ أَبْغَضَهَا فَهُوَ فِي النَّارِ، يَا سَلْمَانَ! حُبُّ فَاطِمَةَ يَنْفَعُ فِي مِائَةِ مَوْطِنٍ أَيْسَرُ تِلْكَ الْمَوَاطِنِ: الْمَوْتُ وَالْقَبْرُ وَالْمِيزَانُ وَالْمَحْشَرُ وَالصِّرَاطُ وَالْمُحَاسِبَةُ.

(٣٢٧) تفسير فرات الكوفي ٣٤٨ ح ٣: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله لِعَلِيِّ عليه السلام: يَا عَلِيُّ! أَبَشِّرْ وَبَشِّرْ فَلَيْسَ عَلَى شِيعَتِكَ حَسْرَةٌ عِنْدَ الْمَوْتِ وَلَا وَخْشَةٌ فِي الْقُبُورِ وَلَا حُزْنٌ يَوْمَ النُّشُورِ.



(٣٢٨) ١- الأما لي للصدوق ٦٥٦ ح ٢: قال رسول الله ﷺ لعلي عليه السلام: يا علي! إن محبيك يفرحون في ثلاثة مواطن: عند خروج أنفسهم وأنت هناك تشهدهم، وعند المساءلة في القبور وأنت هناك تلقنهم، وعند العرض على الله وأنت هناك تعرفهم.

٢- الأما لي للصدوق ٣٩٠ ح ١٤: قال رسول الله ﷺ لفاطمة بنت أسد: إن أتاك منكراً ونكيراً فسألك من ربك؟ فقولي: الله ربّي، ومحمد نبيي، والإسلام ديني، والقرآن كتابي، وابني إمامي ووليي، ثم قال: اللهم ثبت فاطمة بالقول الثابت.

(٣٢٩) الكافي ٤٥٤/١ ح ٢: عن أبي عبد الله عليه السلام قال: إن فاطمة بنت أسد سمعته ﷺ يذكر ضغطة القبر فقالت وا ضعفاة فقال لها رسول الله ﷺ: فإني أسأل الله أن يكفيك ذلك فبينما هو ذات يوم قاعد إذ أتاه أمير المؤمنين عليه السلام وهو يبكي فقال له رسول الله ﷺ: ما يبكيك؟ فقال: ماتت أمي فاطمة، فقال رسول الله ﷺ: وأمي والله وقام مسرعاً حتى دخل فنظر إليها وبكى ثم أمر النساء أن يغسلنها وقال ﷺ: إذا فرغتن فلا تحدثن شيئاً حتى تعلمنني فلما فرغن أعلمنه بذلك فأعطاهن أحد قميصه الذي يلي جسده وأمرهن أن يكفنها فيه وقال للمسلمين إذا رأيتموني قد فعلت شيئاً لم أفعله قبل ذلك فسلوني لم فعلته.

فلما فرغن من غسلها وكفنها دخل ﷺ فحمل جنازتها على عاتقه فلم يزل تحت جنازتها حتى أوردتها قبرها ثم وضعها ودخل القبر فاضطجع فيه ثم قال فأخذها على يديه حتى وضعها في القبر ثم انكب عليها طويلاً يناجيها ويقول لها ابنتك ابنتك ابنتك ثم خرج وسوى عليها ثم انكب على قبرها فسمعوه يقول لا إله إلا الله اللهم إني أستودعها إياك.

ثم انصرف فقال له المسلمون: إنا رأيناك فعلت أشياء لم تفعلها قبل اليوم فقال اليوم فقدت برّ أبي طالب إن كانت ليكون عندها الشيء فتؤثرني به على نفسها وولدها وإنني ذكرت القيامة وأن الناس يحشرون عراة فقالت وا سواتاه فضمنت لها أن يبعثها الله كاسية وذكرت ضغطة القبر فقالت وا ضعفاة فضمنت لها أن يكفيها الله ذلك



فَكَفَّنَتْهَا بِقَمِيصِي وَأَضْطَجَعْتُ فِي قَبْرِهَا لِذَلِكَ وَأَنْكَبْتُ عَلَيْهَا فَلَقْنَتْهَا مَا تُسْأَلُ عَنْهُ فَإِنَّهَا سَأَلَتْ عَنْ رَبِّهَا فَقَالَتْ وَسَأَلَتْ عَنْ رَسُولِهَا فَأَجَابَتْ وَسَأَلَتْ عَنْ وَلِيِّهَا وَإِمَامِهَا فَأَرْتَجَّ عَلَيْهَا فَقُلْتُ ابْنُكَ ابْنُكَ ابْنُكَ.

(٣٣٠) الكافي ٢٤٢/٣ ح ٣: عَنْ عَمْرِو بْنِ يَزِيدَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: إِنِّي سَمِعْتُكَ وَأَنْتَ تَقُولُ: كُلُّ شَيْعَتِنَا فِي الْجَنَّةِ عَلَى مَا كَانَ فِيهِمْ، قَالَ: صَدَقْتُكَ كُلَّهُمْ وَاللَّهِ فِي الْجَنَّةِ، قَالَ: قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ إِنَّ الذُّنُوبَ كَثِيرَةٌ كِبَارٌ فَقَالَ: أَمَا فِي الْقِيَامَةِ فَكُلُّكُمْ فِي الْجَنَّةِ بِشَفَاعَةِ النَّبِيِّ الْمُطَاعِ أَوْ وَصِيِّ النَّبِيِّ وَلَكِنِّي وَاللَّهِ أَتَخَوَّفُ عَلَيْكُمْ فِي الْبَرَزِخِ، قُلْتُ: وَمَا الْبَرَزِخُ؟ قَالَ: الْقَبْرُ مُنْذُ حِينِ مَوْتِهِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ.

(٣٣١) الأمالي للصدوق ص ١٢١ ح ١٠: عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرُّضَاءِ عليه السلام: مَنْ كُنَّا شُفَعَاؤُهُ نَجَا وَلَوْ كَانَ عَلَيْهِ مِثْلَ وَزْرِ الثَّقَلَيْنِ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ.

(٣٣٢) مشارق أنوار اليقين ٢٦٩: فِي خُطْبَةٍ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام: أَنَا صَاحِبُ الصِّرَاطِ.

(٣٣٣) تفسير القمي ٣٢٤/٢: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله يَقُولُ: ...، فَيُقْبَلُ عَلَيَّ وَمَعَهُ مَفَاتِيحُ الْجَنَّةِ وَمَقَالِيدُ النَّارِ حَتَّى يَقْعُدَ عَلَيَّ عِجْزَةٌ جَهَنَّمِ وَيَأْخُذَ زِمَامَهَا بِيَدِهِ وَقَدْ عَلَا زَفِيرُهَا وَاشْتَدَّ حَرُّهَا وَكَثُرَ تَطَايُرُ شَرِّهَا فَيُنَادِي جَهَنَّمُ يَا عَلِيُّ جُزْنِي قَدْ أَطْفَأَ نُورُكَ لَهْبِي فَيَقُولُ عَلِيُّ لَهَا ذَرِي هَذَا وَلِيِّ وَخُذِي هَذَا عَدُوِّي فَلَجَهَنَّمُ يَوْمَئِذٍ أَشَدُّ مُطَاوَعَةً لِعَلِيِّ مِنْ غُلَامٍ أَحَدِكُمْ لِصَاحِبِهِ فَإِنْ شَاءَ يَذْهَبُ بِهَا يَمْنَةً وَإِنْ شَاءَ يَذْهَبُ بِهَا يَسْرَةً وَلَجَهَنَّمُ يَوْمَئِذٍ أَشَدُّ مُطَاوَعَةً لِعَلِيِّ مِنْ جَمِيعِ الْخَلَائِقِ وَذَلِكَ أَنَّ عَلِيًّا عليه السلام يَوْمَئِذٍ قَسِيمُ الْجَنَّةِ وَالنَّارِ.

(٣٣٤) تفسير الإمام العسكري عليه السلام ٥٨٢: قَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عليه السلام: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله:

بِمَحَبَّتِهِ (عَلِيٌّ عليه السلام) تَثْقُلُ مَوَازِينُ الْمُؤْمِنِينَ وَبِمُخَالَفَتِهِ تَخِفُ مَوَازِينُ النَّاصِبِينَ.

(٣٣٥) ١- اليقين ٣١٩: عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام: جَعَلَهُمْ أَدْلَاءَ لِلْأُمَّةِ عَلَى الصِّرَاطِ.

٢- بصائر الدرجات ٥١٧ ح ٨: جَاءَ ابْنُ الْكَوَّاءِ إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام فَقَالَ: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ! ﴿وَعَلَى الْأَعْرَافِ رِجَالٌ يَعْرِفُونَ كَلًّا بِسِيْمَاهُمْ﴾ فَقَالَ: نَحْنُ عَلَى الْأَعْرَافِ



نَعْرِفُ أَنْصَارَنَا بِسِيمَاهُمْ وَنَحْنُ الْأَعْرَافُ الَّذِي لَا يُعْرِفُ اللَّهُ عز وجل إِلَّا بِسَبِيلِ مَعْرِفَتِنَا وَنَحْنُ الْأَعْرَافُ يُعْرِفُنَا اللَّهُ عز وجل يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَى الصِّرَاطِ، فَلَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ إِلَّا مَنْ عَرَفْنَا وَعَرَفْنَاهُ وَلَا يَدْخُلُ النَّارَ إِلَّا مَنْ أَنْكَرْنَا وَأَنْكَرْنَاهُ، إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَوْ شَاءَ لَعَرَفَ الْعِبَادَ نَفْسَهُ وَلَكِنْ جَعَلْنَا أَبْوَابَهُ وَصِرَاطَهُ وَسَبِيلَهُ وَالْوَجْهَ الَّذِي يُؤْتِي مِنْهُ، فَمَنْ عَدَلَ عَنِّ وَلَا يَتَنَا أَوْ فَضَّلَ عَلَيْنَا غَيْرَنَا، فَإِنَّهُمْ عَنِ الصِّرَاطِ لَنَا كِبُونَ.

(٣٣٦) الأمامي للطوسي ٦٦٨ ح ٦: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى أَمَهَرَ فَاطِمَةَ عليها السلام رُبْعَ الدُّنْيَا فَرُبِعُهَا لَهَا وَأَمَهَرَهَا الْجَنَّةَ وَالنَّارَ تَدْخُلُ أَعْدَاءُهَا النَّارَ وَتَدْخُلُ أَوْلِيَاءُهَا الْجَنَّةَ وَهِيَ الصَّدِيقَةُ الْكُبْرَى وَعَلَى مَعْرِفَتِهَا دَارَتِ الْقُرُونُ الْأُولَى.

(٣٣٧) بحار الأنوار ١٦/٢٥ ح ٣٠: عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله: خَلَقْنَا اللَّهُ نَحْنُ حَيْثُ لَا سَمَاءَ مَبْنِيَّةَ وَلَا أَرْضَ مَدْحِيَّةَ وَلَا عَرْشَ وَلَا جَنَّةَ وَلَا نَارَ، كُنَّا نُسَبِّحُهُ حِينَ لَا تَسْبِيحَ وَنُقَدِّسُهُ حِينَ لَا تَقْدِيسَ، لَمَّا أَرَادَ اللَّهُ بَدَأَ الصَّنْعَةَ فَتَقَ نُورِي فَخَلَقَ مِنْهُ الْعَرْشَ فَنُورُ الْعَرْشِ مِنْ نُورِي وَنُورِي مِنْ نُورِ اللَّهِ وَأَنَا أَفْضَلُ مِنَ الْعَرْشِ.

ثُمَّ فَتَقَ نُورَ ابْنِ أَبِي طَالِبٍ فَخَلَقَ مِنْهُ الْمَلَائِكَةَ فَنُورُ الْمَلَائِكَةِ مِنْ نُورِ ابْنِ أَبِي طَالِبٍ وَنُورُ ابْنِ أَبِي طَالِبٍ مِنْ نُورِ اللَّهِ وَنُورُ ابْنِ أَبِي طَالِبٍ أَفْضَلُ مِنَ الْمَلَائِكَةِ.

وَفَتَقَ نُورَ ابْنَتِي فَاطِمَةَ مِنْهُ فَخَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فَنُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مِنْ نُورِ ابْنَتِي فَاطِمَةَ وَنُورُ فَاطِمَةَ مِنْ نُورِ اللَّهِ وَفَاطِمَةُ أَفْضَلُ مِنَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ.

ثُمَّ فَتَقَ نُورَ الْحَسَنِ فَخَلَقَ مِنْهُ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ فَنُورُ الشَّمْسِ وَالْقَمَرِ مِنْ نُورِ الْحَسَنِ وَنُورُ الْحَسَنِ مِنْ نُورِ اللَّهِ وَالْحَسَنُ أَفْضَلُ مِنَ الشَّمْسِ وَالْقَمَرِ.

ثُمَّ فَتَقَ نُورَ الْحُسَيْنِ فَخَلَقَ مِنْهُ الْجَنَّةَ وَالْحُورَ الْعِينِ فَنُورُ الْجَنَّةِ وَالْحُورِ الْعِينِ مِنْ نُورِ الْحُسَيْنِ وَنُورُ الْحُسَيْنِ مِنْ نُورِ اللَّهِ وَالْحُسَيْنُ أَفْضَلُ مِنَ الْجَنَّةِ وَالْحُورِ الْعِينِ.

(٣٣٨) المحاسن ١٧٤/١ ح ١٥٢: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: مَا بَيْنَ مَنْ وَصَفَ هَذَا الْأَمْرَ وَبَيَّنَّ أَنْ يَغْتَبِطَ وَيَرَى مَا تَقَرُّ بِهِ عَيْنُهُ إِلَّا أَنْ تَبْلُغَ نَفْسُهُ هَذِهِ، فَيُقَالُ: أَمَّا مَا كُنْتَ تَرْجُو فَقَدْ



قَدِمْتَ عَلَيْهِ وَأَمَّا مَا كُنْتَ تَتَخَوَّفُ فَقَدْ أَمِنْتَ مِنْهُ، وَإِنَّ أَمَامَكَ لِإِمَامٍ صِدْقٍ أَقْدَمَ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَعَلِيِّ وَالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ عليهم السلام.

(٣٣٩) ١- كمال الدين ٢٨٧ ح ٦: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ أَنْتِظَارُ الْفَرَجِ.

٢- كمال الدين ٣٧٧ ح ١: عَنِ الْبَاقِرِ عليه السلام قَالَ: أَفْضَلُ أَعْمَالِ شِيعَتِنَا أَنْتِظَارُ الْفَرَجِ.

(٣٤٠) كمال الدين ٥١٢ ح ٤٣: الدُّعَاءُ فِي غَيْبَةِ الْقَائِمِ عليه السلام: وَيَا ذَنْكَ غَابَ عَنِّي عَنْ بَرِيَّتِكَ

وَأَمْرِكَ يَنْتَظِرُ، وَأَنْتَ الْعَالِمُ غَيْرُ الْمَعْلَمِ بِالْوَقْتِ الَّذِي فِيهِ صَلَاحُ أَمْرٍ وَلَيْكَ فِي الْإِذْنِ

لَهُ بِإِظْهَارِ أَمْرِهِ وَكَشْفِ سِرِّهِ، فَصَبِّرْنِي عَلَى ذَلِكَ حَتَّى لَا أَحِبَّ تَعْجِيلَ مَا أَخَّرْتَ وَلَا

تَأْخِيرَ مَا عَجَّلْتَ وَلَا كَشْفَ مَا سَتَرْتَ وَلَا الْبَحْثَ عَمَّا كَتَمْتَ، وَلَا أَنْزَعَكَ فِي تَدْبِيرِكَ

وَلَا أَقُولَ لِمَ وَكَيْفَ وَلَا مَا بَالُ وَلِي الْأَمْرِ لَا يَظْهَرُ وَقَدْ ائْتَلَّتِ الْأَرْضُ مِنَ الْجَوْرِ

وَأَفْوِضْ أُمُورِي كُلَّهَا إِلَيْكَ.

(٣٤١) ١- كمال الدين ٥١٢ ح ٤٣: الدُّعَاءُ فِي غَيْبَةِ الْقَائِمِ عليه السلام: اللَّهُمَّ وَلَا تَسْلُبْنَا الْيَقِينَ

لِطُولِ الْأَمْدِ فِي غَيْبَتِهِ وَانْقِطَاعِ خَبْرِهِ عَنَّا وَلَا تُنْسِنَا ذِكْرَهُ وَأَنْتِظَارَهُ وَالْإِيمَانَ بِهِ وَقُوَّةَ

الْيَقِينِ فِي ظُهُورِهِ وَالدُّعَاءَ لَهُ وَالصَّلَاةَ عَلَيْهِ حَتَّى لَا تَقْنَطَنَا غَيْبَتُهُ مِنْ قِيَامِهِ وَيَكُونَ

يَقِينَنَا فِي ذَلِكَ كَيَقِينَنَا فِي قِيَامِ رَسُولِكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ.

٢- المزار للمشهدي ٥٨٦: زِيَارَةٌ أُخْرَى لَهُ عليه السلام: لَوْ تَطَاوَلَتِ الدُّهُورُ وَتَمَادَتِ الْأَعْمَارُ

لَمْ أَزِدْ فِيكَ إِلَّا يَقِينًا وَلَكَ إِلَّا حُبًّا وَعَلَيْكَ إِلَّا مُتْكَلًّا وَمُعْتَمِدًا وَلِظُهُورِكَ إِلَّا مُتَوَقِّعًا

وَمُنْتَظَرًا وَلِجِهَادِي بَيْنَ يَدَيْكَ مُتْرَقِبًا.

(٣٤٢) ١- كمال الدين ٤٨٥ ح ٣: فِي التَّوْقِيعِ بِخَطِّ مَوْلَانَا صَاحِبِ الزَّمَانِ عليه السلام: وَأَكْثَرُوا

الدُّعَاءَ بِتَعْجِيلِ الْفَرَجِ فَإِنَّ ذَلِكَ فَرَجُكُمْ.

٢- بحار الأنوار ٣٣٦/٩٢ ح ٦: بِإِسْنَادِنَا إِلَى مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ إِبْرَاهِيمَ الْجَعْفِيِّ

الْمَعْرُوفِ بِالصَّابُونِيِّ فِي جُمْلَةِ حَدِيثِ بِإِسْنَادِهِ وَذَكَرَ فِيهِ غَيْبَةَ الْمَهْدِيِّ عليه السلام قُلْتُ:

كَيْفَ تَصْنَعُ شِيعَتُكَ؟ قَالَ: عَلَيْكُمْ بِالدُّعَاءِ وَأَنْتِظَارِ الْفَرَجِ.



(٣٤٣) المزار للمشهدي ٦٦٣: عَنِ الصَّادِقِ عليه السلام قَالَ: مَنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا بِهَذَا الْعَهْدِ كَانَ مِنْ أَنْصَارِ قَائِمِنَا، وَإِنْ مَاتَ أَخْرَجَهُ اللَّهُ إِلَيْهِ مِنْ قَبْرِهِ وَأَعْطَاهُ اللَّهُ بِكُلِّ كَلِمَةٍ أَلْفَ حَسَنَةٍ وَمَحَا عَنْهُ أَلْفَ سَيِّئَةٍ وَهُوَ هَذَا الْعَهْدُ اللَّهُمَّ رَبَّ النُّورِ الْعَظِيمِ، الْخَبِر.

(٣٤٦) ١- كمال الدين ٢٨٧ ح ٧: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: إِنَّ الثَّابِتِينَ عَلَى الْقَوْلِ بِهِ فِي زَمَانِ غَيْبَتِهِ لَأَعَزُّ مِنَ الْكِبْرِيَّتِ الْأَحْمَرِ.

٢- كمال الدين ٣٢٠ ح ٢: قَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عليهما السلام: إِنَّ أَهْلَ زَمَانِ غَيْبَتِهِ وَالْقَائِلِينَ بِإِمَامَتِهِ وَالْمُنْتَظِرِينَ لِظُهُورِهِ عليه السلام أَفْضَلُ مِنْ أَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ؛ لِأَنَّ اللَّهَ تَعَالَى ذَكَرَهُ أَعْطَاهُمْ مِنَ الْعُقُولِ وَالْأَفْهَامِ وَالْمَعْرِفَةِ مَا صَارَتْ بِهِ الْغَيْبَةُ عَنْهُمْ بِمَنْزِلَةِ الْمَشَاهِدَةِ وَجَعَلَهُمْ فِي ذَلِكَ الزَّمَانِ بِمَنْزِلَةِ الْمُجَاهِدِينَ بَيْنَ يَدَيْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ بِالسَّيْفِ، أَوْلِيكَ الْمُخْلِصُونَ حَقًّا وَشِيعَتُنَا صِدْقًا وَالِدُعَاةُ إِلَى دِينِ اللَّهِ سِرًّا وَجَهْرًا.

٣- كمال الدين ٣٣٤ ح ٥: عَنِ الصَّادِقِ عليه السلام: الْمُنْتَظِرُ لِلثَّانِي عَشَرَ مِنْهُمْ كَالشَّاهِرِ سَيْفِهِ بَيْنَ يَدَيْهِ بَلْ كَالشَّاهِرِ بَيْنَ يَدَيْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ يَذُبُّ عَنْهُ.

٤- كمال الدين ٣٥٧ ح ٥٤: قَالَ الصَّادِقُ عليه السلام: طُوبَى لَشِيعَةِ قَائِمِنَا الْمُنْتَظِرِينَ لِظُهُورِهِ فِي غَيْبَتِهِ وَالْمُطِيعِينَ لَهُ فِي ظُهُورِهِ، أَوْلِيكَ أَوْلِيَاءُ اللَّهِ الَّذِينَ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ.



فهرست آیات

- سورهی نساء، آیه ۵۹: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي
الْأَمْرِ مِنْكُمْ﴾ ۱۲۴
- سورهی أعراف، آیه ۱۷۲: ﴿أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَىٰ﴾ ۴۷ و ۴۵
- سورهی رعد، آیه ۲۸: ﴿أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ﴾ ۱۱۷ و ۱۱۶
- سورهی كهف، آیه ۱۱۰: ﴿قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ﴾ ۲۲ و ۲۱
- سورهی قدر، آیه ۴: ﴿تَنزَلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ﴾ ... ۶۵



فهرست منابع

١. إثبات الوصية، علي بن الحسين المسعودي، المتوفى: ٣٤٦ (ه.ق.)، نشر: دار الاضواء، بيروت، ١٤٠٩ (ه.ق.)، الطبعة الثانية.
٢. إثبات الهداة، الحرّ العاملي، المتوفى: ١١٠٤ (ه.ق.)، تحقيق: علاء الدين الأعلمي، نشر: مؤسسة الأعلمي للطبوعات، بيروت، ١٤٢٥ (ه.ق.)، الطبعة الأولى.
٣. الاحتجاج، الشيخ الطبرسي، المتوفى: ٥٤٨ (ه.ق.)، تحقيق، تعليق وملاحظات: السيد محمد باقر الخرسان، نشر: دار النعمان للطباعة والنشر، النجف الأشرف، ١٣٨٦ (ه.ق.).
٤. الاختصاص، الشيخ المفيد، المتوفى: ٤١٣ (ه.ق.)، تحقيق: علي أكبر الغفاري، السيد محمود الزرندي، نشر: دار المفيد للطباعة والنشر والتوزيع، بيروت، ١٤١٤ (ه.ق.)، الطبعة الثانية.
٥. اختيار معرفة الرجال، الشيخ الطوسي، المتوفى: ٤٦٠، تصحيح وتعليق: مير داماد الأستر آبادي، تحقيق: السيد مهدي الرجائي، نشر: مؤسسة آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث، قم، ١٤٠٤ (ه.ق.).
٦. الإرشاد، الشيخ المفيد، المتوفى: ٤١٣ (ه.ق.)، تحقيق: مؤسسة آل البيت عليهم السلام لتحقيق التراث، بيروت، ١٤١٤ (ه.ق.)، الطبعة الثانية.
٧. الأصول الستة عشر من الأصول الأولية، عدة من الأصحاب، تحقيق ضياء الدين محمودي، نشر: دار الحديث للطباعة والنشر، ١٤٢٣ (ه.ق.)، الطبعة الأولى.
٨. إعلام الوري بأعلام الهدى، الشيخ الطبرسي، المتوفى: ٥٤٨ (ه.ق.)، تحقيق ونشر: مؤسسة آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث، قم، ١٤١٧ (ه.ق.)، الطبعة الأولى.



٩. إقبال الأعمال، السيّد ابن طاووس، المتوفى: ٦٦٤ (ه.ق.)، تحقيق: جواد القيومي الإصفهاني، نشر: مكتب الإعلام الإسلامي، ١٤١٥ (ه.ق.)، الطبعة الأولى.

١٠. إلزام الناصب في إثبات الحجّة الغائب، الشيخ علي اليزدي الحائري، المتوفى: ١٣٣٣ (ه.ق.)، تحقيق: السيّد علي عاشور، نشر: مؤسسة الأعلمي للمطبوعات، بيروت، ١٤٢٢ (ه.ق.)، الطبعة الأولى.

١١. الأمالي، الشيخ الصدوق، المتوفى: ٣٨١ (ه.ق.)، تحقيق: قسم الدراسات الإسلامية، مؤسسة البعثة، قم، نشر: مركز الطباعة والنشر في مؤسسة البعثة، ١٤١٧، الطبعة الأولى.

١٢. الأمالي، الشيخ الطوسي، المتوفى: ٤٦٠ (ه.ق.)، تحقيق: قسم الدراسات الإسلامية - مؤسسة البعثة - ، نشر: دار الثقافة للطباعة والنشر والتوزيع، قم، ١٤١٤ (ه.ق.)، الطبعة الأولى.

١٣. الأمالي، الشيخ المفيد، المتوفى: ٤١٣ (ه.ق.)، تحقيق: حسين الأستاذ ولي، علي أكبر الغفاري، نشر: دار المفيد للطباعة والنشر والتوزيع، بيروت، ١٤١٤ (ه.ق.)، الطبعة الثانية.

١٤. الإمامة والتبصرة، ابن بابويه القمي، المتوفى: ٣٢٩ (ه.ق.)، تحقيق ونشر: مدرسة الإمام المهدي عليه السلام، قم، ١٤٠٤ (ه.ق.)، الطبعة الأولى.

١٥. بحار الأنوار، العلامة المجلسي، المتوفى: ١١١١ (ه.ق.)، الطبعة الثانية المصححة، نشر: مؤسسة الوفاء، بيروت، ١٤٠٣ (ه.ق.).

١٦. بشارة المصطفى، محمّد بن علي الطبري، المتوفى: ٥٢٥ (ه.ق.)، تحقيق: جواد القيومي الإصفهاني، نشر: مؤسسة النشر الإسلامي التابعة لجماعة المدرّسين بقم المشرفة، ١٤٢٠ (ه.ق.)، الطبعة الأولى.



١٧. بصائر الدرجات، محمد بن الحسن الصفار، المتوفى: ٢٩٠ (ه.ق.)، تحقيق،
تصحيح وتعليق وتقديم: الحاج ميرزا حسن كوچه باغي، نشر: منشورات
الأعلمي، طهران، ١٤٠٤ (ه.ق.).
١٨. تأويل الآيات، شرف الدين الحسيني، المتوفى: ٩٦٥ (ه.ق.)، تحقيق
ونشر: مدرسة الإمام المهدي ؑ، إشراف: السيد محمد باقر الموحد
الأبطحي الإصفهاني، قم، ١٤٠٧ (ه.ق.)، الطبعة الأولى.
١٩. تحف العقول، ابن شعبة الحراني، المتوفى: ٤ (ه.ق.)، تحقيق، تصحيح
وتعليق: علي أكبر الغفاري، نشر: مؤسسة النشر الإسلامي التابعة لجماعة
المدرسين بقم المشرفة، ١٤٠٤ (ه.ق.)، الطبعة الثانية.
٢٠. تفسير الإمام العسكري ؑ، المنسوب إلى الإمام العسكري ؑ، المتوفى:
٢٦٠ (ه.ق.)، تحقيق ونشر: مدرسة الإمام المهدي ؑ، قم، ١٤٠٩
(ه.ق.)، الطبعة الأولى محققة.
٢١. تفسير العياشي، محمد بن مسعود العياشي، المتوفى: ٣٢٠ (ه.ق.)، تحقيق:
الحاج السيد هاشم الرسولي المحلاتي، نشر: المكتبة العلمية الإسلامية،
طهران.
٢٢. تفسير القمي، علي بن إبراهيم القمي، المتوفى: ٣٢٩ (ه.ق.)، تحقيق،
تصحيح، تعليق وتقديم: السيد طيب الموسوي الجزائري، نشر: مؤسسة
دار الكتاب للطباعة والنشر، قم، ١٤٠٤ (ه.ق.)، الطبعة الثالثة.
٢٣. تفسير فرات الكوفي، فرات بن إبراهيم الكوفي، المتوفى: ٣٥٢ (ه.ق.)،
تحقيق: محمد الكاظم، نشر: مؤسسة الطبع والنشر التابعة لوزارة الثقافة
والإرشاد الإسلامي، طهران، ١٤١٠ (ه.ق.)، الطبعة الأولى.
٢٤. تفسير نور الثقلين، الشيخ الحويزي، المتوفى: ١١١٢ (ه.ق.)، تحقيق، تصحيح
وتعليق: السيد هاشم الرسولي المحلاتي، نشر: مؤسسة إسماعيليان
للطباعة والنشر والتوزيع، قم، ١٤١٢ (ه.ق.)، الطبعة الرابعة.

٢٥. التوحيد، الشيخ الصدوق، المتوفى: ٣٨١ (ه.ق.)، تحقيق، تصحيح وتعليق: السيد هاشم الحسيني الطهراني، نشر: منشورات جماعة المدرّسين في الحوزة العلميّة في قم المقدّسة.
٢٦. تهذيب الأحكام، الشيخ الطوسي، المتوفى: ٤٦٠ (ه.ق.)، تحقيق وتعليق: السيد حسن الموسوي الخرسان، نشر: دار الكتب الإسلاميّة، طهران، ١٣٦٤ (ه.ش.)، الطبعة الثالثة.
٢٧. الثاقب في المناقب، ابن حمزة الطوسي، المتوفى: ٥٦٠ (ه.ق.)، تحقيق: نبيل رضا علوان، نشر: مؤسسة أنصاريان للطباعة والنشر، قم، ١٤١٢ (ه.ق.)، الطبعة الثانية.
٢٨. ثواب الأعمال، الشيخ الصدوق، المتوفى: ٣٨١ (ه.ق.)، تحقيق وتقديم: السيد محمّد مهدي الخرسان، نشر: منشورات الشريف الرضي، قم، ١٣٦٨ (ه.ش.)، الطبعة الثانية.
٢٩. الخرائج والجرائح، قطب الدين الراوندي، المتوفى: ٥٧٣ (ه.ق.)، تحقيق ونشر: مؤسسة الإمام المهدي عليه السلام، بإشراف السيد محمّد باقر الموحّد الأبطحي، قم، ١٤٠٩ (ه.ق.)، الطبعة الأولى، كاملة محقّقة.
٣٠. الخصال، الشيخ الصدوق، المتوفى: ٣٨١ (ه.ق.)، تحقيق، تصحيح وتعليق: علي أكبر الغفّاري، نشر: منشورات جماعة المدرّسين في الحوزة العلميّة في قم المقدّسة، ١٤٠٣.
٣١. الدرّ النظيم، ابن حاتم العاملي، المتوفى: ٦٦٤ (ه.ق.)، تحقيق ونشر: مؤسسة النشر الإسلامي التابعة لجماعة المدرّسين بقم المشرفّة.
٣٢. دعائم الإسلام، القاضي النعمان المغربي، المتوفى: ٣٦٣ (ه.ق.)، تحقيق: آصف بن علي أصغر فيضي، نشر: دار المعارف، القاهرة، ١٣٨٣.



٣٣. دلائل الإمامة، محمد بن جرير الطبري (الشيعة)، المتوفى: ٤ (ه.ق.)، تحقيق ونشر: قسم الدراسات الإسلامية - مؤسسة البعثة - قم، ١٤١٣ (ه.ق.)، الطبعة الأولى.

٣٤. روضة الواعظين، الفتال النيسابوري، المتوفى: ٥٠٨ (ه.ق.)، تحقيق وتقديم: السيد محمد مهدي الخرسان، نشر: منشورات الشريف الرضي، قم.

٣٥. الروضة في فضائل أمير المؤمنين عليه السلام، شاذان بن جبرئيل القمي، المتوفى: ٦٦٠ (ه.ق.)، تحقيق: علي الشكرجي، ١٤٢٣ (ه.ق.)، الطبعة الأولى.

٣٦. شرح إحقاق الحق، السيد المرعشي، المتوفى: ١٤١١ (ه.ق.)، تعليق: السيد شهاب الدين المرعشي النجفي، تصحيح: السيد إبراهيم الميانجي، كتابة: محمود الحسيني المرعشي وميرزا علي أكبر الإيراني.

٣٧. شرح الأخبار، القاضي النعمان المغربي، المتوفى: ٣٦٣ (ه.ق.)، تحقيق: السيد محمد الحسيني الجلالي، نشر: مؤسسة النشر الإسلامي التابعة لجماعة المدرسين بقم المشرفة.

٣٨. الصحيفة السجادية (الكاملة)، الإمام زين العابدين عليه السلام، المتوفى: ٩٤ (ه.ق.)، تحقيق ونشر: مؤسسة النشر الإسلامي، قم، ١٤٠٤ (ه.ق.)، طبعة حجرية.

٣٩. عدة الداعي، ابن فهد الحلبي، المتوفى: ٨٤١ (ه.ق.)، تحقيق وتصحيح: أحمد الموحد القمي، نشر: مكتبة وجداني، قم.

٤٠. علل الشرائع، الشيخ الصدوق، المتوفى: ٣٨١ (ه.ق.)، تحقيق وتقديم: السيد محمد صادق بحر العلوم، نشر: منشورات المكتبة الحيدرية ومطبعها، النجف الأشرف، ١٣٨٥ (ه.ق.).



٤١. عيون أخبار الرضا عليه السلام، الشيخ الصدوق، المتوفى: ٣٨١ (ه.ق.)، تصحيح وتذييل: السيد مهدي الحسيني اللاجوردي، نشر: رضا المشهدي، قم، ١٣٦٣ (ه.ش) الطبعة الثانية.
٤٢. عيون المعجزات، حسين بن عبد الوهاب، المتوفى: ٥ (ه.ق.)، تحقيق ونشر: محمد كاظم الشيخ صادق الكتبي، ١٣٦٩ (ه.ق.).
٤٣. الغيبة، الشيخ الطوسي، المتوفى: ٤٦٠ (ه.ق.)، تحقيق: الشيخ عباد الله الطهراني، الشيخ علي أحمد ناصح، نشر: مؤسسة المعارف الإسلامية، قم، ١٤١١ (ه.ق.)، الطبعة الأولى.
٤٤. الفضائل، شاذان بن جبرئيل القمي، المتوفى: ٦٦٠ (ه.ق.)، تحقيق ونشر: منشورات المطبعة الحيدرية ومكبتها، النجف الأشرف، ١٣٨١ (ه.ق.).
٤٥. فلاح السائل، السيد ابن طاووس، المتوفى: ٦٦٤ (ه.ق.)، مركز التبليغات الإسلامية الحوزة العلمية في قم المقدسة.
٤٦. قرب الإسناد، الحميري القمي، المتوفى: ٣٠٠ (ه.ق.)، تحقيق ونشر: مؤسسة آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث، قم، ١٤١٣ (ه.ق.)، الطبعة الأولى.
٤٧. الكافي، الشيخ الكليني، المتوفى: ٣٢٩ (ه.ق.)، تحقيق، تصحيح وتعليق: علي أكبر الغفاري، نشر: دار الكتب الإسلامية، طهران، ١٣٦٣ (ه.ش)، الطبعة الخامسة.
٤٨. كامل الزيارات، جعفر بن محمد بن قولويه، المتوفى: ٣٦٧ (ه.ق.)، تحقيق: الشيخ جواد القيومي لجنة التحقيق، نشر: مؤسسة نشر الفقاهة، ١٤١٧ (ه.ق.)، الطبعة الأولى.
٤٩. الغيبة، محمد بن إبراهيم النعماني، المتوفى: ٣٨٠ (ه.ق.)، تحقيق: فارس حسون كريم، نشر: أنوار الهدى، ١٤٢٢ (ه.ق.)، الطبعة الأولى.



٥٨. المزار، الشهيد الأول، المتوفى: ٧٨٦ (ه.ق.)، تحقيق ونشر: مدرسة الإمام المهدي عليه السلام، إشراف: السيد محمد باقر الموحد الأبطحي الإصفهاني، قم، ١٤١٠ (ه.ق.)، الطبعة الأولى.

٥٩. المزار، الشيخ المفيد، المتوفى: ٤١٣ (ه.ق.)، تحقيق: السيد محمد باقر الأبطحي، نشر: دار المفيد للطباعة والنشر والتوزيع، بيروت، ١٤١٤ (ه.ق.)، الطبعة الثانية.

٦٠. المزار، محمد بن المشهدي، المتوفى: ٦١٠ (ه.ق.)، تحقيق: جواد القيومي الإصفهاني، نشر: نشر القيوم، قم، ١٤١٩ (ه.ق.)، الطبعة الأولى.

٦١. مشارق أنوار اليقين، الحافظ رجب البرسي، المتوفى: ٨١٣ (ه.ق.)، تحقيق: السيد علي عاشور، نشر: مؤسسة الأعلمي للمطبوعات، بيروت، ١٤١٩ (ه.ق.)، الطبعة الأولى.

٦٢. مشكاة الأنوار، علي الطبرسي، المتوفى: ٧ (ه.ق.)، تحقيق: مهدي هوشمند، نشر: دار الحديث، قم، ١٤١٨ (ه.ق.)، الطبعة الأولى.

٦٣. مصباح المتعبد، الشيخ الطوسي، المتوفى: ٤٦٠ (ه.ق.)، تحقيق ونشر: مؤسسة فقه الشيعة، بيروت، ١٤١١ (ه.ق.)، الطبعة الأولى.

٦٤. المصباح، الكفعمي، المتوفى: ٩٠٥ (ه.ق.)، تحقيق ونشر: مؤسسة الأعلمي للمطبوعات، بيروت، ١٤٠٣ (ه.ق.)، الطبعة الثالثة.

٦٥. معاني الأخبار، الشيخ الصدوق، المتوفى: ٣٨١ (ه.ق.)، تحقيق، تصحيح وتعليق: علي أكبر الغفاري، نشر: مؤسسة النشر الإسلامي التابعة لجماعة المدرسين بقم المشرفة، ١٣٧٩ (ه.ق.).

٦٦. مقتضب الأثر، أحمد بن عيَّاش الجوهري، المتوفى: ٤٠١ (ه.ق.)، تحقيق ونشر: مكتبة الطباطبائي، قم.

٦٧. مكارم الأخلاق، الشيخ الطبرسي، المتوفى: ٥٤٨ (ه.ق.)، تحقيق ونشر: منشورات الشريف الرضي، ١٣٩٢ (ه.ق.)، الطبعة السادسة.



٦٨. مكيال المكارم، ميرزا محمد تقي الأصفهاني، المتوفى: ١٣٤٨ (ه.ق.)، تحقيق: السيد علي عاشور، نشر: مؤسسة الأعلمي للمطبوعات، بيروت، ١٤٢١ (ه.ق.)، الطبعة الأولى.

٦٩. من لا يحضره الفقيه، الشيخ الصدوق، المتوفى: ٣٨١ (ه.ق.)، تحقيق، تصحيح وتعليق: علي أكبر الغفاري، نشر: مؤسسة النشر الإسلامي التابعة لجماعة المدرسين بقم المشرفة، الطبعة الثانية.

٧٠. المناقب (كتاب عتيق)، السيد محمد بن علي العلوي، المتوفى: القرن الخامس، تحقيق: السيد حسين الموسوي البروجردي، نشر: دليل ما، قم، ١٤٢٨ (ه.ق.)، الطبعة الأولى.

٧١. مناقب آل أبي طالب، ابن شهر آشوب، المتوفى: ٥٨٨ (ه.ق.)، تحقيق، تصحيح وشرح ومقابلة: لجنة من أساتذة النجف الأشرف، نشر: المكتبة الحيدرية، النجف الأشرف، ١٣٧٦ (ه.ق.).

٧٢. نزهة الناظر وتنبية خاطر، الحلواني، المتوفى: ٥ (ه.ق.)، تحقيق ونشر: مدرسة الإمام المهدي عليه السلام، قم، ١٤٠٨ (ه.ق.)، الطبعة الأولى.

٧٣. نوادر المعجزات، محمد بن جرير الطبري (الشيوعي)، المتوفى: ٤ (ه.ق.)، تحقيق ونشر: مؤسسة الإمام المهدي عليه السلام، قم، ١٤١٠ (ه.ق.)، الطبعة الأولى.

٧٤. نهج البلاغة، السيد الشريف الرضي، المتوفى: ٤٠٦ (ه.ق.)، تحقيق: شرح: الشيخ محمد عبده، نشر: دار الذخائر، قم، ١٤١٢ (ه.ق.)، الطبعة الأولى.

٧٥. وسائل الشيعة (آل البيت)، الحر العاملي، المتوفى: ١١٠٤ (ه.ق.)، تحقيق ونشر: مؤسسة آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث، ١٤١٤ (ه.ق.)، الطبعة الثانية.



ليست بعضى از كتابهاى مرجع و مفيد تاليف شده

در موضوع امام عصر عليه السلام

جهت مراجعه و مطالعه براى علاقه مندان به آن حضرت

كتابهاى عربى:

شيخ حرّ عاملى	إثبات الهداة، ج آخر
ابو الحسن مسعودى	إثبات الوصية، اواخر كتاب
مؤسسه معارف اسلامى	أحاديث الغيبة، ۳ جلد
شيخ مفيد	الإرشاد، اواخر كتاب
شيخ كلينى	أصول الكافي، اواخر ج ۱
فضل بن حسن طبرسى	إعلام الورى، ج ۲ آخر
سعيد ابو معاش	الإمام المهدي فى القرآن والسنة
شيخ على يزدى حائرى	إلزام الناصب، ۲ جلد
شيخ عباس قمى	الأنوار البهية، اواخر كتاب
سيد نعمت الله جزائرى	الأنوار النعمانية، اوائل ج ۲
علامه مجلسى	بحار الأنوار، ج ۵۱ و ۵۲ و ۵۳
سيد مصطفى كاظمى	بشارة الإسلام
محمد مهدي زين العابدين	بيان الأئمة، ۳ جلد
ابو نعيم اصفهانى	البيان فى أخبار صاحب الزمان
سيد عبد الله شبر	جلاء العيون، اواخر ج ۳



سید عبد الله شبر	حقّ اليقين، اواخر جلد ١
سید هاشم بحرانی	حلیة الأبرار، ج ٥
قطب الدین راوندی	الخرائج والجرائح، ج آخر
محمد بن جریر طبری	دلائل الإمامة، اواخر کتاب
قاضی نعمان مغربی	شرح الأخبار، اواخر ج ٣
میرزا محمد تقی (علامة مامقانی)	صحيفة الأبرار، آخر کتاب
میرزا محسن آل عصفور	ظاهرة الغيبة ودعوى السفارة
علی کورانی	عصر الظهور
یوسف بن یحیی شافعی	عقد الدرر
سید هاشم بحرانی	غاية المرام، ج ٧
شیخ طوسی	الغيبة
محمد بن ابراهیم نعمانی	الغيبة
سید احمد مُستنبت	القطرة، اواخر ج ١ و اواخر ج ٢
محدث نوری	كشف الأستار
ابوالحسن اربلی	كشف الغمّة، اواخر ج ٢
محمد بن علی خزّاز قمی	كفاية الأثر
سید حسن شیرازی	كلمة الإمام المهدي <small>عليه السلام</small>
شیخ صدوق	كمال الدين وتمام النعمة
سید هاشم بحرانی	المحجّة
سید هاشم بحرانی	مدينة المعاجز، ج ٨



علی کورانی	معجم أحاديث المهدي، ۳ جلد
محمد تقی اصفهانی	مکیال المکارم
سید بن طاوس	الملاحم والفتن
ابن شهر آشوب	مناقب آل ابي طالب، ج آخر
لطف الله صافی گلپایگانی	منتخب الأثر
سید بهاء الدین نجفی	منتخب أنوار المضيئة
شیخ نجم الدین عسکری	المهدي الموعود المنتظر
سید صدر الدین صدر	المهدي <small>عليه السلام</small>
حسین بن حمدان خُصینی	هداية الكبرى، آخر كتاب
سلیمان بن ابراهیم قندوزی	ینابيع المودة
کامل سلیمان	یوم الخلاص

کتابهای فارسی:

سید حسن ابطحی	انوار صاحب الزمان <small>عليه السلام</small>
علامه مجلسی	جلاء العیون
مقدّس اردبیلی	حديقة الشيعة
علامه مجلسی	حق اليقين، او اخرج ۱
محمد رضا حکیمی	خورشید مغرب
شیخ محمود عراقی	دار السلام



روزگار رهائی	کامل سلیمان
فوز اکبر	شیخ محمد باقر فقیه ایمانی
کشف الحق (اربعین خاتون آبادی)	میر محمد صادق خاتون آبادی
کفایة الموحّدین، اواخر ج ۳	سید اسماعیل طبرسی
مصلح غیبی	سید حسن ابطحی
ملاحم	شیخ محمد حسین همدانی
منتظر تاریخ	سید علاء الدین مدرّس
منتهی الآمال، اواخر کتاب	شیخ عباس قمی
مهدی منتظر	شیخ جواد خراسانی
مهدی موعود، (ترجمه ج ۵۱ و ۵۲ و ۵۳ بحار)	علی دوانی
نجم الثاقب	محدث نوری
نوائب الدهور	سید حسن میرجهانی

بعلاوهی ترجمه‌ی تمامی کتابهای عربی ذکر شده.



فَأَمَّا الْكُفْرَاءُ

الْمَلِكِ سُلْطَانٍ وَوَهَّابِ الْجَبَرِ

يَا أَبَا صَالِحِ الْمَدِينِ الْكِنِيِّ